[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5)

adl0950

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5

This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (http://afghanistandl.nyu.edu/). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser. When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

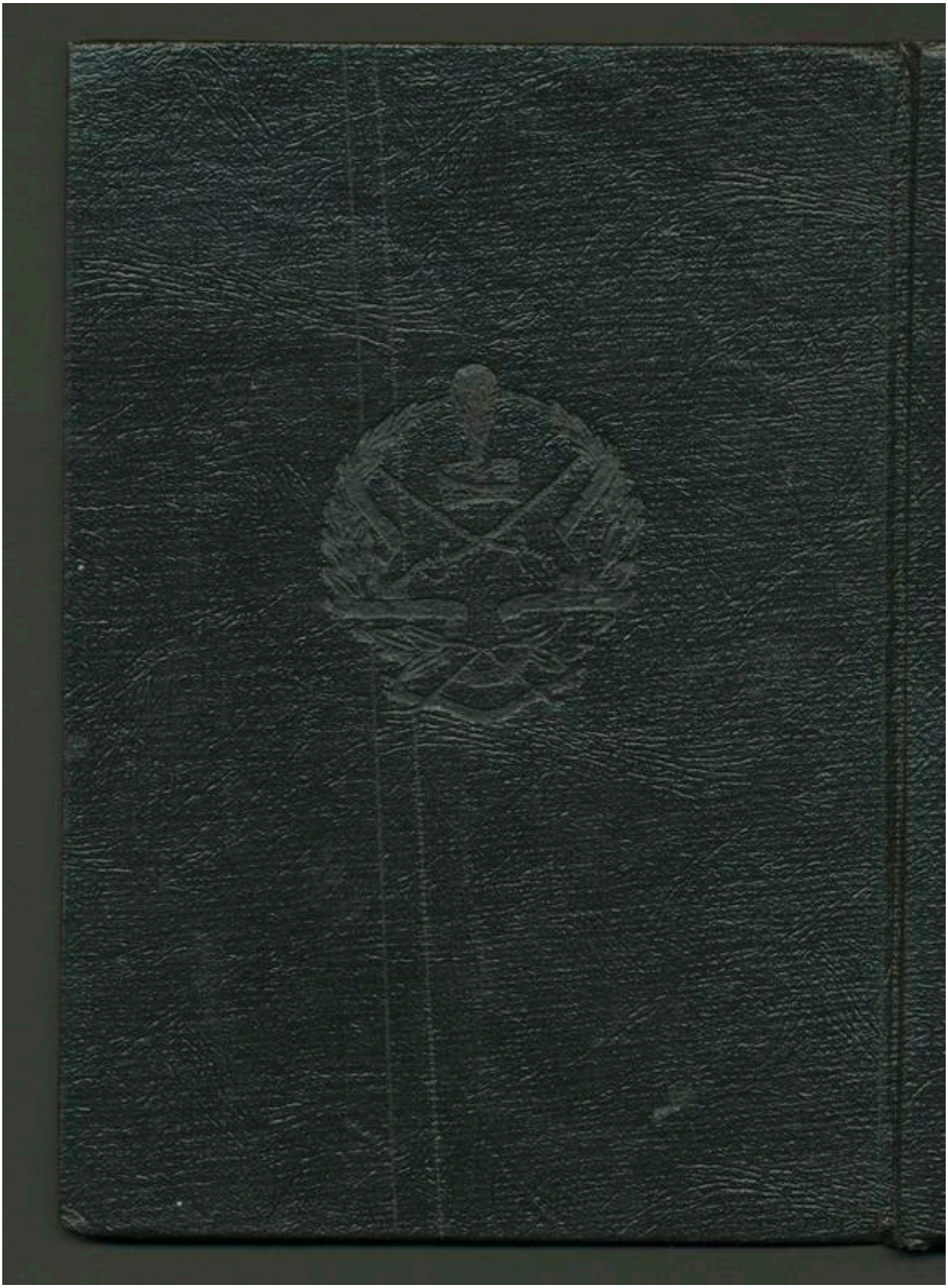

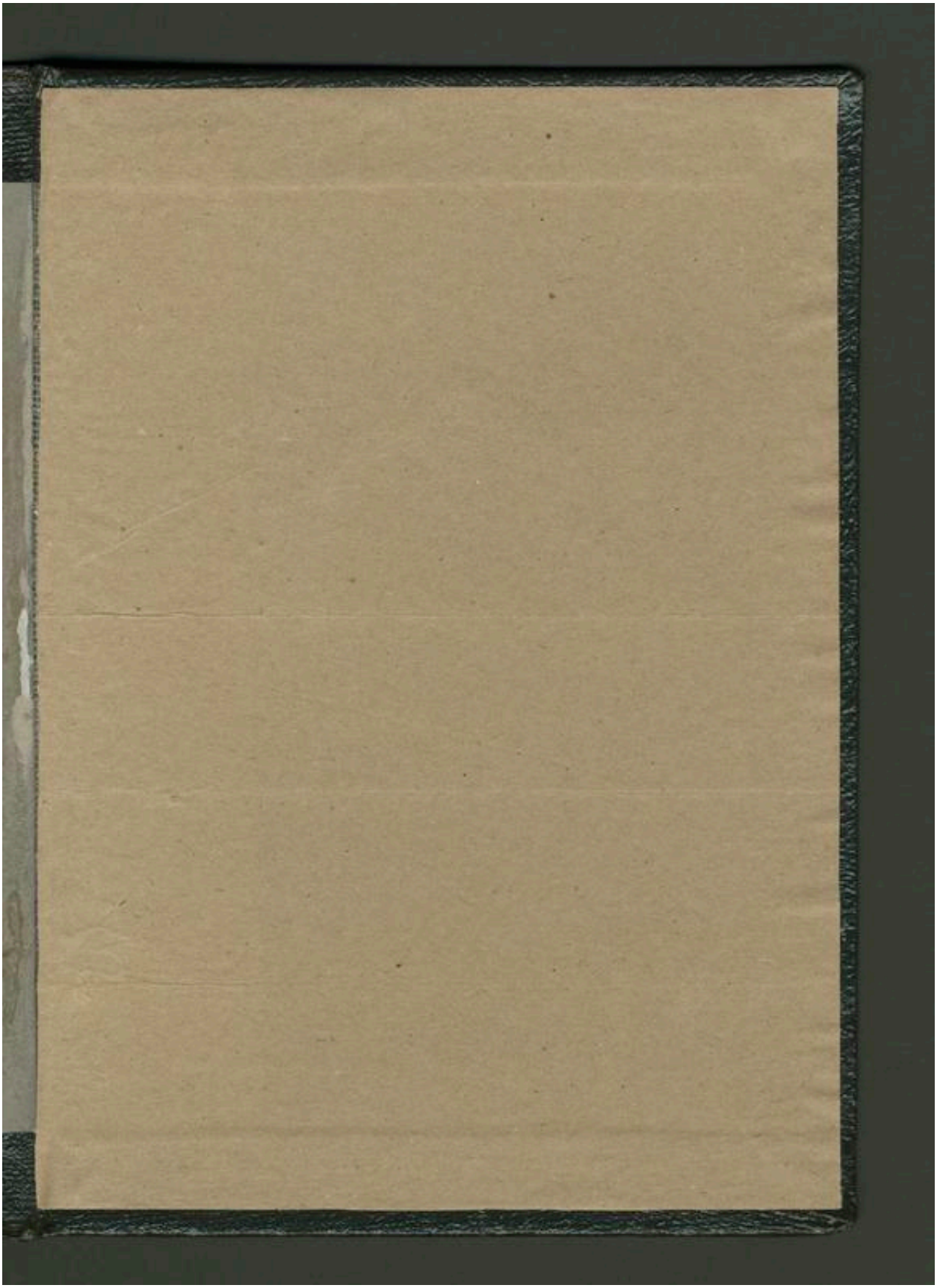

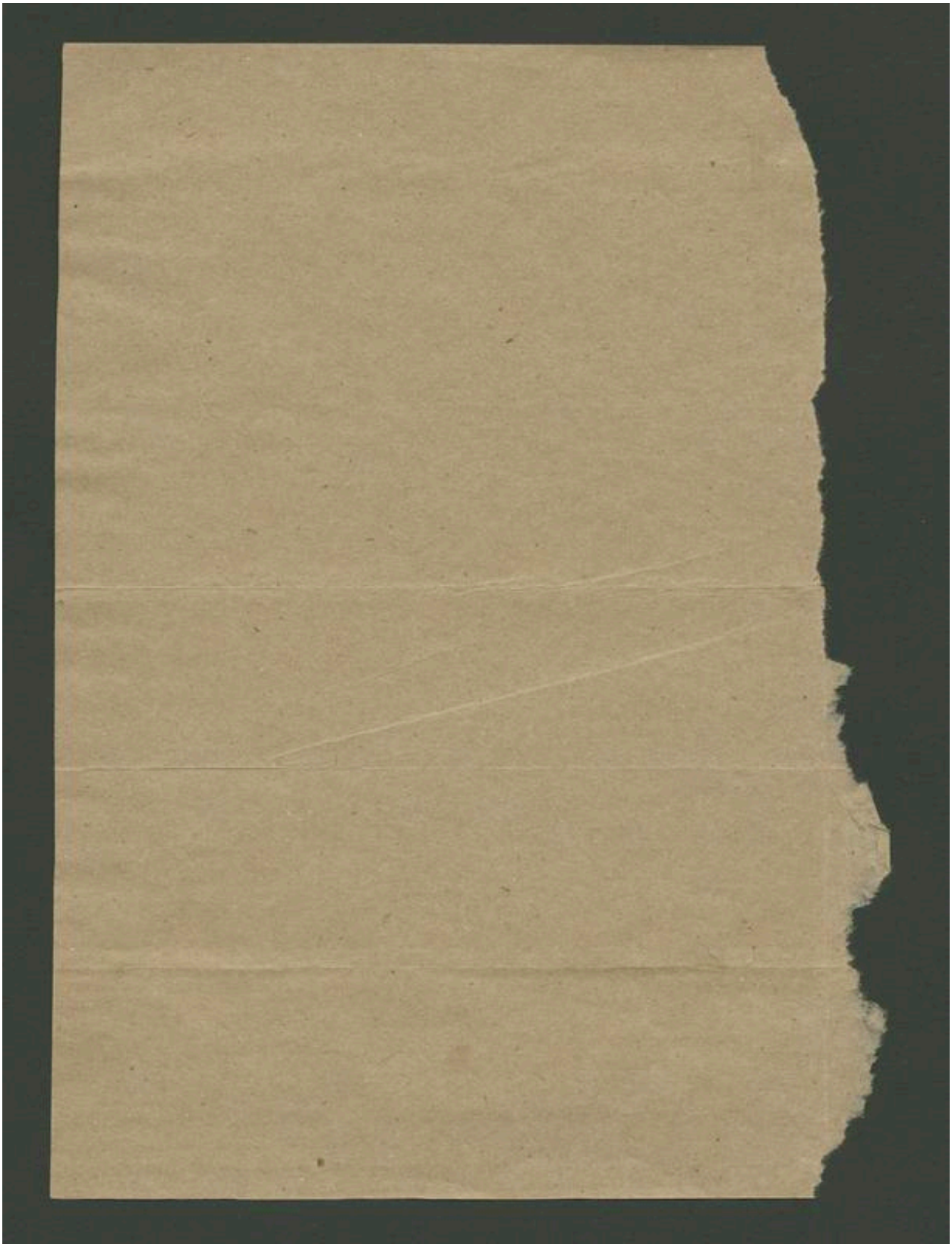

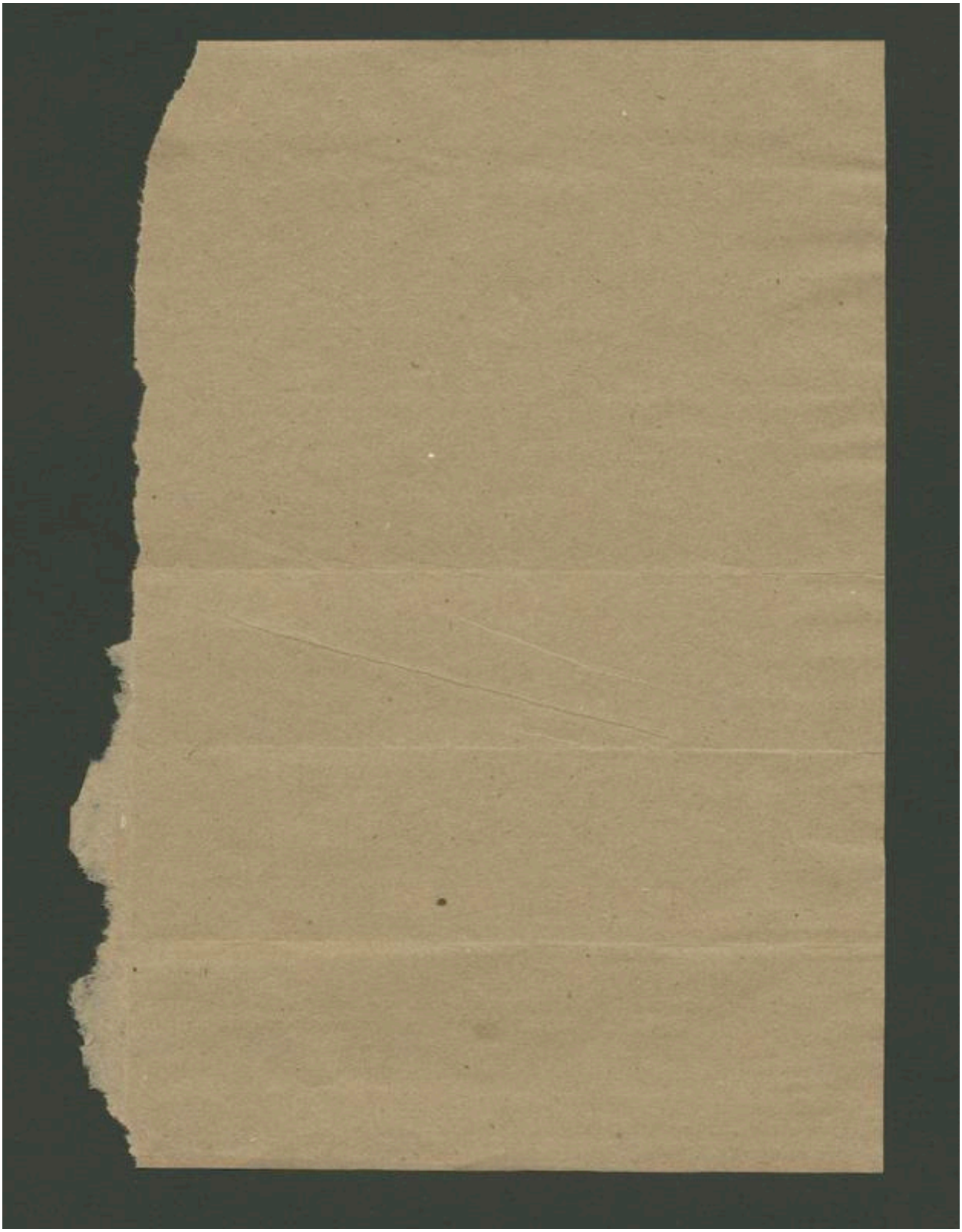

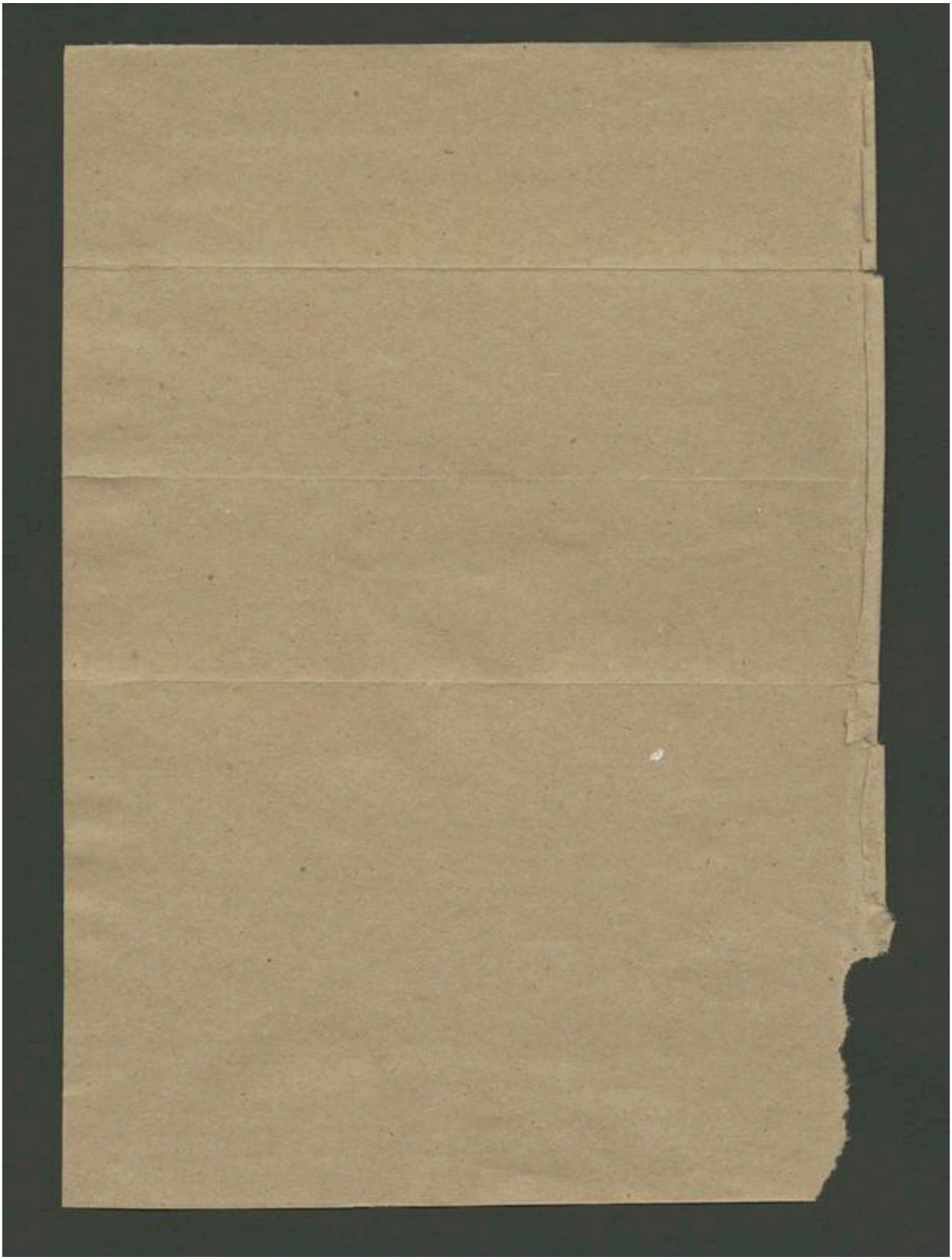

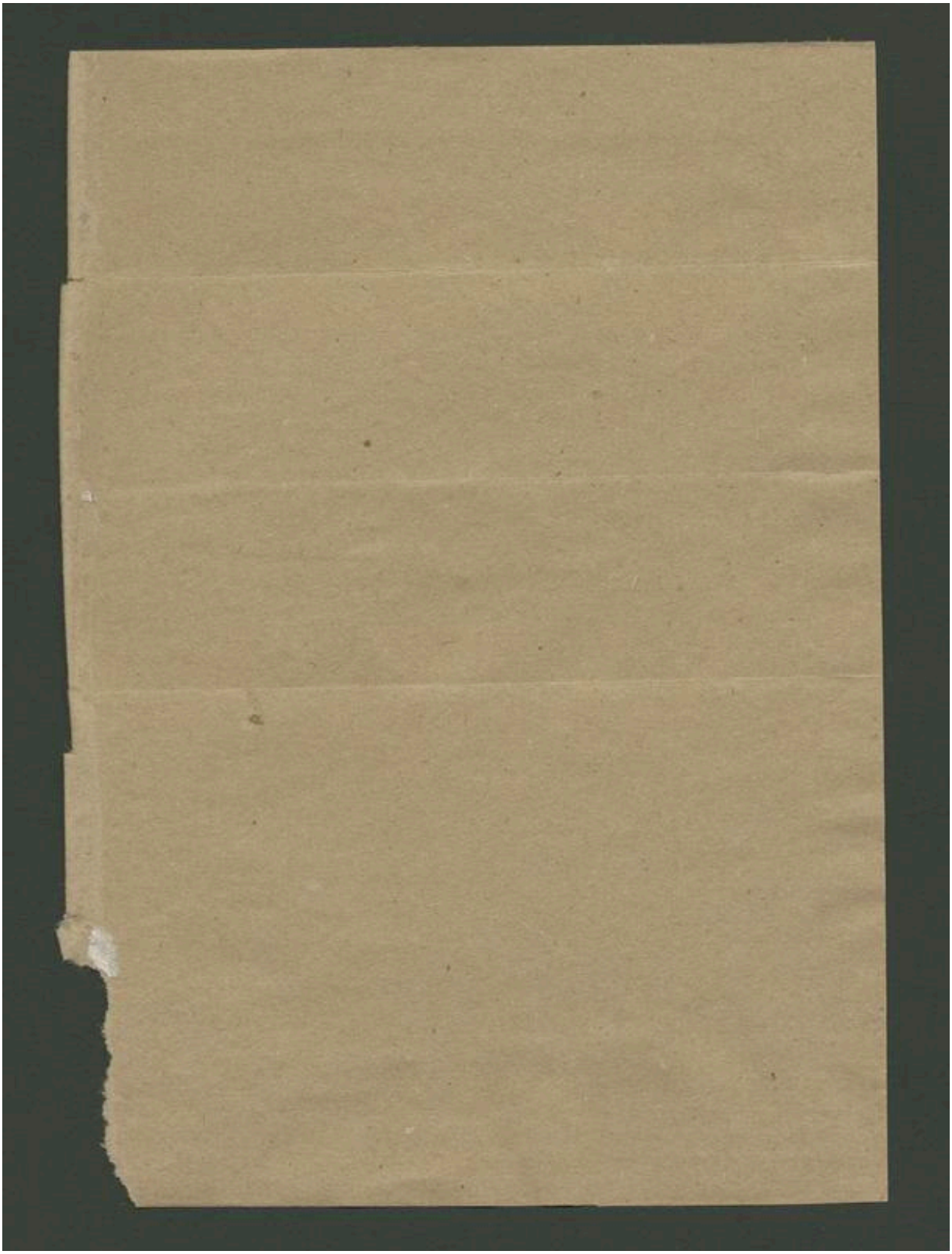

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 7 of 496

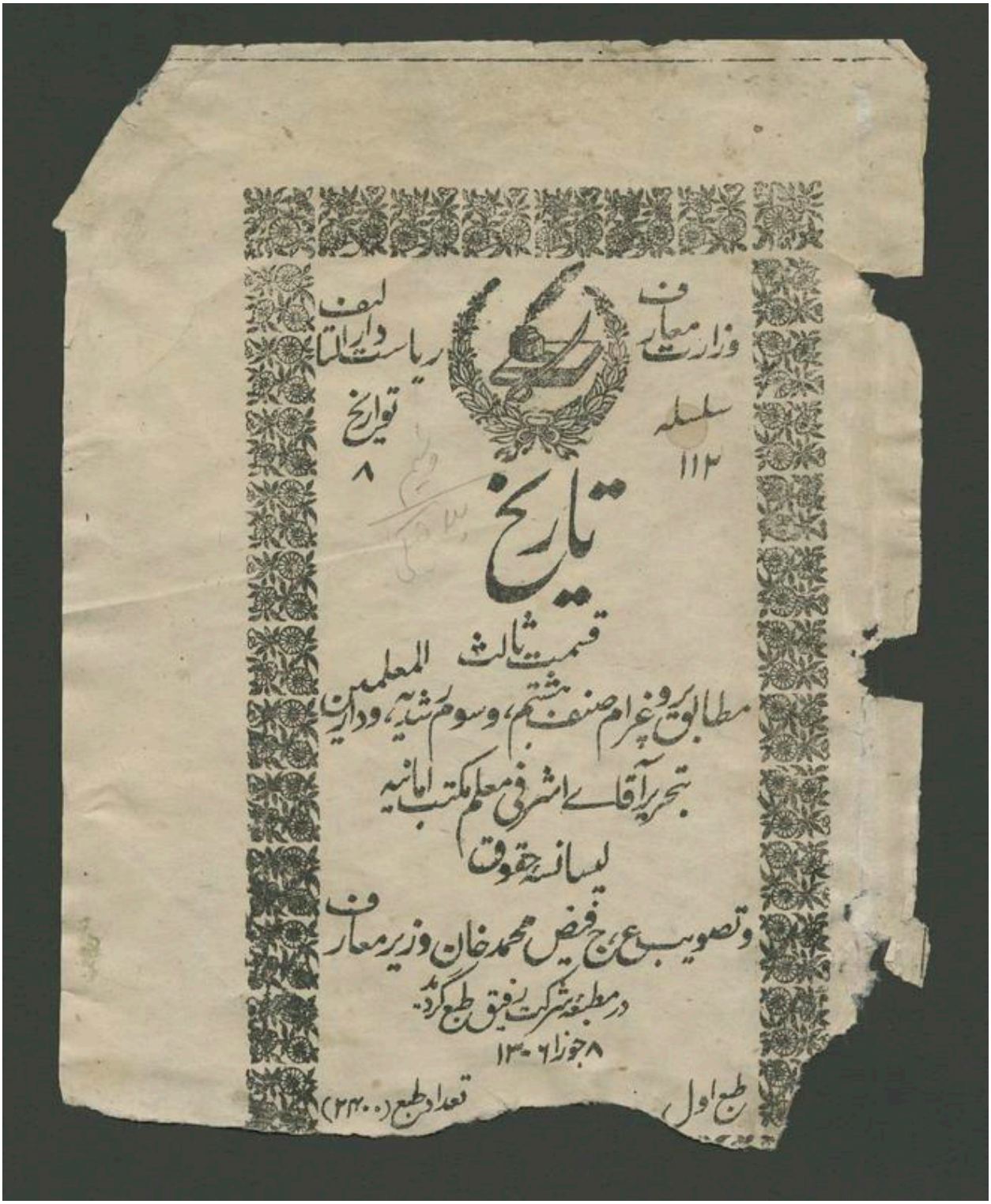

وزارت معارف
ریاست دارالتالیف

سلسله ۱۱۲
تواریخ ۸

تاریخ

قسمت ثالث

المعلمین مطابق پروگرام صنف ششم، وسوم رشدیه، ودارین

بتحریر آقای اشرفی معلم مکتب امانیه

لیسانسه حقوق

وتصویب ع ج فیض محمد خان وزیر معارف

در مطبعهٔ شرکت یفق طبع گردید.

۸ جوزا ۱۳۰۶

طبع اول، تعداد طبع (۲۴۰۰)

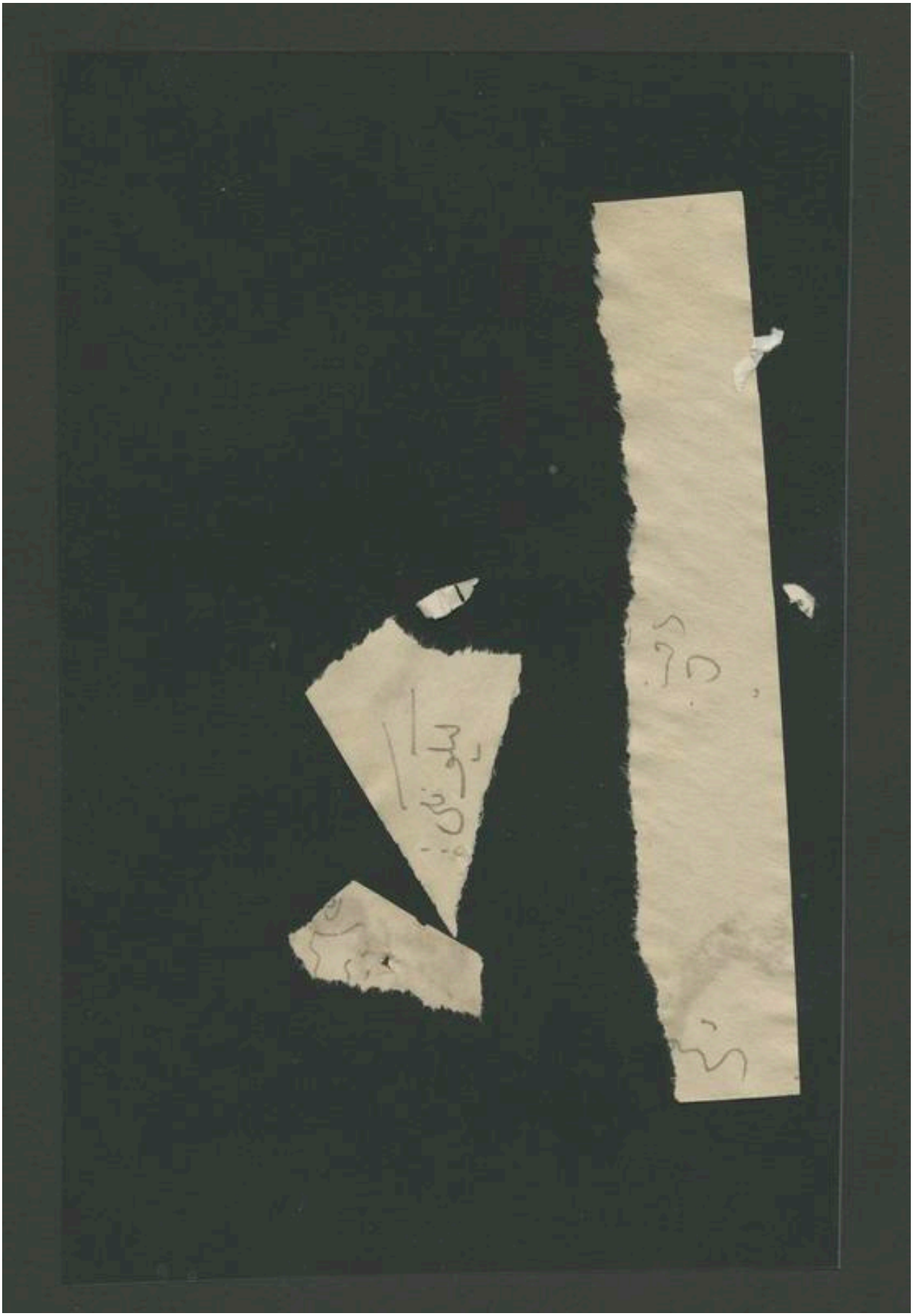

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 11 of 496

مقدمه

معمولاً مورخینِ تاریخِ ماقبل، شورشِ فرانسه را بدو دوره تقسیم مینمایند، دورهٔ وسطیٰ و دورهٔ جدید، عموماً ابتدائے تاریخ جدید را از واسطِ قرنِ پانزدهم یعنی سنهٔ ۱۴۵۳ گرفته، وحقیقةً هم در مزبوره دو واقعهٔ برجسته در اروپا اتفاق افتاد - در سمتِ شرقی ترکها قسطنطنیه را فتح کرده و دستِ جانشینانِ امپراطوریِ روم را از انجا کوتاه نمودند، و در قسمتِ غربی فرانسه ها پس از غلبهٔ کاستیلین بکلی از خطرِ تسلطِ انگلیس ها نجات یافته و بجنگِ صدِ سالهٔ خاتمه بخشیدند.

تمیز بین قرونِ وسطیٰ و جدید فقط از روے بوالهوسی مورخین نسبت بلکه واقعاً هر یک از دو دوره دارائے صفات و مشخصاتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 12 of 496

بوده است، در ما قبل و ما بعدِ قرنِ پانزدهم اختلافات بزرگے
از نقطه نظرِ تشکیلاتِ داخلی، و چه از نقطه نظرِ روابط خارجیِ ممالک
در قطعهٔ اروپا، و خصوصاً در قسمتهاے غربی آن بنظر میرسد، در قرونِ
وسطےٰ سیاست در تحتِ تاثیرِ دو فکرِ متضاد وحدت و تجزیه
جریان داشت، فکرِ وحدت از یادگاریهاے امپراطوری روم
و پس از ۳۹۵ء، و تجزیهٔ امپراطوری باز هم در خاطرها باقی بود
بعدها که مرور زمان این فکر را از نظرِ عوام محو کرد، مردمان دانسته که از
حیث عدهٔ بسیار کم؛ ولے غالباً از کشیشان و طبقاتِ متنفذ بودند
آنرا نزد خود محفوظ داشته پرورش میدادند، مقصود اینها ایجادِ
یک اتحاد سیاسی، و بالآخره اتحادِ مذهبی بوده که اروپا را در واقع
در حکم مملکت واحد در آورد؛ اعمالِ این اشخاص در ۸۰۰ء موقعیکه
شارلمانی پادشاه فرانسه در روم تاجِ امپراطوری روم را بسر
گذاشت بحقیقت پیوست.

مدتِ پیشرفتِ طرفدارانِ وحدت کوتاه بود، و کمتر از پنجاه
سال بعد از تاجگذاری شارلمانی فکرِ تجزیه طلبان غلبه نمود ۸۴۳ء

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 13 of 496

در معاهده ورُدن امپراطوری بین نوادگان موسس مملکت
تقسیم گردید، و سپس هر کدام نیز بتقسیمات کوچکتری منقسم شده،
تا اینکه قبل از ختم قرن نهم در هر یک ازین ممالک هم شاهزادگانی
مستقلاً حکمرانی مینمودند. اسباب عمده این تجزیه ها ضعف سلاطین
و عجز آنها از ادارهٔ مملکت وسیع خودشان بوده، و ضمناً هجوم وحشیان
و خصوصاً تهاجم نرمانده ها در فرانسه مردم را مجبور کرد، که برای
حفظ خود پشتیبانی پیدا نموده و خویش را در دامان حمایت متنفذین
و مقتدرین هر ناحیه بیندازند، در نتیجه وضع ملوک الطوائفی ظهور کرده
و متجاوز از سه قرن یعنی قرون ده و یازده و دوازده در اروپا حکمفرما
گردید، البته سلاطین هر مملکتی بجای خود باقی بوده ولی با اختیارات
فوق العاده محدود، و وظائفی کاملا معین.

با وجود این در تمام دورهٔ ملوک الطوائفی وحدت مذهبی
مستحکم و برقرار مانده، تمام ملل اروپای غربی که شاید بیش از نصف
سلاطین و سنیورها بودند ملت واحدی را تشکیل داده، و آن ملت
عیسوی بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 14 of 496

رئیس روحانی، یا پاپ دارای اقتدارات بالنسبه زیاد،
و پادشاهانی مانند فیلیپ اگوست پادشاه فرانسه فردریک باربروس
امپراطور آلمان قدرت تمرد داوراندا شتند- درقرن یازدهم ودوازدهم
هم موقع جنگهای صلیبی ملاحظه گردید که چگونه تمام شوالیه های
ممالک غربی اروپا در زیر بیرق واحد مجتمع شده حرکت کردند.

درین زمان مذهب وکلیسا بر همه چیز، حتی علوم وصنایع
نفوذ وتاثیر داشته، ورهبانان وکشیشان درصومعه ها ودارالعلوم ها
تعلیم علوم ومعارف میکردند، بهترین نمونهٔ هر صنعتی خواه معماری
یا حجاری ونقاشی، قلم کاری، زرگری وغیرهم درکلیسا ها جلوه گر بود.
دورهٔ تکامل رسید، کوشش برای وحدت وطرد طرز
ملوک الطوائفی شروع گردید، درقرن سیزدهم چهاردهم وپانزدهم
تغیراتی واقع شد که قرون جدید را ظاهر میساخت، درداخل ممالک
وخصوصاً درفرانسه سلاطین قدرت مستقیم خویش را بسراسر مملکت
بسط داده وبا برطرف ساختن استقلال سنیورها مالک اراضی آنها
گردیده وسلطنت حقیقی یافتند، ولی ازطرف دیگر وحدت علیوت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 15 of 496

رو بتنزل نهاده، و پس از مناقشهٔ فیلیپ اُل بل و بنیفاس هشتم
و سلطه پاپ تقریباً زائل گردید، پس ازین دیگر تاجِ سلاطین اروپ
پاپها قرار نبوده و مطیع ارادهٔ او نمیشدند، با انکه وحدت عقیده
هنوز بین تمام ملل غربی اروپا باقی بود، اما نمیتوانست آنها را
بیک اقدام اجتماعی وادار نماید - از سنهٔ ۱۲۷۰ م و مرگ سن لوئی دیگر
کسے کمر برائے جنگهائے صلیبی نبستہ، و جنگهائے ملی مانندِ جنگهائے
صد سالهٔ بین فرانسه و انگلیس عرض اندام نمود، هر ملتے خود را شناخت
و منافع خصوصیٔ خویش را فهمید، ازینوقت جنگها جنبهٔ مذهبی را
ترک گفته و برائے حفظ استقلال و یا توسعهٔ مملکت بوده است
علوم و صنایع نیز در دسترس عموم گذارده شده مردمان دیگرے
غیر از طبقهٔ کشیشان داخل دائرهٔ تعلیم و تعلم گردیدند، در قرن پانزدهم
ماشین چاپ نوشتجات و کتب مفیده را برائے هر کسے تهیه کرد
بالآخره طبقهٔ تازه در مقابل اعیان و روحانیون بنام واسطة الناس
یا بورژوازی تشکیل یافته و سالها در قرون وسطے عنانِ امور را
بدست گرفت، این طبقه که در قرنِ دوازدهم پیدا شده و از قرون بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 16 of 496

از ثمرهٔ کارِ صنعت و تجارتِ خویش متموّل گردیده بود کم کم مصدرِ
مشاغلِ دولتی گشته و مشاورینِ پادشاهان گردید، و حتّی در مدّتِ
جنگهای صد ساله کوششهای بیهوده نیز برای تعدیلِ اختیاراتِ
سلاطینِ فرانسه از ایشان ظاهر شد.

در قرونِ جدید هم دنبالهٔ این تبدّلات ترک نگردید، اکتشافِ
اراضیِ جدید بر فعالیتِ فکر و تجارتِ ایشان افزود، در قرنِ شانزدهم
ظهور نمود (اصلاحاتِ مذهبی) و تفکیکِ مذهبِ عیسوی آ کاتولیک
و پروتستان آخرین عاملِ وحدت را از رو برانداخت.

در داخلِ ممالک اقتدارات سلاطین زیاد شده و بجانبِ
سلطنتِ مطلقه تمایل پیدا کرد؛ هر مملکتی برای توسعهٔ خاکِ خود
بتکاپو افتاده، معهذا هر کدام کاملاً مواظبِ یکدیگر بوده و دولِ
قوی را با تشکیلِ اتحادهائی بر علیهِ او بجایِ خود مینشاندند.

بنابرین فکرِ موازنهٔ اروپائی، یا تساویِ قوایِ ممالکِ
عظیمه را یکی از عناصرِ مهمِ سیاستِ آن دوره میتوان دانست.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 17 of 496

فصل اول

اکتشافات بحری

تشکیل مستعمرات - ادویه و فلزات قیمتی

در سالهای آخرین قرن پانزدهم، و ابتدای قرن شانزدهم
برای اروپائیان دنیای معلوم وسیعتر گردید، در جنوب اقیانوس
اطلس قسمت جنوبی افریقا - در مشرق سواحل آسیائی اقیانوس هند
و بالآخره در مغرب بر جدید امریکا اکتشف نمودند، کاشفین این
نواحی بیشتر پرتقالیها، و اسپانیولها بوده؛ و خصوصاً افتخار آن با
"واسکو دگاما" کاشف افریقا و آسیا "و کریستف کلمب (کاشف امریکا)
میباشد، بزرگترین سبب این اکتشافات قصد یافتن راه جدیدی
برای وصول بهندوستان، و استفاده از مال التجارهٔ گرانبهای
آن مملکت بوده است - دریانوردان ممالک ساحلی بواسطهٔ داشتن
قطب نما و ترقی فن بحرپیمائی با نهایت اطمینان مبادرت بمسافرت کرده
و این اثرات عالیه را در تمدن عالم باقی گذاردند، و نتیجهٔ مستقیم اکتشافات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 18 of 496

آنہا تشکیل مستعمرات عظیمے توسط آلبوکرک برائے پرتقال، وبوسیلہ
فرناندگرتز وپیزارو برائے اسپانی گردید۔

این دو دولت در قرن شانزدہم از غنی ترین دولِ اروپائی بود
واستفادہ ہائے ثروتی مہمی نیز بدول ہمسایہ خود دادہ اند۔

تجارتِ شرق

تجارتِ محصولات آسیائی از قبیل ابریشم، مخمل، سنگہای قیمتی
مروارید، چینی، عطریات، ادویہ جات، داروچینین و فلفل کہ دران
دورہ بنامِ محصولات ہندوستان در اروپا فروختہ شدہ، ومصرفِ
بسیارے داشت منافعِ فوق العادہ بتجار میرسانید۔

این محصولات فقط از دو راہ یکے بری یا راہ ابریشم
(آسیائے وسطے، دریائے سیاہ) ودیگرے بحری یا راہ ادویہ جات
(بحر ہند، بحر احمر، اسکندریہ) بیشتر توسط سوداگرانِ عرب باروپا وارد
مال التجارہ ہائے راہِ بری را تجار ژنو، از دریائے سیاہ، واجناس
راہ بحری را تجار ونیزی از اسکندریہ در کشتیہائے خود گرفتہ وبنقاط مختلفہ
اروپا میبردند۔

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 19 of 496

پس در واقع تجارت محصولات شرقی منحصر بهر دمان این دو شهر
و نفوذ و اقتدار یکه در قرون وسطے این دو جمہوری کوچک ایطالیائی
پیدا کرده بودند از برکت همین تجارت و انحصار بوده است،
تا اینکه کم کم ترقی و ثروت ویز، و زنو، باعث جنبش حسد و غبطهٔ
سائر ملل ساحلی و بحری اروپا گردیده، و بخیال افتادند که غیر ازین
دو راه، راه جدید دیگرے مستقلاً و مستقیماً بهند ے که سرچشمه تمام این
ثروتها است پیدا نمایند.

معلومات جغرافیائی در قرون وسطے

برائے مبادرت باین امر، بدواً تغییر و اصلاح افکار راجع
بشکل زمین و بسط معلومات جغرافیائی لازم بود، اطلاعات
جغرافیائی اروپائیان قرون وسطے فوق العاده کمتر از یونانیان،
و رومیان بوده است.

در خارج از محیط خود خزعالی بحر مدیترانه، یعنی سواحل مراکش
الجزیره، تونس، طرابلس، دلتائے نیل و مصر، شامات فلسطین
و بالآخره آسیائے صغیر جائے دیگر را نمیشناختند، کرویت زمین را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 20 of 496

قبول نداشته و زمین را بشکل یک مربع که مرکز آن بیت المقدس باشد
تصور میکردند و میگفتند که گرداگرد زمین را آب فرا گرفته، و تا حد
دیوار هائیکه حصار زمین است بسط دارد، راههای شمالی بواسطهٔ
یخ و سرما، و راههای جنوبی بواسطهٔ گرمای فوق الطاقه
و امواج موحش برای آنها مسدود بود، پس با این صورت
غیر طرق موجوده کدام راه ایشان را بسر منزل مقصود میرسانید.

ترقی جغرافی - مارکوپولو -

از قرن سیزدهم معلومات جغرافیائی توسعه یافت، قسمتے
از آسیا برای اروپائیان کشف شد، پاپ اینوسان چهارم
در ۱۲۴۶ء و سن لوئی در ۱۲۵۳ء برای عقد اتحادی علیه مسلمانان
با خان مغول نمایندگانے بقره قورم فرستادند، کمی بعد بین سنوات
(۱۲۷۱ - ۱۲۹۵) یکنفر ایتالیائی وینز موسوم به مارکوپولو مسافرت
بیست ساله در آسیا کرد، مشارالیه به پکن رفته هفده سال در چین
اقامت داشته، و از راه هند و چین، هندوستان و ایران باروپا
پس رفت، سه سال بعد از مراجعت خویش کتابے بهم بنام

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 21 of 496

عجائب وغرائب از شرح مسافرت خود نوشته نشر نمود، انتشار
این کتاب با توصیفاتیکه نویسنده از ثروت مردمان شرق و آبادی
بلاد آن نموده، بیشتر باعث تحریک اروپائیها شده، و عقیدهٔ
جدیکه پس از جنگهای صلیبی راجع بشکل زمین پیدا کرده بودند ایشانرا
مصمم بمسافرت بآسیا ساخت.

در مدت جنگهای صلیبی، اروپائیان از اعراب علومی را
که ایشان از ملل قدیمه بیادگار داشتند کسب نموده و معتقد
بکرویت زمین گردیدند، مطابق عقیدهٔ یونانیان چون زمین کروی است
اگر از اروپا حرکت کنند و بخط مستقیم بجانب مغرب بروند قطعاً بآسیا
خواهند رسید، همچنین یونانیها میگفتند که سه قطعه، آسیا، اروپا و افریقا
در یک اقیانوس احاطه شده، پس در صورتیکه افریقا را دور بزنند
ممکن است بهندوستان برسند، بر روی همین عقیده در ابتدای
قرن پانزدهم، پرتقالیها مسافرت نموده و اولین اکتشافات را علی آبادی

ترقی نجم پیمائی

در همان اوان، توسعه معلومات جغرافیائی و ظهور عقاید جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 22 of 496

تکمیلاتِ فنِ بحر پیمائی و کشتی سازی تصمیم مسافرین را تقویت نمود
درین رشته هم اروپائیان از جنگهای صلیبی استفاده‌ها کرده
و قطب نما و اسطرلاب را بدست آوردند.

در قرون وسطی مسافرتهای بحری فقط در آبهای مدیترانه
و کشتیهای آنها کوچک کم ارتفاع و بطی بوده است.

در قرن چهاردهم موقعیکه خاک فرانسه از آتش جنگهای صد ساله
میسوخت، تجار ونیزی مجبور گردیدند مال التجارهٔ خود را از راه
اقیانوس بفلاندر حمل نمایند، پس اصلاحاتی در کشتیها نموده برای
هر یک سه دگل و پنج بادبان قرار داده ارتفاع آنرا قدری بیشتر
کرده و بالآخره کشتیهای نوع مخصوصی موسوم به کاراول تهیه کردند
این کشتیها دارای سی متر طول بالنسبه سریع السیر و تقریبا
در هر ساعتی ده کیلومتر طی مینمودند، و بواسطهٔ ارتفاعیکه از سطح آب
داشتند بهتر میتوانستند در مقابل امواج اقیانوس مقاومت نمایند
بالآخره با همین کشتیها در قرن پانزدهم کاشفین پرتقالی قسمت
جنوبِ افریقا و کریستف کلمب امریکا را کشف نمودند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 23 of 496

پرتقالیها

در اقیانوس اطلس وسواحل افریقا، ملاحان ژنوی و فرانسوی بر پرتقالیها سبقت گرفته اند، در نقشه که ۱۳۳۹ء ترسیم وجدیدا پیدا شده است دماغهٔ بوژادور - جزائر آسور، مادر قناری، دیده میشود، این مسئله محقق است که در مدت سلطنت شارل پنجم و ششم یعنی از ۱۳۶۴ء تا ۱۴۱۰ء دریانوردان دیپ و رون تا بهٔ خلیج گینه رسیده بودند، واز سواحل عاج وطلا، خاک طلا و عاج بار و پا مے آوردند، ولے فجایع جنگهاے صد ساله واشغال شمال فرانسه توسط انگلیسها رشتهٔ این تجارت افریقائی را مقطوع ساخت.

پرتقالیها در ۱۴۱۹ء عملیات خود را شروع کرده در سال ۱۴۳۳ء بدماغهٔ بوژادور و در ۱۴۴۱ء بدماغه سفید و سبز رسیدند.

در (۱۴۷۱) از خط استوا گذشته و در ۱۴۸۵ء مصب رود کنگو برائے آنها کشف گردید.

در ۱۴۸۷ء بارتلمی دیاز بدون اراده و بحکم طوفان وارد اقیانوس هند شده و تا محل حالیهٔ ناتال رفت، و در حین مراجعت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 24 of 496

منتہائے جنوبی افریقا را دماغۂ امید نامید۔

بالآخرہ در سال ۱۴۹۸ واسکوڈگاما خط سیر بار تلمی دیاز را تعقب کردہ ساحل شرقی افریقا را بالا رفتہ تا بمنصب زمبز در مزابلیک و سواحل زنگبار رسید، واز انجا براہنمائی یک ملاح عرب عاقبت در کالیکوت بساحل ہند قدم گذاشت۔

پرنس ہانری

عامل و مسبب بزرگ اکتشافات پرتقالیہا پرنس ہانری پسر چہارم ژان اول پادشاہ پرتقال بود، پس از جنگہائے مہمیکہ بر علیہ مسلمانان مراکش نمود، در حدود ۱۴۱۵ء در سن بیست سالگی در دماغۂ سن وسنان اقامت گزیدہ و در انجا انواع مدارس بحریہائی، نجوم و جغرافیا تاسیس کرد، کتابہا و نقشہ جات بسیارے بدست آوردہ وتمام سعی خویش را در تحصیل معلومات مختلفۂ جغرافیائی مصروف میداشت شاید کہ در ابتدا مقصد نظامی داشتہ و میخواست کہ بر ضد مسلمانان مراکش از طرف سواحل افریقا اقداماتے نماید، ولے بزودی خیالش بجانب اکتشاف راہ ہندوستان معطوف گشت۔

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 25 of 496

خصوصیات این مسافرتها

از مساعی این شاهزاده، مسافرتهای اکتشافیه پرتقالیها دارای جنبهٔ علمی و تجارتی بوده، و با اصول صحیح تعقیب میشد؛ از شروع سال ۱۴۱۹ تقریباً همه ساله مرتباً یک دسته کاشفین جدید، با آخرین اطلاعات و معلومات مکتسبه حرکت نموده و مامور بودند که از منتهای نقطه که دسته سابق بآنجا رسیده اند حتماً پیشتر بروند. پیشرفت آنها فوق العاده بطی و پر زحمت بود و حتی چندمرتبه نیز متوقف گردید - پرتقالیها پس از چهارده سال (۱۴۳۳-۱۴۱۹) بدماغهٔ بوژادر رسیده، و بیست و چهار سال بعد از وصول بدماغهٔ سبز از خط استوا عبور کردند (۱۴۷۱-۱۴۴۷) فاصله بین خط استوا و مصب رود کنگو نیز که بیش از پانصد و شصت کیلومتر نبود چهارده سال وقت گرفت (۱۴۸۵-۱۴۷۱) و در ظرف یازده سال دیگر (۱۴۹۸-۱۴۸۷) بارتلمی دیاز دماغهٔ امید را کشف کرده و واسکو دگاما بهند رسید؛ یعنی بالآخره پس از هفتاد و سه سال پرتقالیها توانستند که بمقصود خویش کامیاب گردیدند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 26 of 496

علت عمدهٔ این طول مدت، وحشت وخرافاتی بود که
عملجات کشتی را فراگرفته وعقیده داشتند در اعماق اقیانوس سنگهای
آهن ربائیست که کشتیها را بطرف خود میکشند، موجهای مرتفع
دماغهٔ امید، اضطراب آنها را مضاعف نمود؛ واخبار موحشیکه
ملاحان بارتلمی دیاز، برای همقطاران خویش نقل کردند بکلی روحیهٔ
مردم را مختل ساخت، وبهمین جهت برای مسافرت واسکودوگاما
مجبور اده نفر از محکومین باعدام را تبدیل عفو تقصیر گرفته وباوجود این
کلیه همراهان او بیش از یکصد وشصت نفر نبودند.

پس از عبور از خط استوا اشکال دیگری که برای پرتقالیها
پیش آمد این بود که ستارهٔ قطب را دیگر نمیدیدند، وبرای غرض نقاط
ومسافرت خود عاجز مانده بودند، پس قطعاً لازم بود که طریقهٔ دیگری
پیدا شود، آنهم در حدود ۱۴۸۴ توسط مارتن بهم آلمانی کشف وظاهر گردید.

تشکیل امپراطوری پرتقال جنگ باوتر

پس از اکتشاف راه هندوستان، پرتقالیها خواستند که منفرداً
ازان استفاده نموده وتمام وسائلیکه برای انحصار تجارت اقیانوس

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 27 of 496

هند بود بکابد رسانند، باین نظر تمام بنادر مهمه را در قبضه تصرف خود آورده
وسعی کردند که رقبای دیگر از میدان خارج شوند، باستثنای
پرتقالی و ماذونین از پرتقال سائر ملل حق کشتی رانی در سواحل
هند را نداشتند.

در سنه ۱۵۰۲ واسکوڈگاما با بیست و پنج کشتی خود یکدسته جهاز
عرب را که بار بریخ داشت در مقابل کالیکوت دید، کوش و بینی
و دست هشتصد نفر عملجات آنرا قطع کرده سپس آنانرا بهمان
جهاز سوار نموده کشتیها را آتش زد.

تسلط پرتقالیها در هند در شکستگی تجار عرب، ختم منافع سلطان
مصر را در برداشته و ترقی ونیز را تهدید مینمود - پس ناراضیهای
اتحادی تشکیل دادند، ونیزیها برای سلطان مصر و تجار عرب پول
ولوازم جنگ تهیه کرده و افراد و صاحبمنصبانی برای تقویت آنها
فرستادند - چند جهاز در بحر احمر مهیا شد، ولی پس از مختصر پیشرفتی
عاقبت در دیو منهدم گردید (۱۵۰۹) بعد ازین ونیزیها بفکر حفر
تنگه سوئز افتادند، ولی دُچار حملهٔ لوئی دوازده در ایطالیا شدند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 28 of 496

واجرائے نقشہ متروک ماند، از طرف دیگر نیز آلبوکرک یکی از جانشینان واسکو دکاما شکتورا وعدن و هرمز را بتصرف خویش آورد و مدخل تنها راه هائیکه برای ورود مال التجارهٔ شرق بمدیترانه مخصوص بود بدست گرفت .

آلبوکرک را مؤسس واقعی مستعمرات پرتقال باید دانست مشار الیه در سال ۱۵۱۱ مالاکا را تصاحب و صاحب منصبانش در جزائر جاوه - باندا و ملوک پیاده گردیدند، پس ازان در سنه ۱۵۱۷ بسواحل چین و شهر کانتن رسیده و بالآخره در سنه ۱۵۲۰ سفارت پرتقال در پکن پذیرفته شد .

بدینطریق تقریباً در مدت بیست و پنجسال اولین دولت مستعمراتی بزرگ اروپائی جدید تاسیس گردید .

در موقع اسپانیولها فقط مالک جزائر آنطیل بوده و حتی به برازیل هم وارد نشده بودند، درصورتیکه وسعت مستعمرات پرتقال باستثنای برزیل قریب پنجهزار فرسنگ در سواحل اقیانوس کبیر و ساکن یعنی از دماغهٔ بوژادور تا فرقاتا جزائر (ملوک) مسافتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 29 of 496

دور تر از آسیا بوده است

خصوصیات امپراطوری پرتقال

سلطنت مستعمراتی پرتقال همچو شبانهٔ بسلطنت مستعمراتی امروزه نداشت، پرتقالیها نیز مانند فینیقی‌ها و کارتاژیها نقاط را در سواحل، برای نفوذ در داخل مملکت در دست داشتند ساکنین مستعمرات آنها عبارت از یکدسته تجار بود که در هر جای اقامت گزیده و تجارتخانها تشکیل میدادند، درین دار التجاره‌ها مال التجاره فقط بقصد تبدیل بپول جمع شده و پس از چند سال توقف و تحصیل مقداری ثروت، بمملکت خویش مراجعت میکردند.

گذشته ازان پرتقال مملکت کوچکی بوده و آنقدر جمعیت نداشت که بتواند تمام یک سلطنت باین وسعت را در آن موقع تحت اختیار داشته باشد، بدیهیست قدرت آنها هم بیش از هفتاد و پنجسال دوام نکرده، و در قرن شانزدهم که ماند یهاجر ائر سوماترا و جاوه که از پرقیمت ترین مستملکات پرتقال بود از دست او خارج نمودند تقریبا سلطنت استعماری پرتقال مضمحل گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 30 of 496

اسپانیولها

همان موقعیکه پرتقالیها برای جستجوی راه هند از طرف جنوب افریقا را دور میزدند کریستف کلمب بخرج دولت اسپانی راه غرب را اختیار کرده و بگمان اینکه بهندوستان رسیده بتجدید امریکا اکتشاف نمود.

کریستف کلمب، در حدود سال ۱۴۵۱ در شهر ژن تولد یافته و پدرش یک نساج متوسط الحالی بود، تا سن بیست و یک سالگی همان بکار نساجی مشغول بوده ولی پس ازان داخل خدمت بحری و ملاح گردید.

مسافرتهای زیادی کرده مشرق را دیده، در انگلیس و ایسلاند بوده و مکرر تا سواحل گینه رفته است، در سنه ۱۴۷۸ برای تحصیل جغرافیا و نجوم بلیسبون اقامت گزیده و در انجا دختر یکی از نجبای پرتقال را که دریانورد مشهوری بود تزویج نمود.

کریستف کلمب همیشه عقیده داشت که باید از راه غرب بشرق راه یافت، و در مدت توقف در پرتقال نظریاتش تقویت گرفت تمام اشخاص تعلیم یافته آن عهد این فکر را طرفدار بودند یکی از علمای

علامه زمان تاریخی ۲۴۰۰ کاغذ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 31 of 496

فلورانس در سنه ۱۴۷۴ این عقیده را بپادشاه پرتقال اظهار نمود، حتی
عدهٔ آسیا را فوق العاده بزرگتر از مساحت حقیقیش تصور میکردند و سواحل
غربی اروپا و سواحل شرقی آسیا را خیلی بهم نزدیک میدانستند.

کریستف کلمب در اسپانی

چون از طرف پادشاه پرتقال مایوس گردید کریستف کلمب
باسپانی مراجعت نموده و پیشنهاد مسافرت خویش را به فردیناند
و ایزابل پادشاه، و ملکه آراگن و کاستیل تقدیم داشت —
(۱۴۸۴) پس از هفت سال انتظار و نرسیدن جواب مساعد
در سنه ۱۴۹۱ تصمیم مسافرت بفرانسه را نمود، اما در همین وقت فردیناند
و ایزابل که گرنادا را گرفته و قدرت مسلمانان را بکلی در اسپانیه منضمحل
ساخته و قدری آسایش یافته بودند باظهارات او توجه کرده
سپس در سنه ۱۴۹۲ در سانتافه یک معاهده واقعی بین ایشان منعقد گشت.
برای کریستف کلمب رتبهٔ امیر البحری و انحصار تجارت
این راه را باکشتیها، و ۳۵۰۰۰ فرانک داده ولی چون این بعمل
کفایت ننمود ۷۰۰۰۰ فرانک هم بکنفرازاهالی پالس موسوم به

علامه جوان تاریخی ۲۴۰۰ کاغذ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 32 of 496

مارتن پنزون برائے او تہیہ نمود.

اولین سفر

کریستف کلمب روز سوم اوگست (۱۴۹۲) با پنج کشتی کارآول ویکصد و بیست نفر عملجات از پالس حرکت نمود، در جزائر قناری توقف نموده و مجددا در ہم سپتامبر راہ خویش را پیش گرفت.

در ظرف سی و سہ روزے کہ این سفر بطول کشید چندین مرتبہ ملاحان ترس گرفتہ و بیم آن داشتند کہ مبادا نتوانند دیگر باسپانی عودت نمایند، ولے برخلاف آنچہ کہ معروف ست ہیچگاہ در مقابل کریستف کلمب قیام و سرپیچی نکردہ اند، روز چہارشنبہ دہم اکتبر ملاحان بہ کلمب اطلاع دادند کہ ازین پیشتر نخواہند رفت، کلمب در جواب گفت کہ چون بقصد ہند بیرون آمدہ است تا وصول بہندوستان راہ خود را تعقیب خواہد کرد.

کلمب در دفتر یادداشت یومیہ خود مینویسد کہ روز بعد یعنی پنجشنبہ یازدہم در طلوع شمس از دور نورے را مشاہدہ کرد یکی از ہمراہان خویش را خواند نور را باو نشان داد کہ مانند شمعیکہ دائما بالا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 33 of 496

وپائین ببر بدحرکت میکنند، عملجات خبر شده وبمراقبت پرداختند
تا اینکه چند ساعت بعد، روز جمعه ۱۲ اکتبر نزدیک ساعت دو
از صبح خشکی بفاصله کمتر از دو فرسخ پیدا گردید، باکلمب بی انوا قاد
وحال گریه مشغول شکرانه شد.

جزیره که کریستف کلمب بآن قدم داشت در نزدیک
امریکای شمالی در مدخل بوغاز فلوریدا واقع، وموسوم به گوانا هانی
بود، ولی کلمب آنرا سان سالوادر (ناجی مقدس) نامیده
وقطع داشت که بهند رسیده است.

سه ماه دران حوالی تا جزائر کوبا و سن دمینک گردش کرده
ولی چون یکی از کشتیهایش با عملجات آن مفقود شده بود و عملجات
نیز مائل بمراجعت بودند بقیه اقدامات خود را بوقت دیگر گذارده
وبرای اطلاع اکتشافات خویش باسپانی برگشت.

در سیزدهم مارس ۱۴۹۳ پس از هفت ماه مسافرت
به پالس وارد شده ومورد پذیرائی شایانی گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 34 of 496

آخرین مسافرتهای کلمب

کریستف کلمب سه مسافرت دیگر در سالهای ۱۴۹۳-۱۴۹۸ و ۱۵۰۲ نموده و جزائر آنطیل را کشف کرد، در مسافرت سوم به مصب رود اُرِنک یعنی برّ امریکا هم رسید، در چهارمین سفر سواحل امریکای مرکزی را تا تنگه پانا ما سیر نمود، سپس باسپانی مراجعت کرده و کمی بعد در ۱۵۰۶ء درگذشت.

از مسافرت دوم وجهه عمومی کلمب فوق العاده متنزل گردید، زیرا بر خلاف انتظار مردم و توصیفات مارکو پولو، و مواعید شخصی او فائده از اکتشافات دیده نشد، ادویه و خصوصاً طلا وجود نداشت؛ کوششهائیکه در سن دومینگ کردند به نتیجه نرسید فردیناند و ایزابل شخص دیگری را بجای او بحکمرانی اراضی مکشوفه منصوب نموده و مشارالیه بدون اینکه حکمی داشته باشد کلمب را دستگیر و تحت الحفظ باسپانی فرستاد، هرچند که فردیناند و ایزابل بمحض شناختن جبران این توهین را نموده و آزادش کردند اما قدرت سابقش از و سلب گردیده، و شهرت مرگ در محبس بکلی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 35 of 496

برخلاف حقیقت است.

در عقیدهٔ کلمب هیچ‌وجه تغییری پیدا نشده و با یقین باینکه بهند رسیده و جزائریکه کشف کرده است جزائر ساحلی هندوستان هستند، دینار را وداع گفت، و بهمین جهت جزائر مزبوره معروف بهند غربی و مردمان بومی آنجا هندی نامیده میشوند.

ماژلان، و گردش دور عالم

معهذا بعضی گمان میکردند که هند کلمب، هند حقیقی نبوده و حتی قسمتی از زمین دیگری غیر از آسیاست، این عقیده در سنهٔ ۱۵۱۳ پس از عبور بالبوا از تنگهٔ پاناما و مشاهدهٔ یک اقیانوس بیپایان تقویت گردیده، و بعد از مسافرت ماژلان هیچ شبههٔ دران باقی نماند (۱۵۲۲-۱۵۱۹) ماژلان باسمان نیت یافتن راهی بممالک اودیه سواحل امریکای جنوبی را پائین رفته بتنگهٔ طویلی که ششصد متر طول دارد و بنام خود او مشهور شد رسیده بجانب غرب توجه کرده و باقیانوسیکه آنرا باسم ساکن خواند وارد گردید. بعد از چندی بجزائر فیلیپین پیاده شده و در همانجا در جنگ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 36 of 496

بامردمان بومی تقتل رسید.

تعقیب مسافرت اورا یکی از ملاحانش موسوم بدل کانو
نموده واز راه دماغهٔ امید بار و پا برگشت.

این هیئت اکتشافیه در موقع حرکت با اسپانی مرکب از
پنج کشتی، و یکصد و سی و نه شخص بود، ازین عده فقط بیست و یکنفر
با یک کشتی (کشتی ظفر) بوطن مراجعت کردند، اما چون در جزائر
ملوک ادویه زیادی بار گیری کرده بود، فروش آن کلیه مخارج
این مسافرت سه ساله، یا اولین گردش دور عالم را تکافو نمود.

تشکیل امپراطوری اسپانی

در ابتدای امر فکر اسپانیولها تنها مصروف بجزائر آنتیل
وخصوصاً کوبا و سن دومینگ بود، ولی چون محصولاتیکه آنها
امید داشتند دیده نشد، بهدایت بومیان بطرف برتوجه کرده
و پانزده سال بعد از مرگ گریستف کلمب شروع بتسخیر تر امریکا
نمودند، دو دوره در تاریخ این استملاک معروف است، یکی فتح
مکزیک توسط فرناند کرتز، و دیگری تصرف پرو بدست فرانسوا پزار

عبد الله عادل نبیل الروضان الکویتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 37 of 496

مکزیک و پرو

مکزیک شامل بزرگترین قسمت امریکای مرکزی یعنی
خلآت بین اقیانوس ساکن، و خلیج مکزیک بوده است، پرو
که دران موقع وسعتش فوق العاده بیشتر از امروز بوده، در طول
اقیانوس کبیر و روے جبال آند از قلمرو کنونی اکتوادر - پرو -
بولیوی و قسمتے از شیلی تشکیل شده بود.

مردمان آنطیل در انوقت مانند بدویان و ساکنین وحشی افریقای
مرکزی دسته دسته در غارها و کلبه ها سکنا داشتند، در مکزیک و پرو
اسپانیولها با اقوامے روبرو شدند کہ دارائے تشکیلات مرتب
و حتے آثار تمدنی نیز در مردمان مکزیک دیده میشد.

شهرهائیکه اسپانیولها در انجا دیدند از بعضے جهات بدرجات
بهتر از معروفترین شهرهائے اسپانیا، و فرناندکرتز در مکتوبیکه به شارلکن
نوشته پائتخت آزتک ها (مردمان بومی مکزیک را) چنین توصیف میکند.
"مکزیکو، در روے دریاچه واقع، و دارائے خانهائے
بزرگ و قشنگ و معابد و اهرامیست کہ مرتفع تر از کلیسای سویل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 38 of 496

میباشند، مناظر عجیبیکه همه روزه بچشم خود میبینم حقیقة باور کردنی نیست
شهر به بزرگی سویل وکوده است، خیابانهای اصلی آن وسیع
و مستقیمند، در یکی از بازارها متجاوز از شصت هزار خریدار و فروشنده
مشغول معامله هستند، دواخانه هائیکه انواع ادویه طبی در انجا مهیا
و آماده است، دکانهای سلمانی و مهمانخانها متعدد و بکمال
خوبی کار میکنند." تمدن پرو باین پایه نبوده ولی معهذا در این
مملکت کوهستانی، راههای سهل العبور ایجاد گردیده و نگاهداری میشد

تصرف مکزیک

اسپانیولها مملکت مکزیک که تقریبا چهار برابر اسپانی امروزه
بوده است در مدت چهار سال از سنه ۱۵۱۹ تا سنه ۱۵۲۲ مسخر نمودند.
در اوائل سنه ۱۵۱۹ فرناند کرتز که با ششصد و شصت نفر
از کوبا حرکت کرده بود، در ساحل مکزیک پیاده شده و قلعه مستحکمی
در انجا بنا نمود، پنج ماه بعد با سه صد نفر سرباز توپخانه، پانزده
سواره نظام و ده عراده توپ بشهر مکزیکو توجه کرده و در ماه اکتبر
بانجا رسید، پادشاه مکزیک که در عود قدرت مقابله با کرتز را ندید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 39 of 496

دوستانه او را پذیرفته و شش روز بعد بهانه اینکه بومیها به بعضی
اسپانیولها حمله کرده اند دستگیر و محبوس کرتز گردید، پس ازان کرتز
یک تشکیل تحت الحمایه گی داده و قریب یکسال با نهایت سکون
و آرامی بوسیله پادشاه محلی در انجا حکمرانی کرد.

ماه جون سنه ۱۵۲۰ موقعیکه کرتز غائب بود در یکی از عساکر
نائب او چند صد نفر از اعیان مملکت را که بدون اسلحه آمده بودند
بطمع جواهر اتشان کشته و یک هیجان و انقلاب مهیبی را تولید نمود
بطوریکه بعد از چندین روز جنگ در مابین کوچه ها، عاقبت اسپانیولها
مجبور شدند که شهر را تخلیه نمایند، کرتز یکسال بعد تلافی این شکست را
کرده و در سپتمبر هم او سنه ۱۵۲۱ پس از محاصره طولانی مکزیکو را بعلبه
تصرف نمود، از یوقت دیگر تمام مملکت مکزیک بسهولت مطیع
گردیدند، تا سال ۱۵۲۸ که کرتز باسپانی مراجعت کرد، در سرتاسر
مملکت از شبه جزیره کالیفرنی تا بغاز دارین صلح و سلم برقرار بود.

علل کامیابی کرتز، با چند صد نفر سرباز ان کرتز و وسایل
مختصریکه داشتند تسخیر مملکتی بعظمت مکزیک بنظر فوق العاده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 40 of 496

عجیب نمی آید، اما باید دانست که اتفاقات نیز باکرز بسیار کمک کرد
زیرا وحدت ملی در مکزیک وجود نداشته، و چون تاسیس مملکت
باغلبه و تسخیر بوده است، نژادهای مختلفه آن را نمی بتسلط فاتحین
نبوده، و هیچ محرک باطنی آنها را حاضر بدفاع مملکت نمی نمود.
گذشته ازان پیش گویان مغلوبین وعده داده بودند که از
سمت مشرق خدایان نماینده را برای نجات آنها خواهد فرستاد
کرز با اسپهای خود که هنوز مردم مکزیک نمیشناختند، و تفنگها
و توپهایش وحشت فوق العاده در قلوب اهالی انداخته بطوری
حقیقتاً او را همان ناجی آسمانی میدانستند، معهذا بهت مردم کم کم
مرتفع شده و اسپها و تفنگها و توپها را دیگر بنظر غرابت نمیدیدند
کامیابی کرز مخصوصاً بواسطه معاونت دائمی متحدین خود یعنی
اتباع نارامنی و یاغی پادشاه بوده است، در اولین حمله
به مکزیکو هفت هزار بومی در تحت امرش حرکت کرده، و تا آخر
هزاران نفر دیگر با آنها ملحق گشته و همه نوع کمک میکردند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 41 of 496

تصرف پرو

قریب ده سال بعد از فتح مکزیک دو نفر راهزن جادهٔ جوے
اسپانیولی یکی فرانسوا پیزارو دیگری آلماگرو هرکدام با یکدسته
یکصد و پنجاه نفری و یکصد اسپ بقصد تصرف پرو افتادند
و بواسطه ضعف نفس اهالی پرو، و جنگهای خانوادگی بین شاهزادگان
و خانوادهٔ سلطنتی مملکت بسهولت بمقصود خویش نائل گردیدند
اسپانیولها در سال ۱۵۳۲ بساحل پرو پیاده شده و
در ضمن ملاقاتی بفریب و خیانت انیکا پادشاه مملکت را
اسیر خویش ساختند؛ حرص و طمع آنها باعث یک هیجان
و شورش عمومی شد، با وجود این کوزکو پائتخت پرو در تصرف
خود آورده و در ۱۵۳۵ که مملکت بتمامی مسخر پیزارو شده بود،
شهر لیما را بنا کرده و پائتخت قرار داد.

اما در این وقت بین فاتحین نیز نفاقی پیدا شده در ۱۵۳۸
آلماگرو بدست پیزارو کشته گردیده و در ۱۵۴۱ سربازان آلماگرو
بقصاص سرکردهٔ خود پیزارو را بقتل رسانیدند، این مناقشات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 42 of 496

تا موقعیکه شارلکن حاکمے از طرف خود برائے پرو تعیین نموده
و مملکت را مستقیماً بزیر فرمان خود گرفت و دام داشت (۱۵۴۷)

خصائص فتوحاتِ اسپانی

رفتارِ فاتحینِ اسپانی در مکزیک و پرو همیشه مخلوط با
و طمع، بدبینی و سبعیت بوده است، برائے پیدا کردن طلا
شهوت وحشیانه ظاهر میساختند، سابقاً دیدیم که در مکزیک
چگونه یکی از نواب کرتز مرتکب عمل شنیع قتل و دزدی گردیده
و چه دام خائنانه گسترانید، پس از تصرفِ مکزیکو، چون سلطان جدید
از ارائه محل گنجینه سلطنتی خودداری نمود، او را در آتش انداختند،
یکی دیگر از نواب کرتز در یک موقع چهار صد و شصت مکزیکی را
با آتش سوزانید.

در پرو، آتهوالپا، بدون سلاح تسلیم قوائے اسپانی شده بود،
در ضمن ملاقات کشیشیکه همراه پیزارو بود انجیلے را بدست او داده
و گفت که باید با آنچه این کتاب میگوید معتقد گردد، آتهوالپا کتاب را
نزدیک گوش خویش برده چون چیزے نشنید آنرا بر زمین انداخت،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 43 of 496

دگر اورا دیگر ریدیے باقی نمانده واسپانیولها بروهجوم کردند، برائے
خلاصی خود حاضر شد که مبلغ زیادے فدیه بپردازد، اسپانیولها
پیشنهاد را قبول نموده ولے پس از دریافت مبلغ متهم بخیانتش ساخته
وپس از محاکمه محکوم بسوختن در آتشش نمودند، چون راضی بگرفتن
غسل تعمید شد مجازات اورا تخفیف داده اول خفه اش نمودند
وبعد بسوزانیدند، بعد از مرگ او اسپانیولها عزا گرفته وبرائے آسایش
روحش دعا کردند.

در کیتو مامور پیزارا اول مردها را کشته شهر را آتش زده وسپس
زنها واطفال را عموماً بقتل رسانید.

انهدام نژاد بومی

این حرکاتِ وحشیانهٔ اسپانیولها منحصر بایام جنگ نبود
بعد از اطاعتِ کاملِ بومیها، وبرقراری صلح نیز سبعیت آنها
خاتمه نیافت، باوجود قدغن اکید پادشاهان اسپانی بادیومیها
مجبور بخدمت مجانی وغلامی فاتحین بودند، آنها را بجستجوے
طلا ونقره فرستاده وباستخراج معادن فلزات قیمتی میگماشتند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 44 of 496

میلیونها ازین مردم از پای در آمدند، فقط جزیره هاسن و مینک
که در موقع ورود کریستف کلمب بیش از یک میلیون جمعیت
داشت، بطور یقین میگویند که بعد از هفده سال بر حمت چهل هزار
نفر از ساکنین آنجا باقی مانده، و پنجسال بعد بسیزده هزار رسیدند
باقی این عده تلف شده بودند.

تجارت سیاهان

بعضے از کشیشها بدفاع بومیان برخاستند، یکی از آنها موسوم
به لاس کازاس تمام عمر خویش را دلیرانه بتنقید این فجایع صرف
کرده و داد مظلومین را میخواست شارلکن را متاثر نمود، و بے
نتیجه مساعی او ظهور بدبختی جدیدے شد، اسپانیولها از نقاط دیگر
درصدد تهیه کارگر بر آمدند، سیاهان را از افریقا خریده و بامریکا میبردند
از همین وقت دوباره دورهٔ شوم خرید و فروش غلامان روے
کار آمد، و تا قرن نوزدهم یعنی مدت چهار صد سال دوام نمود،
و بین سیاهان افریقا برائے بدست آوردن اسرا و فروش آنان
بار و پائیان جنگهائے دائمی تولید گردیده و میلیونها نوع بشر درین قطعه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 45 of 496

تلف شدند.

خصائص امپراطوری اسپانی

استعمار اسپانی باطرز استعمار پرتقال تفاوت کلی داشت، پرتقالیها بقصد تجارت بودند و اسپانیولها بنیت تصرف، اسپانیولها فقط قناعت بنقاط مهمهٔ ساحلی نموده و بتسخیر ممالک پرداختند، مکزیک و پرو مانند جزئی از اسپانی بوده، و آنها را اسپانی جدید و کاستیل جدید مینامیدند، اتباع این دولت بقصد اقامت دائمی بممالک متصرفه مهاجرت کرده و ریشهٔ یک ملت تازه گردیدند، اسپانیولها با تمام مظالم خود یک امپراطوری باثباتی تشکیل دادند که تا قرن اخیر دوام داشت، هرچند امروزه منهدم شده است، ولی باز هم باوجود استقلال ممالک امریکای مرکزی و جنوبی، نژاد، زبان و تمدن اسپانیولی تفوق دارد.

نتائج اکتشافات بزرگ

این اکتشافات عظیمه تنها از نقطهٔ نظر تاریخ اسپانی و پرتقال دارای اهمیت نیستند، بلکه بواسطهٔ نتائج ثروتی، سیاسی، علمی،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 46 of 496

ومذہبی آنہا در تاریخ عمومی عالم مقام مہمے را حائز ند، ازین نتائج
عمدہ فوراً ظاہر شدہ و بعضے دیر تر آشکار گردیدہ، و شاید ہنوز ہم
مقداری در عقب باشد، باستثنائے ترقی فوری پرتقال
واسپانی عمدہ ترین آنہا از ینقرار است.

شاہراہہائے تجارتی بلا فاصلہ تغیر نمود، مال التجارہ ہائیکہ
پیشتر از راہ مصر بارو پا میرسید بعد ازین از دماغۂ امید میگذشت،
در نتیجہ بحر الروم کہ از قرونِ قدیمہ مرکزِ تجارت بود از اہمیت خویش
افتاد، اسکندریہ، ژن، ونیز، و مارسی در درجۂ دوم قرار گرفتند،
و باز پس از حفر ترعہ سوئز بازار آنہا رونق سابق را گرفت و در عوض
بنادر پرتقال، اسپانی، فرانسہ، و بعدہا انگلیس واقعہ در اقیانوس
اطلس قائم مقام بنادر بحر الروم گردیدند، طلا و نقرہ فوق العادہ
از امریکا خارج، و در اروپا منتشر شد، در اواسطِ قرنِ شانزدہم میزانِ
مسکوکاتِ طلا و نقرہ اروپا دوازدہ برابرِ قبل از مسافرتِ
کلمب تخمین کردہ اند.

محصول مکزیک و پرو از زمانِ کرتز و پیزارو تاکنون نوزدہ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 47 of 496

میلیارد طلا وبیست وچهار میلیارد نقره شده است؛ بواسطهٔ تروت
اسپانیولها و پرتقالیها پیدا کرده بودند دیگر تن بکار نداده و از حاصل
دست دیگران زندگانی میکردند، و بهمین ملاحظه ازین فلزات
قیمتی استفاده نکرده و فقط ماشین نقاله بودند، از ظل همسایه
احتیاجات خویش را میخریدند، طلا و نقره در دست تجار و صنعتگران
یعنی اواسط الناس جمع شد - تا این زمان ثروت حقیقی را زمین
میدانستند و آنهم در تملک اعیان بود؛ از قرن شانزدهم طلا و نقره
طبقهٔ اواسط الناس را متمول ساخته واهمیت اجتماعی و نفوذ
سیاسی آنانرا افزود؛ فضل و دانش رو بترقی گذاشت، با اکتشاف
اراضی جدید انسان، تمدن های جدید، حیوانات جدید، نباتات جدید
و کواکب جدیده کشف گردید، اینهمه معلومات غیر مترقبه
حس کنجکاوی اشخاص را تحریک افکار آنانرا منقلب و اصول
علمی و عقائد قدیمه را منهدم ساخت.

هرچند اراضی جدید میدان وسیعی برای اشاعهٔ مذهب
عیسوی بود، اما از طرف دیگر عقاید مردم نسبت به کشیشها سست گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 48 of 496

ومعلومات آنان را بے اساس میدانستند، براستی عدهٔ از کشیشان
هم حقایقے را که فرد آشکار میشد، مثلاً کوپرنیک مین بر اغلاط غیر ممکن
و برخلاف علم و عقل میگفتند، ازین رو اکتشافات جدیدهٔ یک بحران
مذهبی را تهیهٔ اصلاح مذهبی یا (رفورم) را بروے کار آوردهٔ
و انقلاب بے در افکار انداخته موجب رُنسانس یا تجدید حیوة
ادبی و صنعتی گردید.

فصل دوم

رُنسانس

صنعتگران — ابنیه

I

علل رُنسانس

تعریف آن

در اواخر قرن پانزدهم و نیمهٔ اول قرن شانزدهم شگفتی عجیبے
در صنایع و ادبیات دیده شد که آنرا باسم رُنسانس یاد میکنند،
رنسانس از ایطالیا شروع شده، در فرانسه و المان توسعه یافته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 49 of 496

وبعد ازان باسپانی و هلاند رسید، این دوره را میتوان مشعشعترین
و مهمترین دوره های تاریخ دانست؛ زیرا شاهکارهائیکه درین
زمان ساخته شده هرگز تاکنون مافوق نداشته. از طرف دیگر همان
قسمیکه نتیجهٔ اکتشافات بحری میدانے برائے کوشش مادی
مهیا کردید، رنسانس هم میدان افکار و کوشش دماغی را توسعه داد

علل آن

ظهور و جلوهٔ صنایع و ادبیات در قرن شانزدهم دلائل عدیده
داشته که عمده ترین آنها از ینقرار است :-

اولاً - در قرون سابقه و خصوصاً در قرن چهاردهم و پانزدهم
اشخاصیکه بعنوان پیشقدمان رنسانس معروفند صنعت را
باعلے درجهٔ تکاملش رسانیدند.

ثانیاً، در قرن پانزدهم آثار قدیمه که برائے مردمان قرون وسطے
مجهول بود اکتشاف شده و برائے نویسندگان و صنعتگران
یک سرچشمهٔ جدیدے گردید. درین قرن باختراع ماشین
چاپ بانتشار این افکار و معلومات کمک بسیار رسانید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 50 of 496

ثالثاً اشخاص متمول و متنفذ عصر در هر مملکت از صنعتگران و
نویسندگان حمایت نمود، و ایشان تشویق میکردند، این
اشخاص بیادگار شخص معروفیکه زمان (اگوست)
در رم از دیرزمان و هراس حمایت مینمود، در تاریخ باسم
مسن ها یا مشوقین مشهور گردیده اند.

پیشقدمان

از لفظ رنسانس نباید فریب خورده و تصور کرد که قبل از
قرن شانزدهم یعنی در قرون وسطی ادبیات و صنایع مرده بودند
و در آخر قرن پانزدهم یکمرتبه احیا شدند، رنسانس احیای ادبیات
و صنایع نبوده بلکه تغییر شکل آنهاست، صنعت در قرون وسطی
با طرز مخصوص خود فوق العاده مترقی بوده، و هیچوقت آثار آن
دوره را نمیتوان از صنایع دوره رنسانس کمتر دانست.

صنایع در فرانسه مانند شاهزادگان خانوادهٔ والوا و خصوصاً
شارل پنجم و برادرانش و دوک های بورگنی، و در ایطالیا مانند
خانوادهٔ مدیسی عامیانه داشته و صنعتگران ماهر و نویسندگان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 51 of 496

زبردست، راهیکه باید در قرن شانزدهم پیموده شود حاضر و آماده بوده

نویسندگان و صنعتگران پیشقدم فرانسه

در ادبیات سه نفر مورخ فرانسوی، ویلهاردوئن (۱۲۱۳—۱۱۶۰) با تاریخ جنگهای صلیبی قسطنطنیه، ژوانویل (۱۳۱۹—۱۲۲۴) با شرح زندگانی سن لوئی و فروسار (۱۴۱۰—۱۳۱۷) با تاریخ دوره های بزرگ جنگهای صد ساله در قرون سیزده و چهارده، اولین سرمشق نثر نویسی فرانسه را دادند

در عالم صنعت صنعتگران غالب آثار حجاری، معماری و نقاشی قرون وسطای فرانسه که تاکنون نیز در دست است معلوم نیستند، و یا اگر از بعضی نامی مانده آثار ایشان بکلی از بین رفته، معهذا حجاران و نقاشان معروفیکه در قرن چهاردهم و پانزدهم زندگانی میکرده، و اسم و اثرشان باقیست یکی کلش اسلوتر است که اصلاً آلمانی و یا هلاندی، و در عصر شارل ششم بوده و تمام شاهکارهایش مجسمه حضرت موسی ممتاز است.

بکی از نقاشان دوان ایک نقاش هلاندی که اصول جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 52 of 496

برائے استعمال رنگ اتخاد کردہ، وجلوہ بشاہکارہائے قرن شانزدہم داد، دیگر نیکلا فرومان و ژان فوکہ نقاش شارل ہفتم ولوئی یازدہم کہ شہرت او حتے بایطالیا نیز منعکس شدہ وپاپ اورا برائے ترسیم تصویر خویش بہ رم طلبید.

نویسندگان وصنعتگران پیشقدم ایطالیا

رتبۂ نویسندگان قرن چہاردہم ایطالیا از نویسندگان ہمان دورہ فرانسہ خیلے عالیتر، وعبارت از دو شاعر، یکی دانتِ اولین، وبزرگترین شعرائے ایطالیائی ومؤلف دیوین کمدی ودیگرے پترارک وہکنفر نثر نویس بکاس کہ بادکامرون موجد نثر ایطالیائی میباشند بودہ اند.

برخلاف اسامی صنعتگران فرانسہ کہ غالبًا مجہول وآنچہ معلوم است نیز جدیدًا شناختہ شدہ، اسامی صنعتگران ایطالیائی از قدیم معروف میباشد، مشہورترین آنہا پنجنفرند، کہ تماما از اہل فلورانس ودارائے مقام برجستہ، در تاریخ صنعت شدہ اند، ابتدا در قرن سیزدہم ژیوتو وپس صد سال بعد در ہمان زمان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 53 of 496

کلس استره وآن ایک چہار نفر دیگر یعنی برونلسکو گیبرتی
دناتلو و لوکا دلاربیا ظہور کرده اند.

ژیوتو - ہم نقاش وہم معمار، و معاصر ورفیق دانتے بوده
آثار بزرگے در فلورانس از خود بیادگار گذارده، و تاثیر مہمے در
نقاشی قرن چہاردہم داشته است.

برونلسکو - مامور اختتام کلیسائے فلورانس وگنبد یکه
برائے آن بنا کرده نه فقط موزون بلکه از عجائبات بشمار می آید
گیبرتی دو در برنزی ساخته که برائے یکی بیست و یک
و دیگرے بیست و ہشت سال وقت صرف شده و در تو صیف
آنہا تمثیل آثر مبالغاتے نموده است.

دناتلو و لوکا دلاربیا - عظمت و ظرافت کلیسائے
فلورانس را با نقوش برجسته و مجسمه هائے خویش تکمیل کردند
معماران رنسانس ہیچکدام جاندارتر و ملیح تر از دستہ اطفال
خواننده که قلم لوکا دلاربیا در ۱۴۳۳ نقش کرده نتوانستند
نشان دہند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 54 of 496

تاثیر قرون قدیمه در صنایع

برونلسکو، گیبرتی، دناتلو، لوکا دلا ربیا و عموماً سائر صنعتگران ایطالیا نیز بواسطهٔ شناسائی آثار قدیمهٔ روم و یونان بر معاصرین فرانسوی و فلاماندی خویش امتیاز و برتری دارند. بقایای ابنیهٔ رومی در ایطالیا بیشمار بود، بعنوان اینکه اینها سرمشقهای ملی میباشند، کلیهٔ استادان ایطالیائی از آنها تقلید نموده و توجهی به نمونه های فرانسوی نمیکردند، لذا از نیمهٔ اول قرن چهاردهم صنعت ایطالیائی بکلی شکل دیگری بخود گرفته و در جزئیات طرز رومی و یونانی قدیم را ظاهر میساخت.

حجاری و نقاشی نیز در تحت همین تاثیر بوده مثلاً کتیبه های طاق تیمپوس و ستون طراژان کاملاً محل تقلید بوده اند.

صنعتگران قدیم بنهایت تناسب کار میکردند و اجسادی که میساختند همیشه طرف تحسین خواهد بود، در صورتیکه در قرون وسطی چون این مهارت را نداشتند کلیهٔ مجسمه ها را با لباس میپوشانیدند، آثار قدیمهٔ گذشته از سرمشق باستادان ایطالیائی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 55 of 496

موضوعات جدیدے نیز دادند، بغیر از نقش و رسم موضوعات
مذہبی کہ در قرونِ وسطےٰ تنہا نمایش میافت صنعتگران رنسانس
افسانہاے تاریخ قدیم را گرفتہ و مجالس برجستہ آن از قبیل فتح
ژول سزار۔ تولد ونوس وغیرہم را برائے موضوع اختیار نمودند
وہمین جنبش بہ رنسانس تعبیر شدہ است۔

تاثیرِ قرونِ قدیمہ در ادبیات

نوشتجات ادبی، تاریخی و فلسفی رومی و یونانی کہ در قرون
چہاردہ و پانزدہ کشف گردید بیش از صنایع و آثار قدیمہ تاثیر نمود
غالب نوشتجاتِ رومی از قبیل نطقہا و مکتوبات سیسرون
و کتب تاسیت در کتابخانہ ہاے صومعہ ہا پیدا شد، بغیر از آثار ادبی
پترارک و بکاس کہ زیادہ تر بدست آمدہ اکثر مولفاتِ نویسندگان
دیگر بواسطہ عدم توجہ رہبانان از بین رفتہ است۔

اروپاے غربی، مولفین یونانی را نمیشناخت، وقتے
در غالب دار العلم ہا خواندن الف باے یونانی را نمیدانستند
در قرن پانزدہم کشیشے بنام کاردینال بساریون

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 56 of 496

(۱۴۷۶-۱۴۷۲) باصرفہ یک میلیون و نیم فرانک کتابخانۂ
مرکب از ششصد کتاب یونانی جمع آوری نمود پس بعد از
فتح قسطنطنیہ (۱۴۵۳) عدہ از علمائے بیزانتن در ایطالیا
پناہ جستہ و شروع بترویج ذوق و معلومات یونانی نمودند۔
در همین وقت (۱۴۵۷) ماشین چاپ نیز اختراع شد، و مولفات
بمدیدہ را بدسترس عموم گذارد، اشخاصیکہ این علوم قدیمہ را تحصیل
کردہ و در انتشار آن کار کردند مشہور بہ ہومانیست ہا میباشند،
ہر کدام بنگاہ بکسب و تحصیل آثار افتادہ، و البتہ همین موقع
میتوانیم بگوئیم کہ رنسانس شروع شد۔

مشوقین

یکی از علل عمدہ رنسانس توجہ بادبیات و صنایع و حمایت
متنفذین و سلاطینیکہ بمشوقین معروفند از نویسندگان و استادان
بودہ است، مشوقین ابنیہ بعمارات و قصورے میساختند۔
مجسمہ ہا، و تابلو ہا سفارش میدادند، و پولہائے فراوان درین راہ
خرج مینمودند، کتابخانہائے معتبر تاسیس و علماء را باستفادہ آنہا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 57 of 496

خوانده و آن را چگونه اعزاز و احترامے فروگذار نمیکردند، و حتے
بعضے اوقات این اشخاص را مانند افرادِ فوق العاده ملاحظه مینمودند
نوران دُمیسی میکل آثر را مصاحبِ اطفال خویش نموده،
پاپ لئون دہم میخواست که رافائل را رتبه کاردنیائی بخشد،
بنو تو سلینی متہم بقتلِ شخصے شده بود محاکمه را نزد پاپ پل سوم
بردند، مشار الیه گفت که اشخاص منفرد مانند سلینی نباید مطیع
قانون باشند، مشوقینِ معتبرِ ایطالیا خانواده مدیسی در فلورانس
و پاپها در رُم بوده اند.

در فلورانس خانوادهٔ مدیسی رویهٔ اجداد خود را از دست نداده
و همیشه در دربار خود علما را نگاه میداشتند، پاپ نیکولائے پنجم
در واتیکان کتابخانه شامل پنجهزار جلد کتب خطی تشکیل کرد.

بزرگترین مشوقینِ فرانسه فرانسوائے اول بود که تأثیرِ فرانس را
تاسیس نمود، و ابتداء در انجا فقط شعبِ زبان لاتن، یونانی، عبرانی
و ریاضیات تدریس میشد، ولے بزودی جغرافیا و طب نیز بآن
علاوه کردید، بنائے قصرِ لوور و عدهٔ دیگر از قصورِ معتبرِ فرانسه را شروع

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 58 of 496

کرده و تابلوهای زیادی باستادان ایطالیائی مانند رافائل
و لئوناردو نسی سفارش داد.

II

رنسانس در ایطالیا

در قرن شانزدهم، ایطالیا چهار نویسنده بزرگ داشته، دو شاعر
آریوست و تاس، دو نثر نویس، ماکیاول و گیشاردن.

آریوست (۱۴۷۴-۱۵۳۳) در سال ۱۵۱۶ کتاب
رولاند غضبناک را منتشر، و در آن باسلحی خوش آیند وقایع جنگ
شارلمانی را با اعراب نقل کرده است.

تاس، نصف سال بعد (۱۵۷۵) تاریخ جنگهای
صلیبی را در (خلاصی بیت المقدس) بیان نمود.

ماکیاول، (۱۴۶۹-۱۵۳۰) و گیشاردن (۱۴۸۲-۱۵۴۰)
هر دو از اهل فلورانس و مورخ بوده، و تقریباً تمام عمر خود را در سیاست
گذرانیده اند، جنگهای ایطالیا را گیشاردن بچشم خود دیده و تاریخ
آنرا نوشته، ماکیاول که از برجسته ترین نویسندگان رنسانس و بزرگترین

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 59 of 496

نثر نویسان ایطالیا بشمار می آید، تاریخ ارفلورانس ترتیب کرده و دیگری دیگر از تالفات معتبر خویش موسوم به پرنس (شاهزاده) اخلاق سیاسی ایطالیا را در عصر خود تشریح نموده است.

صنعتگران

بین تمام استادان ایطالیا مشهورترین آنها بترتیب تاریخ تولد برامانت، معمار، لئوناردو دوونسی، نقاش و حجار، میکل آنژ، نقاش، حجار، معمار، تیسین - رافائل - کرژ - پل ورنز نقاش بوده اند.

برامانت (۱۴۴۴-۱۵۱۴) معروف ترین معماران رنسانس ایطالیا و خط مشی برونلسکو را تعقیب مینمود، طرز کار او بهمان اسلوب ساده و منظم رومی بوده، ژول دوم برامانت را به رم طلبیده و مشارالیه در انجا عمارات بسیار زیبا ساخته و نقشه واتیکان را طرح کرد.

میکل آنژ (۱۴۷۵-۱۵۶۴) اصلاً از اهل فلورانس و ابتدا در تحت حمایت لوران دمدیسی و سپس در رم تحت حمایت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 60 of 496

پاپ ها از ژول دوم، تا لئون دهم زندگانی میکرده است.

میکل آنژ یکی از قویترین و کاملترین نوابغ رنسانس

و بلکه عالم بشمار می آید، شخصاً خود را احجار معرفی کرده، ولی

در عین حال نقاش، معمار، مهندس و شاعر زبردستی نیز

بوده است، در حجاری شاهکارهایش یکی مجسمه معروف پیتا، و دیگر

مجسمه حضرت موسی و بسیاری از مجسمه های دیگر میباشد

در معماری نقشه طاق کلیسای سن پیر است که ۴۲ متر

عرض و ۱۲۳ متر ارتفاع دارد، در نقاشی بزرگترین آثارش

تصویریست که بخیال خویش از روز باز خواست نموده، این

پرده عظیم و مخوف در روز نمایش عموم تماشاکنندگان را دچار بهت

و خوف نموده بود.

میکل آنژ، در سن هشتاد و نه سالگی دنیا را وداع گفته و پس

از مرگ او پاپ میخواست که نعش استاد فلورانسی را در مقبره

سن پیر دفن نماید، ولی اهالی فلورانس رضایت نداده و میخواستند

که همه شان در آغوش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 61 of 496

درمیان بارہائے مال التجارہ بفلورانس فرستادہ و درانجا تشییع شاہانہ برائے او نمودند۔

از مختصات آثارِ میکل آنژ قدرت و متانت آنہا است غالباً اشخاص را عضلاتے قوی و قیافۂ جدی و بلکہ محزون و غم انگیز ساختہ، و سبب غائی آن اینست کہ مشار الیہ طبیعۃً محزون بودہ، و مشاہدہ اوضاع بیچارگی و رقت موطنش و تہاجم فرانسہ و المان ہا و اسپانیولہا بایطالیا بیشتر موجب غم و الم او گردیدہ بود۔

لئوناردو وسی - (۱۴۵۲-۱۵۱۹) مانند میکل آنژ در فلورانس بسر میبردہ، و مثل او نیز استاد جامع بودہ و در فنون جمالی معماری، نقاشی، و مہندسی و فزیک و ریاضیات ید طولائی داشتہ است، روح و فکر او فوق العادہ متجسس، و میخواست کہ ہمہ چیز را بداند، ہر شعبہ را تحصیل کردہ و از کتابہائے خطی و مصوری کہ از و در دست است معلوم میشود، بہ حل مسائلے مشغول بودہ کہ امروزہ تازہ بمیدان عمل آمدہ است، مثلاً راجع بہوا پیمائی یعنی پرش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 62 of 496

بطرز پرندگان، وبسیاری چیزهای دیگر عقائدی از خود باقی گذارده است
حقیقة لئوناردو نسی را میتوان پیشقدم علمای جدید دانست.
ولی تمام افتخارش بواسطه پرده های نقاشیست که فکر
وقلم توانای او ترسیم کرده، ومعروفترین آنها پرده معروف به
ژکوند میباشد که در تمام دنیا مشهور است؛ برخلاف دیگر استادان
ایطالیا ذوق چندانی در ماندن رم نداشته، وبتقاضای فرانسوای
اول بدربار او آمده وکمی بعد فوت نمود.
رافائل - (۱۴۸۳-۱۵۲۰) پسر یکی از نقاشان شهر اوربن
ویکی از ظریفترین ومقتدرترین نقاشان گردید، در سن بیست وپنجسالگی
به رم آمده ودر انجا بتوسط برامانت هم شهریش به پاپ ژول دوم
معرفی شد، وبزودی اشتهار فوق العاده پیدا کرد، پس ازین به رافائل
غریق افتخارات گردیده بطوریکه او را ملکوتی مینامیدند، در زمان لئون دهم
تقریبا وزیر صنایع مستظرفه دربار پاپ بوده است، پرده ها وآثار
قلمی او بیشمار - ومعروفترین آنها در موضوعات مذهبی خانواده
مقدس؛ ودر افسانه های تاریخی فتح گالاته میباشد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 63 of 496

کثرت کار او را د چار یک تپ مہلکے ساختہ، و در سن سی و ہفت سالگی استاد شہیر را از پاے در آورد.

از خصائص کار ہاے رافائل، قشنگی، ملاحت و حسن ترکیب آنہا بودہ، برعکس استادان قرون وسطے تصاویر مقبولے نقش میکرد و اگر سر مشق ہاے مادی نیافت، صور تہاے زیباے خیالی رسم مینمود، در فن ترکیب و تناسب مہارت کاملے داشتہ، و اگر در نقاشی اشخاصے بپایہ او رسیدہ، لیکن ہیچکس از و پیشتر نرفتہ است.

کرّژ، تیسین و پل ورنز، از نقاشان بزرگ ایطالیاے شمالی بودہ، و با رم ارتباطے نداشتند.

کرّژ، (۱۴۹۴-۱۵۳۴) غالبا در پارم میزیستہ، و از حیث ملاحت و شیرینی آثار او با رافائل رقابت میکند. از امتیازات او مہارت در فن سایہ روشن میباشد.

تیسین، (۱۴۷۷-۱۵۷۶) و پل ورنز ہر دو از اہالی وینز و علاقہ مفرطے بشہر خویش داشتند، در رنگ آمیزی سر آمد ہمعصران خویش بودہ اند، در مدت عمر خود کہ نود و نہ سال میشد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 64 of 496

بیش از چهار هزار پرده نقاشی ترسیم نموده، که مشهورترین آنها پرده معروف به تدشین است.

پل ورنز (۱۵۲۸-۱۵۸۸) تمام دیوارهای قصور وکلیساهای ونیز از پردهای او پوشیده است، پرده نامی او موسوم به عروسی کانا در موزه لوور میباشد.

استادان فوق الذکر، بزرگترین صنعتگران رنسانس ایطالیا هستند ولی نقاشان و معماران دیگری نیز وجود داشته اند، که در رتبه البته از این اشخاص پائین تر میباشند، بهرحال استادان ایطالیا لایق و زبردست ترین صنعتگران رنسانس، ولااقل در نقاشی اولین مقام را برای ایطالیا احراز کرده اند.

اخلاق زمان رنسانس

فساد اخلاق فوق العاده همعنان این تمدن درخشان بوده است روح ایطالیائی مذهب را ترک گفته و هر کسی دیوانه تمتعات جسمانی گردیده بود، تزویر، بیرحمی، خیانت، قتل نفس از مسائل عادی بشمار می آمد.

۱- Les Noces de Cana

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 65 of 496

برائے پیشرفت مقصود، اعمال ہر وسیلہ پسندیدہ بود.

منزاد برژیا، یکی از پسرہائے پاپ الکساندر ششم
مظہر تمام نزاکتہا، عیوب و خباثات آن دورہ میباشد، اشخاصیکہ
بامر او و یا بدست خود او کشتہ شدند از حساب بیرونست، ہر کس
کہ عائقے در مقابل او بود و یا از اعدام او فائدہ میبرد بدون تردید
وداع زندگی میگفت، ہمیشہ بہمراہ خویش یکنفر آدم کش داشت، حتی
از وابستگان خود نیز فروگذار نمیکرد؛ در مقر پاپیت در مقابل
چشمش برادرانش را کشت، شبہا از یک میہمانی با برادر خود
مراجعت میکرد، در بین راہ بدست ہمراہانش او را با خنجر بقتل
رسانیده و نعش را بر رود تیبر، انداخت، بعد از چندے ماہیگرے
کہ ہمانشب در زورق خود پنہان بود قصہ را حکایت کرد،
از و سئوال کردند کہ چرا زود تر نگفت، جواب داد تا کنون بیش
از صد جسد در مقابل چشمش بر رود انداختہ اند، و ہیچکس باز پرس
و توجہے ننمودہ، و اضطرابے بظاہر نگردیدہ، بدین ملاحظہ او ہم
نقل آنرا بیفائدہ میدانست.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 66 of 496

III

رنسانس در فرانسه

در قرن شانزدهم فرانسه هم مانند ایطالیا نویسندگان و معماران و حجّاران بزرگ داشته است، ولی از نقاشان بجز از کلوئه که او هم قابل مقایسه با نقاشان ایطالیائی نیست از دیگری نامی نیست

نویسندگان

مهمترین نویسندگان فرانسه سه نفر شاعر، کلمان مارُ[1]، (۱۴۹۷-۱۵۴۴) رُنسارد[2]، (۱۵۲۴-۱۵۸۵) ژواکیم دوبلای[3] (۱۵۲۴-۱۵۶۰) که مبدع نظم فرانسوی آنها را باید دانست، و سه نفر نثر نویس؛ رابله[4]، (۱۴۹۵-۱۵۵۹) نویسندهٔ گارگانتوا کالون[5] (۱۵۰۹-۱۵۶۴) نویسندهٔ موسسهٔ مسیحی[6] و منتنی[7] (۱۵۳۳-۱۵۹۲) مولف کتابی موسوم به اِسِس[8] (تجربیات) میباشد، باید گفت با تمام مراتب لیاقت و اهمیت

1- Clement Marot
2- Ronsard
3- Joachim de Bellay
4- Rablais
5- Gargantua
6- Calvin
7- Institution Chretienne
8- Montagne
9- Essais

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 67 of 496

آثارشان، این نویسندگان همسر همعصران ایطالیائی خویش مانند اریوست[1] و ماکیاول[2] نبوده اند، و فقط در قرن هفدهم و هجدهم ادبیات فرانسه توانست که بپایه نوشتجات ایطالیائی برسد، و حقیقة نویسندگان رنسانس فرانسه را باید جزو پیشقدمان دانست.

معماران و حجاران

مشهورترین معماران پیر لسکو[3]، (۱۵۱۰-۱۵۷۸) ژان بولان[4] (۱۵۱۲-۱۵۷۸) فیلیبر دلُرم[5] (۱۵۱۵-۱۵۷۰) و حجاران فرانسه ژان گوژن[6] (۱۵۱۵-۱۵۷۰) و ژرمن پیلن[7] (۱۵۳۸-۱۵۹۰) بوده اند، و بیشتر آثار آنها از زمان هانری دوم و کاترین دمیسی، میباشند، بسیاری از صنعتگران دیگر، تاریخ حیات و آثار آنها بدست نیامده و گمنام مانده اند.

معروفترین آثار ایشان که هنوز دیده میشود از فیلیبر دلُرم قصر آنه[8] در حوالی پاریس؛ از ژان بولان قصر سن مارمن، کلیسای

1- Arioste
2- Machiavel
3- Pierre Lescot
4- Jean Bullant
5- Philert de l orme
6- Jean gayon
7- Germain Pilon
8- Chateau d Anet

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 68 of 496

سنت اُستاش، برج سن ژاک؛ و پیرلسکو قصر تاریخی لوور، آن قسمتیکه در زاویه جنوب غربی بامر فرانسوای اول ساخته شده است.
از مجسمه‌سازان معروف نیز یکی میشل کلمب[1] بوده که در برتانی[2] مقبره دوک و برتانی را بنا نموده است، از آثار آن کوژن مجسمه‌های معروف (پریان چشمه معصومین)[3] و از رزمن پیلن مجسمه‌های برنز مقبره هانری دوم، از پیرین تان کتیبه‌های جنگ ماریننیان[4] و از لیژیه ریشه مجلس معروف به تدفین[5] که در کلیسای سن میشل نقش کردیده است.

رنسانس در آلمان

در رنسانس المان سه نام برجسته است یکی ارا اسم[6] (۱۴۶۷-۱۵۳۶) که از نویسندگان عالیمقام بوده، ولی چون بزبان لاتن نوشته در تاریخ ادبی ذکری از و نیست؛ دیگر آلبرد دورر[7] (۱۴۷۱-۱۵۲۸) و هانس هلبین[8] (۱۴۹۷-۱۵۴۳) که نقاشان قابلی بوده

1- Michel Colombe
2- Bretagne
3- Les Nymphes de la fontaine des Innocents
4- Pierre Bontemps 5- Marignan 5- Ligier Richier
7- Mise au tombeau 8- Erasme 9- Albert Durer
10- Hans Holbein

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 69 of 496

هر یک اثرهای شایانِ توجهی از خویش گذارده اند، وقت فوق العاده در تجسم جزئیات هر چیز داشته، و حتی کوچکترین الیاف یک کیاه را مثلاً نمایش میدادند، معروفترین آثار دوره (پرستش مغ ها) واژهلبن (تصویر ۱ راسم میباشد.

فصل سوم

اروپای غربی در آخر قرن پانزدهم

فرانسه، انگلیس، آلمان، اسپانی، ایطالیا،

اروپای غربی در اواخر قرن پانزدهم شامل ممالک فرانسه وانگلیس وامپراطوری آلمان بوده، درانوقت ایطالیا واسپانی فقط موجودیت جغرافیائی داشته، وهریک منقسم بچندین سلطنت از قبیل سلطنت پرتقال، کاستیل، اراگن، ناوار در اسپانی، وسلطنت سیسیل، سلطنت ناپل، جمهوری فلورانس، جمهوری ونیز دوک نشین میلان، ودوک نشین ساووا در ایطالیا گردیده بودند.

1 - Adoration des Mages

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 70 of 496

فرانسه

حدود آن در سنه ۱۴۹۸ لوئی دوازدهم سلطنت فرانسه را داشته
در صورتیکه در اوائل این قرن تنها کوشش فرانسه حفظ استقلال خویش
بوده و پس از معاهدهٔ تروا ممکن بود از متصرفات پادشاه انگلیس
بشود، ولی در آخر قرن پانزدهم یکی از قویترین ممالک اروپای
غربی گردید، حدود آن از جانب شمال غربی و مغرب از مصب رود
بیداسوا، تا رود اسکو، اقیانوس، بحر مانش و دریای شمال،
از طرف شمال شرقی و مشرق رود اسکو، رود مزو ساون و قلل
جبال آلپ، و از سمت جنوب تا کوه های پیرنه امتداد داشته،
هرچند در این موقع وسعت فرانسه از طرف شمال بیشتر بوده، ولی
بسیاری از ایالات شرقی و جنوبی آن که امروز جزو مملکت است
از حیطه اختیار سلاطین فرانسه خارج بوده است.

قلمرو فوق الذکر بازکاملا و مستقیما در تحت اوامر پادشاه فرانسه
نبوده، و اقتدار او بتمام مملکت نفوذ نداشت؛ هنوز در شمال کنت
نشینهای فلاندر و آرتوا در مرکز دوک نشین بورگون و اورنی وجود داشتند.

Troyes

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 71 of 496

قدرت سلاطین از نیمه دوم قرن پانزدهم شروع به بسط بکلیه نقاط فرانسه کرده و مساعی لوئی یازدهم و شارل هشتم و لوئی دوازدهم ایالات بورگنی، من، آثرو، پروانس، و برتانی را نیز بحدود سابقه اضافه کرد.

قدرت سلاطین فرانسه

دران زمان فرانسه تنها دولتی بود که تشکیلات آن منظم و مکمل ونزدیک به تشکیلات جدیده بوده است، ادارهٔ مالیه مرتب وقشونی دائمی داشت، پادشاه مامورینی را انتخاب نموده وبتمام نقاط مملکت میفرستاد، این نمایندگان که بمنزلهٔ حکام امروزه بوده اند، دارای اختیارات مطلق وفقط مسئول شخص پادشاه بارادهٔ اش مطیع وبفرمان شخص او تغییر وتبدیل مییافتند، خزانهٔ سلطنتی از عایدات املاک شخص پادشاه، ومالیاتیکه رعایا میپرداختند مرکب بود. لشکر پادشاه وخصوصاً یک دسته از سواره نظام ژاندارمه فوق العاده منتظم و ورزیده، وهمیشه حاضر حرکت وجنگ بودند، توپخانهٔ فرانسه درانوقت از کاملترین وسهل الحرکه ترین توپخانه ها بشمار می آمد، لکن

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 72 of 496

اقتدار سلاطین فرانسه بواسطه اتحاد کامل ایالات و وحدت جغرافیائی مملکت بوده، پس از جنگهای صد ساله فکر وحدت وطن بروز کرده، و این احساساتیکه امروز بنظر خیلی عادی می آید، وآنوقت خیالات نوی بود تشکیل یک ملت در فرانسه داد، در سائر ممالک این حسیات تقریبا وجود نداشته؛ و در ایطالیا و آلمان هر کسی محل تولد و یا سکونت خویش را وطن خود میدانست.

پس از لوئی یازدهم و انهدام خانواده بورگنی امنیت کامل در سراسر مملکت مستقر شده، و از اینوقت نظر فرانسه بماورای سرحدات خویش معطوف گردید.

انگلیس

از ۱۴۸۵ هانری هفتم موسس سلسله تودر که در قرن شانزدهم صاحب تاج و تخت انگلیس بوده اند درین مملکت سلطنت داشت، در قرن پانزدهم مقدرات انگلیس کاملا برخلاف مقدرات فرانسه یعنی در اوائل این قرن منظفر و منصور بوده و در اواخر مغلوب و منهور گردید، در صورتیکه در موقع معاهده تروا (۱۴۲۰) بیش از نصف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 73 of 496

خاک فرانسه را در تسلط خویش داشتند، در سال ۱۴۵۳ تمام متصرفات
خود را از دست داده و فقط بندر کاله برای ایشان باقی ماند، در عوض
مملکت انگلیس تنها منحصر بجزیرهٔ خود شان گردیده، و حتی آنرا نیز
کاملاً زیر اقتدار نداشتند.

جنگهای دو گل تازه خاتمه یافته بود، در طول مدت این
جنگها (۱۴۵۵-۱۴۸۵) خانواده های بزرگ و توانای انگلیس ها
برچیده شده و تمول و نفوذ سلاطین بواسطهٔ ضبط اراضی بیمالک
افزوده گردید، و اهمیت پارلمان که در جنگهای صد ساله همدوش
پادشاهان کار مینمود فوق العاده کاسته شد، و مانند فرانسه سلاطین
تقریباً شروع بداشتن اختیارات مطلق و مبسوط کردند.

هانری هفتم برای متمول ساختن خود و مملکتش مردم را تشویق
بصنعت و تجارت مینمود، هنگام مرگ خزانهٔ شخصی او در آن زمان
بالغ بر پنجاه میلیون میشد، دریانوردان را بمسافرت بجانب ترجمه
ترغیب میکرد، ازین موقع سیاست بحری و تجاری انگلیس که در
قرن شانزدهم مهمترین عامل عظمت آن شد شروع گردید.

Guerre deux Roses

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 74 of 496

انگلیس باز چشم از برنپوشیده و بواسطه تملک بندر کاله پیادهٔ
گردن قشون نیز برای او سهل بود، در قرن شانزدهم تملک همین
بندر پادشاهان فرانسه و مخالفین آنانرا خریدار اتحاد انگلیس نمود
و بے انگلیسها سیاست موازنه را در نظر گرفته گاهے با یکطرف
و گاهے با طرف دیگر همراهی مینمودند، بطوریکه حقیقةً میتوان در آنموقع
انگلیس را حکم و حاکم سیاست اروپای غربی گفت.

آلمان

سرحدات آن

از حیث وسعت خاک آلمان از بزرگترین دول اروپا بشمار
میآمد، از طرف شمال به بحر بالتیک و مملکت دانمارک و بحر شمال،
از جانب مغرب بخاک فرانسه، و از سمت جنوب بواسطهٔ ژورا،
رن، و دریاچه کنستانس و جبال آلپ از ممالک مجتمعهٔ سویس
و ایطالیا مجزا بوده و بدریاے آدریاتیک میرسیده است، حدود
شرقی آنرا یک خط قرار دادی که از فیوم به دانتزیک میخورد تشکیل داده
و آنرا از ممالک هنگری و پولونی جدا میکرد، یعنی تقریباً شامل قسمت

قرن اروپا عبدالرشید ۲۴۰۰

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 75 of 496

اعظم المان کنونی، مملکت هلاند، قسمت بزرگی از بلژیک،
لوکزامبورگ، آلزاس ولورن فرانش کنته، بهم واطریش وزبوه است

تشکیلات وضعف آلمان

اگر امپراطوری آلمان در آنزمان از وسیعترین ممالک اروپا
بوده، ولی بواسطهٔ تشکیلات خویش از ضعیفترین آنها شمرده میشد،
مملکت نیز دیکچیار صد تقسیم گردیده، و در هریک دو کیا، کنت ها،
شوالیه ها، کشیشان حکمفرمائی وسلطنت واقعی داشتند، درین
این ممالک کوچک بعضیها از قبیل تیرو، کولونی، مانس،
پالاتینا، ساکس، بهم، براند بورگ، نفوذ واقتدار وسیعی داشته
وحق انتخاب امپراطور با فرمانروایان آنها بوده است، بعداز
ممالک هفتگانهٔ فوق دو قطعه باویره واطریش در درجهٔ دوم،
وسائر تقسیمات مملکت بین شوالیه ها گردیده که چندان قابل توجه
نبوده، وغالبا زندگانی آنها از قتل وغارت وحتی راهزنی میگذشت
باوجود تجزیهٔ مملکت تمام شاهزادگان شوالیه ها، منتخبین وغیرهم
نگفته نیکی از نویسندگان آلمانی معاصر آن دوره دارای احساس

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 76 of 496

واحد یکه عبارت از میل باستقلال و عدم اطاعت بدیگرے میباشد بوده اند؛ در رأس تمام این سلاطین کوچک امپراطور قرار داشت لیکن چون انتخابی بوده لذا مجبور بمراعات منتخبین میگردید، وگذشته ازان قانون اساسی زمان سلطنت شارل چهارم (۱۳۵۶) که بنام بول دُر[1] معروف میباشد، اختیارات امپراطور را فوق العاده محدود ساخته بود، بطوریکه استقلال کامل منتخبین در قلمرو خویش محفوظ، وحل وفصل امور حکومتی بمشارکت مجلسے موسوم به دیت[2] موکول ومفوض شده بود، این مجالس که بدرجات از پارلمان های انگلیس مقتدرتر بودند، در اداره مملکتی حقیقتاً با امپراطور شرکت داشتند، امپراطور بدون تصویب وامضاے نمایندگان منتخبین وشاهزادگان وشهرها حق هیچ اقدامے را نداشته، وبرائے اعلان جنگ وامضاے صلح، عقد معاهدات، سربازگیری - وحتے اخذ مالیات، اتفاق آرائے نمایندگان مزبور لازم، ودر واقع شخص امپراطور مجری تقسیمات این سلاطین میبود.

این شاهزادگان جز منافع شخصی خویش منظور دیگرے

1- Bulle d'or
2- Diete

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 77 of 496

نداشته، واز مصالح امپراطوری چیزے درمیان نبود، ہر کدام
ازین ممالک دارائے ثروت، جمعیت، وسربازانے شجاع
وامپراطور وامپراطوری فقط اسمے بود بلا مسمے.

خانوادۂ اطریش

در آخر قرن پانزدہم ماکزیمیلین[1] دُطریش، بامپراطوری
انتخاب ودارائے این عنوان گردید (۱۴۹۳) ماکزیمیلین از
خانوادہ ہابسبورگ[2]، یعنی ہمان خانوادہ کہ تا سنہ ۱۹۱۸ در اطریش
سلطنت داشت بودہ است، منتخبین برائے احتراز از تشکیل
یک سلسلہ وسلطنت موروثی تاج امپراطوری را مکرر بخانوادہ
ہائے دیگر واگذار کردہ، تا اینکہ بالآخرہ در سال ۱۴۳۸ بار مجدداً
بیک ہابسبورگ تفویض نمودند، این امپراطور بخیال تعیین
جائے نشینی برائے خویش افتادہ وبہ پسر خود لقب پادشاہ رومیہا
داد، وہمین واسطہ تاج امپراطوری در خانوادۂ آنہا باقی ماندہ
منتہا ہمان ترتیب سابق انتخابی بودند.

ماکزیمیلین انپدر خویش ممالک وایالات مہمۂ اطریش

1 Maximilien d'Autriche
2 Habsbourg

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 78 of 496

دوک نشین، استیری، کارنتی، کارنیول، کنت نشین تیرل و الزاس را
در نواحی جنوب، و جنوب شرقی امپراطوری بارث برده، و پس
از ازدواج ماری[1] دبورگنی، دختر شارل لُ تمر بر فرانش کنته
لوگزامبورگ قسمت اعظم بلژیک و هلاند کنونی، و فلاندر، و آرتوا
نیز بممالک او ضمیمه گردید (۱۴۷۷) ماکزیمیلین همیشه در خیال تحصیل
اراضی جدیده بوده و میخواست که نقشهٔ خویش را از همین راه از دواج
های مفیده بانجام دهد، لذا برای فیلیپ[2] ل بو، پسر خود ژان آلافل
وارث تاج اسپانی را در ۱۴۹۶ء، و برای فردیناند اول نواده اش
وارث پادشاه بهم و هنگری را تزویج نمود، این وصلتها قدرت
خانواده اطریش را بقدرے افزود، که حتے در نیمهٔ اول قرن شانزدهم
موجب مخاطره فرانسه نیز گردیدند.

ممالک متحدهٔ سوئیس

در جنوب غربی امپراطوری در مرکز جبال آلپ اراضی که سابقاً
متعلق به هالسبورگها، و بعد ها دارای استقلال شده بودند تشکیل

1 Marie de Bourgogne 2e Jeanne la folle
2 Philippe le beau

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 79 of 496

ممالک مجتمعه سوئیس را میدادند، تمام مملکت از شش ولایت مرکب بود
پس از دو شکستیکه سوئیسها در گرانسن و مورا بقشون شارل تمر[ر]
دادند، روح تازه پیدا کرده و توجه همسایگان را بخود جلب کردند
بطوریکه شاهزادگان ممالک مجاور در صدد استخدام آنها در قشون
خویش برآمده، و مردمان این ولایات نیز بواسطه فقر و بیچیزی حاضر
بمزدوری میگردیدند، در قرن شانزدهم سوئیس مرکز و مخزن
سربازان داوطلب بوده، و بهترین قسمت قشون جنگهای
ایطالیارا تشکیل میدادند.

اسپانی

در اواخر قرن پانزدهم هرچند که اسپانی بچندین مملکت تقسیم
کرده بود، ولی راه وحدت را بسرعت می پیمود،
اسپانی از سالها یعنی از زمان تسلط اعراب، تاریخش منحصر
بوقایع محاربات با مسلمانان و کوششهای تحصیل استقلال
خویش بوده تا اینکه در قرن چهاردهم نفوذ عیسویان زیاده شده
و تمام مملکت بچهار سلطنت عیسوی ناوار، پرتقال، کاستیل،
Charles le Temeraire

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 80 of 496

وآراگن، وسلطنت اسلامی قرناطه تقسیم گردید، مسلمانان یک قرن دیگر نیز درین مملکت فرمانروائی نموده تا بالآخره پس از اتحاد آراگن و کاستیل مجبور بترک اسپانی و مراجعت بافریقا گردیدند.

فردیناند، وایزابل در سنه ۱۴۶۹ فردیناند وارث مملکت اراگن، ایزابل وارث تاج کاستیل را تزویج کرد، ده سال بعد یعنی در سال ۱۴۷۹ هر یک دارای تخت وسلطنت خویش شدند وتقریبا بلا تامل شروع بمخالفت وجنگ با مسلمین نمودند، ودر سنه ۱۴۹۱ شهر قرناطه را بزیر محاصره آوردند.

پس از نه ماه محاصره، عاقبت محصورین بواسطه قحطی از پای درآمده وتسلط عیسویان در کلیه نقاط اسپانی کامل گردید. فردیناند وایزابل نیز بلقب پادشاهان کاتولیک ملقب شدند

ازین موقع برای تقویت سلطنت خود شروع بپرورش طبقه اواسط الناس نموده ونجبا وسرکشانیرا که بواسطه قرنها جنگ وزدوخورد، دارای قدرت ونفوذی گردیده بودند مقهور خود

ساختند، در ۱۴۸۱ء فردیناند موسسهٔ بنام ادارهٔ مذہبی تشکیل داد
و فجایع انگیزسیون را تجدید نمود، این ادارہ کہ از منتخبین حکومت
مرکب و بقصد زجر و شکنجهٔ غیر مسیویان تشکیل شدہ بود، بزودی
صورت دیگرے بخود گرفتہ و وسیلہ برائے اعدام مخالفین
حکومت و تحصیل ثروت و غنائے آن گردید۔

پس ازین دیگر سلاطین اسپانی از داخلهٔ خود خاطر آسودہ
داشتہ و نظر خویش را بخارج از قلمرو خود معطوف نمودند، در سمت
مغرب بواسطهٔ تشویق ایزابل کریستف کلمب بر جدید را کشف
کردہ و در سمت مشرق در بحر مدیترانہ مالک جزائر سیسیل و سارونی
گردیدند، بعد از فتح این جزائر طبیعۃً بخیال تسلط در مملکت ناپل و نفوذ
در ایطالیا نیز افتادند، لیکن در آنجا با رقابت پادشاہان فرانسہ تصادف نمودند

ایطالیا

ایطالیا نیز مانند اسپانی در اواخر قرن پانزدہم منقسم بعدہ ریاستے
ممالک بودہ لیکن او نیز بجانب توحید تشکیلات خویش میرفت،
شہرہائیکہ در قرون وسطے هر کدام استقلال و اہمیتے داشتند منضمل

Inquisition

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 82 of 496

گردیده و بجای آنها میلان، وینز، و فلورانس عرض اندام نمودند
این سه شهر کم و بیش بقدرے باثروت و قدرت شدند که هر کدام
حقیقة پائتخت مملکتے محسوب گردیده، و بطوریکه سابقاً دیدیم
مثلاً شهر وینز نفوذ خود را در تمام سواحل مدیترانه توسعه داده بود.

دوک نشین میلان

این دوک نشین تقریباً در مرکز جلگه پو واقع، و در قرن چهاردهم
خانواده ویسکنتی آنرا تشکیل نموده بودند، این خانواده ابتدا شهر
میلان را تصرف کرده سپس جمهوریهای اطراف را به تخت استیلای
خویش آوردند، در اواخر قرن چهاردهم یکی از آنها موسوم به
ژان گالئاس لقب دوکی را امپراطور گرفته و دوک نشین میلان را ایجاد کرد.
در سنه ۱۴۷۷ خانواده ویسکنتی منقرض شده و شهر میلان با فتیا
فرانسوا اسفرزا یکی از خدمتکاران این خانواده افتاد، لودویک
پسر اسفرزا که بواسطه رنگش ملقب بعرب شده بود در سال ۱۴۸۹
تمام دوک نشین را بزیر اطاعت خود آورد، مشارالیه برای اینکه

1- Visconti 2- Francois Sforza
2- Jean Galeas Duke of Milan

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 83 of 496

در مقابل تهدیدات پادشاه ناپل پشتیبانی داشته باشد، شارل هشتم پادشاه فرانسه را بکمک خود طلبیده (۱۴۹۳) و بهمین جهت او را یکی از مسببین وقوع جنگهای ایطالیا باید دانست.

ونیز

قویترین ممالک ایطالیائی ونیز بوده است، تشکیلات سیاسی و تجارت خصوصاً تجارت شرق آنرا از غنی ترین و مهمترین جمهوریها و شهرهای اروپا گردانیده، و تمام اراضی واقعه بین دریای ادریاتیک و دریاچه گاردا و پو و جبال آلپ را در تصرف داشت، در خارج ایطالیا نیز سواحل شرقی دریای ادریاتیک و جزائر کرت و قبرس را نیز مالک بود، برای پیش بینی مخاطراتیکه از طرف دول مقتدره ممکن بود متوجه آنها گردد، سفرای همیشه در بار این دول داشته، باین وسیله از نظریات آن حکومتها مطلع گردیده و در صورت امکان جلوگیری از آنها مینمودند.

این تشکیلات سیاسی ونیز باکه برای اولین دفعه در اروپا ظاهر شده بهترین وجهی مدتها کار کرده، و با نهایت مهارت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 84 of 496

منافع بزرگ بملکت خود رسانیده است.

فلورانس

فلورانس تقریباً شامل آثار و ابنیه قدیم یا اراضی بین جبال آپن و دریا بوده است.

بعد از ونیز فلورانس از مشمول ترین جمهوریهای ایطالیا شمرده میشود از حیث صنعت پارچه بافی، و تجارت نقره و همچنین از نقطه نظر تمدن دارای مقام اولین را گردیده و تشکیلات حکومتی آن با اصول جمهوری بود، ادارهٔ شهر را یک رئیس کل و یک قاضی القضاة مینمود خانوادهٔ مدیسی در فلورانس نفوذ فوق العاده داشته، و کسم دیسی اول کسی بود که ازین خانواده بدون قصدی هیچ شعبه از مشاغل عمومی تنها بواسطهٔ فداکاری و سخاوت مالا نهایه و هوش و ذکاوتش بریاست شهر انتخاب گردید، مردم او را پدر وطن مینامیدند، یکی از نوادهایش موسوم به لوران از مشوقین عالیقدر رنسانس و بواسطهٔ تعقیب رویه نیکوی پدران خویش مورد ستایش فلورانسیها بوده است، معهذا انحصار و تفوق مدیسیها باعث عدم رضایت عدهٔ از اهالی فلورانس شده، پس از مرگ لوران و موقع ورود شارل هشتم بایطالیا این خانواده از فلورانس اخراج گردید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 85 of 496

سیاست فلورانسیها چندان قوی نبود، وشهرهای متصرفه
بزحمت قبول اطاعت آنهارا نموده، وهمیشه درصدد تحصیل
استقلال خویش بودند، بنابرین نتوانست درصحنه سیاست قرن
شانزدهم حائز اهمیت فوق العاده گردد.

مملکت ناپل

مملکت ناپل شامل تمام قسمت جنوبی شبه جزیره یا قریب
نصف ایطالیا بوده، واز ابتدای قرن پانزدهم تعلق بسلاطین
اسپانیولی آراگن داشته است، این خانواده مملکت ناپل را از
خانواده فرانسوی آنژو گرفته، وباوجود کوششهائیکه بازماندگان
خانواده آنژو برای استرداد مملکت خویش بعمل آوردند بمقصود نرسیده
وبالاخره حق خود را بلوئی یازدهم واگذار نمودند، عاقبت شارل هشتم
توانست که سلطنت را از ایشان منتزع نماید.

سلاطین آراگن نسبت بمردمان ناپل فوق العاده سختی میکردند
ووجهه دران مملکت نداشتند، وبهمین جهت شارل هشتم را مانند
ناجی خود دانسته وقدوم اورا بخوشی پذیرفتند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 86 of 496

ایطالیا و ممالک مجاور

باختصر شرحیکه داده شد میتوان گفت که وضعیات ایطالیا در اواخر قرن پانزدهم کاملاً مشابه آلمان بوده، منتهی در ایطالیا که بین چند امپراطوری بواسطه تشخص امپراطور وجود داشت آنرا نیز ممالک ایطالیا فاقد بود، بواسطه حسد و رقابتیکه بین این ممالک بود همیشه درصدد ایذای یکدیگر برآمده اتحادهائی بر علیه هم تشکیل کرده، و دائماً در جنگ بودند، معهذا روح نظامی بکلی در ایطالیا وجود نداشت، از فن عسکری نفرت میکردند، هیچکدام از ممالک را ارتش نبوده و فقط اتکا بمستجابان مزدور داشتند، این مزدوران که بکندوتیری مشهور بودند، تمام لوازم جنگ را نیز از خود داشته و برای هر کسیکه بیشتر پول میداد خدمت میکردند.

باین ترتیب بدیهیست که ایطالیای پرثروت، ایطالیای خوش آب و هوا، ایطالیای ضعیف طعمهٔ مطلوبی بوده، و حرص و طمع مردمان شمالی را تحریک مینمود.

سه حریف برای استیلای بایطالیا کشتی میگرفتند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 87 of 496

یکی فرانسه، دیگرے اطریش، وسومین اسپانیول، وعاقبت همین جاه طلبیٔ دولِ اروپاے غربی در اواخرِ قرنِ پانزدهم، ونیمه اول قرنِ شانزدهم الط لیارا میدان یک جنگ عظیمے گردانید.

فصل چهارم

جنگ مابین خانوادهاے فرانسه و اطریش

امپراطوری شارلکن

مدت شصت و پنجسال از ۱۴۹۴ تا ۱۵۵۹ دول اروپاے غربی دائما تحتِ سلاح بودند، لیکن البته اینطور نیست که در ظرفِ این شصت و پنجسال هیچگاه جنگ خاموش نشده باشد، بلکه دوره هاے صلحی نیز وجود داشته، ومجموع سنوات جنگ را تقریبا میتوان مساوی با سالهاے صلح دانست، فواصلیکه بین سرکب ازین جنگها دیده میشود، در نتیجه روح مسالمتے نبوده، وبیشتر اوقات بتجدید قوا، وتهیه متحدین و وسائل جنگ آتیه آنرا ایجاب میکرده است. علت اصلی این جنگهاے دوازدگانه دعاوی پادشاهان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 88 of 496

فرانسه بر دو مملکت ایطالیائی یعنی ناپل و میلان بوده، و چون ایطالیا صحنه بزرگ این جنگها واقع شد، لذا عموماً این منازعات معروف بجنگهاے ایطالیا گردیده اند.

از ۱۵۱۹ میدان و موضوع منازعات تغییر یافته مسئله ناپل و میلان از اهمیت افتاده، و بعد ازین تاریخ سبب واقعی این جنگها قدرت و سلطه فوق العاده شارلکن در اروپاے مرکزی و غربی بوده، و مخاطر اینکه دیگر دول اروپائی در استقلال خود شان میدیدند آنها را وادار بجنگ ساخت.

درین دوره جنگها نیز مانند جنگهاے ایطالیا، خانواده فرانسه مداخله بزرگے داشته، و حقیقةً عامل بزرگ آن بوده است.

پس کلیه منازعات بین سنوات (۱۴۹۴ و ۱۵۵۹) را بدو قسمت مینمائیم.

(۱) جنگهاے واقعی ایطالیا در سال ۱۴۹۴ تا ۱۵۱۹

(۲) کشمکش هاے بین خانواده هاے فرانسه و اطریش از ۱۵۱۹ تا ۱۵۵۹

سلاطین فرانسه در مدت این جنگهاے طولانی شارل هشتم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 89 of 496

لوئی دوازدهم، فرانسوای اول و هانری دوم بوده اند.

I

جنگهای ایطالیا

علل جنگهای ایطالیا

اولین علت جنگ ایطالیا وصیت نامه رنه دانژو باید شمرد: — مشارالیه در ۱۴۸۰ لوئی یازده پادشاه فرانسه را وارث خویش قرار داده و باستثنای ایالات پروانس، مَن و انژو، حقوقیکه در تاج و تخت ناپل نیز داشته بلوئی یازدهم واگذار مینماید.

این پادشاه عاقل و هوشیار میدانست که تصرف مملکت ناپل که در هشت صد کیلومتری سرحد فرانسه واقع میباشد، آنقدرها سهل و عملی نبوده، و خسارات تیکه این اقدام ممکن است برای فرانسه وارد آورد، بیش از منافع آن خواهد بود، لذا هیچگونه توجهی باحقاق این حق مشروع خویش ننمود.

بعد از لوئی یازدهم، پسرش شارل هشتم در سن سیزده سالگی بسلطنت رسیده و از اغلاق حادثه جو، و تصورات اغراق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 90 of 496

تیز بود، افسانہای شوالیہ ہای قدیم، و سوانح جنگہای شارلمانی
و پہلوانان او بقدرے روح این جوانرا مجذوب ساختہ بود کہ ہرگز
از فکر تجدید جنگہای صلیبی، فتح قسطنطنیہ، اخراج ترکہا و غیرہم بیرون
نرفتہ، و تسخیر شرق یکی از آمال او شمردہ میشد، مختصر، پادشاہے بود
خود خواہ و شہرت طلب، و برائے برداشتن اولین قدم در نیل این مقاصد
ہیچ اقدامے بہتر از تصرف ناپل بنظر نمیرسید، ہمین جہت در زمان
سلطنت این پادشاہ جنگہای ایطالیا عرض اندام نمودہ۔
و حقیقۃً اخلاق و صفات شارل ہشتم را باید علت دوم جنگہای
ایطالیا بدانیم۔

پس از جلوس لوئی دوازدہم نیز سبب تازہ ظہور کردہ
و آن عبارت از این بود کہ چون دوک دراینان برادر شارل ششم
جد لوئی دوازدہم، دختر ژان گالئاس دوک میلان را تزویج نمودہ بود
ازین رو لوئی دوازدہم در مملکت میلان حقے برائے خویش
تصور کردہ و ہمانروز تا جگذاری خود عنوان دوک میلان را ہم اختیار
نمودہ و دعاوی بر میلان نیز علاوہ بر دعاوی بر ناپل گردید۔

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 91 of 496

معهذا تا موقعیکه لودویک اسفرزا در مقابلِ پادشاهِ ناپل از
شارلِ هشتم استمداد ننمود، حسّ جاه‌طلبیِ سلاطینِ فرانسه خاموش
بوده، و عملاً جنگهای ایطالیا وجود نداشت، از طرفِ دیگر نیز اگر تنها
پادشاهانِ ناپل و میلان منحصر اطرفهای سلاطینِ فرانسه بودند
این منازعات چندان دوامی پیدا نمیکرد، لیکن در ناپل مصادف
با فردیناند کاتولیک، پادشاه آراگن گردیده و در میلان مالک میلین
امپراطور اطریش را در برابرِ خود دیدند، از تمام اینها گذشته تسلط و نفوذ
سلاطینِ فرانسه در ایطالیا موجب بیم و هراسِ سائر ممالک کوچکِ
ایطالیا از قبیل ونیز، فلورانس، حتی پاپها هم گردیده، و اتحاد
هائی تشکیل دادند، و قایع جنگهای ایطالیا بواسطه عدم ثبات
این اتحادیه‌ها و تغییراتیکه لاینقطع در آنها پیدا میشد فوق العاده درهم
و پیچیده است، ما در اینجا فقط خطوط برجسته آنرا ذکر مینمائیم.

اولین قشون کشی ناپل

در سپتامبر ۱۴۹۴ شارلِ هشتم بجانبِ ایطالیا حرکت کرد
از جبال الپ تا سرحد مملکت ناپل حادثه برای او رخ نداده و در

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 92 of 496

تمام شهرها مانند میلان، فلورانس، رم، باکمال مهربانی و دوستی پذیرفته میشدند
در حدود ناپل مصادف مختصری واقع شده لشکر ناپل شکست
خورده و سلطانش به سیسیل فرار کرد، شارل هشتم پس از پنج ماه
از تاریخ حرکتش در ناپل قرار گرفت (۲۲ فوریه ۱۴۹۵) در موقع
ورود به ناپل، سربازان و مردم با آوازهای تهنیت او را بنام
امپراطور قسطنطنیه و پادشاه بیت المقدس خطاب میکردند.

توقف شارل هشتم در ناپل چندان طولی نکشید، و نیز بها
لودویک اسفرزا، پاپ الکساندر ششم، ماکزیمیلین، فردیناند و ایزابل
جمیعاً اتحادی بر علیه او نمودند، نقشه متحدین این بود که رابطه شارل را
با فرانسه قطع نموده و کار او را خاتمه دهند، ولی فرانسویان در
ظرف یک ماه برابر لشکریان پادشاه خویش باز نموده و شارل هشتم پس از یکسال
مجدداً بمملکت خود مراجعت نمود.

و متجاوزات فرانسوی که در ناپل مانده بودند تا یکسال دیگر
(۱۴۹۷) مقاومت نمودند، اما از این تاریخ دیگر هیچ امیدی
برای شارل در ایطالیا باقی نماند، یکسال بعد یعنی در ۱۴۹۸ عیناً را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 93 of 496

با آرزوهای خود وداع گفته، و پسر عمش دوک در لنان بنام لوئی دوازدهم جای نشین او گردید.

اولین تصرف میلان

لوئی دوازدهم در ۱۴۹۹ء بقصد تصرف میلان افتاده، و پس از هفت ماه بمقصود رسید.

قشون مزدور سوئیسی لودویک اسفرزا را تسلیم پادشاه فرانسه نموده و مشار الیه در حبس جان داده و مدت چهارده سال لوئی دوازدهم در میلان حکمفرمائی کرد.

دومین قشون کشی ناپل

سپس لوئی دوازدهم خواست که مملکت ناپل را نیز پس گرفته باشد، اما چون از همراهی فردیناند با پادشاه این مملکت خوف داشت قبلاً طرح اتحادی با او ریخته، و توافق در تقسیم ناپل حاصل نمودند. فردیناند بعنوان کمک قشون خود را وارد مملکت ناپل نموده و در سال ۱۵۰۰ متحدین مملکت را تسخیر کرده و لوئی دوازدهم لقب پادشاهی ناپل را نیز اختیار کرد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 94 of 496

در بنوقت سلطان آراگن شروع بمخالفت با فرانسویها
واجرائے مقصودِ اصلی خویش، یعنی اخراج ایشان وتملک قطعی
ناپل نموده ودرسال ۱۵۰۴ لوئی دوازدهم مجبور بتقاضائے مقام
وترک ناپل گردید۔

ژول دوم، اتحاد برعلیه وینز

اگرچہ جاہ طلبی وتفوق جوئی ژول دوم نبود، جنگہائے
ایطالیا بہمین جا خاتمہ مے پذیرفت، امّا این شخص کہ در سنہ ۱۵۰۳
بمقام پاپی انتخاب شد، میخواست کہ تسلط مادی پاپہا را در
ممالک ایطالیا متحکم ساختہ ودست خارجیان را نیز در انجا کوتاہ کند۔
لذا در سنہ ۱۵۰۸ اتحادے برعلیه وینز در کامبره تشکیل داده
ولوئی دوازدهم وماکزیمیلین، فردیناند وملکت فلورانس ہم دران
شرکت نمودند، قشون فرانسه درین جنگ مبادرت کرده وینزیہا
در اگناديل (۱۵۰۹) شکست داده مضمحل نمود۔

اتحاد برعلیه لوئی دوازدهم

وینزیہا بزودی خواستار صلح گردیدند، ژول دوم اتحادیه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 95 of 496

کامبره راکه هانری هشتم پادشاه انگلیس وسوئیسیها هم بآن ملحق
گردیده بودند، بجانب پادشاه فرانسه متوجه ساخت.

ابتدا بواسطه شجاعت وزبردستی گاستن دُفوا برادرزادهٔ
بیست ودوساله، وسرداراجوان لوئی دوازدهم صورت جنگ
برای پادشاه فرانسه مساعد بوده، ومتحدین رامتوالیاً دربولونی
برسیاوراون، مغلوب نمود، اما پس ازقتل گاستن درجنگ
اخیر، کلی وضعیت تغییریافته، انگلیس ها درکالیه پیاده شده سوئیسها
تادیژن پیش آمده بودند، لوئی دوازدهم بقوهٔ پول مهاجمین رابقدری
متوقف کرده ومتارکه باپاپ لئون دهم که تازه جای نشین
ژول دوم شده بود ومالزیمیلین وفردیناند منعقد کرد خود انیز
تهدید بالافاصله دراول ژانویه ۱۵۱۵ فوت نمود.

فرانسوای اول ودومین

تصرف میلان

لوئی دوازدهم چون پسر نداشت، بعدازوی تاج سلطنت
بدامادش فرانسوای اول پسرعمه ودامادش رسید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 96 of 496

بمحض جلوس، فرانسوائے اول نیز کہ مانند لوئی دوازدہم خود را
وارث میلان میدانست، باو نیز بہا اتحادے کردہ مصمم تصرف
میلان شد، وپس از فتح مارنیان (۱۵۱۵) مالک مملکت مزبور گردید
این فتح نہ فقط مخاصمین پادشاہ فرانسہ را مجبور بتقاضائے
متارکہ نمود بلکہ زمینہ صلحے را نیز آمادہ ساخت، اولین شخص پاپ لیون
دہم کنکردائے ۱۵۱۶ را دستخط کردہ، سپس سوئیسہا صلح ابدی را
کہ تا انقلاب ۱۷۸۹ محترم داشتند امضا نمودہ وبالآخرہ امپراطور
اطریش وپادشاہ اسپانی ہم حق تملک میلان را برائے فرانسوائے
اول شناختند، درعوض فرانسوا نیز مملکت ناپل را بہ پادشاہ اسپانی
واگذار، وحقیقۃً ایطالیائے شمالی را خود گرفتہ وجنوبی را برائے
فردیناند باقی گذاشت۔

باینصورت در ۱۵۱۸ جنگہائے ایطالیا خاتمہ یافتہ واروپائے
غربی باز سکونت وآرامشے بخود دید۔

قشون

جنگہائے ایطالیا دارائے یک فائدہ بزرگ نظامی بودہ،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 97 of 496

و در حقیقت هم جنبه جنگهای قرون وسطی و هم اصول و طریق جنگهای جدید را داشته است، در عین حال هم آن ذره های قدیم و سنگین را بخود استوار میکرده، و هم توپ و تفنگ استعمال مینموده اند، اگرچه هنوز سواران قرون وسطی از این جنگها اهمیت فوق العاده داشتند، لیکن در پهلوی آنها توپخانه یا قوه عمده و قشون امروزه نیز کار میکرده است.

در بین تمام اسلحه آتشی فقط تکمیلات بسیاری در توپها شده و آنها را مخوف ساخته بود، خطر انفجار دیگر بکلی مرتفع گردیده و همچنین لوله های توپها بکمال سهولت حرکت نموده، و در نتیجه برای نشان کردن کار را آسان نموده بود، توپها در روی قنداغه های چوبی چرخ دار سوار شده، و برای حمل و نقل میگردیدند، ولی بعضی توپهای بزرگ که تقریبا دارای سه متر طول و ۳۲۰۰ کیلوگرام وزن بودند، برای نقل آنها قوه هفده اسپ لازم میشد که هریک را بدنبال یکدیگر می بستند بدین طریق توپخانه عموما ساکن بوده و از نقطه که قرار داشت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 98 of 496

نمیکرد، واگر قشون نے شکست وارد مے آمد توپخانہ او تمام بدست
لشکر فاتح مے افتاد، سلاحهاے دستی آتشی چندان مداخلہ
واہمیتے درجنگها نداشت، زیرا برائے آتش دادن یک گلولہ
پنج دقیقہ وقت صرف شدہ خط سیران آن تازہ بیش از یکصد و پنجاہ
متر نبودہ بدین ملاحظہ درین جنگها ہم مانند قرون وسطے تقدیر
ہر لشکرے بدست پہلوانان خود، ویا بالآخرہ در نتیجہ جنگهاے
تن بہ تن بودہ است۔

قشون، بیشتر از مزدوران خارجی مرتب میشد، در فرانسہ
فقط دستجات کوچکے سوارہ نظام منظم ودائمی وجود داشت
کہ درخدمت شوالیہ ها حرکت میکردند، سربازان سوئیس قدرے
اسلحہ خویش را بکتر ساختہ سپر دبازو بستہ وزانو بند وغیرہم را بکلی
دور انداختہ، وحتے خودهاے خود را مبدل بکلاہ هاے چرمی کردہ بودند
قشون سوئیس باستثناے شمشیر، نیزہ هاے بطول شش متر
بکار میبردند، وعموماً در جنگها بہیئت اجماع یعنی قریب بشکل
فالانژ ها ے مقدونی حرکت میکردند؛ نیزہ داران در جلو وسایر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 99 of 496

نفرات قشون که بیشتر کار آنها در موقع جنگ تن به تن بود در عقب قرار داشتند، نیزه داران لشکر دشمن را متفرق مینمودند، و میدان را بدست آنها یکه دارای اسلحه کوتاه بودند وا میگذاردند.

از پهلوانان قابل ملاحظه جنگهای ایطالیا یکی بایارد و دیگری کاستن دفوا بوده است، حقیقةً میتوان اولی را آخرین شوالیه فرانسه، و دومی را اولین سرداران جدید عالم دانست.

جنگ بین خانواده فرانسه و اطریش

صلحیکه با این زحمت در سنه ۱۵۱۸ بدست آمد بیش از دو سال دوام نکرد، در سنه ۱۵۲۰ باز فرانسه شروع بجنگ نمود، لیکن این مرتبه دیگر مقصود تصرف ناپل یا میلان نبوده، بلکه بواسطه قدرت فوق العاده که شارل دُطریش معروف به امپراطور شارلکن پیدا کرده بود، اروپای غربی، وخصوصاً فرانسه حیات خویش را متزلزل و در معرض خطر دیده و آهنگ مخاصمه نمودند.

ممالک شارلکن

امپراطوری عظیم شارلکن در اثر یک رشته وصلتها و میراثها تشکیل یافته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 100 of 496

مشارالیه که از طرف پدر، نواده ماری دبورگنی، و از جانب
مادر نواده فردیناند و ایزابل بود، پس از فوت آنها در ابتدای سنه ۱۵۱۹
مالک و صاحب اختیار ممالک وسیعهٔ چهار سلطانِ بزرگ یعنی
شارل متهور، ماکزیمیلین، فردیناند، و ایزابل گردید، ارث اقوام
پدری او عبارت از هلاند، آرتوا، فلاندر، و فرانش کنته، یعنی بقایای
ممالک شارل متهور، و آرشیدوک نشین اطریش، استیری، کارنتی،
کارنیول، تیرل، با متصرفات خانوادهٔ هابسبورگ، بوده.
و از اقوام مادری خویش نیز ممالک آراگن، ساردونی، سیسیل،
و ناپل را بارث برده، و بممالک فوق الذکر ضمیمه گردانید، از جدول
ذیل سلسلهٔ نسب شارلکن بخوبی معلوم میشود.

ماری دبورگنی — ماکزیمیلین دهابسبورگ — ایزابل — فردیناند
فلیپ اول بوردخوبروی — ژان لافل (سبک عقل)
شارلکن

علاوه بر ممالک مذکوره باید مملکت کاستیل، و همچنین قطعه
امریکا را نیز که فردیناند، و کرتز، و پیزار مشغول تسخیر آن بودند، جزو

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 101 of 496

امپراطوری شارلکن محسوب داشت.

ممالک مختلفه فوق الذکر امروز شامل هلاند، بلژیک، گراند دوشه لوکزامبورگ - ایالات شمالی فرانسه، پادکاله، سائون علیا، دوب وژژ و قسمتی مملکت اسپانی، نیمه مملکت ایطالیا، جمهوری اطریش، وچکوسلاوی وبالآخره نصف بزرگ جدید امریکا میباشد.

حقیقة شارلکن، اولین شخصی بوده که بتنهائی مالک اینهمه تاج و تخت گردیده، وانصافاً باطرافیان اوکه متکبرانه میگفتند، "آفتاب در اراضی پادشاه اسپانی غروب نمیکند" باید تسلیم نمود وحق داد.

در ماه جون سنه ۱۵۱۹ علاوه بر تاجهای ارثی تاج امپراطوری آلمان نیز نصیب فرق شارلکن گردید، بدین صورت که پس از مرگ ماکزمیلین، فرانسوای اول پادشاه فرانسه، وشارل اطریش داوطلب امپراطوری آلمان شده، ومنتخبین هفت گانه شارل اطریش را انتخاب کرده، واز همین وقت مشارالیه خود را به شارلکن یعنی شارل پنجم ملقب نمود، درین موقع شارلکن نوزده سال بیش نداشت.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 102 of 496

شارلگن و فرانسه

قدرت شارلگن خطر بزرگ برای تمام ممالک و خصوصاً
برای فرانسه پیش بینی مینمود، خاک فرانسه محصور متصرفات
امپراطور و در تمام نقاط لبسرحدات او تصادم داشت، توجه مخاطره
بیشتر از طرف شمال و مشرق بوده، زیرا ایالاتیکه امروزه در بلژیک و
جزو قلمرو فرانسه بشمار میآید در آنوقت در اراضی شارلگن محسوب
و پاریس پائتخت فرانسه بیش از یکصد و پنجاه کیلومتر از دشمن
فاصله نداشته، هیچ مانع طبیعی مانند کوه هائی مرتفع و یا رودخانهای
بزرگ آنرا از تهاجم ناگهانی همسایگانش محفوظ نمیداشت.

خطرناک تر از این وضعیات طبیعی حسّ جاه طلبی و دعاوی
شخص شارلگن بوده که بعنوان نوادگی شارل متهوره میخواست
دو ایالت پیکاردی و بورگنی را که زمان لوئی یازدهم بتصرف
فرانسه درآمده بود جزو ممالک خویش نموده، همچنین بهانه ریاست
امپراطوری مقدس روم تمام ایطالیا، و بالآخره میلان متصرفه
فرانسوای اول، و دو ایالت دفینه و پروانس، ایالات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 103 of 496

فرانسه را نیز بقلم و خود منضم نماید.

با این ترتیب برای فرانسه جنگ باشارلکن از ضروریات اولیه و از مسائل حیاتی دانسته شد، از سنه ۱۵۲۰ جنگهائیکه فرانسوای اول و بعد از و هانری دوم نمودند، مانند شارل هشتم و لوئی دوازدهم بقصد استیلا و یا خودپسندی نبوده بلکه برای نجات ملی و حفظ تمامیت فرانسه مبادرت باین مخاصمات کردند.

جنبهٔ عمومی این جنگ

مخاصمه در سال (۱۵۲۰) شروع، و در (۱۵۵۹) ختم گردید سی و نه سال طول کشید، شارلکن و فرانسوای اول هیچکدام عاقبت آنرا ندیده، و پسرهای ایشان فیلیپ دوم پادشاه اسپانی و هانری دوم پادشاه فرانسه آنرا بآخر رسانیدند.

این مخاصمه شش دوره یا شش جنگ تقسیم میشود، که چهار آن در زمان فرانسوای اول، و دو در مدت سلطنت هانری دوم بوده است میدان جنگ کاهی در ایطالیا و گاهی در نواحی شمالی و شرقی فرانسه بوده، و از خصائص آن اینست که مانند جنگهای صد سال

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 104 of 496

فقط دو سلطان در مقابل یکدیگر نه ایستاده، بلکه شارلگن و فرانسوای اول، و همچنین فیلیپ دوم، و هانری دوم، هریک متحدینی داشته اند بقسمیکه ملاحظه میشود، درین جنگها خانواده‌ای فرانسه واطریش، پادشاه انگلیس، شاهزادگان آلمان، ممالک ایطالیا، پادشاه سوئد، پاپ‌ها، حتی شرکت و دخالت ورزیده اند، بطوریکه این جنگهای فرانسوی را حقیقتاً باید جنگ اروپائی دانست

اولین جنگ

دوره اول که بین سنوات (۱۵۲۰ و ۱۵۲۶) جریان داشت برای فرانسه فوق العاده گران تمام شده، و سرنوشت دوره‌های مابعد را واقعاً معین نمود، از ابتدای شروع مخاصمه قسمت شمال و مشرق فرانسه مورد تهاجم واقع گردید، و سیلان از دست آن خارج گردید، ولی شجاعت بایارد و شوالیه فرانسوی خاک وطنش را از وجود دشمن پاک، و فرانسوا نیز بزودی حالت تعرض گرفته میلانرا مسترد نمود، لیکن تهور بیجای او در ۲۴ فوریه ۱۵۲۵ منجر بشکست جبران ناپذیر پاوی گردید، درین جنگ فرانسوا مجروح و اسیر شده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 105 of 496

وبیش از شش ماه در مادرید با سارت گذرانیده و تا معاهده مادرید را
امضا ننمود از حبس خلاصی نیافت، مطابق این معاهده دولت
فرانسه از کلیه دعاوی خویش بر ناپل و میلان و حاکمیت خود بر
ارتوا و فلاندر صرف نظر کرده ایالت بورگنی را بپادشاه اسپانی،
واگذار نمود، فرانسوای اول بمحض خلاصی از اجرای مواد معاهده
سر باز زده خود را ملزم باحترام امضائی که بزور و جبر از و گرفته شده بود
ندانسته از تسلیم بورگنی امتناع ورزید، فقط چون در خود بتنهائی قوه
مقابله با شارلگن را نمیدید بخیال تهیه متحدین افتاد و بواسطه نزدیکی
از قدرت شارلگن در تمام دول اروپائی ایجاد شده بود زود
بمقصود کامیاب گردید.

متحدین فرانسوا بعد از شکست پاوی سلطان سلیمان دولیس
از معاهده مادرید هانری هشتم پادشاه انگلیس و پاپ، و بالآخره
بعد ها شاهزادگان المان بوده اند.

دوم و سوم و چهارم جنگ

بواسطه مساعدتهای مختلفه و خصوصا همراهی ترکیها که در

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 106 of 496

سال ۱۵۲۹ بمحاصرهٔ وین پرداختند، فرانسوای اول تواند
که از دوره دوم جنگ (۱۵۲۶-۱۵۲۹) بموجب معاهده کامبره
(۱۵۲۹) شارلکن را از خیال تملک بورگنی منصرف نماید، و با انعقاد
این عهدنامه معاهده مادرید را ملغی گرداند، در جنگهای سوم (۱۵۳۶-
۱۵۳۸) و چهارم (۱۵۴۲-۱۵۴۴) پیشرفت مختصری برای
فرانسوای اول حاصل شد ساوا و پیمن را تصرف کرده، و در
سنه ۱۵۴۴ فتح نمایانی در سمرزل نصیب او گردید، لیکن شکستهای
پیاپی، فتوحاتش را عقیم ساخته قشون شارلکن در سنه ۱۵۳۶ مجددا
وارد پروانس و در سنه ۱۵۴۴ داخل شامپانی شده و پادشاه انگلیس
هم که بطرفداری شارلکن قیام کرده بود بولنی را تصاحب نمود،
درین بازنیز ترکها شروع بعملیاتی در هنگری کرده و شارلکن را
مجبور نمودند که اندرمسالمت با فرانسوا درآید، معاهدهٔ صلح در کرپی
منعقد و کل تواو فلاندر بازار تصرف فرانسه خارج گردید، خود فرانسوا
یکسال بعد در سنه ۱۵۴۷ فوت گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 107 of 496

هانری دوم و پنجمین جنگ

در زمانِ سلطنتِ هانری دوم جنگ برای پنجمین دفعه مشتعل شد (۱۵۵۲) درین دوره فرانسویها بکلی ایطالیا را ترک گفته و کوشش را در سرحداتِ شمالی و مشرقی بطرفِ مزل و رَن مصروف داشتند، متحدینِ فرانسه درین دوره، شاهزادگان پروتستان المان بودند. این شاهزادگان که از چند سال باشارلکن مشغول جدال بودند، از هانری دوم تقاضای پولے نموده وحق تصرف سه شهر را میراطوری یعنی متز، تول، وِوردان را برائے او شناختند، پادشاهِ فرانسه شهرهائے فوق الذکر را در ۱۵۵۲ متصرف شده وحتے تا استراسبورگ راند، شارلکن مساعی بیهوده در استردادِ متز بخرج برده و در ظرفِ دو ماه دوثلث قشونش را در پائے دیوارِ شهرِ مذکور که دوک فرانسوا و گیز از دفاع میکرد تلف ساخت (۱۵۵۲)

کناره گیری شارلکن از سلطنت

این هزیمت بی اندازه در وجود شارلکن موثر واقع شد، از طرفے زحمات فوق العاده هم که در مدت سی سال برائے اداره ممالک وسیعه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 108 of 496

خویش تحمل نموده بود اورا مریض و مضمحل ساخته بود، بنابرین بخیال
کناره گیری افتاد، ابتدا ممالک ناپل، پی یا، فرانش کنته، اسپانی،
ایطالیا و امریکا را به فیلیپ دوم پسر خود واگذار کرده و سپس افسر امپراطوری
و ممالک موروثه از ہابسبورگ ہا را به برادر خویش فردیناند، که سلطان
بہم و ہنگری بود تفویض نمود، بدینطریق شارلکن خود را از تمام حیثیات
سلطنتی فارغ البال ساخته و اسپانی را برای محل اقامت اختیار
کرد، و دو سال بعد (۱۵۵۸) در ہمانجا در گذشت.

کناره گیری شارلکن و تقسیم امپراطوری طبیعةً مساعد حال
فرانسه واقع شد زیرا خانواده اطریش بدو دسته ہابسبورگ ہای اسپانی
و ہابسبورگہای اطریش قسمت گردیده، و با وجود اینکه ہر دو دسته
ہمان عداوت سابقه را با فرانسه داشتند، ولی چون دیگر در تحت
اراده واحد نبودند البته آن مخاطرات برای فرانسه وجود نداشت.

ششمین جنگ

از بی احتیاطی ہانری دوم باز جنگ شروع شد، فیلیپ دوم
بواسطه ازدواج ماری تودر، دختر ہانری ہفتم مقتدر گردیده، و بیم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 109 of 496

مصراتے برائے فرانسہ میرفت، غلبہ و تصرف سن کانتن، راہ پاریس را
برائے فلیپ دوم باز کردہ، اما مشارالیہ ندانست کہ چگونہ تعقیب پیشرفتہائے
خویش را بنماید، دوک وگیز این شکست را باتصاحب کالہ کہ انگلیسہا
از دو قرن پیش در استیلائے خود داشتند و تصرف بوکز ابورک جبران نمود۔

صلح کاتو کامبرزی

بزودی مذاکرات صلح شروع شدہ و منجر بامضائے معاہدہ
کاتو کامبرزی گردید (۳ اپریل ۱۵۵۹) مطابق این عہدنامہ کہ در
پادشاہان فرانسہ، اسپانی و انگلیس و امپراطور شرکت داشتند، پادشاہ
فرانسہ از تمام دعاوی خویش در ایطالیا صرف نظر نمودہ و فقط چند استحکامات
نظامی را در پائے جبال آلپ و سہ شہر تول متر، وردن را در شمال
برائے خود حفظ نمود، و انگلیس نیز کالہ را ترک گفت، در مقابل پادشاہ
اسپانی دو مملکت ناپل و میلانز را در ایطالیا متصرف گردیدہ،
و تا یکصد و پنجاہ سال بدست جانشینان او باقی ماند۔

برائے ضمانت قطعی صلح و دوستی در ضمن ہمین معاہدہ قرار
مزاوجت فلیپ دوم با دختر ہانری دوم دادہ شدہ و در موقع عروسی جشنہائے

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 110 of 496

بزرگے در پاریس گرفتند، یکی از روزہائے جشن ہا نری شخصاً مشغول نیزہ بازی گردیدہ نیزہ حریف خود را شکست، لیکن خوردہ آنچوب آن بصورت او پریدہ و چشمش را مجروح ساخت، ہا نری چندے بعد از صدمہ ہمین جراحت در گذشت۔

علل عدم پیشرفت شارلکن اول

در سنہ ۱۵۲۰ء موقعیکہ مینخواست شارلکن شروع بجنگ فرانسوائے اول نماید گفت کہ «دیرے نمیگذرد کہ یا من امپراطور خیلے بزرگ خواہم شد، ویا او پادشاہ بیچارہ خواہد شد.» سی سال جنگ کرد و شارلکن بر من مدت نتوانست آن فتح و غلبہ منظورہ خود را در آغوش گیرد علت این بود کہ با وجود وسعت فوق العادۂ ممالکش قدرت حقیقی او آنقدرہا زیاد نبود. ممالک شارلکن ہر کدام در گوشۂ افتادہ و روابطے بین آنہا وجود نداشت، نژاد و زبان ساکنین آن تماماً متفاوت بود. اگر واقعاً شارلکن مینخواست کہ بدون کمک مترجم با اتباع امپراطوری وسیع خود صحبت نماید، بایستی زبانہائے فرانسہ، اسپانیول، ایطالیائی، فلاماندی و المانی را بداند۔

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 111 of 496

ممالک کاملا در تحت اقتدار او نبودند، وعادات وامتیازات
وتشکیلات هرکدام حدودی برای اختیارات امپراطور قرار داده بود،
در اوائل سلطنتش اهالی اسپانی وفلاندر برای دفاع حقوق وامتیازات
خویش علم طغیان افراشتند، شارلکن نمیتوانست که بمیل واراده خود
مالیات وسربازان ممالک متصرفاتش بگیرد.
برعکس وحدت ملی فرانسه، فوق العاده مستحکم بوده، ودر مقابل
اراده شخص سلطنت هیچ مانعی وجود نداشت، بزرگان از خون خود
وبورژواها از پول خویش مضائقت نمیکردند، وهمین ملاحظه فرانسه را
که بعد از هر یک از این شکستهای فاحش تقریبا باز خود را آماده جدال نمایند

سیاست انگلیس

هرچند عقیده هانری هشتم این بود که «غالب کسی است که امور را بتأخیر اندازد»
لیکن بواسطه عدم ثبات او ممکن نبود هیچکدام از طرفین اطمینان کامل
باو داشته باشند، هر یک از شارلکن ویا فرانسوا که قدرتی پیشرفت میکردند
وقدرتی مییافتند، فورا هانری برای زمین زدن قوی با ضعیف میشد،
وبا این سیاست میخواست که موازنه بین فرانسه واسپانی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 112 of 496

نگاهداشته وخود استفاده های منظوره را بنماید، در ابتدای جنگ باوجود
مساعی فرانسوای اول تن باتحاد او نداده وپس از شکست (پاوی)
شارلکن، را ترک گفته بفرانسوا ملحق گردید، بدینطریق هانری هشتم حقیقةً
در تمام طول سلطنتش مجرای سیاست موازنه بوده است، نتیجه که انگلیسها
از مداخله در جنگهای بین خانواده فرانسه واطریش بردند، این بود که در
سال ۱۵۵۸ کاله را از دست داده وبکلی دست خود را از خاک فرانسه کوتاه
کردند، بطوریکه تفصیل آن گذشت.

اتحاد باترکها

فرانسه از اتحاد باترکها، وهمچنین باشاهزادگان آلمان نتایج بزرگی
که بعضی از آنها فوراً بدست آمده، وبعضی دیگر دیرتر ظاهر گردید ولی ثابت
بودند، ترکها که شصت سال قبل در ۱۴۵۶ بواسطه ماتیاس کروین پیشرفتشان
در مقابل بلگراد متوقف شد، در زمان سلطنت سلیمان باز حالت تعرضی گرفته
در ۱۵۲۱ موقعیکه جنگ بین شارلکن وفرانسوا شروع گردیده بود، پس از دوازده
حمله شهر بلگراد را متصرف آوردند، چند روز بعد از جنگ (پاوی) سلیمان
با دویست هزار قشون بهنگری هجوم برده سپاه عیسوی را در مهاک درهم شکسته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 113 of 496

وشهر بودا پست را مسخر کرد، درینوقت ایلچی فرانسوا برای طلب مساعدت سلطان
برعلیه شارلکن بنزد او رفت چنانکه دیدیم سه سال بعد در نتیجه یورش سلیمان
بادویست وپنجاه هزار لشکر، وسه صد توپ بجانب وین شارلکن بهراس
افتاده خواستار صلح گردید، ترکها تا رأتیسبن یعنی تا قلب آلمان پیش رفته بودند
در اثر این همراهی، فرانسوا مناسبات خود را تعقیب کرده دو معاهده یکی
تجارتی و دیگری تدافعی و تعرضی برعلیه شارلکن با سلیمان منعقد نمود، پس
ازین تاریخ نیز سلیمان چهار مرتبه بهنگری لشکر کشی کرده و آخرین آنها مصادف
با حرکت هابزی دوم بجانب متنزر بوده است.

اتحاد ترک و فرانسه یک اتحاد اتفاقی و بی اساسی نبوده، بلکه حقیقةً
صفات و خصوصیات یک اتحاد کامل را داشته چنانکه در ۱۵۶۳ء دسته از جهازات
ترک در بندر مارسیل بجهازات فرانسوی ملحق گردیده و بنیس را متفقاً محاصره و گلوله باران نمودند
اتحاد فرانسوای اول با مسلمانان یکی از وقایع بزرگ قرن شانزدهم و انعکاس
غریبی در عالم انداخت، فرانسه همان مملکتیکه پیش قدم جنگهای صلیبی بوده و بازوی
راست عیسویت شناخته میشد از برای حفظ سیاست خارجی خود دست دوستی و وفاق
بجانب مسلمانان دشمنان عیسویت دراز نمود، و ترکها را که تا آنوقت تمام اروپا آنرا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 114 of 496

بچشم دشمنی و عداوت میدید در حوزه اروپائی وارد ساخت، از طرفی نیز فرانسه با
انحصار کشتی رانی سواحل ترکیه را تحصیل کرده، و بیش از یک قرن از این امتیاز
های ثروتی بیشمار نمودند، و ضمناً اماکن بیت المقدس را هم تحت حمایت خویش
گرفته و مقتدراً بنفوذ خود را نه فقط بر عیسویان اتباع خارجه بلکه بکاتولیک ها
اتباع ترکیه نیز جاری ساختند، بطوریکه حقیقةً اهمیت تجارتی مروزه
فرانسه را در سواحل شرقی مدیترانه و نفوذ سیاسی آزاد در شامات بلد از نتایج
غیر منتظره لیکن حتمی جنگهای فرانسوای اول با شارلکن با انجاد با ترکها دانست.
پروتستانهای آلمان بواسطه تضییقات فوق العاده که در استقلال سیاسی
و خصوصاً آزادی مذهبی خود از شارلکن میدیدند مصمم مقابله با او گردیده و برای
مخارج محاربه استعانت پیدا از هانری دوم پادشاه فرانسه نمودند، در این وقت
معاهده نیز در فرید والد در سنه ۱۵۵۲ با فرانسه ها منعقد کردند، در این معاهده
هانری متعهد شد که هر ماهه مبلغ خطیری بشاهزادگان پرداخته و ایشان هم
در مقابل تسلیم سه شهر تول، متز و وردن را بپادشاه فرانسه عهده دار
گردیدند، سه شهر فوق الذکر تا سنه ۱۵۵۹ در تصرف فرانسه ها بوده لیکن در این سال
شهر متز را المانها باز پس گرفته، و در سال ۱۹۱۸ مجدداً مسترد داشتند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 115 of 496

فصل پنجم

اصلاحات مذهبی

از مهمترین وقایعیکه نیمهٔ اول قرن شانزدهم را در تاریخ مشخص و برجسته نموده تغییرات مذهبی است که به (اصلاحات مذهبی) معروف گردید این اصلاحات مذهبی که عامل اصلی آن ها در آلمان لوتر و در فرانسه کالون بودند نتایج ذیل را بخشیدند :-

یکی مذهبی که عبارت است از قطع رشتهٔ وحدت مسیحی در اروپای غربی و ایجاد طریقهٔ لوتری - کالونی و انگلیکانی در مقابل مذهب کاتولیک رم.

دیگری سیاسی که مقصود از جنگهای داخلی آلمان و بعد جنگهای داخلی فرانسه در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم پس پیدایش ممالک جدیده مانند دوک نشین پروس - سوئد و جمهوری ایالات متحده میباشد.

علل رفرم - علل رفرم متعدد بوده ولی بین تمام آنها مخصوصاً دو سبب فوق العاده مهم هستند یکی وضعیت کلیسیا در ابتدای قرن شانزدهم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 116 of 496

ودیگری انتشار انجیل بوسیله چاپ .

در ابتدای قرن شانزدهم کلیسا بصورتی افتاده بود که یک اصلاحات عمیقی حتمی بنظر می آمد همان معائب و فساد اخلاقی که در قرن یازدهم پاپ گرگوار هفتم را وادار باصلاحات کرد باز درین قرن در کشیشان بحد افراط رسیده و وضعیات خیلی باریک تر از پانصد سال قبل شده بود در قرن یازدهم فساد تنها در اعضا، یعنی کشیشان نفوذ کرده ولا اقل شخص پاپ منزه و مبرا بود ولیکن در قرن شانزدهم برعکس آب از سرچشمه گل آلود و ریشه مرض در رم در مقام پاپیت پرورش یافت .

پاپ ها وظائف مذهبی خویش را ترک گفته و هریک مطابق ذوق طبیعی بکارهائی مشغول می شدند ژول دوم بتربیت نظام لئون دهم به تشویق ادبیات و صنائع مستظرفه اشتغال داشت همه گی باز دیاد ثروت و جمع آوری مال مصروف بوده و یکی از بزرگ ترین وسائل آن حقی بود که از واه طلبان مشاغل مذهبی آلمان گرفته می شد لایق تر و مستحق تر کسی بود که بیشتر میپرداخت اشخاصی به آلمان میرفتند که نه فقط کلمه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 117 of 496

از زبان آلمانی نمید انستند بلکه از نوشتن و خواندن زبان مادری خویش نیز محروم بودند . این قلیل کشیشان خارجی البته منظور عامه مردمان محل گردیده و مخصوصاً چون اموال کلیسیائی در آلمان زیاد بود حرص و طمع شاهزادگان و بزرگان آنجا را بحرکت آورده و غالباً مصادف با منافع و نظریات کشیشان میشد همین حرص و طمع طرفین بیشتر باعث پیشرفت رفرم در آلمان گردید .

در فرانسه نیز مرض خفیف تر از آلمان نبوده و بحران آن خصوصاً از موقع امضاء و اجرای معاهده ۱۵۱۶ منعقده بین فرانسوای اول و پاپ لئون دهم شروع گردیده پادشاه حق تعین کشیشان را از پاپ تحصیل کرده و بعد ازین بطوریکه یک نویسنده معاصر مینگارد تمام اعضای کلیسیا از سپاهیان و مقربین و اشخاص بی صلاحیت انتخاب می شدند کشیشان در دربار سلاطین زندگانی کرده و بکارهای درباری سیاسی مملکتی - وحتی حربی اشتغال میورزیدند بنابرین مردمان حقیقة مقدس و ابتداء عده زیادی از خود کشیشان مخصوصاً در فرانسه تقاضا کرده و خواستار شدند که کلیسیا این افتضاحات و فجایع را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 118 of 496

ازخویش دور نماید .

سبب دیگر ظهور رفرم اختراع چاپ و انتشار انجیل بین عموم عیسویان میباشد از ۱۶۵۷ تا ۱۵۱۷ تقریباً چهار صد طبع از انجیل شده بود همه کس از اوامر و نواهی مذهبی خویش مطلع گردیده و برخلاف آنچه که از ترک علاقه دنیوی - مهربانی فروتنی وغیره در کتاب خود میخواندند نخوت وغرور تجمل - وتکبر کلیسیائی را دیده ومیل آنها بجانب اصلاح بیشتر می شد . عدهٔ نیز مخالف با اجتهادات وتفسیرات پاپ ها و مجالس عالیه مذهبی بوده و در مقابل نص انجیل هر گونه تغییری را خطا میدانستند . این عقیده را ابتدا لوتر و بعد از و کالون اظهار کرده و در نتیجه وحدت عیسوی را درهم شکستند .

لوتر و کالون - انگلیکانیسم

لوتر - در سال ۱۴۸۳ لوتر در ساکس تولد یافته و پدر او کارگر معدن بود . در موقعی که شروع بتحصیل کرد مانند بسیاری از محصلین آن زمان معاش خود را از خواندن و تکدی از این و آن تهیه مینمود سپس شخص نوع پرست وخیری او را بخرج خود در اونیورسیته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 119 of 496

از فرنت گذارده لوتر در آنجا به تحصیل فلسفه - حقوق - ادبیات
و موسیقی پرداخت .

در سن بیست و دو سالگی روزی در ضمن گردش و چار طوفانی شده
و صاعقه به پهلوی او فرود آمد درین وحشت و اضطراب نذر کرد
که اگر نجات یابد داخل سلک رهبانان گردد کمی بعد در سال ۱۵۰۵
وارد صومعه در و تلینبرگ شد .

لوتر با کمال جدیت مشغول تحصیل گردیده و وقتیکه برتبه کشیشی
رسید بواسطه علم و دریاتش او را بمعلمی علوم الهی در ایتورستیه
همان شهر منصوب کردند .

لوتر طبیعتاً شخصی فوق العاده حساس و دارای فکری تیز بود روحش
از خیال ارتکاب گناهان همیشه در اضطراب و از ترس شیطان
و باز خواست خداوند عمر خود را در وحشت میگذرانید ولی بواسطه
عقیده ای که به حضرت مسیح علی نبینا و علیه السلام داشت از نجات
و رستگاری خویش مطمئن بود .

باز مزید گناهان - لوتر در ۱۵۱۱ به رم فرستاده شد تحقیق بابا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 120 of 496

پاپ و لغزش اخلاق کشیشان ایطالیائی فوق العاده او را متأثر ساخت
چند سال لئون دهم برای اتمام بنای کلیسای سن پیر محتاج پول
گردید یسویان چنین تلقین نمودکه در مقابل تصدق میتوانند خطایای
کوچک خویش را خریداری کنند مأمورینی مخصوص برای اینکار
بتمام نقاط فرستاده و باین وسیله مخارج ساختمان کلیسای
سن پیر را تهیه کرد . برای آسایش روح اموات نیز بستگان
ایشان میتوانستند متوسل باین کشیشان گردند مأمورین اعزامی
به آلمان از پیروان و معتقدان سن دومینیک بودند .

لوتر در سنه ۱۵۱۷ جداً بر علیه اجرای این عمل وحتی باساس آن حملات
سختی نمود . پاپ ابتدا چندان بواقعه اهمیت نداده و آنرا
از زمرهٔ مناقشات جاریه بین رهبانان تصور میکرد لیکن بزودی
لوتر از اطاعت پاپ سرباز زده و شروع به تنقید تشکیلات
کلیسائی نمود . دامنهٔ اعتراضات لوتر باصول عقائد نیز رسید
و میگفت که برای نجات و فلاح تنها پیروی قوانین انجیل و اعتقاد بحضرت
عیسیٰ کفایت میکند و احتیاجی به اجرای مراسم دیگری نیست .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 121 of 496

در این وقت حکم تکفیر او را پاپ صادر کرد. روزی که این حکم تکفیر رسید لوتر تمام شاگردان خود را در میدان کلیسای وتینبرگ جمع نموده و فرمان را در مقابل همگی در آتش انداخت از اینجا رو ابط با پاپ قطعا مقطوع گردید. (۱۵۲۰)

محکومیت لوتر- این واقعه مقارن با اوائل امپراطوری شارلکن بوده از این پیش آمدی اندازه مضطرب گردید زیرا اولاً شخصاً یک کاتولیک متعصب و گذشته از آن میترسید که شیوع آن بیشتر باعث هیجان مردم و تشدید انقلابات و اغتشاشات آلمان شود لذا لوتر را بحضور رؤسای (دیت) مجمع نمایندگان امپراطوری امر فرمود بواسطه اجازه نامه مخصوصی که لوتر از شارلکن در دست داشت بدون ترس از توقیف حضور بهم رسانید. تکلیف توبه باو کردند ولی با نهایت سختی و متانت امتناع کرده گفت «برای یک عیسوی عیب است که برخلاف وجدان خویش رفتار کند» دیت همان روز او را محکوم ساخت. (۱۵۲۱).

برای لوتر خطری بزرگی در پیش بود زیرا پس از آنکه محکوم به ارتداد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 122 of 496

گردید بمحض انقضای مدت اجازه نامه اش او را توقیف نموده و با تشویش
میاندا ختند بهمین جهت یکی از حامیانش، دوک وساکس، سوار ان
در سر راه او گماشته ولوتر را ربوده بقصر خویش پنهان نمود یکسال
فیانه درین قصر گذرانیده و درینمدت توریت و انجیل را
بزبان آلمانی ترجمه کرده این ترجمه زیاده از حد طرف توجه گردید زیرا
برخلاف ترجمه های سابق بزبان عوام انشا شده و همه کس
ازان میتوانست استفاده نماید .

پس از چندی چون عدهٔ طرفداران لوتر باندازهٔ رسید که دیگر
یم اجرای حکم صادره درباره او نبود از محل اختفای خویش خارج شد
درینموقع بسیاری از بزرگان و متنفذین و چند نفر از منتخبین مانند دوک ساکس
و براندبورگ عقیدهٔ او را قبول کرده بودند .

از طرفی نیز جنگ ها فرانسوا اول خاطر شارلگن را
ازین نقطه معطوف گردانیده و فرصت اقدامی نداشت
معهذا کمی قبل از امضای صلح کامبره امر تشکیل دیت داد، در آنجا
میخواستند که قدری عقائد لوتری را معتدل ساخته و فقط جلوگیری

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 123 of 496

از انتشار آن در نقاط دیگر بنمایند لیکن پنج شاهزاده و چهارده شهر
بر علیه این تصمیم اعتراض (پروتست) کرده و از آنوقت
طرفداران عقاید جدیده و مخالفین با کلیسیای کاتولیک معترض
به معترض یا پروتستان گردیدند.

سال بعد باز شارلکن بقصد تصفیه امر وحشتی کاتولیک با پروتستانها
دیت را در اگسبورگ منعقد کرده ولی باز هم چون دیت اگسبورگ
محکومیت لوتر را تاکید نموده بود پروتستانها بخیال محافظت
خویش و تشکیل یک حزب سیاسی افتادند لذا در اسمالکالد
اتفاق کرده و با پادشاه فرانسه داخل مذاکرات شدند. با تشکیل
این اتفاق سیاسی امپراطوری بدو تقسیم گردیده و این واقعه را یکی
از اولین و مهمترین نتایج سیاسی اصلاحات مذهبی لوتر باید دانست.
جنگ شمالکن و پروتستانها - دومین نتیجه اتفاق اسمالکالد شد
سال بعد بصورت جنگهای داخلی و مذهبی ظاهر گردید. در ندت
شارلکن با ملاکر فتاری جنگ با فرانسه و پروتستانها فرصت
اجرای حکم داده از دیت اگسبورگ انیافته و بعض امضای صلح

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 124 of 496

کرپی متحدین را مورد حمله خویش قرار داد . لوتر تازه فوت کرده بود .
در بدو امر قشون پروتستان شکست خورده و رؤسای عمدهٔ آن
محبوس شدند لیکن بزودی تشکیلات خود را تجدید نموده با هانری دوم
پادشاه فرانسه اتحاد کرده جنگ را دو مرتبه شروع نمودند . شارلگن
سه سال بعد بخیال کناره گیری از سلطنت افتاده اما قبل از اجرای
مقصود صلح مذهبی را در آلمان مستقر نمود بدین صورت که بشاهزادگان
پروتستان آزادی مذهب عطا کرده و بعلاوه مالکیت ایشان را
در اراضی که از کلیسیا منتزع نموده بودند شناخته ولی تکرار و تعقیب
این عمل را قطعاً در آتیه ممنوع داشت .

کاتولیك و پروتستان آلمان - نتیجه بزرگ اصلاحات مذهبی
در آلمان تقسیم آن بدو دسته یکدسته کاتولیك و دستهٔ دوم
پروتستان گردید امپراطوران کاتولیك پیوسته در صدد
اضمحلال و انقراض پروتستان ها بوده و اینها بملاحظهٔ ضعف خود
متوسل بخارجیان می شدند . ازین راه وسیله برای مداخلات
خارجیان در امور داخلی آلمان پیدا گردید . مناقشات داخلی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 125 of 496

بطوری امپراطوری را بضعف کشانید که بزودی اهمیت خویش را
از دست داده و در قرن نهم مانند ایطالیای قرن شانزدهم صحنهٔ
جنگ اروپائی شد .

در هر دو ممالک اسکاندیناو - دیری نگذشت که عقاید لوتر
سرحدات آلمان را عبور نموده و بممالک اسکاندیناو یعنی دانمارک
و سوئد و نروژ نفوذ کرد . شیوع این مذهب در ممالک فوق الذکر
تقریباً علل سیاسی داشته .

از اواخر قرن چهاردهم سوئد و نروژ در تحت اطاعت دانمارک
بودند . نجبای سوئدی همیشه افسوس استقلال از دست رفتهٔ خود را
میخورده و کریستیان دوم پادشاه دانمارک از قتل آنها خودداری
نمیکرد و در سال ۱۵۲۲ گوستاو وازا یکی از بازماندگان سلاطین سابقهٔ
سوئد موفق به تولید احساسات وانقلابی در ... قیام گردید و عنوان
سلطنت بخود گرفت (۱۵۲۳)

پاپ بطرفداری کریستیان برخاست و گوستاو وازا
برای تعقیب عملیات خود محتاج بپول بود لذا مذهب لوتر را قبول

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 126 of 496

نموده اموال کلیسیا را ضبط کرده و رعایای خویش را مجبور بقبول عقیدهٔ لوتر ساخت .

بدینصورت رفرم در سوئد و سیلیسی استقلال پیدا کرد .

انقلاب سوئد در دانمارک انعکاس کرده کریستیان دوم از سلطنت خلع و یکی از شاهزادگان پروتستان جای نشین او شد این سلطان ابتدا آزادی عقیده بطرفداران لوتر داده سپس اموال کلیسیا را بکشیشان او توقیف کرده و بالاخره قطعاً اجرای اعمال کاتولیکی را در دانمارک و نروژ قدغن نمود .

کالون - در موقعی که قسمتی از آلمان پیرو عقیدهٔ لوتر شده بود کالون فرانسوی اولین مرتبه در شهر ژنو شروع بطرح و تبلیغ رفرم اساسی تری نمود .

کالون در سال ۱۵۰۹ تولد شده و پدرش اسقف شهر نوایان بود در سن دوازده سالگی ملاحظهٔ پدر و ارای مقامی در کلیسیا گردید تحصیلات خود را در پاریس و اورلیان و بورگ نموده در ضمن تحصیل بعقائد لوتر آشنا شده و آنرا قبول کرد . باین جهة بر تبعهٔ کشیشی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 127 of 496

رسیده و هنگامیکه فرانسوای اول پرتستانها را تعقیب و زجر
مینمود از پاریس فرار کرده در شهر بال اقامت گزید .
در آنجا کتابی موسوم به مؤسسهٔ مسیحی بنام فرانسوای اول
نوشته و خلاصهٔ عقائد خویش را در آن مندرج ساخت .
کالون را در سن بیست و شش سالگی برای تعلیم علوم
الهی از بال به ژنو خواستند مشار الیه با متانت و ثبات فوق العاده
شروع به تکمیل عقائد خویش به ژنوی ها نموده و ابتدا اگر با اصلاح
اخلاق آنها بست بعد از دو سال مردم او را از ژنو برون کردند لیکن
طرفداران او آرام ننشسته و عاقبت موفق بدعوت ثانی او به ژنو
شدند (۱۵۴۱)
درین بار تسلط کالون در ژنو بقدری بود که کسی قدرت
مقاومت با او را نداشت با مردم بسختی رفتار میکرد و خود او نوشته
که اهالی ژنو را باید بزور برای نجات برد . شخصاً مراقبت زندگانی خصوصی
هر فرد بود و عادات و اخلاق و حتی لباس آنها را اصلاح و ترتیب
میکرد . مخالفین طریقهٔ خود را بی ملاحظه می کشت . شخصی را برای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 128 of 496

اینکه اسناد تزویر باو داده و گفته بود که کالون میخواهد بستیاد
خود را معبود مردم نماید محکوم بقتل گردانید یک طبیب اسپانیولی را
که برخلاف دیگر عیسویان منکر جنبه الوهیت مسیح گردید بلطائف
الحیلی او را بژنو کشیده و در آنجا زنده سوزانید ۰ پس ازین از سعی
کالون بمانظور یکه رُم مرکز کاتولیک بود ژنو نیز مقر پروتستانها
گردید عدهٔ زیادی از مهاجرین فرانسوی آنجا گریخته و اقامت گزیدند
از اوینهور ستیه که کالون در ژنو تاسیس کرده بود اشخاص باحرارتی
برون آمده و شروع به تبلیغ مذهب جدید نمودند ۰ حقیقة انتشار
مذهب پروتستان بیشتر از ژنو شده در فرانسه — هلاند —
و اکس نفوذ کرد ۰ حقیقه کالون در سال ۱۵۶۶ درگذشت
شاگردان او در تمام خاک فرانسه بیش از دو هزار کلیسیا بنا کرده
بودند ۰

رفرمه در انگلستان — در انگلیس نیز مانند سوئد
و ژرمنی رفرم بدست پادشاه اجرا شده و انتشار یافت هانری هشتم
کلیسیای انگلیس یا انگلیکن را تاسیس کرده قطع رابطه با پاپ نمود ۰

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 129 of 496

هانری هشتم - (۱۵۰۹ تا ۱۵۴۷) قبل از سلطنت

اخلاق معتدلانه داشته ولی پس از جلوس بطرف سلطنت مطلقه تمایل پیدا کرد یک نویسندهٔ انگلیس میگوید که بزرگترین مانع پیشرفت عقیده مطلقه هانری کشیشان متمول و بانفوذ بودند لذا نقشهٔ هانری این شد که بهر وسیله باشد اقتدارات ایشان را درهم شکسته و کشیشان را کاملاً بزیر حکم و ارادهٔ خویش بیاورد. هم فرمانفرمای جسمانی و هم حاکم روحانی یعنی بالآخره پاپ انگلیس گردد. هانری برای ازدواج با یکی از خدمه کاترین دادا گن ملکهٔ انگلستان بخیال طلاق عیال خویش افتاده از پاپ تقاضای طلاق مشار الیها را کرد ولی از طرف او مخالفت شده رد گردید هانری پس از مذاکرات بسیار عاقبت بدون تصویب پاپ زن خود را مطلقه ساخته وخادمهٔ مذکوره را تزویج کرد. و از این وقت حقیقةً رابطهٔ هانری با رم را گسیخت.

قبل ازین قطع رابطهٔ هانری با علیه لوتر و طرفداران او فرمانی صادر کرده بود و از طرفی چون با تفوق پاپ عقیده نداشت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 130 of 496

ارادهٔ خویش را حاکم امور روحانی انگلستان قرار داده بود پیروان
هر دو طریقه بانظر خوبی نسبت باو مینگریستند مخالفین عقیدهٔ او تماماً محکوم
بمرگ می شدند. هانری در سال ۱۵۴۷ درگذشت.

جانشینان هانری هشتم - در ظرف پانزده سال بعد از
مرگ هانری هشتم اصلاحات مذهبی او اشکال غریبی بخود گرفت
سه طفل از او باقی مانده بود که هریک بعد دیگری بامیاست
مذهبی متفاوتی سلطنت کردند. ادوارد ششم در سن نه سالگی
بپادشاهی رسیده و چون تربیت شدهٔ طرفداران کالون بود فرمان
صادره بر علیه پروتستانها لغو نموده و شروع به تحمیل عقیدهٔ
پروتستانی باهالی کرد. بعد از وی ملکه مری تودر دختر کاترین دارن
پادشاه شده مشارالیها راسخ در عقیدهٔ کاتولیکی و میخواست که انگلستان را
بمذهب کاتولیکی برگرداند. از نتایج عملیات خویش مشهور به ماری
خونخوار گردید.

سومین دختر هانری هشتم یا ملکه الیزابت از همه مشهورتر
است زیرا در ایامی است که انگلستان بحد اعلی ترقی نموده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 131 of 496

بدترین زنها و بزرگترین مردها بوده است فوق العاده متکبر مزور و در سیاست مهارت کاملی داشت .

ابتدای سلطنتش از ترس ظهور انقلاب و بعضی مضرات خارجی با هر دو دسته مذهبی مدارا کرده سپس در ۱۵۶۲ مجلس ملی را مجبور کرد که به فرمانی شامل به ۳۹ ماده در باب مذهب رای بدهد و قطعاً انگلیکانیسم یعنی کلیسیای انگلستان را رسمی نمود . کلیسیای انگلستان مخلوطی از مراسم و اصول کالون میباشد البته چون مائل بشکوه و جلال بود مراسم ظاهری کلیسیای کاتولیک را قبول کرده و در عقائد پیرو مذهب کالون گردید . عنوان ریاست عالیه مذهبی را که پدرش اختیار کرده بود نپذیرفته لیکن اقتدارات واقعی را برای خویش محفوظ داشت .

نتائج سیاسی رفرم - عمدهٔ نتائج سیاسی رفرم در آلمان و ممالک اسکاندیناو و انگلیس ابتداء عبارت است از انتقال اراضی و املاک کلیسیا به سلاطین و سپس از دیاد قدرت پادشاهان و انضمام ریاست روحانی بریاست موقتی ایشان .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 132 of 496

حکمرانان این ممالک دران دوره هم حائز رتبهٔ سلطنت
وهم دارای مقام پاپیت بوده وریاست سیاسی را با ریاست
مذهبی توام ساخته بودند .

فصل ششم

جنگهای مذهبی

کالونی در فرانسه - سن باتلمی - اتحاد - فرمان نانت
اسپانی در زمان سلطنت فلیپ دوم

در ۱۵۶۳ یعنی چهار سال بعد از امضای معاهده کاتو کامبری
فرانسه داخل یک سلسله جنگ های مخوف تری که عبارت
از جنگهای داخلی بود گردید این جنگها در مدت سلطنت شارل نهم
وهانری سوم دو پسران هانری دوم و چهار سال اول پادشاهی هانری
چهارم (۱۵۹۳) مشتعل بوده مناسبت جنگ معروف
سی ساله آلمان که نیم قرن بعد شروع گردید میتوان آنرا جنگ سی ساله

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 133 of 496

فرانسه نامید وچون علت عمدهٔ وقوع آنها مسائل مذهبی بوده است معروف بجنگهای مذهبی شده اند. درین جنگ ها کاتولیکهای فرانسه که اکثریت اهالی مملکت را تشکیل میدادند باعدهٔ قلیلی از طرفداران کالون که مشهور به اُوگنو بودند بزد وخورد اشتغال داشتند این جنگهای مذهبی دارای یک جنبهٔ سیاسی نیز بوده بدین طریق که بواسطه مخالفت هائی که از ناحیهٔ طرفداران مذهب جدید ظاهر میشد بحران بزرگی بمملکت عارض شده ونزدیک بود که فرانسه مانند قرن نهم بجانب تجزیه برود.

در سالهای آخری نیز مسئله وارث سلطنت موضوع را پیچیده تر ومشکل تر ساخت. سلسلهٔ والوا در ۱۵۸۹ منقرض گردید وچون هانری چهارم پادشاه بیاوارث مشروع تاج وتخت پیرو مذهب پروتستان بود مخالفت های شدیدی از جانب کاتولیک های فرانسه بروز نموده وتحریکات وهواخلات فلیپ دوم پادشاه اسپانی بر وخامت اوضاع می افزود.

هانری چهارم ترک مذهب پروتستان را گفته و[illegible]

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 134 of 496

کاتولیک را قبول کرد و با صدور فرمان نانت نیز اعمال کرام
مذهبی را بپای پروتستانها مجاز کرده و بدین وسیله بین پیروان
مذاهب مختلفه را التیام داد .

کالوی و جنگهای مذهبی در فرانسه

شروع پروتستانی در فرانسه — در اوائل قرن شانزدهم
فرانسه یکی از ممالک خالص العقیده بود و در آنجا کشیشان همیشه بهترین
مناصب را در عهده داشتند و برعکس دیگر ممالک کشیشان فرانسه
دارای عقیده پاک و کاملا منزه و بقول یکی از نویسندگان از جمله عالم ترین
و وطن پرست ترین و جیه الملة ترین افراد بشمار میآمدند . معهذا
افراط آنها در پاره مسائل نتیجه سوئی بخشیده و بعضی افکار را بجانب
اصلاحات توجه داد در زمان ظهور لوتر شخصی نیز در فرانسه موسوم به
لِفُوْد تاپل مردم را بلزوم خواندن کتب مقدسه موعظه می نمود
و عقیده داشت که مذهب عیسوی را باید بهمان سادگی و صفای
اولیه خویش برگردانید مشارالیه نیز کتاب انجیل را بزبان فرانسه
ترجمه و مانند لوتر آنرا در دسترس عموم گذاشت بدین ملاحظه عقیده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 135 of 496

لوتر بزودی و به آسانی در فرانسه انتشار یافته و خصوصاً بیشتر پیروان
آن از طبقهٔ سوم یعنی کارگران و دوره گردان بوده اند دستهٔ اخیر
در شهرها و ایالات گردش و کسب کرده و برخی هم مدتی در آلمان
گذرانیده بودند . باین دو فرقه فوق الذکر عدهٔ از کشیشان نیز
ملحق گردیدند در ابتدای امر کسی متعرض بایشان نبود و حتی تا سال
۱۵۳۴ فرانسوای اول بنظر طرفدار لوتریها نیز می آمد لیکن پارهٔ
اقدامات آنان باعث نفرت مردم و سوء ظن پادشاه شد
و پس از انتشار اعلانی که بر علیه کلیسا ترتیب داده بود فرانسوا را
مصمم بتعقیب ساختند در یک روز چهل نفر را محکوم بقتل نموده و
در پاریس سوزانیدند در ایالات هم از این عمل سر مشق برداشته
بطوری که عدهٔ زیادی از بی گناهان نیز درین معامله تلف گردیدند .

با جلوس هانری دوم به تخت سلطنت بقدری پیروان لوتر سوء
تعرض واقع شدند که حقیقة مانند دشمنان مملکت و باغیان بایشان
رفتار می شد درهمین ضمن عقیدهٔ کالون در فرانسه رسوخ یافته و جای
مذهب لوتر را گرفت از سال ۱۵۴۷ تا ۱۵۵۰ در ظرف کمتر از

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 136 of 496

سه سال پارلمان پاریس قریب پانصد حکم اعدام صادر کرد. هگونوها را
بازنجیری بچوبه دار آویخته و زنده می سوزانیدند. این تضییقات متناقضاً
نتیجهٔ معکوس بخشیده و پیروان مذهب جدید را بیشتر در عقائد خود
شان راسخ نمود بطوریکه در ۱۵۵۵ عدهٔ کالونی ها بقدری زیاد شد
که دستجاتی ترتیب کرده و تشکیلاتی مانند تشکیلات کلیسیای
ژنو برای خود دادند. در ۱۵۵۹ کلیسیاهای مختلفه بخیال اتحاد
افتاده و مجمعی مرکزی در پاریس دائر نمودند. در این وقت در فرانسه
فقط هفتاد و دو کلیسیای اصلاحیون وجود داشته و دو سال بعد عدهٔ
آنها بدو هزار رسید.

در ضمن این احوال بسیاری از اصل زادگان و بزرگان نیز خصوصاً
در مرکز و مغرب عقیدهٔ جدید را قبول کرده و قبل از مرگ هانری دوم
دو نفر از شاهزادگان بلافصل آنتوان دوبوربن پادشاه ناوار
و برنس کنده از جملهٔ اوگنوها شمرده می شدند. این مسئله صورت
اهمیت دیگری به کالونی ها داده و کالونی ها که تا این وقت از
طبقات پست بودند در مقابل فشارهای وارده جز توکل و تسلیم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 137 of 496

چاره نداشتند ازین ببعد دارای قوای نظامی گردیده وجنبه سیاسی
پیدا کردند ازین جا جنگهای مذهبی برخاست.

کاترین دمدیسی - در زمان فرانسوای دوم جانشین هانری دوم
قدرت کالونی ها همیشه رو بازدیاد میرفت چنانچه کنگاشی بر علیه شخص
سلطنت تشکیل کرده هرچند که بمقصود نرسیدند ولی ضرب شستی
نشان دادند فرانسوا بعد از یک سال پادشاهی درگذشته
وبرادر ده ساله اش شارل نهم بسلطنت رسید کاترین دمدیسی مادر
شارل به نیابت پسرش امور مملکت را بدست گرفت کاترین
خواهرزاده پاپ لئون دهم واز خانواده بزرگ مدیسی بوده است.
سنش در حدود چهل ویک لیاقت فطانت وخصوصاً مهارت
فوق العاده در تحریکات وسیاست داشته شخصاً در امور مذهبی
لاقید ونظرش اصلاح بین مذاهب وتفوق سلطنت براین احزاب
بوده است در اعمال اجرای این نقشه صدر اعظم عاقل ومعتدلش
میشیل دلپیتال معاونت او را مینمود مشار الیه میخواست
که باصلح ومدارا با عقیده اصلاحیون مبارزه کند ومیگفت که باید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 138 of 496

این الفاظ و احزاب مختلفه را دور گرده و سعی کرد که اسم علنیت تغییر ننماید.

شورای پواسی - فرمان ژانویه - چنانکه گفتیم کاترین مدیسی وصدر اعظمش مانند شارلکن در آلمان ابتدا بقصد صلح و رفع اختلافات مذهبی بودند. باین نظر شورای پواسی را مرکب از کشیشان و علمای مذهبی تشکیل داده و چون موافقت بین کاتولیک ها و پروتستانها حاصل نشد لذا کاترین فرمان ژانویه را (۱۷ ژانویه ۱۵۶۲) صادر کرده و آزادی اجرای علنی مراسم مذهبی را در خارج شهرها به پروتستانها اعطا نمود با صدور فرمان ژانویه تا درجه امید به صلح پیدا شد لیکن از آنجائیکه هیچکدام از طرفداران دو دسته خود را موافق با فکر مدارا نشان نمیدادند فائده مطلوبه از آن بدست نیامد. کاتولیک ها بواسطه کثرتی که در جنوب داشتند مردم را مجبور و وادار بقبول عقیده خود می نمودند حتی گی بعد از شورای پواسی بعضی چوب و شلاق اشخاص را بکلیسیاهای خودشان میکشانیدند. یک ماه پس از صدور فرمان ژانویه روز یکشنبه دوک دگیز از نزدیک یکی از مراکز کالونی ها در واسی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 139 of 496

میگذشت مشاجره بین همراهان دوک و ایشان پیدا شد کالونی ها
چون خطر را مواجه دیدند باندا ختن سنگ شروع کردند. سواران
دوک مدافعه نموده هنگامه بالا گرفت. در نتیجه چند کاتولیک مجروح
و بیست و سه کالونی مقتول و قریب یکصد نفر از آنها زخمی گردید
همین قضیه جنگ مذهبی را اعلان نمود.

جنگهای مذهبی - هشت جنگ مذهبی واقع شده که چهار
آنها در زمان سلطنت شارل نهم (از ۱۵۶۲ تا ۱۵۷۴) و چهار
دیگر در عهد پادشاهی هانری سوم (از ۱۵۷۴ تا ۱۵۸۹) و هانری
چهارم (از ۱۵۸۹ تا ۱۵۹۳) بوده است.

اولین جنگ - جنگ نخستین که از واقعهٔ واسی پیدا شد قریب
یک سال دوام کرد. طرفین از خارجیان استمداد نمودند این
نمونه بدسر مشق جنگ های دیگر گردیده بطوریکه بالآخره فرانسه
مانند ایطالیای ابتدای قرن پانزدهم و آلمان قرن آتیه میدان
مبارزهٔ دول اروپائی گردانید کاترین از فلیپ دوم
پادشاه اسپانی کمک خواست پرنس و کندو و آمیرال کلیسنی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 140 of 496

روسای کالونی ها دست بدامان الیزابت ملکهٔ انگلیس زدند. مشارالیها
قشون و پول بهای ایشان فراهم ساخته و در عوض بندرهای را که
تازه فرانسوای اول بنا کرده بود تصاحب نمود.

وقایع برجستهٔ این جنگ مصاف دِدَ و محاصرهٔ اُرلئان
میباشد دوک فرانسوا دگیز در زیر دیوارهای این شهر بدست
یک پروتستان بقتل رسیده و پسرش هانری دگیز مسئولیت آنرا
به آمیرال کلیسینی وارد آورد.

جنگ باصدور فرمان آمبواز خاتمه پذیرفته و هرچند بازاد
فرمان ژانویه نبود لیکن باز تا مدت چهار سال صلح را مستقر
ساخت پس از مصالحت کاتولیک ها و پروتستان ها متفقاً بر علیه
انگلیس ها قیام کرده و بندرها را پس گرفتند.

دومین و سومین جنگ - سه سال این دو دورهٔ جنگ طول
کشید. پروتستانها در مُنت کور و ژارناک از دوک
دانژو برادر شارل نهم شکست خورده و پرنس دکنده مقتول گردید.
با وجود این شکست ها پروتستانها در سن ژرمن به تجدید فرمان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 141 of 496

آمبواز موفق آمدند .

چهارمین جنگ - صلح سن ژرمن دو سال دوام کرد .
ظاهراً چنین بنظر میرسید که مخاصمه خاتمه یافته و حقیقةً طرفین آشتی نمودند زیرا آمیرال کلیسینی بعضویت شورای سلطنتی منصوب گردید بود و فوق العاده در شارل نهم نفوذ داشت رسوخ کلیسینی مورد حسد شارل حسن حسادت کاترین و مدیسی را تحریک کرده بخیال قتل آمیرال افتاد و چون بقصد خود موفق نیامد تصمیم کرد که در ۲۴ ماه اوت ۱۵۷۲ زور سن بارتلمی کالونی ها را قتل عام کنند . هرچند که کالونیها برای خویش رئیسی نداشتند ولی مایوس نشده و در ولایات اسلحه گرفتند . ضمناً اتحاد پروتستان را نیز تشکیل داده و در روشل که مرکز ایشان و محل مستحکمی بود بطوری بارشادت دفاع کردند که شارل نهم مجبور بصلح شده و آزادی عقیده بآنها داد (۱۵۷۳)

جنگهای نهان هانری سوم - شارل نهم که در سال ۱۵۷۴ دیگ دختر نداشت تاج سلطنت بر ادرش دوک دانژو رسیده و مشارالیه بنام هانری سوم بر تخت نشست یک سال قبل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 142 of 496

از فوت شارل هانری بپادشاهی پولونی انتخاب گردید و برای تملک مملکتش بدانجا رفته بود بمحض اینکه خبر وفات برادرش را شنید بفرانسه مراجعت کرد .

در زمان هانری سوم وضعیت فرانسه و جنگهای مذهبی پیچیده تر و مشکل تر از زمان شارل گردید و علل عمدهٔ آن از اینقرار است :

اولاً کالونیها بالاخره موفق بتشکیل اتحاد کالونی شده در مرکز مملکت یک جمهوری حقیقی تأسیس کرده مالیه و قشون و حکومت مخصوص بخود داشته و ریاست خود را به پادشاه جوان ناوارهانری دوبوربن واگذار نموده و بهیچگونه حاضر برای مواجهه با مخاطرات گردیده بودند .

ثانیاً کاتولیک ها بدو دسته تقسیم شده دسته از کشتارهای بموجب تنفر و از خرابیهای جنگ داخلی هراسیده بطرفداری سیاست میشل دلپتیال برخاسته و آزادی مذهبی را نمیخواستار بودند . ریاست این حزب که بنام ناراضی ها یا سیاسیون مشهورند با آخرین برادر هانری سوم فرانسوا دوک دالانسن بود و دیگران کاتولیک های متعصب از پیشرفت کالونی ها بیم داشته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 143 of 496

و عقیده داشتند که بهر قیمت که ممکن شود بمقاومت و سرکوبی کالوینها
بپردازند . بتقلید اتحاد کالونی یک اجتماع قوی باسم اتحاد مقدس
تشکیل داده و بدون تصویب و رضایت پادشاه در تخت ریاست
دوک هانری دگیز شروع باجرای نقشهٔ خویش کردند .

با اینصورت فرانسه مرکب از سه حزب بزرگ کالونی
سیاسیون و متحدین گردیده و درین میانه پادشاه هیچ اقتداری
نداشت بعلل فوق الذکر علت دیگری نیز علاوه شده و بیشتر بر
پیچیدگی موضوع گردید و آن عبارت ازین بود که دوک دلافص سلاح
کوچک هانری سوم غفلةً درگذشته و پس از مرگ او تاج و تخت
فرانسه به هانری ذناوار رئیس کالونیها میرسید لذا ازین جهت بر حدت
جنگ بین کالونی ها و اعضای اتحاد مقدس افزود .

پنجمین و ششمین و هفتمین جنگ — بحض جلوس هانری سوم جنگ
پنجم شروع شد و سال بطول انجامید (۱۵۷۴ — ۱۵۷۶) لیکن چون
حزب ناراضی ها با هوگنوها اتفاق ترتیب داده و تقریباً با سی هزار
نفر بجانب پاریس پیشرفت می آمدند مجبوراً هانری سوم صلح را پذیرفت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 144 of 496

امضا کرده و فرمان بلیو را صادر نمود (۱۵۷۶) برطبق این فرمان پروتستانها
آزادی اجرای مراسم خویش را در تمام خاک فرانسه باستثنای پاریس
دارا شده حق داشتن هشت قلعه نظامی و تشکیل محاکم مخصوصه تحصیل
کردند. پادشاه ناوار و کنده پسر ارشد هنری دوم بحکومت ایالتی منصوب
گردیدند این اولین مرتبه بود که چنین امتیازاتی به پروتستانها داده شده
اکثریت کاتولیک ها نسبت به پادشاه سوء ظن برده و گمان کردند
که مشارالیه به منافع مملکت و مذهب خیانت می نماید و برای دفاع
منافع مذکوره اتحاد مقدس را ایجاد کردند. از طرف دیگر تاثیر وکه
در بلوا منعقد گردیده بود چنین رای داد که در مملکت بیش از یک مذهب
نباید وجود داشته باشد و از هنری تقاضا کرد اجرای علنی و خصوصی
مذاهب دیگر را ممنوع دارد. پروتستانها که ازین رای آگاه شدند
باز اسلحه گرفته و جنگ ششم را شروع کردند نتیجه این جنگ و جنگ
هفتم که تا ۱۵۸۰ دوام داشت برای پروتستانها مساعد نگردید
و امتیازاتی که فرمان بلیو بایشان داده بود از دست شان بدر رفت.

هشتمین جنگ — بعد ازین فرانسه چهار سال بصلح و آرامش گذشت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 145 of 496

اما مرگ دوگ دانسن باز حرص و شهوت طرفین را مشتعل ساخت
کالونی ها برای اینکه رئیس خود هانری دُناوار را وارث مشروع
تاج و تخت دیده و فتح و ظفر را نصیب خویش میدانستند کاتولیکها
برای اینکه به هیچ قیمتی راضی نبودند که یک پادشاه نه فقط کافر بلکه
مرتد داشته باشند . بدین جهة اتحاد مقدس در تحت ریاست دُک
دُگیز عنان کلیه اختیارات را بدست گرفت و اهمیت فوق العاده حاصل
گردید . در ژانویه ۱۵۸۵ پادشاه را مجبور ساخت که احراے
مراسم کالونی را قدغن کرده و پیشوایان ایشان را اخراج نماید . این
اقدام اعلان هشتمین و آخرین جنگ های مذهبی که هشت سال
طول کشید گردید .

درین جنگ مداخله خارجیان بیش از پیش بوده فیلیپ دوم پادشاه
اسپانی پول و قشون برای متحدین تهیه کرده و الیزابت ملکه انگلیس
و پادشاه دانمارک و متنفذین لاتن هانری دناوار و کالونی ها را کمک
و اعانت می نمود .

دوک دُگیز در طی این جنگها وجههٔ ملی زیاد یافته و اهمیت او تا بجائی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 146 of 496

که بخیال عزل هانری سوم افتاد هانری سوم رتبهٔ نیابت کل مملکت یا حقیقهٔ نیابت سلطنت را باو داده و در اثر این که در بلوا منعقد شده بود دوک دگیز مانند یک سلطان واقعی رفتار میکرد.

هانری سوم از این قدرت دوک دگیز بهراس افتاده و پایهٔ سلطنت خویش را متزلزل دید شب عید تمثل دوک را باطاق دفتر خود طلبیده و در موقعی که مشارالیه از اطاق هانری عبور مینمود بدست هشت نفر اصل زادگان محافظین پادشاه کشته کردید.

(۲۳ دسامبر ۱۵۸۳).

قوت هانری سوم — پس از واقعهٔ قتل دوک هانری مینویسد که «حالا من پادشاه هستم»، روز ۲۴ دسامبر هیجان غریبی در پاریس دیده می شد رؤسای اتحادیون قسم یاد کردند که انتقام دوک دگیز را بگیرند عزل هانری سوم را اعلان نموده و دوک دمایین برادر گیز را به نیابت کل مملکت برداشتند غالب نقاط فرانسه این تصمیم را قبول کردند.

آخرین علاج هانری سوم صلح و آشتی با هانری ناوار شد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 147 of 496

پس از آشتی دو پادشاه بجانب پاریس حرکت نموده و شهر را
محصور ساختند صبح روز اول ویکتشیش جوانی موسوم به ژاک
کلیان به بهانهٔ اینکه میخواهد اخبار شهر را بهانری سوم بدهد بار حضور
یافته و با کاردی او را بقتل رسانید هانری سوم قبل از مرگش هانری
دناوار را وارث و جانشین مشروع خویش خوانده و مشارالیه
نام هانری چهارم بخود گرفت .

هانری چهارم - هانری چهارم میبایستی که قسمت اعظم
مملکت مورونی را تسخیر نماید ولی در اینوقت عدهٔ از بزرگان
کاتولیک و کالوئی از وروی برتافته کاتولیک ها بواسطهٔ اینکه
مرگ راهبزاران مرتبه ترجیح به قبول حکم فرمانی یک سلطان اوگنو
میدادند و کالوئی ها بجای اینکه هانری را اظهار داشته بود که
معتصم بحفظ و نگاهبانی مذهب کاتولیک گردیده و حکومت ایالات
مفتوحه را بایشان خواهد سپرد .

بدینصورت قشون هانری تقریباً نصف شده و مجبور از ترک
پاریس و دست برداشت بجای اینکه بجانب جنوب که مرکز

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 148 of 496

عمدهٔ قوای کاتولیکها بود برود توجه خویش را مخصوصاً بایالات جنوب
معطوف گردانیده و تمام همّ خود را به تصرف پاریس که قلعهٔ محکم
مخالفین و پای تخت مملکت بود مصروف نموده چهار سال نیز از
کوشش نکرد.

هانری چهارم با مخالفین مصاف های چندی داده تا پس
از ظهور ایوری باز پاریس را محاصره کرد. مردم شهر چهار ماه
مقاومت نموده و موقعی بقشون اسپانی برای ورود بشهر دادند
رشتهٔ این وقایع تا سنه ۱۵۹۳ کشیده شد درین سال
دوک دُمایین و متحدین با تأثر نزد او پاریس بقصد انتخاب یک
پادشاه منعقد نمودند فلیپ دوم پادشاه اسپانی سعی داشت
الیزابت دختر خود را نواده هانری دوم ملکه فرانسه انتخاب
شود لیکن مخاطراتی که از این انتخاب برای فرانسه حتمی الوقوع بود
حس ملی متحدین را بحرکت آورده و با تأثر نزد انتخاب پادشاه را
بوقت دیگر محول ساخت. درهمین اثنا هانری چهارم نیز رسماً
مذهب کاتولیکی را ترک گفته و تمام نقشه ها و امیدهای فلیپ دوم را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 149 of 496

بر آب انداخت تشکیلات متحدین برهم خورده قسمت بزرگی
از مملکت سلطنت او را کردن نهاده و باقی هم بقوهٔ پول سرداران
فرو د آوردند حصول نیمقصود بیش از شصت میلیون فرانک
برای هانری تمام شد . حاکم پاریس در مقابل منصب مارشالی و
یک میلیون و هشت صد هزار فرانک شهر را در ۲۲ مارس
۱۵۹۴ تسلیم گردانید .

جنگ با اسپانی - درحینیکه هانری چهارم مشغول بحرمدار
مملکتش بود فیلیپ دوم که تا آنوقت فقط بعنوان همراهی با متحدین
جنگ میکرد پرده از روی کار برداشته و مخاصمه را بنفع و
حساب خویش تعقیب نمود . هانری چهارم با و اعلان جنگ
داده و در نتیجه جنگهای مذهبی مبدل بکشمکش جدیدی بین دو خانوادهٔ
فرانسه و اطریش گردید . این جنگ سال دوام داشته و
میدان اصلی آن دو ایالت بورگنی و پیکاردی بوده است هانری
با یک تهور جنون آمیزی با دشمن در فتن فرانسه مقابل شده او را
شکست داده و در ۱۵۹۸ با انعقاد صلح ویسون جنگ را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 150 of 496

خاتمه بخشید .

فرمان نانت - هنگامیکه هانری چهارم با خارجیان مبادرت
با مضای صلح نمود بخیال افتاد که با تصفیه مسئلهٔ مذهبی آرامش
و سکونت داخلی را نیز تأمین نماید . لذا از دیک یکماه قبل از
معاهده با اسپانی در ۱۳ آوریل فرمانی در نانت صادر کرده
بموجب آن به پروتستانها آزادی عقیده در تمام مملکت ، آزادی
اجرای مراسم تعریبًا در هر نقطه ها تساوی کامل با کاتولیک ها و دست
رسی بتمام مناصب را اعطا نمود . هم چنین به ایشان حق داد که مجامع
داشته و در اطراف منافع خویش شور و بحث نمایند و بالاخره پروتستانها
مدت چندین سال موفق گردیدند که قلاع محکمی را بعنوان محل امنیت
برای خود نگاه دارند .

II

سن بارتلمی - اتحاد - فرمان نانت

سن بارتلمی - یکی از مخوف ترین و فجیع ترین وقایع جنگهای
مذهبی و سنگین ترین اتفاقات تاریخ فرانسه قتل عام سن بارتلمی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 151 of 496

که نه از تعصب مذهبی بلکه از جاه طلبی یک زن کاترین دو مدیسی
بوجود آمد .

بواسطهٔ فرمان سن ژرمن (۱۵۷۰) فرانسه روی دو
سال صلح و آرامش بخود دیده بود تصور میرفت که بالاخره آشتی
واقعی بین دو دسته صورت پذیر شده و برای تحکیم آن تهیهٔ ازدواج
مارگریت دُوالوا خواهر شارل نهم را برای هانری دناوار رئیس
پروتستانها میکردند . عدهٔ زیادی از بزرگان پروتستان در دربار
تقرب داشته و شارل نهم آمیرال کلیسی را برای مضبوطیت
در شورای خویش خوانده فوق العاده طرف احترام و وثوق
خود قرار داده و او را پدر خطاب می نمود . یکی از نقشه های کلیسی
همیشه در نظر داشته و بسلطان جوان القا میکرد تجدید جنگ
با خانوادهٔ اطریش بوده و پادشاه را بحمله به آرتوا وپی با تشویق
میکرد . موقع نیز بواسطهٔ بغاوت پی با بر علیه فیلیپ دوم
بی اندازه مساعد بنظر میآمد . پیشنهاد کلیسی را شارل پسندیده
لیکن تصادف با مخالفت کاترین دُمدیسی نموده و مشارٌ الیها

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 152 of 496

مخاطراتی از جانب انگلیس درین اقدام میدید. زیرا الیزابت
ملکهٔ انگلستان وسماطهار داشته بود که بهیچ وجه رضایت به تسلط
فرانسویان در پی بانخواهد داد. اما باطنا چیزیکه بیشتر کاترین را
بهراس انداخته این بود که پایهٔ تسلط خود را در بالای شارل
کم کم متزلزل دیده و مشاهده می نمود که ارادهٔ قوی آمیرال نزدیک
است بکلی فکر پاک و ضعیف سلطان را قبضه نماید. لذا بحکم جاه
طلبی خود و تشویق و نصیحت اطرافیان و مخصوصا گیزها درصدد اتلاف
جان کلیسینی برآمد.

چهار روز بعد از عروسی هانری ناوارد و مارگریت موقعی
کلیسینی از قصر لوور بمنزلش مراجعت میکرد از یکی از پنجره ها گلوله بجانب او
آتش شده یک انگشت دست راست او را برد و بازوی
چپش را شکست. خبر بشارل رسید فورا خود را به آمیرال
رسانیده گفت: «شما مجروح شدید حقیقة مثل این است که این
جراحت بقلب من رسیده باشد قسم بخدا که چنان بسختی انتقام این
بی احترامی را میگیرم که در تاریخ یادگار آن بماند.»

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 153 of 496

براستی هم شروع به تحقیقات کرده و در اولین قدم
دوک دگیز مقصر ثابت شده دوک که هوا را تیره و دیدار محلی پنهان شده
واز توقیف خود را مستخلص ساخت . کاترین رسمیه
که اگر تحقیقات تعقیب شود پرده از روی خیانت او برداشته
شود ، تنها چاره را در یک قتل عام پروتستانها دید . رؤسا
شنبه فکر خویش را به دوک دانژو پسر کوچکش ، دوک دگیز بیان کرده .
دیگویند که شب همان روز بشارل اقرار نمود که نقشه قتل عام از
از طرف مادرش پخته شده بود و اگر اقدام فوری در جلوگیری از پروتستانها
که بر خلاف شخص سلطنت و سلامت مملکت سلاح گرفته اند نشود
عواقب وخیمی در پیش خواهد بود . بهترین علاج را اقدام سریع
پروتستان پیش نهاد کرد . شارل فوق العاده از قبول این
پیشنهاد مقاومت نمود لیکن عاقبت که هرگونه دفاعی بیفائده
دید گفت : « حالا که میگوئید پس همه را بکشید تا یک نفر هم برای
سرزنش من باقی نماند » دوک دگیز بلا تأمل دستور داد تا از سه
بعد ساعت بلدیه پاریس صدا درنمود . قتل عام بایستی صبح یکشنبه ۲۴

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 154 of 496

او ، و در سن بارتلمی وقوع یابد یکی پیش از فجر عدهٔ قراول در اطراف
لور گذارده و ندا زنند هیاهو چند نفر او گنو برای کسب اطلاع گردآمدند
قراولان بروی ایشان آتش کرده و از همین جا کشتار شروع گردید
امیرال کلیسینی بدست یکی از نوکران خود کشته شد هانری دناوار
باطاق شارل نهم کشانیده و در آنجا تکلیف توبه و یا آمادگی برای
مرگ را باو نمودند یکی از بزرگان پروتستان را تا نزدیک تخت
خواب مارگریت دوالوا تعقیب کردند .

هرچند که اساسا مقصود فقط قتل روسا بود و اما مردم نیز
بسر بازان توام شده و کشتار عمومی گردید حتی از اطفال نیز صرف
نظر نشد تا قبل از ظهر بیش از دو هزار نفر بقتل رسیده بود . از
نمارست و چاول چیزی فروگذار ننمودند مساعی پادشاه در
جلوگیری از این فجایع تماما بهدر رفت این عمل وحشیانه تا روز
سه شنبه ۲۶ ادامه یافت .

پاره از ایالات نیز تقلید پاریس را نموده و حکام پرخی
دیگر از شهرها از اطاعت احکام و اصله خودداری کرده و حیات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 155 of 496

پروتستانها را از تعقیب کاتولیک ها محفوظ داشتند. برخلاف آنچه مشهور است پاپ وفیلیپ دوم ابداً مداخلتی درین واقعه نداشته وحتی قبلاً نیز از نقشهٔ شوم و وحشیانهٔ کاترین دمدیسی مطلع نبوده اند.

سه روزهای آخر شارل نهم - ندامت وپشیمانی دقیقهٔ روح شارل را آرام نمیگذاشت شب و روز در خواب و بیداری دچار توهمات بوده اجساد کشتگان را با قیافه عبوس وغرق خون مقابل خود مجسم دیده و آوازایشان را می شنید که باو ملامت می کنند. دوازده الی چهارده ساعت متوالی سواری اسپ میکرد تا بلکه از شدت خستگی بتواند دقیقهٔ خواب نماید ولی بیحاصل یکی از سفرای دربار می نویسد که «نگاه شارل تیره و افسرده شده در ملاقات ها هرگز بچشم مخاطب خود نظر نمیکند سر خویش را پائین انداخته و چشمها را می بندد. سپس ناگهان دیدگان را باز کرده و مثل اینکه از زیر چرکست رنج میکشد باز بهمان تندی چشمها را بهم میگذارد»

شب مرگش تنها دایه اش یک زن پروتستان، در بالین او

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 156 of 496

بود دشارل تمام شب را میگریسته وتقلا می نمود درلحظات آخرین نظرش بدایهٔ خود افتاده گفت « دوست من چه خون ها که ریخته شد وچه نفوسی بیجان شدند آه که چه ناصحین خائنی داشتم ایخدای من عفو کن مرا واگر سزاوار میدانی رحمتم فرما » .

اِتحَادِ کَالُونی هَا - نتیجهٔ فوری فاجعهٔ سن بارتلمی اشین که کالونیها برای محافظت ودفاع خود گردیکدیگر آمده وتشکیلاتی بنام اتحاد کالونی دادند . اتحاد مرکب از چند حکومت بود . هریک ازین حکومتها بدست یک رئیس حربی ویک شورای منتخب اداره میشد یکی از وظائف شورا وصول مالیات بود که از عموم سکنه بدون تمیز کاتولیک یا پروتستان جمع آوری میکرد واین مالیات بمصرف جنگ میرسید وبهمین وسیله کالونیها توانستند که تنها در ایالت لانگدک بیست هزار سرباز آماده نگاه دارند .

وباهمین تشکیلات مستحکم موفق بتحمیل صلح ایتنی به هانری سوم گردیدند .

اتحاد - صلح بولیو - بهانه اتحاد کالونی سرمشق تشکیل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 157 of 496

وتنظیم اتحاد مقدس گردید . مزایائی که به کالونی ها داده شده بود بقدری
برای کاتولیک ها گران آمد که حتی این اقدام را منتسب بخیانت
دانسته ، وظیفه دردفاع ازان برای خویش تصور نمودند .
یکی از مواد معاهده بولیو حکومت ایالات پیکاردی را
بپرنس کنده داده وشهر پرن را محل اقامت او تعین کرده بود
ساکنین این شهر که علاقه فوق العاده بمذهب کاتولیک داشتند
راضی بحکومت یک پروتستان نبوده و اتحادی ابتدا بین خود
وسپس با سائر اهالی پیکاردی بقصد اینکه کنده را مانع از تسلط در قلمرو
حکومتش شوند ترتیب دادند . بعد ازان تمام کاتولیک های فرانسه را
بمرام خود دعوت نموده ایشان نیز اجابت کردند . تقریبا در همه نواحی
شمالی شرقی و مرکزی مانند پرن اجتماعاتی تشکیل یافت بزودی
مجامع فوق الذکر مرکزیت بخود داده وهرچند بنظر میرسید که دیگر
دگیز ریاست آنرا خواهد داشت لیکن هانری سوم تشکیلات
جدیده را شناخته وشخصا ریاست آن را بعهده گرفت
(۱۵۷۷) .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 158 of 496

تشکیل این اتحادیه سلطنت را بخطر بزرگی تهدید میکرد، هرچند که متحدین باطاعت پادشاه قسم یاد نموده بودند لیکن منظور انها استقرار طرز حکومتی بود که تا آنوقت در فرانسه نظیر نداشت ایشان سلطان را فقط بمنزلهٔ یک نمایندهٔ ملت قرار داده میخواستند که حکومت بدست اتاژنرو یعنی وکلای ملت اداره شود. بدینصورت متحدین علاوه بر یک جنبهٔ مذهبی یک حزب سیاسی نیز ترتیب داده و تشکیلات نظامی جداگانه و رئیس مطاعی از خود داشتند. وحقیقةً مانند کالوینها مملکت جدیدی در مملکت فرانسه تأسیس کرده بودند.

مخاطرهٔ این اتحادیه برای سلطنت بیشتر از روزی شد که هانری دناوار حقاً وارث تاج وتخت گردید.

درینوقت اتحادیون معاهدهٔ برای محافظهٔ مذهب با فیلیپ دوم پادشاه اسپانی منعقد داشته واز پاپ نیز فرمانی گرفتند که هانری دناوار را از سلطنت فرانسه محروم میساخت. فیلیپ دوم کمکهای مالی وعسکری بآنها می نمود و قوای مادی اتحاد را کاملاً مستحکم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 159 of 496

گردانیده بود لذا شروع بمقابله با هانری سوم کرده و بشارلیه
تکلیف اخراج پیشوایان پروتستان را از فرانسه وعزل کالونیها را
از مشاغل عمومی نمودند . هانری مجبوراً این تقاضا ها را پذیرفته
ومعاهده نیز با ایشان منعقد داشت و برای ضمانت مراعات
مواعید خویش نه قلعه مستحکم را بمتحدین واگذار کرد . باین ترتیب
تقریباً فرانسه بوضع یکصد سال قبل خود یعنی اصول ملوک الطوائفی رجعت
نمود . تا مدت حیات دوک دگیز ریاست اتحاد را داشته و پس از
قتل او شورائی مرکب از شانزده نفر نمایندگان ایالات اداره امور
اتحاد را میکردند . این شورا مخالفت های شدیدی بر علیه هانری سوم
ابراز تا بحدیکه دوک دومین را بعنوان نیابت کل نائب السلطنه و صاحب
اختیار حقیقی مملکت شناختند . با تشکیل این شورا اتحاد صورت دیگری
بخود گرفت تا اینوقت فقط اجتماعی از نجبا و بزرگان بود بعد از این طبقات
دیگر عضویت آنرا دارا گردیده و اشکالات عمده که برای هانری سوم
وچهارم رخ داد بیشتر نتیجه احساسات اعضای نو وارد بوده است .
قشون اسپانی را در پاریس همین شورا خواستار شده چنانچه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 160 of 496

در موقعی حاضر گردید که فیلیپ دوم را حامی فرانسه بشناسد. این اقدامات و زیاده روی ها عده کا زیادی از متحدین را متنفر و حسیات ملی ایشان را بجوش آورد تا اینکه هانری چهارم رسما مذهب کاتولیک را قبول نموده وجود شورا و اتحاد را از بین برداشت.

فرمان نانت - اگرچه ترک مذهب پروتستان کاتولیکهای فرانسه را بسوی هانری چهارم جلب نمود ولی هم مذهبان قدیمش را از و سرد و دور ساخته و موجب اضطراب سخت کاتولیها گردید. لذا بلا فاصله بعد از جلوس هانری چهارم مبادرت به تشکیلات حزب جدیدی نموده فرانسه به نه ایالت تقسیم و رابطه آنها را یک مجمع عمومی سالیانه قرار دادند مجمع مزبور مامور شور در مسائل و اتخاذ تصمیمات مفیده حزبی بود.

هانری چهارم برای تسکین خاطر کاتولیها و پیش گیری از ظهور جنگ داخلی در ۱۳ اپریل ۱۵۹۸ فرمان نانت را صادر کرد.

فرمان نانت به پروتستانها آزادی علنی اجرای مراسم مذهبی را در مساکن شهرها و قرائی که قبل از ۱۵۹۷ در تصرف داشته اند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 161 of 496

اعطا نموده وحق ارتقاء به تمام مناصب را مانند کاتولیک ها
بایشان داد تساوی کامل در کلیه حقوق بین دو دسته برقرار گردید
وبرای رفع هرگونه عدم اطمینانی مجالس مختلطی که اعضای آن ها نصف
کاتولیک ونصف کالونی بودند تشکیل نمود وبعلاوه پرتستانها
موافق فرمان نانت حق داشتن مجامع مذهبی ایالتی وملی را دارا گردید
وتا مدت هشت سال یکصد قلعه نظامی برای پناه گاه خود داشتند
این مواد اخیره امتیازات واقعی برای کالونیها بوده ومضرات آنها
سی سال بعد در زمان سلطنت لوئی ۱۴ پسر هانری چهارم ظاهر
گردید .

فرمان نانت که اصولا بنفع مملکت صادر شده بود موجب
عدم رضایت بسیاری از کاتولیک ها و پارلمان پاریس گردیده
وکلیر بمخالفت با آن برخاستند .

یکی از مورخین جدید می نویسد « فرمان نانت که در ۱۵۹۸ صادر شد
که مبدأ تاریخی برای عالم مسیحیت گردید » زیرا در موقعی که در
تمام اروپا آلمان ، انگلیس ، اسپانی عقائد مذهبی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 162 of 496

سخت واقع بود فرمان نانت در فرانسه آزادی مذهب را
اعلام کرد. لیکن باید گفت فرمان مزبور حقیقةً از روی یکروح
و وجدان آزادی نبوده بلکه سیاست وحس پیش بینی هانری چهارم
چنین اقتضا کرده بود. و افکار عامه برای قبول یک چنین سکته مرگ
مسیحیت حاضر نبوده چنانکه یک قرن بعد موفق به گرفتن ناسخ آن گردیدند
اما بهرحال درصورتیکه در آلمان و انگلیس جنگهای مذهبی شعله ور بود قسمت
اعظم قسمت هفدهم را فرانسه ها بواسطهٔ فرمان نانت بکمال سکونت
و آرامی گذرانیدند.

اسپانی در زمان سلطنت فیلیپ دوم

مملکت اسپانی - هنگامیکه جنگهای مذهبی بیش از سی سال
فرانسه را بخود مشغول داشته بود اسپانی در زمان سلطنت فیلیپ دوم
پسر شارلکن جائز اهمیت روز افزونی در اروپا می گردید.
هیچ یک از سلاطین در قدرت و عظمت مقابل با فیلیپ دوم نبوده
این پادشاه علاوه بر اسپانی در اروپا مالک قسمت اعظم ایطالیا
جزیرهٔ ساردنی، سیسیل مملکت ناپل - میلان، فرانش کنته،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 163 of 496

آرتوا، فلاندر و پی ها بوده در خارج اروپا نیز مستملکات وسیعه
در بر جدید با تمام امریکای مرکزی و حصهٔ بزرگ امریکای جنوبی داشته
است همه ساله میلیون ها طلا و نقره از مکزیک و پرو استخراج
کرده و به اسپانی می آورده است .

در ۱۵۸۰ در نتیجهٔ انقراض سلسلهٔ ملی سلطنت پرتقال را
نیز مالک گردیده و یک مرتبه بر ممالک خود مستملکات پرتقال
یعنی برزیل ، تجارت خانه های افریقا و هند و جزائر اوقیانوس را نیز افزود .
دران دور بطور مثل میگفتند که اگر اسپانی تکانی بخورد زمین خواهد لرزید .
فیلیپ دوم — شارلکن موقعی که در ۱۵۵۶ تاج و تخت را به پسر
بیست پنج ساله خود واگذار نمود با و وصیت کرد که « مخصوصاً اصناف و مسائل
مذهب را بیش از همه چیز گرامی دار . » فیلیپ دوم این وصیت پدر را
هیچگاه فراموش نکرد . دفاع مذهب کاتولیک همیشه از افکار روحیات
اولین او بوده و در مقابل مخالفین خشونت و خون سردی فوق العاده
داشته چنانکه میگفته است « که اگر روزی خون من در بدن پسرم
فاسد شود اولین کسیکه او را بآتش خواهد انداخت خود من خواهم بود » طبیعتاً شخصی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 164 of 496

گرفته و پرسوز ظن بوده و میخواست که تمام جزئیات امور بنظر او رسیده
و خود تصمیم بگیرد و بقدری تکبر داشت که هرگز کسی بزانو افتاده با او صحبت
می نمود. غالب اوقات خویش را در قصر سلطنتی بمطالعه کارهای
بی شمار مملکتش صرف میکرد. لیکن بیشتر مساعی و افکارش بجانب
جنگهای مذهبی توجه داشته و می توان گفت که تمام عائدات
این مملکت وسیع و خارج همین جنگها چه در داخل و چه در خارج بود.

در اسپانی فیلیپ دوم ابتدا به تعقیب مسلمانان و سپس سرکوبی
اصلاحیون پرداخت مسلمین را از کرانه خارج و متفرق ساخته و تقریباً در همین
اوقات اداره انکیزسیون را دائر و هر یک نوبت شصت نفر
از اصلاحیون را در سویل سوزانید هرچند که این سیاست برای
اسپانی خیلی گران تمام شد لیکن بالاقل مقصود اصلی بدست آمده وحدت
مذهبی در سرتاسر مملکت حکم فرما گردید. ولی با برعکس پیشرفت نموده
و نتیجه آن انتزاع یکی از خوبترین قسمت های مملکت از فیلیپ و ایجاد دولت
جدیدی بنام جمهوری ایالات متحده گردید.

پی با که مرکب از ده مملکت بلاند و بلژیک امروزه بوده شامل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 165 of 496

۱۷ ایالت وفوق العاده بواسطهٔ عناد ثروت خود شهر مصر داشتند
بواسطهٔ همسایگی با آلمان بزودی عقیدهٔ لوتری در آنجا نفوذ کرده و
شارلکن برای جلوگیری ازان کلیسا نسیون را دائر و احکام وفرامین
سختی صادر نموده بود .

فیلیپ دوم بعد از پدر و بنالهٔ عایات او را تعقیب کرد
در یوقت در پی با نیز ماند فرانسه عقیدهٔ کالوینی جای نشین عقیدهٔ لوتری
شده و طرفداران آن اول نجباء و بعد او اسط الناس تقاضای لغو دوائر انکیزیسیون
و اعتدال قوانین مذهبی را داشتند . فیلیپ برای تنبیه ایشان قشونی
بسرکردگی دوک دالب بدانجا فرستاد . این شخص بخصوص ورود محکمهٔ
که بمحکمهٔ خونین معروف گردید بتشکیل و جستجو و تعقیب اصلاحیون پرداخت
در ظرف سه ماه یکهزار و شصت نفر را بمجازات رسانید . این نوع
فجایع و قایات گزافی که تحمیل کرده بود باعث هیجان و قیام عمومی شد
سرکردگان بانیان باکیوم دناسو پونس دمانز بود .

جمهوری ایالات متحده :- در ابتدای امر تمام ایالات
هفده گانه با اتفاق حرکت کرده در ۱۵۷۶ در شهر گاند اتحاد دوا متحده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 166 of 496

خویش را اعلام کردند . این اتحاد بیش از سه سال دوام نکرد .
ایالات جنوبی که اکثریت ساکنین آنها کاتولیک بودند بواسطه اختلاف
زبان و نژادی که با مردمان ایالات شمالی داشتند از آنها جدا گردیده
و باز بزیر سلطهٔ اسپانی درآمده و پی های اسپانی را تشکیل دادند .
هفت ایالت شمالی معاهده اوترخت را بین خود امضاء نمودند
و جمهوری ایالات متحده را بصورت یک حکومت مجتمعه نگاه داری
کردند هر یک از ایالات مزبور در داخل مستقل و امور و منافع عمومی
را تا آنروز که مرکب از نمایندگان ایالات بود حل و تصفیه میگردید .
ایالات متحده گیوم در انژ را بریاست حرب خویش استقامت
برگزیدند .
فیلیپ دوم مصمم به مبارزهٔ آنها با تقیاد و اطاعت گردید . سی سال
این مبارزات طول کشیده گیوم در انژ مقتول شد و اسپانیولی ها از
هیچ گونه شقاوت و بی رحمی خودداری ننمودند یا غیان که از بی موقعیت
به هلاندی ها معروف گردیدند بواسطه شهامت خود و کمکی که از جانب
الیزابت و هانری چهارم برای ایشان میرسید مقاومت کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 167 of 496

تا این که در سال ۱۶۰۹ فیلیپ سوم جای نشین فیلیپ دوم متارکه
دوازده ساله با ایشان منعقد و استقلال شان را شناخت .
لیکن استقلال کامل با ایالات متحده پس از بیست و هفت سال دیگر جنگ
بواسطه عهدنامه وستفالی ۱۶۴۸ حاصل گردید .
ازینروی معلوم میشود که سیاست مذهبی فیلیپ دوم در داخله
مملکت جز نقصان فائده نکرده و در خارج نیز چه در فرانسه و چه بر علیه
انگلیس نتیجه درخشانی نداد .
فیلیپ دوم در فرانسه — در فرانسه فیلیپ دوم ابتدا فقط
اتحادی با دوک دگیز و متحدینش کرده و هر گونه کمک مادی بایشان
می نمود .

پس از قتل هانری سوم و وراثت هانری چهارم فیلیپ دوم
بر فعالیت خویش افزود و بدو اقداماتی برای اینکه حکم کمبیر و خلع
هانری را از پاپ بگیرد بعمل آورده و سپس سه مرتبه قشون اسپانی
بخاک فرانسه داخل شدند . در این وقت دیگر فیلیپ مقصود از
حمایت مذهب نداشته و بطوری که دیدیم میخواست دختر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 168 of 496

خویش را طلبهٔ خوانست نماید . تفصیل عدم موفقیت او نیز در پیش اشاره گردید
فیلیپ دوم در انگلیس — یکی از عمده ترین کوشش فیلیپ دوم
اقدامی بود که بر علیهٔ انگلیس نمود . در اول امر علت آن را تعصب
مذهبی فیلیپ باید دانست زیرا الیزابت متقدترین سلاطین پروتستان
و مشاهگاه قوی ترین پادشاه کاتولیک بود . با اضمحلال الیزابت
میخواست طرفداران مذهب جدید را نابود کند و بلکه در نظر داشت
که شاید بتواند استوارت که کاتولیک و سابقاً ملکهٔ اسکس
و نوزده سال هم بعد الیزابت بود بسلطنت برساند . در ۱۵۸۷ الیزابت
بهانه ایمنگ ماری استوارت کنکاشی بر علیهٔ او ترتیب داده مشارالیها
بقتل رسانید این واقعه بیشتر باعث هیجان کاتولیک ها شده و دست
آویزی برای فیلیپ گردید .

لیکن این جنگ علل سیاسی و اقتصادی نیز داشت الیزابت
علناً به یاغیان پی با گمک میرسانید و گذشته از آن قوهٔ بحری
انگلیس شروع به ترقی کرده بود و چون اسپانی اجازه نمیداد که
کشتیهای خارجی در مستملکات او تجارت نمایند کشتیهای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 169 of 496

انگلیسی مبادرت به دزدی بحری نموده وحتی سواحل امریکا را غارت
و به بندرهای اسپانی حمله میکردند .

در ۱۵۸۸ فیلیپ قشون معظمی که بعد از جنگهای صلیبی نظیر آن
دیده نشده بود مرکب از سی هزار نفر اروپی با خود فراهم و قصد داشت که بعض
رسیدن جهازات اسپانیولی قشون مزبور را بجانب انگلیس ببرد .
این جهازات که بواسطه عظمت و قدرت آنها معروف
به جهازات مغلوب ناشدنی گردیده بودند در بحر مانش دچار انقلاب
دریا شده و جهازات کوچک و سبک انگلیس آنها را از پای درآوردند
مولد مشتعله که جهازات انگلیسی در میان این کشتیهای سنگین و بزرگ
میانداخت موجب وحشت فوق العاده گردیده و باعث شکست
آنها شد . باقی ماندگان را بطرف شمال کشانیده از یکصد و سی و پنج کشتی
مغلوب ناشدنی فقط پنجاه و شش فروند آن به اسپانی رسیده بیش از بیست هزار نفر
تلف شده و یکمشت سرباز اسپانیولی موفق نشدند که قدم بخاک
انگلیس بگذارند ۱۵۸۸

نتیجهٔ سلطنت فیلیپ دوم - فیلیپ دوم پنج ماه بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 170 of 496

از امضای عهدنامهٔ ورمون در ۵ سپتامبر ۱۵۹۸ درگذشت.

در صورتیکه امریکا در سال مقدار معتنابهی طلا و نقره برای اسپانی تهیه میکرد در ۱۵۹۶ اسپانی از تأدیه قروض خود عاجز بوده و مملکتی فقیر و مقروض گردیده بود جنگهای پیاپی نفوس اسپانی را نوعی العاده کاسته و در اثر آن از زراعت و صنعت تنها اسمی شنیده می شد.

فیلیپ دوم که میخواست اسپانی را اول دولت مقتدر دنیا بسازد اتفاقاً در نتیجه سوء سیاستش آن را به پرتگاه هولناکی کشانید بطوری که در قرن هفدهم دائماً رو به تنزل میرفته است.

فصل هفتم

جنگ سی ساله و نتائج آن

قشون - معاهدات وستفالی و پیرنه

از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ آلمان نیز مانند فرانسه در نیم قرن پیش میدان جنگهای گردید که بنسبت مدت آن معروف بجنگهای سی ساله میباشند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 171 of 496

بهانه آن امور مذهبی و علت حقیقی آن جاطلبی یک شاهزاده خانواده اطریش بوده که میخواست وضع حکومت انتخابی و مجتمعه آلمان را بدل بیک امپراطوری ارثی نموده و آنرا مرکزیت دهد.

در ابتدا این جنگ یک جنگ ساده داخلی بین ممالک خانواده اطریش بود. بعد جنگ آلمانی گردیده و عاقبت سایر دول مثل دانمارک - سوئد - ایالات متحده - اسپانی و فرانسه نیز در آن شرکت جسته و این جنگ داخلی را یک جنگ اروپائی گردانیدند.

از ۱۶۲۹ خصوصاً صورت جنگ های سی ساله بکلی تبدیل شده و وارد مبارزات بین خانواده های فرانسه و اطریش را تشکیل داد. این دوره با عهدنامه وستفالی در ۱۶۴۸ و معاهده پیرنه در ۱۶۵۹ ختم شده و در نتیجه ایالات اطریشیها در آلمان عظیم مانده و ایالات آلزاس و آرتوا و روسیون بفرانسه ملحق گردید.

مشاء و موجب جنگ - با وجود اتفاقات مختصره که رخ داد باز صلح اگسبورگ از ۱۵۵۵ تقریباً بیش از نیم قرن صلح را در آلمان مستقر ساخته بود. اما چون بموجب صلح مزبور فقط

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 172 of 496

شاهزادگان لوتری آزادی اجرای مراسم مذهبی خود را داشتند
کالونی ها برای دفاع حق خویش در ۱۶۰۸ اتفاقی بنام اتحاد انجیلی
بریاست الکتر (منتخب) پالاتن، فردریک پنجم تشکیل دادند.
سال بعد کاتولیک ها هم در مقابل بنام اتحاد مقدس اتفاقی کرده و مانکز
میلین دوک باویر را بریاست خود برداشتند. لوتری ها درین میان
بیطرف مانده وحتی رسما از همراهی با کالونی ها استنکاف نمودند.
این تشکیلات کاتولیک ها و کالونی ها جنگ قریب الوقوعی را حتمی
نشان میداد لیکن اتفاقات علت حقیقی اشتعال جنگ اتحادیه های
فوق الذکر نگردیده بلکه جاه طلبی فردیناند دوک استیری که در ۱۶۱۹
باسم فردیناند دوم بامپراطوری انتخاب شد آتش شعله ور ساخت.

فردیناند دوم — این شخص نواده فردیناند اول برادر شارلکن
وتربیت شده مکتب ژزوئیت ها بوده است بطوری مربیانش
روح او را مسخر ساخته بودند که مکرر میگفته «اگر وظائف شاهزادگیم
نبود قطعاً ژزوئیت می شدم» در احترام مذهب فوق العاده
مقید و در تعصب کاتولیکی پسر عموی خود فیلیپ دوم را بیاد می آورد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 173 of 496

روحی قوی و سخت فکری روشن و شجاعتی بی اندازه داشته است .

این پادشاه اتحاد مذهب را در مملکت خود یکی از اولین مسائل حیوتی دانسته و عقیده داشت که تمام رعایای او باید دارای یک مذهب باشند زیرا مملکت از نژادها و زبانهای مختلفه مرکب و در نصورت لازم بود که با توحید مذهبی لااقل اصل وحدت در آن مستحکم گردد .

فردیناند شروع نقشه خویش را در بهم نموده و بمحض اینکه بسلطنت انجار رسید امر بستن معابد پروتستان ها کرد و مردم در مقابل این حکم مقاومت بخرج داده تا بجائیکه در ۲۶ ۱۶۱۹ یعنی همان روزی که فردیناند بامپراطوری انتخاب شد چک ها (مردمان بهم) او را از سلطنت خود خلع و فردریک پنجم الکتر پالاتن را بپادشاهی برگزیدند .

فردریک بتحریک و اغوای عیالش دختر ژاک اول پادشاه انگلیس پادشاهی بهم را قبول و یک انقلاب داخلی را مبدل بجنگ با دول آلمان ساخت .

انتخاب فردریک بپادشاهی بهم موجب وحشت تمام [illegible] خصوصاً متعجب گردید . زیرا با داشتن تاج

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 174 of 496

بهم فردریک، پیرو کانون، دارای دو رأی در شورای انتخابیه
می شد و این مسئله هم برای لوتری ها و هم برای کاتولیک ها
خطرناک بود و بیش تر برای کاتولیک ها زیرا در اقلیت واقع شده
و بیم آن میرفت که در انتخابات آتیه یک پروتستان به امپراطوری
انتخاب گردد. بدین ملاحظه بزرگان و امرای کاتولیکی و لوتری
مانند دوک ماکزیمیلین و با دیر رئیس اتحاد مقدس و الکتر منانس پفالتس
امپراطور کمر بسته و دستجات قشون با دیر در ۱۶۲۰ چک ها را
شکست سختی داده و فردریک مضطربانه بشتاب فرار نمود که
حتی تاج و عصا و جبهٔ سلطنتی را بجای باقی گذارد.

فردریک پس از استیلای بر بهم تضییقات زیادی بحقوق
اهالی وارد آورد و هرگونه آزادی ایشان را از بین برده سلطنت را
گتا آنوقت انتخابی بوده در خانواده ها بسبورگ موروثی ساخته و مذهب
پروتستان را بکلی مردود و منسوخ کرد و روسای انقلابی را بقتل رسانید
و اموال ایشان را یا خود ضبط و یا بقیمت های نازل بفروش رسانید
و زبان آلمان جای نشین زبان چک گردید. ملت چک از چهار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 175 of 496

میلیون به یک میلیون رسیده و آنها هم تا مدت سه قرن کلی نامی در صفحه تاریخ نداشتند تا اینکه پس از جنگ عمومی معاهده ۱۹۱۸ از استقلال خود برادار شدند.

انقراض پالاتن - با فتح نهم بنظر می آمد که شعله جنگ خاموش میشود. لیکن ماکزیمیلین دباویر در ازای همه مهمای خود انتظار رفع خسارت داشته حتی میخواست که امپراطور راطریش علیارا باو واگذار کند چون فردریک باین مطلب نبود و مخارج جنگ را از فردریک تقاضا میکرد. پالاتن را اشغال نموده فردریک را از آنجا نیز خارج ساخته و بر خلاف میل تمام شاهزادگان آلمان و با وجود اعتراضات ایشان تمام عناوین و اموال و امتیازات فردریک را سلب و آنها را بماکزیمیلین انتقال داد. این اقدامات فردریک را بر خود خشمگین و دوستانها عموماً و لوتری چه کاتولیک شدند زیرا در عقیده مسلمین پروتستان کافر و چه کاتولیک ها آنرا مرتد دانسته و با این صورت اضمحلال آتیه خویش را حتمی میدانستند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 176 of 496

مداخله دانمارک و جنگ اروپائی ـ پروتستان ها

کریستیان پنجم پادشاه مملکت مستقله دانمارک را که در امپراطوری نیز بواسطه بعضی مستملکات خویش عضویت داشت به کمک طلبیدند. همان قسمی که دخالت دوک پالاتن بانقلاب داخلی بهم جنگ را به جنگ آلمانی مبدل کرده بود مداخله کریستیان پنجم نیز باین جنگ صورت و معنای جنگ اروپائی داد. سرنوشت کریستیان نیز بهتر از فردریک نشد. قشون دوک دُباویر و قشونی که حادثه جوئی بنام والیشتن برای امپراطور مهیا ساخته بود باو حمله کرده و پس از دو شکستی که در ظرف دو سه سال بکریستیان وارد آوردند پادشاه دانمارک مجبور باعقاد صلح لوبک گردیده (۱۶۲۹) و متعهد شد که بعد ازین در امور آلمان مداخله ننماید.

جاه طلبی فردیناند ـ با تکاء قشون والیشتن فردیناند دارای قدرت زیادی شده و میتوانست که ارادهٔ خود را در آلمان تمام شاهزادگان وامرا تحمیل نماید. جاه طلبی فطریش نیز او را تحریک کرده مقدمات اضمحلال پروتستانها را فراهم آورد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 177 of 496

لذا اکمی قبل از معاهده لومیک فرمانی صادر و بموجب آن کلیه
اراضی کلیسیا را که از ۱۵۵۲ داخل مستقلات شخصی شاهزادگان
پروتستان شده بود بخود برگردانید. و والنشتین را با قشونش مامور
اجرای این فرمان قرار داد.

در این وقت قصد تغییر تشکیلات و اساس امپراطوری را
نموده و خواست که وحدت حقیقی در آلمان برقرار و امپراطوری را
هم ارثی کند. با تحقق این نقشه تمام اختیارات شاهزادگان آلمان
زائل شده و ایشان بجای اینکه رکنی در اساس امپراطوری باشند
مانند امرای فرانسه و اسپانی بکلی اهمیت خویش را از دست
داده و فقط اشخاص ساده و درباری میگردیدند. منظور فردیناند اتحاد
و اجتماع کلیه دول ژرمنی و تشکیل یک مملکت مقتدر و وسیعی بود که
از دریای بالتیک تا آدریاتیک امتداد داشته و اروپا را
بدو قسمت تقسیم نماید. تاسیس یک چنین مملکتی خصوصاً فرانسه
و سوئد را بخاطرات بزرگی تهدید میکرد.

مداخله سوئد و فرانسه - فرانسه میدید که ممکن است

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 178 of 496

بزودی باز امپراطوری شارلگن تشکیل یافته و وضعیات و اشکالات
زمان فرانسه ای اول یعنی یک قرن پیش تجدید گردد. پس ناچار
بود که مداخله کرده و بهر قیمتی شود از اجرای نقشه فردیناند جلوگیری نماید
لیکن موانع داخلی - دسایس درباری و تحریکات نجبا ریشلیو صدر
اعظم لوئی سیزدهم را مانع از یک اقدام مجدانه گردید لذا سوئد
پیش قدم شده، فقط فرانسه وسائل تسهیل اقدامات او را فراهم
میآورد.

فردیناند مستقیماً دولت سوئد را تهدید می نمود.
فردیناند خیال تأسیس یک قوای بحری را در بحر بالتیک داشت
دوانشتن با فرمانده بحری گروانیده بود. سوئدیها نیز نظریاتی در
بالتیک داشتند و گوستاو آدلف پادشاه ایشان میخواست
که بحر بالتیک در حکم یک دریاچه سوئدی بوده و هیچ دولتی
در آن اقتداری نداشته باشد.

اما چون گوستاو آدلف در نوشت گرفتار جنگ با لهستان
بود نخواست که با اعلان پیشرفت امپراطور شود ریشلیو

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 179 of 496

زمینهٔ صلحی حاضر کرده و این مانع را از میان برداشت پس پادشاه سوئد توانست که در آلمان مداخله نماید . امپراطور نیز در ینموقع مصادف با اشکالاتی شده باین معنی ماگزیمیلین دوباره بر که از جاه طلبی فردیناند چندان مطمئن نبود ریشلیو او را محرک گردیده مشارالیه از امپراطور تقاضای عزل و النشتین و انحلال قشون او را کرد و ضمناً اظهار داشت که اگر باین پیشنهادش موافقت نشد جانب پروتستان ها را خواهد گرفت همینکه فردیناند این پیشنهاد را پذیرفت گوستاو آدولف قشون خود را در ساحل آلمان پیاده کرد . ریشلیو با پادشاه سوئد یک معاهده معاونت منعقد داشت .

جنگ سوئدی ـ قشون اتحاد مقدس بمقابل گوستاو ادولف رفت ولی در برتن فلد نزدیک لیپزیگ شکست خورده بهزمیت رفتند گوستاو برخلاف عادت آنزمان در زمستان به تعقیب دشمن پرداخته از درهٔ رن عبور کرده وارد درهٔ دانوب شده و به باویر هجوم برد . و برای رسیدن به وین شهر مونیخ پای تخت ماگزیمیلین را تصرف نمود . در اینوقت امپراطور باز مجبور باحضار و استعانت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 180 of 496

اره انشتن گردید مشار الیه بعجله قشونی تجهیز کرده و به مملکت ساکس
از متحدین پادشاه سوئد حمله برد . گوستاو آدلف بمقابله شتافته
در لوتزن دو قشون بیکدیگر رسیده و در بین محاربه موقعی که گوستاو
در راس قشون خود صفوف دشمن را می شکافت از ضرب دو گلوله
بقتل رسید لیکن جنگ بفتح سوئدی ها خاتمه پذیرفت . پس ازین
واقعه سوئدی ها باوجود فوت پادشاه شان اتحادی با پروتستانهای
آلمان کرده جنگ را تعقیب نمودند اما موفقیت به پیشرفتی نشده پروتستانها
با امپراطور از در صلح در آمده و برای دفعه دوم فردیناند خود با مالک
و صاحب اختیار تمام آلمان دید .

جنگ فرانسوی — با این پیش آمد فرانسه دیگر
تحمل نکرده و مستقیما وارد صحنه مبارزه شد و مداخله او باعث
توسعه جنگ در تمام اروپای غربی گردید . ریشلیو معاهداتی
با سوئد — ایالات متحده — شاهزادگان پروتستان
آلمان و بسیاری از شاهزادگان ایطالیا و سوئیس ها منعقد نموده
پنج لشکر کامل تجهیز و اعلان جنگ با سپانی داد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 181 of 496

مبارزه سیزده سال بطول انجامیده و میدانهای مختلفی مانند سرحدات پیرنه - فرانش کنته - سرحدات پی با - آلزاس و آلمان داشته است . در ابتدا فرانسویها پیشرفتی نکرده وحتی طرف هجوم اسپانیولها هم واقع شدند اما از ۱۶۳۷ حالت تعرض پیدا نموده از جانب اسپانی دو ایالت روسیتون و ارتوا را پس فتح لنس قطعاً تصرف و از جانب آلمان ایالت آلزاس را مالک گردیدند .

برای اجبار امپراطور بامضای صلح سرداران فرانسوی و سوئدی طرح حمله مشترک را بوین ریخته بالآخره در ۱۶۴۸ تورن فرانسوی و رانگل سوئدی با یکدیگر ملحق شده و در نزدیکی مارس هونزن بر سپاه امپراطور غالب آمده وین را تهدید نمودند . لذا امپراطور حاضر بصلح گردید .

مصالحه وستفالی - معاهده صلح در دو شهر استابرون و مونستیر در ایالت وستفالی در ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸ منعقد شده برطبق معاهده مذبوره امپراطور ضمانت استقلال منتخبین و تمام ممالک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 182 of 496

مستقلة آنان را نمود و سفا دمعاهده مذهبی اگسبورگ را بصورت
آزادانه تری تغییر داد و حق حاکمیت فرانسه را در آلزاس و سوئدو مالز
دُباویر و الکتر براندبورگ در اراضی مختلفه شناخته شد و نیز بموجب
معاهده جداگانه حکومت اسپانی استقلال قطعی ایالات متحده را
قبول نمود.

فرانسه و اسپانی - صلح پیرنه - اسپانی با امیدانکه
از اغتشاشات داخلی فرانسه فروند، استفاده نماید از صلح خود داری نمود
ضمناً پرنس کنده فاتح رکروا را نیز که برخلاف لوئی چهاردهم قیام کرده
بود باخود متحد ساخته و بهتاراج ایالات شمالی و شرقی فرانسه پرداخت
مدت ها بدون آن که هیچکدام از طرفین تفوق آشکاری یابد جنگ دوام
داشت تا اینکه در سال ۱۶۵۸ عاقبت مازارن صدر اعظم
فرانسه اتحادی با انگلیس ها کرده شش هزار قشون انگلیس بکمک
پادشاه فرانسه آمدند تورن سردار فرانسوی بدو قشون انگلیس توانست
اسپانیولها را در نزدیک دونکرک شکست دهد اسپانیولها پس
ازین هزیمت مجبور بامضاء صلح گردیدند. (۱۶۵۹)

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 183 of 496

معاهده در جزیره کوچکی در سرحد فرانسه و اسپانی منعقد و معروف
به عهدنامهٔ پیرنه شد با مقررات آن ایالات آرتوا و روسیون
بفرانسه واگذار و ازدواج لوئی چهاردهم با ماری ترزدختر فیلیپ چهارم
پادشاه اسپانی صورت پذیر گردید. فرانسه در نتیجه معاهده پیرنه تفوق
خود را بر هابسبورگ های اسپانی و با معاهده وستفالی فتح
وظفر خویش را بر هابسبورگ های اطریش ثابت نمود.

قشون - معاهدات وستفالی

قشون - جنگهای سی ساله از نقطهٔ نظر نظامی دارای دو جنبهٔ
مهم است یکی اینکه در جنگ ها برای آخرین دفعه قشون چریکی
بقایای قرون وسطی بکار رفته و دیگری تغییرات و اصلاحاتی است
که در فنون حربی از حیث ترتیب استعمال و انتظام دستجات
قشونی وغیره حاصل گردید. قشون مرکب از سواره نظام پیاده
توپخانه - پیاده نظام و بالآخره توپخانه بوده است سوار مانند
قرون وسطی نسبت بدیگر دستجات کثیر العده و بر آنها تفوق
داشته و بقسمت های مختلفه از قبیل زره پوشان - قراپینه داران

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 184 of 496

وغیره هم منقسم می شدند زره پوشان دارای اسلحه سنگین زره-
کلاه خود- بازه بند- چکمه های بزرگ و سلاح تعرضی ایشان شمشیر بلند
و یک جفت تفنگچه بوده در حرکات خود فوق العاده بطیئ و اگر یکی
ازین زره پوشان میخواست با سپ خود سوار شود بدون اعانت
دو نفر امکان نداشت .

قرابینه داران فقط زره کوتاهی پوشیده و کلاه خودی بسر
داشتند و علت تسمیه ایشان باین اسم برای این بود که حامل یک نوع
تفنگ کوتاهی موسوم به قرابینه بودند . قرابینه داران خصوصیت
بسائر سلاحهای آتشی کامل تر و بجای فتیله بوسیله سنگ چخماق
آتش میگرفت . پیاده نظام از نیزه داران و تفنگداران مرکب بود
نیزه داران تقریبا مثل زره پوشان سواره نظام زره و کلاه خود سنگین
داشته و برای حمله شمشیری بسیار بلند و نیزه بطول پنج الی شش
متر بکار می بردند . تفنگداران زره و کلاه خود نداشته و تنها یک
تفنگ و یک شمشیر بمیدان جنگ میرفتند . برای اینکه هیچگونه خطائی
در نشان واقع نشود هر کدام یک شاخه با خود داشته که تفنگ را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 185 of 496

در موقع آتش دادن بروی آن تکیه میدادند.

هر تفنگداری بقدر لازم باروط و سرب باخود برداشته و هر تیر او در نوک و نه حرکت انداخته شده ولا اقل پنج دقیقه وقت میخواست اگر باران میبارید و یا زمین سنگی بود وجود تفنگداران بکلی بیفائده و هیچ استفاده از ایشان نمی شد زیرا بواسطهٔ رطوبت باروط آتش نگرفته و بواسطهٔ سختی سنگ و نداشتن محلی برای نصب شاخها نمیتوانستند که تیراندازی نمایند. در هر فوجی عدهٔ نیزه داران و تفنگداران مساوی بود.

توپخانه فوق العاده بصورت ابتدائی وحتی توپچیان مخصوص نیز نداشته و در موقع لزوم نفرات نزدیکترین فوج پیاده را بکار میگرفتند. سبکترین توپ ها را ده اسپ می کشید. مهمات هر توپی را دوازده اسپ حمل میکرد. توپ ها فقط در موقع جنگ سوار می شدند. و چهارده نفر برای پر کردن هر عراده توپی لازم بود آتش توپها خیلی کندتر و غیر مطمئن تر از تفنگ ها بوده است.

هنگام مصاف سوارهٔ نظام در دو ردیف تفنگچی در دست

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 186 of 496

ویورتمه حمله میکرد صف اول پس از خالی کردن تفنگچه های خود جای
خویش را بصف دوم داده و بعقب آن قرار میگرفت تفنگ بدست
دست به یقه شده و اسلحه سفید بکار میبردند .

پیاده نظام هم از صفوفی مانند فالانژهای مقدونی
مرکب از ده ردیف ترتیب شده جنگ تن به تن اینان هم
با دشمن بسیار زنده واقع می شد .

اصلاحات گوستاو آدلف - این اصول و تنظیمات
فنون تا ظهور گوستاو آدلف و سوئدیها دوام داشت .
مشارالیه فنون و دقائق حربی را بکلی تغییر داده و اولین مصلح
ترتیبات جنگ های جدید گردید .

ابتدا باصلاح سلاح قشون خود پرداخته تفنگ پیاده
نظامش را کوتاه کرده و استعمال شاخه را از بین برداشت
قشنگ را اختراع نموده و بدین وسیله آتش پیاده نظام خویش را
سه مرتبه تقریبا سریع تر از آلمان ها کرد و توپخانه گوستاو آدلف
فوق العاده سبک بوده هر عراده توپی با دو اسب کشیده می شد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 187 of 496

دبهر نقطه میتوانست برود. توپخانه او شاید بهمان سرعت تفنگ تیراندازی می نمود. و بزرگترین علل فتح و غلبهٔ سوئدیها را شاید از برکت همین اصلاحات باید دانست.

صفوف قشون خود را مانند لژیون های رومی بسه یا چهار ردیف تنزل داده و بدین وسیله باعدهٔ کمتر جبههٔ طویلی در مقابل دشمن تشکیل میداد.

دول متخاصم — اسپانیولها - آلمان ها و فرانسه ها بزودی تغییرات و اصلاحات کوستاو آدلف را تقلید و قبول نموده و ترتیبات دستجات خود را مطابق آنها دادند بنحویکه پادشاه سوئد را باید مبدع و مخترع اصول و فنون فعلی حرب دانست.

معاهدات وستفالی — معاهدات وستفالی پس از مذاکراتی طولانی منعقد گردیده و چهار سال دوام کرد. چون سوئدیها میخواستند که تساوی مطلق با فرانسه داشته باشند برای اجتناب از اشکالات و رفع هر تقدم و تاخری در یکزمان سوئدیها در استابروگ و فرانسویها در منستر افتتاح باب مذاکرات صلح نمودند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 188 of 496

علاوه بر سفرای فرانسه و سوئد و امپراطور سلاطین اسپانیا و دانمارک ایالات متحده و حتی شاهزادگان آلمان دو نیز نیز سفرای در مجلس صلح داشته و حقیقة کنگره تشکیل گردیده بود در معاهدات وستفالی سه موضوع تصفیه شد :

۱ــ مسئله مذهبی آلمان .

۲ــ تشکیلات سیاسی آلمان .

۳ــ صلح اروپائی .

از نقطهٔ نظر مذهبی معاهدهٔ وستفالی برای سلطان هر مملکت حق تحمیل مذهبش را بر عایا برقرار دانسته و در عین اینحال بر عایا حق داد که بدون ترس از اتلاف دارائی خویش مهاجرت نمایند. با اینصورت معلوم است دیگر آزادی مذهب در آلمان وجود خارجی نداشت . معاهده وستفالی تشکیلات آلمان را بهمان اصول قدیمهٔ خود باقی گذارده و میتوان گفت که تا درجه از اقتدار امپراطور نیز کاست و بهیم امپراطوری کماکان الشابق انتخابی مانده دوک دبا دیر منتخب (الکتور) پالاتین شده و یک الکتورای هشتمی نیز برای پسر فردریک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 189 of 496

پنجم دوک مخلوع پالاتن ایجاد نمود. متنفذین باز همان استقلال مطلق را
در قلمرو خویش تحصیل کرده و بهیچ عنوان و بهانه حق مداخله
با میراطور ندادند. بشرط اینکه برخلاف امپراطور نباشد
و بانعقاد هرگونه معاهده با هرکسیکه مائل شوند ایشان را
آزاد شناختند. دیت حق اعلان صلح و جنگ، و وضع
و تحصیل مالیات وغیره را دارا گردید در حقیقت امپراطور عنوانی
بود بلا اثر و هیچگونه نفوذ و اختیار واقعی نداشت.

پالاتینای علیا به دوک دباویر و پمرانی شرقی
آرشوشهٔ ماگدبورگ و چندین نواحی دیگر به الکتور براندبورگ
داده شده و از همین جا قدرت آیندهٔ پروشن شروع
گردید.

برای جبران خسارات وارده سوئد منصب رود وزر،
پمرانی غربی و مصب رود اُدر یعنی سواحل بالتیک آلمان را
تصرف کرده و فرانسه مجدداً سه شهر تول - متز و وردن را
مالک شده حاکمیتش در آلزاس برقرار شد و ضعیت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 190 of 496

شهر آزاد استراسبورگ در معاهده وستفالی کاملاً مشخص نشد و مشاجرات آتیه فرانسه و امپراطوری از همین نقطه برخاست.

این بود مفاد و تصمیمات معاهده وستفالی یا اولین و بزرگترین معاهدات اروپائی که ذکر گردید. در نتیجه آن موازنه اروپائی یعنی تعادل بین قوای دول متقدره برقرار و تقریباً تا موقع انقلاب کبیر فرانسه قائم بود.

تشکیلات داخلی آلمان بطوری داده شد که بیم هر توحید و مخاطره از آن جا مرتفع و بیش از دو قرن آن را در حال ضعف و ناتوانی انداخت تشکیلات آلمان در تحت نظر و مراقبت دول امضاء کننده قرار گرفته و از آن موقع خصوصاً فرانسه و سوئد حق مداخله در امور داخلی امپراطوری را پیدا کردند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 191 of 496

فصل هشتم

تشکیل سلطنت مطلقه در فرانسه

هانری چهارم - ریشلیو - مازارن

سنوات بین ۱۴۹۸ تا ۱۶۶۱ یعنی قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم شامل سلطنت لوئی ۱۲ (۱۴۹۸ - ۱۵۱۵) فرانسوای اول (۱۵۱۵ - ۱۵۴۷) هانری دوم (۱۵۴۷ - ۱۵۵۹) فرانسوای دوم (۱۵۵۹ - ۱۵۶۰) شارل نهم (۱۵۶۰ - ۱۵۷۴) هانری سوم (۱۵۷۴ - ۱۵۸۹) هانری چهارم (۱۵۸۹ - ۱۶۱۰) لوئی سیزدهم (۱۶۱۰ - ۱۶۴۲) و قسمی از پادشاهی لوئی چهاردهم میباشد. در ظرف این یکصد و شصت و اندی سال سلطنت مطلقه در فرانسه مستقر گردید.

مقصود از سلطنت مطلقه این است که مانند امپراطوران روم پادشاه منفرداً صاحب اختیار کامل بوده و اراده او حکم قانون داشته باشد. این وضع حکومت با مقابله

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 192 of 496

با اشکالاتی توانست که در فرانسه معمول شود. فرانسوای اوّل و هانری دوم سلاطین مطلقی بوده لیکن در زمان هانری سوم و مدّت جنگ های مذاهبی اقتدارات سلطنتی تقریباً از بین رفت هانری چهارم باز موفق به تجدید و تحکیم آن آمده بعد از مشارالیه آخرین بحران در زمان جنوب لوئی سیزدهم و لوئی چهاردهم ظاهر و بزودی مرتفع شد.

در ضمن این احوال اداره حکومتی توسعه یافته عدهٔ مستخدمین روز بروز بالا رفته مخارج زیادگردید تا تجدیکه موضوع مالی و پول یکی از غامض ترین و مهم ترین مهمّات مملکتی بشمار آمد.

از طرفی نیز تغیراتی در روح و طبقات جامعه ظاهر و نجبا که تا آنوقت مستقلاً زندگانی میکردند دست از اهمیت و اراضی خویش برداشته بزندگانی در دربار و وظیفه پادشاه تن در دادند. بورژوازی یا طبقهٔ اواسط الناس متدرجاً دارای نفوذی شده و کلیّه مشاغل حکومتی و مناصب عالیه را اشغال کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 193 of 496

هانری چهارم

وضعیت فرانسه در موقع جلوس هانری چهارم ـ جنگهای مذهبی چه سیاسة وچه از نقطهٔ نظر مادّی فرانسه را دچار خرابی و پریشانی فوق العاده نموده بودند. ازان اقتدارات مطلقه فرانسوای اوّل و هانری دوم دیگر اثری باقی نمانده وحتی وحدت فرانسه تهدید می شد یکی از نویسندگان همعصر مینویسد که قسمت بزرگ نجبا طرفدار تسلط سلاطین نبوده و توده ملّت نه سلطان و نه شاهزادگان نه نجبا و نه اصل زادگان هیچکدام را نمیخواست. ضعیف ترین اشخاص دهات باطاعت ما فوق رضایت نمیدادند حکام ولایات مطلق العنان میزیستند قشون برای خود داشتند مالیاتها وضع و وصول میکردند و قضاوت مینمودند.

ویرانی و عسرت سرتاسر مملکت را فرا گرفته دهاقین از زراعت دست برداشته و از گرسنگی اغتشاش می انداختند. تجارت و صنعت بصفر رسیده و قرض دولت بقدری بود که

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 194 of 496

عایدات مملکتی بزحمت جواب طلبگاران را میداد. برای پرداخت
مخارج ضروری حکومتی محلی نبود. بقول هانری چهارم لازم
بود که فرانسه نفس تازه کند.

هانری چهارم - بمحض اینکه با صدور فرمان نانت و عقد معاهده
ویروان (۱۵۹۸) صلح داخلی و خارجی مستقر گردید هانری چهارم
شروع بکار تجدید تشکیلات فرانسه و تحکیم اقتدارات سلطنتی نمود.

در آنوقت چهل و پنج سال از عمر او گذشته و دارای هوش
و ذکاوتی فوق العاده بود در شجاعت و خصائل سردار جنگی
نزد عموم مشهور و با یک نظر بسهولت درجهٔ لیاقت و استعداد
و نیات اشخاص را می فهمید. به اجرای اوامر شاهانه دقت زیادی
میداد لیکن با صورت لطف و مهربانی آنها را تحمیل میکرد.
بیکی از حکام ولایات چنین مینویسد: «من مصمم تعقیب ارادهٔ
خویش هستم خدمتگار محبوب کسی است که اطاعت کامل از ارباب
خود داشته باشد لحن کاغذ شما متغیرانه بود ولی من بنور خشمگین
نشده ام خواهش میکنم که مرا مجبور نسازید»

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 195 of 496

همه کس بزودی قدرت و سلطهٔ هانری چهارم را شناخت
و تمام گردن کشان فهمیدند که دورهٔ هرج و موج سپری شده
و واقعهٔ ذیل دیگر قطعاً جنگی را بجای خود نشانید. مارشال بیرن
حاکم بورگنی یکی از دوستان قدیمی هانری بوده جاه طلبی او را
وادار بدسایسی بر علیه سلطنت بادوک رساد او سپس
بایاد شاه اسپانی نمود هانری چهارم گفت که چون میدانم
بیرن هیچ چیز را از من مخفی نمیدارد او را عفو میکنم اما چون
مشارالیه حاضر بافشای مطلب نگردید محکومش باعدام
کرده و سرش را از بدن جدا ساخت.

سولی — هانری چهارم برای اداره امالکی معاونین ربرد بهست
وقابلی داشته ولی از همه ذیقیمت تر را میتوان ماکزیمیلین
دُبِتَن مشهور بدوک دسولی دانست. سولی هفت سال از
هانری چهارم کوچکتر و از سن یازده سالگی در خدمت مشارالیه
دوالبته باو بوده بهست بزودی از صمیمی ترین دوستان
هانری گردید. با حسن خلقی فوق العاده و شهامت و متانت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 196 of 496

بی نهایت در کمال مهارت امور خود را انجام میداد.
در جنگهای مذهبی لیاقت خویش را آشکار ساخته و با مصارف
زیادی که در آن موقع با نری چهارم داشت هیچوقت
او را بی پول نگذارد بدینجهته در سال ۱۵۹۸ باداره
کارهای مالی منصوب گشته و چندی نگذشت که غالب مشاغل
مهمه را بقبضه گرفت چنانکه در عین حال هم وزیر مالیه و هم وزیر عامه
و هم وزیر جنگ بوده است.

بزرگ ترین خدمات سولی اداره مالیه مملکتی است
مالیاتهای چندی بارعایت حال موديان وضع کرده و
از تاراج و سوء استفاده خزانه جلوگیری سخت بعمل آورد حتی
اگر خرجی را برای پادشاه غیر لازم میدید از پرداخت
آن امتناع مینمود.

این مسئله محقق است که هرگز کسر خرج نداشته و حتی
هر ساله معادل پانزده میلیون فرانک امروزه ذخیره میکرده است
با نری چهارم در سولی برای تامین جنبه مالی و تمهید عائدات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 197 of 496

توجه خاصی به زراعت، صنعت و تجارت داشتند زراعت را
در تحت حمایت خود گرفته و دست تعدی سینورها و بزرگان
از سر رعایا کوتاه گردانیدند.

کارخانه جات نساجی را رونق داده و بدینطریق امیدوار
بودند که از خروج پول فرانسه بایطالیا جلوگیری نمایند راههای
زیادی ساخته و پلهای بسیاری آباد کردند. معاهدات
تجارتی با انگلیس و ترکیه منعقد و خیال تأسیس فرانسه جدیدی
در امریکای شمالی، کانادا، داشتند.

کلیتاً باید دانست که در امور یکه صرف پول لازم و نتیجه
آن مشکوک بود سوئی نهایت احتیاط میکرده هست ماتریچهارم
بکمک این قلیل مردمان قابل موفق به تحصیل امنیت داخلی
وصلح خارجی گردید.

سیاست خارجی ماتری چهارم

از موقع انعقاد عهدنامه ویروان بعد از جنگ مختصری
که ۱۶۰۲ بر علیه دوک دساوا نمود و پیس و بومرسی را تصرف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 198 of 496

کردہ ہانری چہارم ہمیشہ سیاستی مسالمت کارانہ و محتاط در
خارج داشتہ ہست. لیکن در ۱۶۰۹ وضعیت و عقیدہ اش
تغیر یافتہ قصد مداخلہ در المان نمودہ و در سال ۱۶۱۰ تدارکات
بسیارے بر علیہ امپراطور و پادشاہ سپانی دید.

سوئے نقل میکند کہ موضوع این جنگ تحقق نقشہ ہیئتے
بودہ کہ چندین حکومت متفقا طرح و اضمحلال خانوادہ اطریش
خارج کردن ترکہا از اروپا و تشکیل دول متحدہ اروپا را
در نظر داشتند اما حقیقت این ہست کہ باستثنای اضمحلال
اطریش سایر چیزہا جزئی افکار و آمالے بودہ کہ شخص سوئے
داشتہ و ہرگز مذاکراتے برای اعمال چنین نقشہ با کسی نشدہ ہست
جنگی کہ بعد ۱۶۱۰ ہانری چہارم تہیہ میدید نتیجہ آن بقدرے
مشکوک و غیر مطمئن بود کہ پادشاہان انگلیس ہلاند و ونیز ہا
از شرکت در آن صریحا خود داری کردند. مردم نیز با این
ہوا و ہوس ہانری موافقت نداشتہ و خصوصا با وضع
مالیاتہاے جدیدے کہ ممکن بود در اثر این جنگ عمل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 199 of 496

جداً آنرا تقبیح و تنقید نموده وحتی این جنگ را اقدامی بر له
پنرلستان های المان و بر خلاف پاپ میدانستند .

قتل هانری چهارم

این آوازه ها عاقبت روح مجنونی موسوم به راوایاک
منقلب و مسخر گردانیده برای کشتن هانری از انگولم محل
اقامت خویش حرکت کرده در بین راه کاردی از یک
مهمانخانه دزدیده خود بپاریس رسانید .

شانزدهم مه هانری بایستی برای فرماندهی اردوی
خویش عازم شود روز جمعه چهاردهم در حدود ساعت چهار
کالسکه خویش بملاقات سولی میرفت بین راه عرابه معبر را
مسدود و مانع عبور کالسکه بود موکب پادشاهی قدری
توقف کرد . درهمین وقت راویاک که از لوور را تعقیب
نموده خویش را نزدیک رسانیده و با دو ضرب کارد ،
سلطان را از پای درآورد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 200 of 496

تمام مملکت عزا گرفت نفرتیکه از جنگ داشتند
فراموش شد خدمات هانری چهارم و آرامش دوازده
سالهٔ که از برکت وجود او پیدا شده بود ملت را در تأسف
و ندامت فوق العاده انداخت ولی چه سود که کار از کار
گذشته و تیر از شست رفته بدست نمی آید.

لوی سیزدهم و ریشلیو

با قتل هانری چهارم باز اغتشاشات و انقلابات شروع
گردیده و قریب پانزده سال دوام داشت (۱۶۱٤
-۱۶۲۹) در ابتداء علت آن ضعف و سستی مصادر
امور یعنی مادر دمدلیسی - کنسینی ولوین بوده
لیکن سپس دست آویزی برای نجباء و پروتستان ها
گردیده و دامنهٔ آنرا وسعت دادند. تا اینکه در سال
۱۶۲٤ کاردینال ریشلیو بواسطهٔ کمال عدیت و فعالیت
خویش توانست این آتش را خاموش و اختیار و قدرت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 201 of 496

مطلقه پادشاه را بهمه تحمیل نماید .

نیابت سلطنت

لوئی ۱۳ پسر بزرگ هانری چهارم نه سال بیشتر نداشت و باصغر سن ممکن نبود که بادارهٔ امور مملکتی پردازد لذا انتخاب نائب السلطنه حتمی شد . ماری دیدیسی عیال هانری فوراً موضوع را بمجلس ملی فرستاده و دو ساعت بعد از قتل هانری پارلمان مشار الیها با اقتدارات واختیارات کامله بنیابت سلطنت پسرش برگزید

برخلاف آنچه مشهور است ابداً تهدیدی در نحو وضوع بود کلانشده و مجلس با نهایت آزادی رأی خویش را داده است .

حکومت کنسینی

ماری دمدیسی بطبیعتهٔ دارای قریحه و ذکاوت لازمه این منصب بزرگ نبود و کاملاً در تحت تاثیر خواهر رضاعی خود و شوهرش ، دونفر ایطالیائی ، واقع گردید بطوریکه مشار الیه سند رها بمقامات عالیه رسیده و بدون اینکه بمنصب

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 202 of 496

برق آتش میدان جنگ را دیده باشد برتبه مارشالی
ارتقاء یافت عاقبت نیز بوزارت تعیین شده حقیقتاً در
باطن بمملکت فرانسه حکومت میکرد.

بدیهی است یک چنین ترتیبی بجناب شاهزادگان خانواده
سلطنتی را بزودی متنفر و بیدار ساخته و خصوصاً پرنس کنده
اوّلین شاهزاده فرانسه را بیش از اندازه تهییج کرد. از طرف
دیگر نیز بزرگان بخیال استفاده از موقع افتاده و زمینه را
برای استحصال مقدارات سابقه خویش فوق العاده مناسب
دیدند برای اجرای مقصود بدواً هریک برای خود مواجب
های گزافی تحصیل کرده و چون کم کم پس اندازهای سولے
تمام شد و ماری دمدیسی قدری از پرداخت آنها
خودداری نشان داد در تحت فرماندهی و ریاست
پرنس کنده علم شورشی برافراشتند.

کنسینی بجای مقابله از در صلح درآمده و مبالغ زیادی
هم بایشان پرداخته و هریک را بحکومتی منصوب نمود اما نزدیک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 203 of 496

که چندے بعد مجتمع گردید در اثر کشمکش نمایندگان طبقات
مختلفه کارے از پیش نبرده تا اینکه بفرمان نائب السلطنه بسته
شده و تا ۱۷۸۹ دیگر باز نگردید.

با آنکه لوئی سیزدهم بحد رشد رسیده بود و لے حکومت
بمادر خود و در نتیجه بکنینی واگذار کرد. مشارالیه تا ۱۶۱۷ با کمال
اقتدار حکمرانے داشته و در نهایت باز گرفتار زد و خورد با کنده
و بزرگان بود.

درین نوبت بروتستان ها سے جنوب نیز که از و صلبت
لوئے سیزدهم با آن دختر فیلیپ سوم پادشاه
اسپانی بوحشت افتاده بودند بایشان ملحق گردیده و
کار دشوار تر بنظر میرسید باز هم کنینی با صرف قریب بسیت و
پنج اسمی میلیون فرانک نوانست آتش را تا درجه خاموش کند
اما چون بهیچ صورت کنده آرام نمی نشست عاقبت او را
توقیف کرده و بکلے غائله را ختم نمود.

شاه تا نزده سال دهنت و باز هم از اداره امور

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 204 of 496

برکنار بود و زرای خود را هرگز نمیدید و هر کسیکه نزدیک باو میشد خطر حبس و یا اخراج را حتمی میدانست این وضعیت فوق العاده خاطر لوئی سیزدهم را آزرده ساخته و تصمیم کرد که بهر مشکلی شود خویشتن را ازین اسارت و عبودیت خلاص نماید با لوین یکی از محرمان خود گفتگا شی کرده موافقت کاپیتن محافظین و چند نفر سرباز را جلب و روزیکه کنسینی بلوور می آمد صاحب منصب مزبور پیشنهاد خواست بحکم شاه توقیفش کند بمقاومت کنسینی باعث شد که در همانجا بقتل رسید.

پس ازین واقعه لوین بارتبه دوکی و مارشالی جای نشین کنسینی شد مخالفت ملکه مادر شاه و برادرستان با زموجب انقلاب گردید. ماری دمدیسی بزودی صلح نموده لیکن برادرستان ها از ضدیت دست نکشیده و لوین هم در مقابل ایشان پیشرفتی نکرد لوین در سال ۱۶۲۱ درگذشت ریشلیو — پس از مرگ لوین ماری دمدیسی دوباره نفوذ در دربار لوئی یافت در ۱۶۲٤ کاردینال ریشلیو را داخل خود آ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 205 of 496

سلطنتی نمود مشار الیه بفاصلهٔ چند ماه وزیر اوّل و صدر اعظم
فرانسه گردید، هجده سال با این سمت کار کرده در ۱۶۴۲
راه جهان دیگر گرفت .

ریشلیو در ۱۵۸۵ در پاریس تولد و ابتداءً داخل رشتهٔ
عسکری شد و لے اتفاقاً در ۱۶۰۶ جامهٔ کلیسیائی را اختیار
کرد، در سن بیست و دو سالگی اسقف لوسن و از انجا
نمایندگی در اتاژنرو منتخب گردید. در اتاژنرو لیاقت
و شایستگی بسیارے از خویش ظاهر ساخته توجه ماری دُمدیسی
و کنینی را بخود جلب و در نتیجه در ۱۶۲۲ دارائے کلاه کاردینالی
و لبسن سی و نه سالگی بوزارت رسید .

هرچند که ظاهراً منحواست مهربانی و ملایم قلمرو و لیکن
اختفائے طبیعت غیر ممکن بوده و اثر صفات تحت و خشن و
بیرحمی او همیشه آشکار می شد فوق العاده عقیده بقدرت
و سلطهٔ پادشاه داشته و حقیقةً پادشاه را مثل سد میدانست
در حالتے نوشته است که ((پسران و برادران و اقربائے

ناشناخته تحریک رفیق عبدالغفور خان ۲۰۰۶

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 206 of 496

سلطان در حکم سایر رعایای او بستند و در هیچ امتیازی خصوصاً وقتی توهین بمقام سلطنت نمایند، برد. گر او دولت ندارند و همچنین از وظائف فرمانروائی نیز فکر بشش غافل نبوده و حفظ منافع عمومی را یکی از بزرگترین و مقدس ترین تکالیف پادشاه و مشاورین او می شمرده است.

ریشلیو وصیات نامه را در موقعیکه زمام امور را بدست گرفت باین چند کلمه خلاصه کرده و مینویسد: «اوکتوبا مملکت را باپادشاه تقسیم کرده... بزرگان مراعات مقام سلطنت را ندانسته، حکام ایالات مستقلانه رفتار نموده سیاست خارجی خراب و منافع شخصی مصالح عمومی را مضمحل ساخته بود.»

لذا دستور و خط مشی خویش را باینطور ترتیب داده و به پادشاه تقدیم کرد: «سرکوبی اوکنوبا، گوشمال بزرگان آشنا ساختن رعایا به حدود و تکالیف خود، اعتلاء نام سلطنت از ملل خارجه» و انصافاً ریشلیو توانست که با کمال مهارت و زبردستی تمام مواد خط مشی خویش را متوالیاً بموقع عمل آورد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 207 of 496

سرکوبی اوکنوها

ریشلیو پیشتر از همه به تادیب پروتستان ها پرداخت زیرا اولاً آنها خود پیش دستی نموده وثانیاً چون وجود ایشان با تشکیلات هتواری که داشتند خطرناک تر برای مملکت میدانست مرکز شورش در روشل بود ریشلیو یک مرتبه در سنه ۱۶۲۵ بمحاصرهٔ آن پرداخت لیکن بملاحظهٔ ضعفیکه در قوای قشون خود حس میکرد با محصورین متارکه نمود و دفعهٔ دوم در سال ۱۶۲۷ جنگ را از سر گرفت .

درین نوبت پروتستان ها با انگلیس ها اتحادی داشته وگذشته ازان سرکردهٔ فعال و باشهامتی مانند گیتون باخود میدیدند. محاصره یک سال بطول انجامید بواسطهٔ تدابیر و احتیاطات ریشلیو. رسیدن آذوقه و کمکی از انگلیس بمحصورین غیر ممکن بود. گرسنگی مدافعین را مجبور بتسلیم کرد پانزده هزار نفر تلف شده بودند و از تمام پروتستان ها یک صد و پنجاه و چهار نفر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 208 of 496

بیشتر حیوانه نداشت. در لانگدک نیز هیجان وجنبش مختصری شد
ریشلیو آن آوازه را نیز خاموش کرده و سپس فرمان
عفو آله را منتشر نمود بطوریکه در عنوان این فرمان ملاحظه
میشود دیگر صحبت از معاهده ومقاوله نبوده بین پادشاه و
رعایای یاغی او عقد قرارداد و معاهده معینی ندارد باید
شرایط خویش را تحمیل آنها کرده وبموقع خود از اعمال و
رفتار ایشان عفو وچشم پوشی کند.

هرچند که فرمان عفو آله امتیازات سابقه پروتستان ها را
سلب نمود لیکن آزادی اجرای مراسم دینی را بایشان داده
وتساوی کامل با کاتولیک ها را بایشان اعطا کرد ریشلیو تا آخر
مفاد فرمان مزبور را رعایت نموده وکوشش بسیاری در تالیف
قلوب هردو دسته مذهبی واتحاد بین آنها مبذول داشت

گوشمال بزرگان

زد وخورد با بزرگان بیشتر طول کشید وتا ۱۶۴۲ یعنی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 209 of 496

تا سال قبل از مرگ ریشلیو جاری بود سرغشا، فساد کاستن
در اثنان برادر شاه که تا چندے وارث تاج و تخت تصور
میشده بوده هست ناراضیان از صدر اعظم اطراف او را گرفته
واین شاهزاده سنگین بمخالفت با وطن و برادر خود قیام نمود.
از جانبی نیز ملکه و مادر شاه بواسطهٔ بغض عداوتے کہ با ریشلیو،
داشتند خود جبهه مخالف دیگرے تشکیل داده بودند.

ریشلیو بدون هیچ ترحم و ملاحظه شورشیان و وسیله
کنندگان را تنبیه مینمود چندین نفر از شاهزادگان خانواده
سلطنتی را در حبس انداخته وعدهٔ زیادے از بزرگان و سرکردگان را
محکوم گردانیده بقتل رسانید. سه نفر از مارشال ها ے
فرانسه را در باستیل انداخت یکی از ایشان در حبس مرده دو
دیگر پس از مرگ این صدر اعظم مخوف آزاد شده از مرگ رهائے
یافتند. ریشلیو با این سیاست و رفتار ظاهراً خشن توانست
که امنیت و آرامش را در مملکت برقرار کند.

کاردینال دُرتز یکی از معاصرین او گفته هست که در این شخص

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 210 of 496

موحش بمردمان فرنسه حکومت نکرده بلکه ایشان را مانند
صاعقه سوزانیده بست»

ریشلیو و پارلمان

پارلمان پاریس تا اندازه طرف مراعات او بود این
مجلس از جنگ های مذهبی شروع بمداخله در امور سیاسی کرده
اعتراضات سختی به ماری دمدیسی نموده و در زمان لوئی
سیزدهم نیز چندین مرتبه بر علیه عملیات خود سرانه ریشلیو
بشدت اعتراض کرد. لیکن فقط نتیجه اش این شد که عده
از وکلاء نفی بلد گردیده و مابقی مورد تهدیدات سخت واقع شدند
در ۱۶۴۱ یعنی اواخر صدارت ریشلیو صریحاً نکته گیریها و تنقیدات
پارلمان را در اعمال حکومتی ممنوع داشت. اما باز بعضی عقاید
که راجع بامور مالی اظهار میشد قبول میکرد.

ریشلیو و لوئی سیزدهم

همان طوریکه در عصر حاضر لیاقت و بزرگی کیوم اول

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 211 of 496

بواسطهٔ وجود شخصی نابغه مانند بیزمارک پوشیده شد عقل
و درایت و ارادهٔ ریشلیو نیز جلالت قدر لوئی سیزدهم را مستور داشت
لوئی سیزدهم سلطانی باهوش کارکن و شجاع بوده
وحقیقتاً تمام خصائل پادشاهی را جامع بود با وجود داشتن
وزیری مثل ریشلیو هرگز از جزئیات امور غافل ننشسته و دزد
از اختیارات خویش را صرف نظر نمیکرد. بعضی اوقات ریشلیو
میگفت که «تسخیر چهار گوشهٔ اطاق کار پادشاه برای من
دشوارتر از تسخیر تمام میدانهای جنگ اروپاست» برای
اجرای کوچکترین کار ما ریشلیو تصویب شخص سلطنت را تحصیل
مینموده و درین مقصود مجبور بود که دلائل کافی ذکر کرده و جهات
فوائد و مضرات آنرا بشمارد.

هرچند که لوئی باطناً محبتی به ریشلیو نداشت ولی چون
وجود او را برای مملکت و بقای قدرت خویش ضرور
میدانست هرگز بسخنان دشمنانش وقعی نگذارده و همیشه مدافع
او بود. علاوه برین حتی پس از مرگ صدر اعظم (۱۶۴۲) باز از

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 212 of 496

سیاست او را تعقیب و مازارن همان شخصی را که لوئی
برای جانشینی خود معرفی کرده بود بکار گماشت.
لوئی سیزدهم در ۱۶۴۳ درگذشته و طفل پنجساله
اش بنام لوئی چهاردهم وارث مقام او گردید.

مازارن

در دورهٔ صغارت لوئی چهاردهم نیز مانند ابتدای
وراثت سلطنت لوئی سیزدهم انقلابات زیادی اتفاق
افتاده انقلابات مزبوره که مشهور به دو فروند بهت منتج
مستقیم زمان پادشاهی لوئی سیزده بوده یکی بواسطهٔ پارلمان
پاریس و فقر عمومی و دیگری در اثر جاه طلبی کنده و سائر
شاهزادگان خانوادهٔ سلطنتی واقع شد.

نیابت سلطنت

لوئی سیزده در وصیت نامهٔ خود آن وطریش را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 213 of 496

نائب السلطنه قرار داده بود و لے چون چندان اطمینان بکار دانی
و لیاقت او نداشت تشکیل شورائے را لازم دانسته که در
هر مورد و مشارالیها عقیده و رائے آنرا جلب نماید.

دو روز بعد از مرگ لوئے سیزده پارلمان بتقاضائے
آن وطریش وصیت نامهٔ مزبور را لغو گردانید و با اختیارات
واقعه ارات کامله او را نائب السلطنه شناخت. شب
همان روز بر خلاف انتظار عموم مازارن که از محارم ریشلیو بود
به ریاست مجلس وزرا منصوب شد.

مازارن:- اصلاً ایطالیائے و از یکی از خانواده های
بزرگ رومی بوده بهت از طرف پاپ بسمت سفارت
بدربار لوئے سیزده آمده لیکن دو سال بعد داخل خدمت
فرانسه گردید. برائے پاداش خدماتش ریشلیو در سن چهل سالگی
او را بمقام کاردینالے رسانید.

اخلاق ریشلیو و مازارن اختلاف زیادے با یکدیگر داشته
مازارن بخشمت و جلال ظاهری علاقه مند نبوده با دشمنان خود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 214 of 496

عمدا رفتار میکرده و هرگز بفکر قتل ایشان نیفتاده است
بنظر جبون میآمد و لے روحی فوق العاده دلیر و شجاع
داشت. خود میگوید که «با تمام گرفتاریهاے داشتغالاتے
که داشتم، هیچوقت خود را گم نکردم» باید گفت که حقیقت
همین و هرکسی که سیاستمدار قابل تقدیرے بوده است.
کاملاً بسیاست اروپائے آشنا و باهمهارت مخصوصے
مذاکرات را به نفع خود تمام میکرد. علت عمده که طرف
توجه ریشلیو نیز واقع شد باید همین دانست.
برعکس در سیاست داخله، اداره مالیه وغیره، جز مالیه شخصی
لیاقت کفایتی بخرج نداده است.

اداره امور داخلی هم پس از لوئی سیزده و ریشلیو کار
سهل و آسانے نبود و بسی اشکالات در پیش بود. اعیان و شرفاے
که ریشلیو عنان نهاده بود هر لحظه انتظار موقعی مساعد برائے
تحصیل استقلال از دست داده خود داشتند. فقر و ناداری
رعایا را بجان رسانیده و برائے تادیه مالیات حتی پیراهن

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 215 of 496

تن خود را بفروش میرسانیدند. تقریباً معادل نصف میلیون
فرانک امروزه میزان خرج بر دخل افزون بود.

باهمه این احوال حکومت با امپراطور و اسپانی در جنگ
درگذشته از مخارج لشکر بدارے قشون خود مجبور بود به سوئد
و سایر سمدین فرانسه نیز کمک و معاونت نماید.

مالیات های جدید تمام ملت و خصوصاً اهالی پاریس
هیجان آورده و یکمرتبه بهدایت و ریاست وکلای
پارلمان علم طغیان را افراشتند.

شورش و خودسری پارلمان

مازارن در آوریل ۱۶۴۸ بقصد تحصیل منافع عاجله
جدیداً اعلان کرد که مشاغل دولتی برای مدت نه سال
موروثی بوده و در مقابل حکومت به اعضاء محاکم عالیه
حقوقی نخواهد پرداخت هرچند که این تصمیم هیچ وجه ضرر
و تصادمی با منافع پارلمان نداشت باز نمایندگان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 216 of 496

نسبت به مقدرات محاکم مزبوره خود را ذی نفع دانسته
و بموجب فرمانے که مشهور بفرمان اتحاد است مشارالیهم را
برائے شورش عمومی اصلاحات مملکتی در طالار موسوم به
اطاق سن لوئے دعوت کردند.

باوجود مخالفت و سخت نیابت سلطنت باز
جلسات شورائے مزبوره منعقد و اعلامیه در تحت
سی ماده ترتیب دادند چون دران موقع قشونی در پاریس
حاضر نبود بلکه ظاهراً اعلامیه را پذیرفته و حتی مختصر اقدامے
نیز برائے اجرائے آن نمود.

لیکن بمجرد وصول خبر فتح الانس آن دو طریق اتکائی
یافته علاوه از وکلاء از جمله بروسل، را که خیلے وجاهت
ملی داشت توقیف کرد. هیجان عظیمے در شهر پیدا شده
و مردم اسلحه گرفته تمام کوچه ها و معابر را سنگر بندی نمودند
قشون شاه صداقت نداشته و بالاخره دو روز
سلطنتی [illegible] این طریق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 217 of 496

مجبور شد که حکم آزادی برد سل را صادر کند.

درهمین اثنا معاهده وستفالی بامضا رسید و بامر ملکه کنده فاتح روکروا دلانس با تمام قشون خویش مراجعت نمود.

کنده چون بپاریس نزدیک شد آن دلیرش و مانارن شاه جوان را برداشته شبانه از پاریس گریخته بقصر سن ژرمن رفتند. کنده نیز با نزده هزار قشون شهر را بزیر محاصره آورد.

پارلمان پاریس کمک و معاونت اهالی شهر تقسیم بمقاومت گرفت. از همین جا جنگ داخلی شروع گردید. این جنگ که معروف بفروند پارلمانی شده سال بیشتر دوام نکرده و بتقاضای پارلمان شرایط صلح در سن ژرمن بامضا رسید (۳۰ مارس ۱۶۴۹)

فروند شاهزادگان

کمی بعد از ختم غائله و پارلمان کنده و خانواده اش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 218 of 496

ہنگامۂ جدیدے برپا و انکالات دیگری تولید نمودند
کنندہ فوق العادہ متکبر و جاہ طلب بودہ و درازاے
خدمات خود پاداشی لایق منحوست برخیدکہ حکومت دو
ایالت بزرگ بورگنی و گوین را باو دادند اما ہمت
بلند او باین چیز ہا قناعت نداشتہ و بمقام مازارن
چشم داشت .

آن دو طریش مدتے با او مدارا کردہ لیکن عاقبت
تقاضاہا و حرکات کنندہ مشار الیہا را مجبور بتوقیفش ساخت
زن و خواہر کنندہ فوراً شروع بتحریکاتے نمودہ ایالاتیکہ
کنندہ دران حکومت داشت بر علیہ مرکز شورانیدہ
و فرومد جدیدیا فروند شاہزادگان را برپا کردند .

مازارن بسختی بر علیہ شورشیان اقدام نمودہ و نزدیک
بود کہ بکلی مغلوب شان نماید کہ بازاہاے پاریس قیام
و تقاضاہاے نفی بلد مازارن را بنائب السلطنہ تقدیم
داشتند .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 219 of 496

درمیان این دو آتش، مازارن تاب مقاومت نیاورده کینده را آزاد و خود از صدارت کناره گیری کرده بآلمان رفت. پس از آزادی کینده وضعیات مساعد با نظریات خویش ندیده غفلتاً پاریس را ترک بمقر حکومت خویش رفته و پس از انعقاد اتحادی با اسپانی جنگ داخلی را از سر گرفت.

دستجات قشون دولتی بسرکردگی تورن کینده را مضطر ساخته تا اینکه مجبوراً در پاریس پناهنده شده پاریسیها نیز سه ماه از شاهزاده و قشونش پذیرائی نموده ولی بواسطهٔ سوء رفتار و حرکات مشارالیه و طول مدت جنگ و انقلاب عاقبت به تنگ آمده از او دور آذوقه بقشون خود داری کردند. لذا کینده ناچار از همه جا کوتاه مجبوراً به بلی پاگرفته و تا موقع امضای عهدنامه پیرنه در آنجا اقامت داشت.

در این وقت بازحمت بسیار از پادشاه عفو خواهش را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 220 of 496

تحصیل و به فرنسه برگشت .

با فرار کننده جنگ های داخلی خاموشی لوئی چهاردهم که یک سال از بلوغ او میگذشت باادرش بتقاضای پارلمان بپاریس مراجعت کرد مازارن هم که بفرنسه باز آمده بود برای تسکین خشم و غضب مردم مدتی در خارج مانده در فوریه ۱۶۵۳ یعنی چند ماه بعد از ورود شاه بپای تخت آمد .

ازین ببعد دیگر انقلابات در داخله نبوده و سالهای آخر صدارت مازارن بآرامی گذشت لوئی چهاردهم اختیارات کامله را باو تفویض و مشارالیه در مدت هشت سال آخر عمرش برای ختم جنگهای باسپانی و تهیه مقدمات صلح پیرنه کار کرده است .

مازارن در مدت صدارتش ثروت هنگفتی برای خود و خانواده خود جمع آوری نموده و در وقت مرگش در صورتیکه دیناری در خزانه دولتی نبود بیش از شش صد ملیون

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 221 of 496

فرانگ برای وراثت خویش باقی گذارد .

جنگ های فرونده اثرات بزرگی در فرانسه نموده
وبزرگترین آنها را باید سوق فرانسه بجانب سلطنت مطلقه
دانست این انقلابات پیاپی طبیعةً طبقات مختلفه را بصلح
وآرامش مائل ساخته وبقول یکی از نویسندگان آنعصر
حتی از شنیدن کلمهٔ اغتشاش وهیجان نیز متنفر بودند
همه کس طالب آسایش راحتی گردیده وفقط منتظر
بودند که کسی این نعمت را برای ایشان فراهم کند
درینوقت لوئی چهاردهم که بواسطهٔ یادگاریهای
تلخ طفولیت خود کاملاً معتقد باحترامات وشوکت
سلطنت گردیده بود وباتصمیم باینکه از هیچ گونه مخالفتی
که با اراده عالیه اش نشود چشم پوشی ننماید عنان امور
مملکت را بدست گرفت .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 222 of 496

فصل نهم

لوئی چهاردهم

سلطنت شخصی لوئی چهاردهم ـ فردای فوت مازارن لوئی چهاردهم وزرای خویش را احضار و چنین خطاب نمود :ـ «تاکنون دیگران بنام من امور مملکتی را اداره میکردند، ازین پس من خود صدر اعظم خویش خواهم بود. فقط در اموریکه از شما مشورت نمایم یا آراء خود را کمک میکنید. هم خواهش و هم امر میکنم که در هیچ کاری بدون حکم و رضایت من تصمیم نگرفته و آنرا اجرای ننمایید»

بدین طریق لوئی چهاردهم ارادهٔ خویش را صریحاً و قویاً اظهار داشته و فهمانید که میخواهد حقیقتاً سلطنت نماید یعنی حاکم و آمر باشد. دران وقت بیش از بیست و دو سال نداشت و در سن هفده و هفت سالگی نیز در گذشت در طی تمام این

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 223 of 496

پنجاه و پنج سال و لو یک لحظه خلاف نظریهٔ اوّلین روز
سلطنتش ظاهر نشده هرگز صدر اعظمی نداشته و همیشه مستقلاً
فرمان روائی میکرد .

فکر و هوش این پادشاه فوق العاده بود ولیکن در
مقابل عقل متین و فطرتی فکور دهشت بدون استثنا
کامل از کنه مطالب و استفسار از ارباب وقوف هیچگاه
در امری تصمیم نمیگرفت . طبیعةً طرفدار صدق و راستی و انصاف
و عدالت و شجاعت اخلاقی و ثبات قلب و بقدری
بود که در اواخر عمرش باوجود مصائبی که برای فرزندانش آمد
و مرگ ناگهانی پسر و دو نوادهاش یک لحظه خود را نباخته
و از ادارهٔ امور مملکتی غفلت ننمود .

وزرای لوئی چهاردهم عبارت بودند از وزیر عدلیه
که ریاست هیئت وزرا را نیز در غیاب پادشاه داشته ،
وزیر مالیه - وزیر دربار - وزیر امور خارجه - وزیر جنگ
و وزیر بحریه که هریک علاوه بر کارهای وزارتی خود نظارت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 224 of 496

بجریان اداره عمومی یک قسمتے از فرانسه میبودند در واقع
این وزرا از خود تصمیماتے نگرفته وفقط مامور تهیه و تنظیم
امور و تقدیم آن بمقام سلطنت برای اخذ دستور بودند.
کلبر - کلبر بزرگترین وزرای لوئی چهاردهم بوده است.
در عین وزارت مالیه - وزارت بحریه - وزارت دربار
بعهده داشت پدر او یک تاجر ماهوت فروش وخود ش
در جوانی بپاریس آمده در خدمت شخصی مازارن داخل
شد. وبانهایت مهارت و دیانت دارائی نامشروع
او را اداره کرد مازارن هم در وصیت نامه اش کلبر به لوئی
چهاردهم معرفی و توصیه نمود در نیوقت کلبر چهل و دو سال داشت
کلبر عاشق کار بوده و میخواست که همه کس نیز در
مملکت کار کند مکرر میگفت که «اگر من شش ساعت
بدبختانه محکوم به بیکاری شوم قطعاً خواهم مرد». هرگز
کمتر از شانزده ساعت در روز کار نکرده هیچ فکری
روشن داشته و بسهولت موفق به تصفیه و تفکیک امور میشد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 225 of 496

تا موقع مرگ به تنهائی در مدت بیست و دو سال نه
وزارت مالیه، داخله تجارت و صنعت فلاحت، فوائد
عامهٔ بحریه، مستعمرات و صنایع ظریفه، حتی قسمتی از عدلیه را
اداره نموده، فوق العاده وطن پرست و برای عظمت
پادشاه و وطن خود کار میکرد. میخواست که پادشاهش
اولین سلطان و فرانسه اولین مملکت اروپا باشد.

تمام آمال کلبر در یک نقطه تمرکز یافته و آن عبارت
از غنی ساختن فرانسه بود تا بدین وسیله موقعیت سیاسی
مهمی برای آن کسب نماید در اجرای این منظور عقیده اش
منع خروج طلا و نقره از مملکت و جلب آن از خارجه
بوسائل ممکنه بوده است لذا اصلاح مالیه و توسعهٔ صنعت
و بسط تجارت را همیشه در مد نظر داشت.

اصلاح مالیه

کلبر شروع این کار را با تعقیب اشخاصیکه دارائی
مملکت را از خود دانسته و حیف و میل میکردند نمود چندین

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 226 of 496

متناسبین محکوم بتأدیهٔ یک صد و ده میلیون لیور کہ تقریباً معادل
با یک میلیارد و سہ صد میلیون فرانک امروزہ ہست گردیدند.
ترتیب و نظم صحیحے در وضع ادارهٔ مالیه داده و ہفتگی حساب
عائدات و مخارج را میگرفت. این محاسبات را کہ در آخر
ہر سال موازنه ختم میشد سر مشق سال آتیه قرار میداد
مخارج را متناسب با عائدات ساخته و تقریباً چیزے ماند
بود چنانچه امروز ے مرتب نمود با این اصول مدت ده سال
مالیهٔ مملکت را بخوبی اداره و بهیچوقت محتاج بقرض نگردید
لیکن ۱۶۷۲ جنگهاے دائمی و ساختمان قصور و مساعی
بی اندازه سطح مخارج را بالا برده و عائدات موجوده برائے
پرداخت آن کفایت نمی نمود و بزرگی از اصلاحات عاقلانهٔ
کلبر اثرے باقی نماند.

توسعه و تکمیل صنعت:

مساعی کلبر در توسعهٔ صنعت خوبتر بمقصود نرسید و حقیقتهٔ تنزلی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 227 of 496

در ترقی کنونی صنعتش مدیون زحمات او میباشد. دنبالهٔ
اقدامات ناصری چهارم را گرفته صنایع موجودهٔ مملکت را
تکمیل و بسیاری شعب دیگر مانند آینه سازی، چینی سازی،
فولاد کاری وغیره را نیز بآن علاوه نمود. احتیاجات
فرنگ در خرید ضروریات خود از خارجه مرتفع و بلکه تا اندازهٔ
مصنوعات آن بممالک دیگر فروخته میشد.

صنعتگران خارجی را بوسیلهٔ پول و امتیازات
جلب کرده و برای احداث موسسات صنعتی و خرید مواد
اولیه بطور مساعده بایشان پول میداد. کلیهٔ صنایع خانوادگی
از بین نبرده لیکن در مقابل آنها کارخانجات عظیمه
با سرمایهٔ بسیار و عملیات کثیره ایجاد نمود و صنعت
کلی را شروع کرد.

همچنین نظامنامه های مفصلی برای امور صنعتی و احکام
سختی در اجرای آن صادر نمود. بوسیلهٔ مفتشین مخصوص در
امور داخلی هر کارخانه و جنس مصنوعات آن نظارت کامل داشته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 228 of 496

متخلفین را شدیداً تنبیه میکرد. در جزئیات مراقبت و حتی عدهٔ
نخهای تار و پود هر پارچه را تعیین نموده بود، یکی از بهترین
و نیز مبنوب که بهترین مصنوعات عالم فعلاً از فرنسه تهیه میشود.
کلبر ازین جهت حق بزرگی بگردن فرنسه دارد و ظرافت
کار و خوبی جنس مصنوعات آن از یادگارهای این وزیر
جلیل القدر است.

بسط تجارت

کلبر مساعی فوق العاده نیز در تسهیل فروش مصنوعات
کارخانجات فرنسه بکار برده با نهایت کوشش در
بهبودی وضعیت تجارت داخلی و توسعهٔ تجارت خارجی
خصوصاً قسمت بحری کار کرده است.

برای ترقی تجارت داخلی موانع بزرگی پیش بود
آیالات مختلفه هرکدام اوزان و مقادیر و ادارات
گمرکی مخصوصی داشته و از مال التجاره در داخلهٔ مملکت حق
گمرکی گرفته میشد. کلبر هرچند که نتوانست گمرک داخلی را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 229 of 496

موقوف داوزان ومقادیر را بصورت واحد درآورد و تا
۱۷۸۹ - این اختلافات وموانع در فرانسه باقی بود لیکن
طرق وشوارع را ترمیم واصلاح کرده ومخصوصاً حمل
مال التجاره را از مجاری رود خانه ها وترعه ها بسیار تسهیل
وتشویق نمود. ترعه های چندی احداث و برای
تکمیل تجارت خارجی بتقلید هلاندی ها شرکت ها تشکیل
داد که مهمترین آنها شرکت هند شرقی شرکت هند غربی
بوده است. کلبر میخواست که فرانسه علاوه بر مصنوعات
خویش واسطهٔ فروش پارهٔ مال التجاره های ذیقیمت
دنیا در شرق در اروپا باشد و شرکت های فوق الذکر را
بروی این نظریه واساس ایجاد کرد.

بحریه

کلبر بحریه تجارتی منظمی ترتیب داد از کشتیهای
خارجی که مستقیماً از فرانسه آمده تجارت مینمودند خصوصاً از

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 230 of 496

بلاندیها حق ورود میگرفت و در عوض تشویق زیادی از کشتی
سازان و اشخاصیکه از خارجه کشتی خریداری مینمودند میکرد.
حمایت سفاین تجارتی و حفظ روابط با مستعمرات خصوصاً
باکانادا که خیلی طرف توجه کلبر بود بدون داشتن بحریه جنگی
امکان نداشت. در ۱۶۶۰ تمام بحریه جنگی فرانسه از هجده
جهاز کهنه و بدمرکب و در موقع فوت کلبر به دویست و هفتاد و
شش میرسید. برخلاف سابق که خدمت بحری بمیل و رغبت
مردم و آزاد بود، کلبر مردمان ساحلی را از سن بیست تا شصت
سالگی مجبور بیک سال خدمت در بحریه حکومتی گردانیده و
و در عوض برای زمان پیری این اشخاص مستمری مختصری
مقرر داشته بود. بدینطریق فرانسه را صاحب شصت هزار
ملاح گردانید. نتیجهٔ فعالیت کلبر این شد که در بیست و پنج
سال اول سلطنت لوئی چهاردهم فرانسه اولین قوهٔ بحری را
به زیر فرمان داشت.

اهمیت خدمات کلبر. — خدمات فوق الذکر شمهٔ از نظایر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 231 of 496

فعالیت کلبر میباشد قریحه وفکر بیدار او هزاران موضوعات
دیگر را درک وطرح ریزی نموده که مقتضیات موقع وبیشتر
سیاست جنگ جویانه وتجمل پرستی لوئی چهاردهم
مانع از تحقق واعمال آنها گردید. معهذا کلبر از کاملترین
وزرای عهد سلطنت بشمار آمده نتایج زحمات وموفقیت
امّا متاسفانه قدرت وعظمتش لوئی چهاردهم را در
اواخر سلطنت متکبر و پرنخوت گردانیده و دیگر کلبر نفوذ
زیادی در وجود او نداشت از طرفی خستگی کار بسیار
و بی نظمی روزافزون مالیه واز طرفی توجه پادشاه بلووا
وزیر جنگ بکلّی این وزیر کاردان را از پای
درآورده در ستامبر ۱۶۸۳ درگذشت.

سیاست مذهبی

در قرن هفدهم نیز مانند قرن شانزدهم همه جا همه کس را
عقیده این بود که وظیفه رعایا پیروی مذهب سلطان وحق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 232 of 496

سلطان تحمیل مذهب خود بر رعایای خویش بست.
در المان حتی بعد از جنگ های سی ساله و معاهده
وستفالیا این حق معمول و در انگلیس نیز کاتولیک ها در تحت
فشار سلاطین بدولتان بودند این تعصب نه تنها در
مذهب دیده میشد بلکه افکار و عقائد را هم بزیر فشار
داشت. وحدت مذهبی را شرط اساسی وحدت سیاسی
تصور میکردند. صدور فرمان مانند نانت ثابت مینماید
که عقیدهٔ هانری چهارم اینطور نبود بعد از و تیرلوی سیزدهم
و ریشلیو و مازارن کاملاً مفاد آنرا اجرا نموده و در تمام سلطنت
این سلطان و حکم فرمائی این دو وزیر مستثنیات مختصری
بنظر میرسد.

ولی لوی چهاردهم رویهٔ پدر را اختیار نکرد. یا افکار
مطلقهٔ خویش نمیتوانست قبول کند که رعایایش مذهب
دیگری غیر از مذهب او داشته باشند لذا جداً پروتستانها را
تعقیب و فرمان نانت را لغو ساخت.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 233 of 496

لوئی چہاردہم و پروتستانہا

از زمان عضو آلہ پروتستانہا با نہایت صداقت رفتار کردہ و رعایای مطیع و آرامی بودند.

در انقلابات فرونڈ بسیج دخالتی نورزیدہ و حتی شخص لوئی چہاردہم نیز اشکار او فا، وحسن خدمات ایشان را تقدیر نمود معہذا از ابتدای سلطنت خود بعنوان اجرای کامل فرمان نانت تضییقاتی بہ پروتستانہا وارد آوردہ و در سوادیکہ فرمان صریحاً پیش بینی نکردہ بود ایشانرا زیر فشار میگرفت معاہدیکہ بعد از صدور فرمان بنا شدہ بود خراب و در مکاتب پروتستانہا فقط تعلیم ابتدائی را اجازہ داد. از تصدی مناصب حکومتی و حتی مشاغل آزاد ایشانرا محروم داشتہ بعد ازان دیگر بہیچ راہے جز راہ صنعت و تجارت برای پروتستان ہا باز نماند لذا ہمگی با شعب توجہ کردہ و بہ آنہا توسعہ فوق العادہ دادند. با الغاء فرمان لوئی چہاردہم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 234 of 496

برای پیشرفت نقشه خود طریقه مخوف ترے اتخاذ و آن عبارت
ازین بود که بهر پروتستانیکه از مذهبش بازگشت میکرد
شش فرانگ داده و از پرداخت مالیات هم او را معاف
میداشتند. این طریقه هرچند پیشرفت بیشترے نمود لیکن
تولید فساد اخلاقی در جامعه کرده لطمه بزرگے بعالم
روحانیت وارد آورد.

نسخ فرمان نانت

در اول دستامبر سال ۱۶۸۵ همه روزه صورتهاے
مفصلے از پروتستان هائی که تغییر مذهب داده بودند
به لوئے چهاردهم تقدیم میشد لیکن مشار الیه نمیدانست
که ایشان برضا و طیب خاطر از عقیده خود بازگشت نموده
و عمال او باز هم تهدید آنصورت ها را ترتیب داده اند.
یکماه گذشت و در نیوقت لوئے چهاردهم حقیقت امور
میکرد که در مملکتش جز عده قلیلے پروتستان باقی نمانده و

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 235 of 496

با ایں حال وجود فرمان نانت چیز زائد نیست بنا برین در
۱۸ اکتوبر ۱۶۸۵ نسخ فرمان مزبور را امضا نمود.

نسخ فرمان نانت را تقریباً تمام ملت باکمال خورسندی
وشنعف تلقی کرد باستثنای دیانت وسن سیمون که
این اقدام را تنقید و نتایج وخیمهٔ آنرا متذکر شدند سایر
متفکرین آن دوره نیز مانند بوه ئه - راسین - لایبنیز -
لانفنتن وبالآخره مادام سوئنیه تمجید و تقریظاتی
برین فرمان همایونی نوشتند.

لوئی چهاردهم از همان فردای صدور نامنسخ فرمان
نانت بخبط وخطای خود پی برد، مهاجرت پروتستانها
ونتایج آن را - غالب از پروتستان ها که فقط با میدآینده
وبرای فرار از تضییقات عمال حکومتی ظاهراً ترک مذهب
خویش را کرده بودند پس از انتشار نامنسخ فرمان نانت
آنیه تاریک خود را درپیش دیده، اجتماع نموده وعلناً
پیروی مذهب پروتستان را اعلام داشتند بازاز نو همان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 236 of 496

عملیات سابقه و لے با صحت ترین شکلی شروع گردید.
زندگانی برای پروتستانها تلخ شد. علاجی جز
فرار بخارج نماند. لیکن مجازات چنین قصدے را قانون
اعدام قرار داده بود.

پروتستانها باوجود مراقبت کامل تمام نقاط سرحدی و سواحل خود را
از فرانسه بیرون بردند. محققاً دویست هزار نفر از مال و خانه و زندگانی
خود صرف نظر کرده بممالک مجاور گریختند. فقدان چنین عناصر با ثبات و
باعزمی فوق العاده فرانسه را ضعیف گردانیده و بالعکس انگلیس و هلاند و
خصوصاً براندنبورگ از برکت فعالیت این تازه واردین ترقی بسیاری نمودند.
بعضی نواحی و ایالات فرانسه خراب افتاده و اطمینان بزرگی بحیوة اقتصادی مملکت وارد آمد.

گذشته از نتایج اقتصادی از نقطه نظر سیاسی فرانسه
دچار مصائبی گردید: دول پروتستان اروپائی کینه او را
در دل گرفته و یکی از علل عمده تشکیل اتحاد گسبورگ را همین
موضوع باید دانست.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 237 of 496

فصل دہم

لوئی چہاردہم ـ سیاست خارجی ـ قشون فرانسه

جنگها

زمان سلطنت لوئی چہاردہم در تمام اروپا فرانسه اولین بوده از همه قوی تر و مرکز سیاست عمومی را تشکیل میداده است. چهل و شش سال از شصت و دو سال سلطنت لوئی چهاردهم مصروف جنگ گردیده جنگهای اولی که در دوره صدارت اوصدارت عظمای مازارن واقع شد شانزده سال از ۱۶۴۳ تا ۱۶۵۹ دوام داشته با عهدنامه پیرنه خاتمه پذیرفته و نتیجه آنها نصف الزاس ... آرتوا و روسیون بوده جنگهای شخصی لوئی چهارده کم و بیش شش سال طول کشیده بچهار تقسیم میشود :-

(۱) جنگ وراثت اولیه اسپانی از ۱۶۶۷ تا ۱۶۶۸

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 238 of 496

(۲) جنگ هلند از ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۸

(۳) جنگ اتحاد اگسبورگ از ۱۶۸۸ تا ۱۶۹۷

(٤) جنگ وراثت اسپانی ۱۷۰۱ تا ۱۷۱٤

باستثنای جنگ وراثت اسپانی سه جنگ دیگر بقصد
ماجرای نقشه که عبارت از رسانیدن خاک فرنسه تا بحد
توسعه کل بوده است لوئی چهاردهم میخواست ایالاتی
که سابقاً جزو از فرنسه محسوب و آنوقت از حیطه تملک
آن خارج بود پس گرفته وحدت فرنسه را تکمیل و آنرا
بسرحدات طبیعی خود برساند .

تحقیق این نقشه مستلزم الحاق بی (بلژیک) فعلی ولوگزامبورگ
فرنسس کنته لیرن و سادوا بود .

فرنسس کنته و بی با تعلق پادشاهان اسپانی داشت ،
این دو ایالت را لوئی چهاردهم باد عای حقوق
وراثت ماری تررز عیال خویش میخواست بدست
آورد زیرا ماری تررز دختر بزرگ فلیپ چهارم وارث

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 239 of 496

مشروع پادشاه اسپانی شناخته میشد برای لرن ساووا
نیز خیال مبادله دشت بدین طریق که این دو قسمت را
گرفته و در عوض، بصاحبانش قطعات پر ثروتی
از ارث اسپانی خود واگذار کنند.

نقشهٔ لوئی چهاردهم کاملاً بر نتیجه نرسید از طرفی
بر قابت لئوپلد امپراطور آلمان و شوهر دختر دوم
فیلیپ چهارم برخورده و از طرف هلندی ها و انگلیس ها
از خوف قوت آیندهٔ فرانسه بمخالفت او قیام کرده و
از همین جا جنگ هلند و اتحاد اگسبورگ وغیره برخاست
چون لوئی چهارده پس از سه جنگ با اسپانی فقط
قسمتی از فلاندر و ایالت فرانش کمته را توانست تصرف
نماید در اواخر سلطنت از دعاوی و قصد توسعهٔ مملکت
فرانسه صرف نظر نموده برای ارتقای یکی از نواده
هایش موسوم به فیلیپ دانژو به تخت اسپانی سیزده سال
جنگیده و عاقبت بمقصود رسیده مشارالیه بنام فیلیپ پنجم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 240 of 496

پادشاه اسپانی گردید.

وراثت اولیه اسپانی

در ۱۶۶۱ هنگامیکه لوئی چهاردهم مستقیماً شروع بسلطنت نمود تمام سیاست مداران اروپا انتظار خاتمه اولاد ذکور شارلکن و نتایج مترتبه بران را داشتند. شارل دوم پسر فیلیپ چهارم بقدرے ضعیف و علیل المزاج بود که هیچکس گمان زنده ماندن او را نمیکرد حقیقةً هم چهل سال عمر خود را به حال احتضار گذرانید.

دو نفر میتوانستند که دعوی میراث او را نمایند. یکی لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه و دیگری لئوپولد امپراطور آلمان هردو پادشاه پسر و شوهر شاهزاده خانمهای اسپانی و حق خویشی را ثابت میدانستند. راست است که در سنه ۱۶۵۹ موقع ازدواج ماری تریز مجبوراً از حقوق وراثت خود صرف نظر کرد اما باقرار شخص فیلیپ چهارم،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 241 of 496

چون این عمل برخلاف قانون ارثی اسپانی بوده سندیت
نداشته است.

ممالک اسپانی شامل بیست و دو پادشاه نشین در اروپا
نیمی از امریکا و قسمت بزرگی از اقیانوسیه بوده اما لوئی
چهاردهم هرگز بخیال تصاحب تمام این ممالک نبوده
بلکه میخواست که ایالات فرانسوی آنرا با ممالک ایطالیائی
بقصد مبادله بالرن وساوا) مالک شده و بقیه میراث
فیلیپ چهارم را به لوئیلد واگذارد. لذا در ۱۶۶۵ بعض
مرگ فیلیپ پیشنهادی بهمین مضمون به امپراطور نمود مشارالیه
بالآخره بسی تردیدات و مذاکرات بسیار آنرا پذیرفته و در
ژانویه ۱۶۶۸ عهدنامه تقسیمیه ارث آتی بین این دو امضا رسید.

جنگ وراثت اولیه اسپانی

همان زمانیکه عهدنامه تقسیمیه منعقد میشد لوئی چهاردهم
قبلاً بعنوان مطالبه ارث مادری تروت فلاندر را (خواهان)

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 242 of 496

کرده بود یعنی در ژوئن ۱۶۶۷ شصت هزار قشون
فرانسه بفرماندهی تورن بدون اعلان جنگ وارد فلاندر
شده و در ماه او تمام ایالت را بتصرف درآوردند پس از
اشغال فلاندر لوئی چهارده به مادر شارل دوم که نیابت
پسر صغیرش حکمفرمای اسپانی بود تکلیف کرد که بحاق
فلاندر را بفرانسه تصدیق نماید لیکن مشارالیها جوابی نداده
و پادشاه فرانسه برای تخویف دکنده را با سور حمله به فرانش کنته
نموده و این ایالت را نیز در چهارده روز متصرف آورد.

پیشرفت های سریع قشون فرانسه هلند و انگلیس را
بوحشت انداخت، هلندیها برای اینکه تازه استقلال
خویش را تحصیل کرده و بی بار اثر حق خود میدانستند
راضی بفتوحات فرانسه و همسایگی با دولتی بقوت او نبودند
انگلیس ها هم چنانکه در جنگهای صد ساله میل به تقرر
فرانسه را در مصب رود اسکو نداشتند در ۱۶۶۸ نیز
مائل نبوده در زمان انقلاب کبیر فرانسه و حتی عهد ناپلئون

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 243 of 496

اوّل نیز قبول نکردند.

بنابرین اشتراک منافع این دو دولت را بیکدیگر نزدیک ساخته مساعدت سوئد را هم با پول خریده در ژانویه ۱۶۶۸ اتحاد ثلاثه لاهه را تشکیل دادند. انعقاد این اتحاد ثلاثه که مقدمهٔ اتحادهای دیگری بر علیه فرانسه گردید ثابت مینمود که همسایه گان از قدرت فرانسه بهراس افتاده و هم چنین هلند کوچک جدید التاسیس در ظرف صد سال حیات خویش در نتیجهٔ فعالیت و توسعهٔ تجارتش از جملهٔ دول معظمهٔ اروپا گردیده بود. هرچند منظور ظاهری متحدین وساطت و میانجی گری بین فرانسه و اسپانی بود امّا باطناً میخواستند لوئی چهارده را مجبور سازند تا دفعهٔ دیگر صریحاً از وراثت اسپانی و از تصرف بی با دست کشیده

در ماه مه ۱۶۶۸ بدون مداخلهٔ میانجی ها عهدنامهٔ صلحی که صرف نظر سفرای فرانسه و اسپانی قبلاً انشا کرده بودند در اکس لا شاپل باضاء رسیده فرانسه فرانش کنته را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 244 of 496

تخلیه و اسپانی یازده محل را در فلاندر باو واگذار نمود
قسمتی از نقاط مزبوره امروز تشکیل ایالت شمالی فرانسه را
میدهند.

جنگ هلند و علل آن:-

تا حدے مداخله هلند لوئے چهارده را خشمگین ساخته بود
که میخواست بلا تأمل به آنجا حمله کند.
اطلاع از تصمیمات مخفی معاهده لاهه حقیقتاً اورا
دیوانه ساخت بس برائے تصرف بی باسر کوبی و ضمحلال
هلند را لازم و حتمی دانست ملت نیز با این فکر پادشاه
خود کاملاً همراه بود زیرا بواسطه خلف تعهد یکه بست سال
قبل در موقع عقد معاهده دستفالے هلند بها
نسبت بفرانسه کرده و بدون استحضارش با اسپانے
صلح نموده بودند او نیز بمیل نبود که تلافی کرده باشد
بالآخره چون هلند تضییقاتے در تجارت فرانسه مینمود و

تاریخ اروپا فروری ۱۹۰۰ کاکلند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 245 of 496

بمال التجارة آن گمرک زیادی قرار داده بودند کلبرسم
بانظریه لوئی چهاردهم موافقت داشت .

پس برای اینکه کاملاً هلند را تنها و منفرد نماید لوئی
چهارده شروع بجلب متحدین او کرد در ظرف سه سال معاهدهٔ
دوور اتحاد انگلیس را خریده پادشاه سوئد و منتخب
کلنی و شاهزادگان سواحل رن المان را باخود متحد
ساخته و امپراطور را راضی بحفظ بیطرفی گردانید .

هنگامیکه لوئی چهارده بدینطریق تهیهٔ جنگ میدید
هلندیها ابداً بفکر دفاع خود هم نبودند کاملاً مصروف در
تجارت خویش و نگهداری یک قشون منظم دائمی را اتلاف
پول و کار بیهوده تصور میکردند، منصب ریاست کل
قشون یا باصطلاح خود استاتودس را لغو و با وجود نصائح
و اصرار ژان ویت که تقریباً وظائف رئیس جمهور را انجام
میداد هیچ توجه بخطر ننموده و آثار نزدیکی به اخذ ملایات
و تهیهٔ قوا ندادند، چنان غرق دریای رفع پرستی و غفلت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 246 of 496

بودند که همان شب اعلان جنگ با روطه هائے که در ایالات متحده موجود بود بمأمورین لوئے چهارده فروختند. با این صورت معلوم است مثل برقیکه در همان صافے بدرخشد اعلان جنگ فرنه هلندی را مسخر و مبهوت ساخت.

تهاجم هلند:-

در ماه مه ۱۶۷۲ یکصد و بیست هزار بسر کردگے تورن وکنده بطرف هلند فرستاد در ۱۲ ژوئن سرحد را شکافته وارد خاک هلند شد پس ازین تصرف مملکت حقیقة دیگر کار سه روز بود اما تصمیم عالی و دلیرانه که در نمیوقع هلندیها گرفته و بموقع اجرا گذاردند حرکت قشون لوئے را متوقف ساخت.

قسمت اعظم خاک هلند از سطح دریا پست تر است لذا برائے حفظ و حمایت از هجوم آب بحر سدهای عظیمے

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 247 of 496

با مخارج گزاف ساخته اند روز (۱۵) ژوئن هلندیها آب سد را باز کرده سد ها را سوراخ نموده برای نگاهبانی استقلال خویش زمینکه قدم بقدم با قرنها زحمت و مشقت احداث کرده بودند دست خوش اقیانوس گردانیدند.

پانزده روز بگذشت که تمام مملکت را آب فرا گرفته و شهرها مانند جزائری سر برون کشیده بودند. تقرب بشهرها جز بوسیلهٔ کشتی امکان نداشت در (۲۰) ژوئن قشون فرانسه در کنار این مملکت مغروق توقف کرد.

باوجود این هلندیها تقاضای صلح کردند. کبر و غرور لوئی چهاردهم و نصایح مغرضانهٔ لوردا باعث شد که پیشنهادات مقبول نیفتاد هلندیها هم تصمیم گرفتند که تا جان در بدن دارند از وطن و استقلال خویش دفاع نمایند. ژان ویت بیچاره را بدون جهت مسئول شمرده بقتل رسانیده گیوم دورانژ با اختیارات کامله مأمور دفاع مملکت گردانیده استاتودر خواندند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 248 of 496

گیوم در اثر جوانی بیست و یک ساله دارای هوشی سرشار
و کجاجت و پشت کاری فوق العاده در سیاست بی اندازه
زبردست بود تا آخر عمر خود با عزمی خلل ناپذیر در مقابل
لوئی چهارده و تمام مقاصد او مقاومت نمود.

جنگ اروپائی:-

توقف ناگهانی قشون فرانسه متحدینش را سست کرد
و همانهائیکه وعدهٔ مساعدت نموده بودند لوئی چهاردهم را
ترک گفتند از ماه ژوییه منتخب براندبورگ و امپراطور
جانب هلند را گرفته سپس اسپانی و سائر ممالک امپراطور
از ایشان تقلید کرده اتحادی در ۱۶۷۳ در لاهه علیه
لوئی چهاردهم تشکیل و جنگ هلند تبدیل به یک جنگ
اروپائی گردید.

لوئی چهارده از قصد ولیهٔ خود چشم پوشیده تمام
قشون خویش را بجانب اسپانی برده و جنگ تعرضی شدیدی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 249 of 496

نمود برای دومین دفعه فرانسس کنته را تصرف (۱۶۷۴)
سپس بسوے پی باز گشته دنباله فتوحات خود را در انجا
تعقیب کرد از (۱۶۷۴) تا (۱۶۷۸) همه ساله بواسطه هنر
ومهارت وبان نقاط عمده را محاصره وفتح نمود.

در مقابل امپراطور وآلمان ها لوی چهاردهم فقط حمایت
ندافعی گرفت در (۱۶۷۴) المان ها داخل الزاس شده
وقرار گرفته بودند تورن مأمور این جبهه گردید مهاجمین را
بها وراء رین رانده قشون فرانسه را نیز از رود عبور داده
لیکن در شب جنگ گلوله بیعنه اش خورده از پای در آمد
لذا مجدداً المان ها به الزاس داخل شده این مرتبه کنده را
ایشان را مجبور به تخلیه گردانید.

در دریا نیز جنگ تعقیب می شده در آب های
سیسیل سه مرتبه کشتی های هلند شکست خورده و
دویتر سردار مشهور شان در جنگ دومین بقتل
رسید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 250 of 496

صلح نیمگ

در ۱۶۷۸ با وجود پنج سال کوشش، متحدین تفوقی بر لوئی چهاردہ نیافتند. لذا خواستار صلح شده اول هلند معاهده را در نیمگ امضا نمود. سائرین نیز از و پیروی کردند - با آنکه اساس جنگ بر علیه هلندیها بود لیکن ایشان در موقع صلح چیزے از دست نداده و معاهدهٔ تجارتی نیز با فرانسه بستند بر عکس ضرر اسپانی تحمل فرانس کفته و دوازده نقطه را در فلاندر به لوئی چهاردہ واگذار نمود - نقاط مزبوره تشکیل یک سرحد تقریباً طبیعی که باجزئی تفاوتی همین سرحد امروزیست برائے فرانسه دادند. این مواقع سرحدے را وبان بخوبی مستحکم ساخته وخط دفاعی برائے پاریس احداث نمود.

اتحاد اگسبورگ :- نسخ فرمان نانت کینهٔ سیاسی و مذهبی دول پروتستان را تازه کرده و بر علیه لوئی چهاردہم

سبورگ شاه خان تاریخ اردو باب ۳۰ ۲ کلاس

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 251 of 496

برخاستند گیوم و دانژ با کمال سهولت دول مزبورہ را
بیکدیگر نزدیک نموده تشکیل اتحاد جدیدے داد۔ در ۱۶۸۶
پادشاہ اسپانی و سوئد۔ امپراطور چند نفر از منتخبین
۔ دوک ساوا بقصد حفظ خود از تعرضات ممکنہ لوئی چہاردہ
معاہدۂ مدافعی اگسبورگ را امضا کردند۔

کمی بعد پاپ نیز بواسطہ سوء احترامی کہ از سفیر فرانسہ
نسبت باو ظاہر شدہ بود جزو متحدین گردید۔

پادشاہ فرانسہ بانکار قدرت خویش از ہیچ اقدامی
روے گردان نبود۔ در ۱۶۸۸ چون مقام الکتر ے کلنی خالی
شد لوئی چہاردہ شخصے را کہ طرف میل او
جہش بود باین رتبہ رسانیدہ و دست منتخب
مشروع و ذی حق را کوتاہ گردانید و ہم چنین بہانہ
دفاع حقوق دوشس در لئان در میراث پالاتین قشون
باین مملکت فرستاد۔

این اقدام موجب حدوث جنگ ہاے تازہ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 252 of 496

انقلاب انگلیس

درهمین هنگام انقلابے در انگلیس روے داده
وبطوریکه بعد خواهیم دید تاج و تخت این مملکت را به
گیوم و مل نژ تفویض کرد تا این زمان در نیستی حسن
سیاست لوئی چهاردهم انگلستان همیشه حافظ بیطرفی
بوده و حتی تمایل بجانب فرانسه داشت از ۱۶۸۸ ببعد
از آنکه گیوم عنان این مملکت را در دست گرفت تمام قوا
واستعداد انگلیس را مصروف مخالفت وجنگ با فرانسه
ساخته واین روے تعادل و توازنے بین قوای
متحدین ولوئی چهاردهم حاصل شد.

جنگ:- لوئی چهاردهم بدون هیچ متحدی دو جنگ
باتمام ارد یاشد مدت نه سال در همه سرحدات خود با دشمنان
فرانسه جنگید:-

در پیرنه با اسپانی - در آلپ با دوک وساوو

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 253 of 496

در رن و بی با با المان ها - هلندیها و انگلیس ها درین دوره منظور لوئی چهاردهم توسعهٔ فرانسه نبود بلکه میخواست اراضی متصرفهٔ خویش را نگاهدارے کرده ژاک دوم پادشاه مخلوع انگلیس را که باو پناه اورده بود بتخت برساند بدینجهت میدان این جنگها، بی باو ایرلاند بوده است.

در حد و درن لووا وسیله عجیب و موحشی برای حفظ فرانسه اتخاذ کرد. یعنی حکم داد که تمام شهرها - قراء پالاتینا را منهدم و ساکنین آنها را بکلی متفرق سازند تا بیابانی بین فرانسه و المان حاصل شود اجرای این حکم سوء اثر فوق العاده در المانها کرده و شاید هنوز هم این عمل وحشیانه را فراموش ننموده باشند.

برای تقرر ژاک دوم در ۱۶۸۹ قشون معظمی بایرلاند فرستاده شد پادشاه مخلوع بکمک این قشون اغراض و عدهٔ طرفداران خویش یک سال جزیره را تصرف داشته اما بالاخره در زن کدا از گیوم در اثر شکست خورده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 254 of 496

بازبفرانسه گریخت (۱۶۹۰)

لوئی چهاردهم مجدداً قشونی در چهل و چهار کشتی بسرکردگی تورویل روانه کرده جنگ بحری واقع و ابتدا مختصر پیشرفتی نموده لیکن عاقبت مجبور بعقب نشینی گردید. اشخاصیکه مخالف با توسعهٔ قوای بحری بودند این هزیمت را دست آویز قرار داده و خسارات آنرا در انظار عامه فوق العاده جبران ناپذیر قلم دادند. این شایعات مانع توسعه قوای بحری فرانسه نشده سال بعد عدهٔ جهاز آتش به سه صد رسید و پیشرفتهای مهمی در تحت فرماندهی همین تورویل نمود. متهما از اعزام قشون بانگلیس صرف نظر گردید.

در جبهه هلند نیز مارشال ولوگرامبورگ فتوحات نمایانی نمود. کمی بعد هم متحاصمین خسته شده و هم خسارت زیاد کشتیهای فرانسوی به تجارت هلند و انگلیس وارد می ساختند مذاکرات صلح را پیش آورد.

امپراطور نیز که مجدداً دو چار تعرضات ترکها شده بود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 255 of 496

حاضر بمصالحه گردید. لذا نمایندگان طرفین در قصر
ریسویک نزدیک لاهه معاهده را امضا نمودند
(۱۶۷۹) باوجود غالبیت لوئی چهاردهم درین معاهده
خیلی مدارا نموده سلطنت گیوم و را ثر را از انگلیس شناخته
اراضی متصرفه بعد از صلح نیمك را مسترد داشته فقط
از امپراطور تقاضا کرد که قطعاً استراسبورك را بفرانسه
واگذار کند.

معاهده تقسیم ارث اسپانی

مدارای لوئی چهاردهم در ریسویك برای
این بود که قبل از مرگ شارل دوّم و حدوث وراثت
اسپانی خود را محتاج به تجدید قوا و سرمایه میدید و
همچنین میخواست که اتحاد اکسبورك را با جلب انگلیس
و هلند درهم شکسته و موضوع وراثت اسپانی را بمیل
خاطر خویش تصفیه نماید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 256 of 496

انگلیس و هلند با لوئی موافقت کردند با معاهدهٔ لندن
(۱۷۰۰) تمام میراث شارل دوم را باستثنای ممالک
ناپل و میلان بحق انشید و لد شارل پسر دوم امپراطور
شناخته شده و دو مملکت ایطالیائی فوق الذکر را لوئی
چهارده برای خود نگاهداشت تا مطابق نقشهٔ ابتدائی
سلطنتش با سادوا ارلئون معاوضه و باینصورت وحدت
ارضی فرنسه را تکمیل نماید. امپراطور بخیال تملک کامل
ارثیهٔ سپانیه از قبول اینمعاهده استنکاف کرد.
از طرف دیگر شارل دوم هم که ازین مقدمات و
مذاکرات کاملاً مستحضر بود و نمیخواست که پس از مرگش
مملکت سپانیه تجزیه گردد بهتر این دید که با قدرت
و حمایت لوئی چهارده وحدت سپانیه را حفظ نماید
لذا در وصیت نامهٔ خود فیلیپ دوک دانژو دومین پسر
او را وارث و جانشین خویش معین کرده یکماه بعد
در اول نوامبر (۱۷۰۰) درگذشت.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 257 of 496

دوک دانژو پادشاه اسپانیه :- نه روز بعد از فوت
شارل دوم وصیت نامه در قصر فنتن بلو به لوئی
چهاردهم ابلاغ گردید. پادشاه پنج روز تردید داشت
که آیا وصیت نامه را پذیرفته و نواده خود را بتخت مملکت
وسیعی مانند اسپانی نشاند و با اینکه معاهده لندن را
محترم داشته و تمامیت فرانسه یعنی منافع ملی را رعایت
کند. بالاخره روز پانزدهم نوامبر گفته خود برای
احتراز از جنگ وصیت نامه شارل را قبول نموده و
چند ماه بعد تمام دول اروپا باستثنای امپراطور،
سلطنت دوک دانژو را باسم فیلیپ پنجم در اسپانی
شناختند

مقدمات جنگ و علل آن :- ده ماه بعد وضعیت کلی
منقلب شد. هفتم سپتامبر (۱۷۰۱) انگلیس، هلند،
غالب شاهزادگان آلمان با امپراطور اتحاد کبیر را
تشکیل داده و تعهد کردند که شارل اید را در جنگ با فیلیپ پنجم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 258 of 496

معاونت نمایند. این تغییرات اوضاع را باید نتیجه
اقدامات گیوم وزیر و رئیس حکومت هلند و حتی
شخص لوئی چهارده دانست.

گیوم که تخلف پادشاه فرانسه از رعایت مفاد
معاهده لیسدن توهینی بشخص خود تصویر میکرد بخیال
انتقام افتاده و قصد خصومت نمود بسهولت رئیس
حکومت هلند هینسیوس را با خویش موافق گردانید
لیکن ملت انگلیس و هلند میل بجنگ نداشتند.

معهذا گیوم با امپراطور نیز داخل مذاکره و ضمناً،
تدارکات جنگی میدید و با انتشار اخبار دروغ و بسیاری
وسائل دیگر سعی داشت که افکار ملل را بر علیه فرانسه و شخص
لوئی چهاردهم بنماید. پاره اقدامات ناسنجیدهٔ پادشاه
فرانسه نیز در پیشرفت مقصود دشمنانش کمک کرد.
و از همه مهمتر اعلامیهٔ بود لوئی چهارده صادره و بر طبق آن
حق وراثت تاج و تخت فرانسه را برای فیلیپ پنجم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 259 of 496

ممکن ساخت، هرچند بادشتن پسر و نواده های
بزرگتر از فیلیپ تحقق چنین موضوعی بعید بنظر می آمد
لیکن البته خارج از حد امکان نبود. بهمین اعلامیه موجب
وحشت ممالک دیگر گردید.

کمی بعد نیز حسب تقاضای فیلیپ پنجم بعضی مواقع
نظامی سرحدی بلبای اسپانیول را اشغال نظامی نمودند
و ساخلوی هلندی را که با اجازه شارل دوم در آنجا
اقامت داشتند بمملکت خود فرستاد. چون تا آنوقت
هلندی ها سلطنت فیلیپ پنجم را رسماً نشناخته بودند
و لوئی چهارده نیز از دسایس اقدامات خصمانه ایشان
سابقه داشت بنابرین هلندیکی از دشمنان اسپانی
بشمار میآمده و اقدام پادشاه فرانسه غرابتی نداشت هلندیها
این عمل را تهدید باستقلال خویش دانسته و آماده جنگ
شدند.

بالآخره در ۱۶ سپتامبر ۱۷۰۱ پس از فوت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 260 of 496

ژاک دوم پادشاه سابق انگلیس با آنکه لوئی چهارده
در معاهدهٔ ریسویک گیوم ودانثر را بعنوان پادشاهی
انگلیس شناخته بود باز از ژاک سوم پسر ژاک دوم بحمایت
سلطنت انگلستان پذیرائی نمود.
گیوم ودانثر از این پیش آمد نیز استفاده کرده بهیجان سختی
در ملت انگلیس انداخته وبدینطریق باکمال سهولت قشون
وپولیکه احتیاج داشت پارلمان تصویب نمود. امّا
اتفاقاً قبل ازین که بتواند دست وپنجه با لوئی چهاردهم
بزم کند در پاریس ۱۷۰۲ درگذشت.
جنگ — عاقبت جنگ رسماً شروع شد، سیزده
سال یعنی تا ۱۷۱۴ دوام کرده وسخت ترین وطولانی
ترین جنگ است که لوئی چهارده بود میدان آن در عین حال
اسپانی وایطالیا وآلمان وبی با وسرداران این جنگ
ازطرف متحدین مالبورو یک سردار انگلیسی وپرنس
اوژن دساوویا که اصلاً فرانسوی بود در خدمت اطریش،

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 261 of 496

واز جانب فرانسه ها مارشال دویلار و دوک دواندم بودند، ابتدا لوئی چهارده وفیلیپ پنجم بواسطهٔ متحدین خود، پادشاه پرتقال - وساوا و منتخب باویر توانستند، در ایطالیا و آلمان حالت تعرض بگیرند.

نقشهٔ جنگ این بود که دو قشون فرانسه یکی از جانب ایطالیا و دیگری مستقیماً از فرانسه در باویر بیکدیگر ملحق و متفقاً بطرف وین حرکت نمایند، دوک دواندم در لونارا پرنس اژن را شکست داده دویلار در فریدلنجن غالب شده و نزدیک بود که نقشه فرانسه بتحقق پیوندد اما از طرفی رسیدن زمستان و از طرفی تمایل دوک وساوا بامپراطور بکلی وضعیت را معکوس و منقلب گردانید.

سال بعد (۱۷۰۴) متحدین همان نقشه فرانسه را اقتباس قشون پرنس اژن از راه ایطالیا و سپاه مالبورو از راه بی با بیکدیگر ملحق شده در هخستاد ولسو با تزو شکست داده و ایشان را مجبور بعقب نشینی گردانیدند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 262 of 496

ازین بعد تا مدت یازده سال فرانسه جنگ
تدافعی مینمود. و میدان آن در جنوب مملکت اسپانی
در شمال بلجیای اسپانیول و فلاندر فرانسه بوده است.
در شبه جزیره اسپانی پادشاه پرتقال فیلیپ پنجم را
ترک کرده با انگلیس ها متحد گردید. قشون انگلیس به کمک
آرشیدوک شارل پسر دوم امپراطور و نامزد تاج و
تخت اسپانی در پرتقال پیاده شده چندا بالت اسپانی
وازهمه مهمتر کاتالنی و بارسلن شوریده و پادشاهزاده
المانی متحد گردیدند. فیلیپ پنجم دو مرتبه مجبوراً از مادرید
فرار نموده لیکن بالآخره در (۱۷۱۰) واندم قشون
متحدین را مضمحل ساخته و پادشاه اسپانی را به تخت
خویش برای همیشه مستقر گردانید. در جبهه شمالی
فرانسویان باوجود کوشش های بسیار بی بارا از دست
داده و از ۱۷۱۰ خاک فرانسه مستقیماً مورد تهدید و تعرض
واقع شد. قرارداد اطاعی و بادن دو سال تمام از پیش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 263 of 496

آمدن متحدین جلوگیری کرده تا اینکه در (۱۷۱۲) هنگامیکه
نزدیک بود پرنس اژن این مانع را مرتفع و بجانب
پاریس حمله نماید در دفن فتح اقصیب و بلاد
شده پرنس اژن را مجبور بعقب نشینی ساخت.

صلح اوترخت

چند ماه بود که پیشنهاد انگلیس در اوترخت شروع
بمذاکرات صلح کرده بودند.

چون ملت انگلیس از طرفی خسته و بواسطهٔ
مصارف زیاد جنگ خواستار صلح شده بود و از
طرفی بامرگ ذوق اوّل برادر بزرگ آرشیدوک
شارل مشارالیه ولیعهد امپراطور ی گردیده و
برای حکومت انگلیس که تنها مقصودش از قبول اتحاد
متحدین جلوگیری از اجتماع تاج و تخت فرانسه
و اسپانی بود تعقیب جنگ صرفه نداشت تصمیم کرد که

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 264 of 496

از اتحاد خارج شود. لهذا مالبوروک را حضار و شرایط صلح را برای لوئی چهاردهم فرستادند (۱۷۱۱) ازین تاریخ مذاکرات اوترخت شروع شد.

پس از شکست دنن هلندیها هم خود را از اتحاد کنار گرفته و بعد ازین جز امپراطور حریف دیگری در مقابل فرانسه باقی نماند مشارالیه نیز پس از چندی مجبور بامضای صلح راستاد گردید (۱۷۱٤) معاهدات اوترخت و راستاد موضوع وراثت اسپانی را بطریق ذیل حل نمودند۔

(۱) فیلیپ پنجم پادشاه اسپانی و مستعمرات آن باقی ماند. و رسماً از تمام حقوق خود بتاج و تخت فرانسه صرف نظر نماید.

(۲) امپراطور بلژیک با میلان و ساردونی و مملکت نایل الملک شد

(۳) ساوه و ساوه و سیسیل داده شده و مشارالیه عنوان پادشاهی بخود میگیرد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 265 of 496

(٤) انگلیس امتیازات تجارتی در مستعمرات اسپانیا
تحصیل و منیورک و جبل الطارق باو واگذار میشود
و در مقابل جزیرهٔ ارض جدید و آکادی واقعه در
مدخل سن لوران و مستعمره کاناداے فرنسه را بفرانسه تسلیم مینماید.

چون معاهدات فوق الذکر مورد اعتراض فیلیپ پنجم
وامپراطور واقع شد او لے راضی به از دست دادن
بی باو خصوصاً ایطالیا نگردیده وامپراطور هم سلطنت
او را رسمی نمی شناخت، لذا از امضاے معاهده
خودداری واز همین جاے مناقشات جدیدیکه
در اوائل سلطنت لوئے پانزدهم ظاهر شد برخاست

نتایج جنگ:-

غلبهٔ حقیقی این جنگ با انگلیس بود زیرا موازنهٔ
اروپاے غربی را بدست گرفته و با تحصیل امتیاز تجارت
مستعمرات اسپانی در امریکا اولین قدم تفوق بحری

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 266 of 496

خویش را برد شهرت.

مغلوب جنگ فرنه بود هر چند تمام اراضی
مفتوحه را در تصرف داشت اما افراد و ثروت و
قوایش بدون هیچ فائده برای خود فقط بنفع پادشاه
اسپانی تلف گردانید در صورتیکه تمام همسایگانش
بر وسعت اراضی و قدرت خود افزودند و بهمان
سرحدات قدیمی خویش باقی و با آنکه هیچ تهدیدی
وحدت خویش را کامل نماید خویش را سیزده سال
مبتلا ساخت قبول وصیت نامهٔ شارل دوم یکی
از مصائب بزرگ تاریخ فرنه شمرده میشود.

II
قشون

جنگ های پیوسته تا چهار دهم تغییرات
زیادی باصول نظام فرنه داده و سپس در ممالک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 267 of 496

دیگر نیز انعکاس نمود مهمترین آنها ایجاد قشون دائمی
و منظم بیات که تا آنزمان وجود نداشته است. عامل
بزرگ این اصلاحات را شخص نوه او وزیر جنگ باید دانست.
قشون دائمی ـ میدانیم که در قرون وسطی و قرون
جدیده تا اواسط قرن هفدهم سلاطین قشون
دائمی نداشتند هنگام ظهور جنگ یا خود مستقیماً دستجاتی
ترتیب و پس از عقد صلح مرخص میکردند و یا اینکه از
قشون مزدور استفاده مینمودند. در صورت اول سپاه
تشکیلات واحدی نداشته تهیات و اسلحه آن خوب
نبوده و سربازان هم ورزش و مشق عسکری ندیده
بودند بالاخره در موقع بروز خطر ناگهانی جمع آوری قشون
کافی اشکال کلی داشت. در صورت ثانی چون سربازان
مزدور مکافات و مجازات را فقط از روی سایه خود
میدیدند ایشان را پادشاه حقیقی شناخته و بدیگری اطاعت نمیکردند
سلطانی با اخلاق نوکر چهاردهم یقیناً رضایت نمیداد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 268 of 496

که در مملکتش قدرتے در مقابل قدرت سلطنت وجود
داشته باشد و از طرفے نیز برائے تعقیب سیاست
جنگجویانهٔ خود ناچار بود که دستجاتی منظم و بطور دائمے
نگاهدارد. آنها را در موقع صلح مشق داده و بفنون حرب
آشنا ساخته تا در زمان جنگ بتوانند مجرے نظریات
او باشند. لذا دستجات کوچکی از سابق بنام ژاندارمهائے
در خانه دهشت توسعه داده در موقع جنگ بلند شصت،
و زمان جنگ بر علیه اتحاد اگسبورگ نود و نه، و در جنگ وراثت
اسپانے دویست ژریمان داشت. کلیهٔ قشون او
در موقع صلح بطور متوسط مرکب از یکصد و بیست و پنجهزار
پیاده و چهل و هفت هزار سوار نظام بوده است. برائے
سکونت قشونِ سرباز خانه ها ساخته و برائے خوراک و
پوشاک و تهیهٔ سائر لوازمات آن ادارات سیکه امروزه
موسوم بادارهٔ مباشرت میباشند تأسیس کرد.
قشون را متحد الشکل ساخته مطیع نظامات واحد گردانید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 269 of 496

و تمام افراد نظامی یک قسم اسلحه داد کلیه قشون از چهار دسته مرکب بود :—

(۱) قزاولان شاهی

(۲) سوارهٔ نظام .

(۳) پیاده .

(٤) توپخانه .

سرباز توپخانه از مخترعات لوواست ، سابق بر او فقط توپچی عدهٔ صاحبمنصب توپچی داشت در موقع لزوم پیادهٔ نظام به آن کمک مینمود . لوو اداستجات مخصوصی برای خدمت توپخانه ترتیب داد ، عدهٔ این سربازان از پنجهزار نفر تجاوز نمیکرد زیرا در آن موقع بواسطهٔ سنگینی توپ و اشکال بکار بردن آن توپخانه در جنگ چندان اهمیتی نداشته و تنها برای حمله و یا محافظت قلاع استعمال میشد بالآخره لوو با کمک وبان برای ساختن و حمله و دفاع استحکامات هیئت مهندسین نظام را تاسیس لیکن مانند توپخانه سابق مرکب از عدهٔ صاحبمنصبان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 270 of 496

مهندس بوده و سرباز نداشته است.
اختراع سرنیزه نیز از تکمیلات زمان لوئی چهاردهم میباشد

سرداران

لوئی چهاردهم برای فرماندهی سپاه خود چندین سردار عالیمقدار داشته است:- در جنگهای وراثت اولیه اسپانی و ملبرو تورن وکنده یعنی همان پهلوانان جنگهای سی ساله. در جنگ اتحاد اگسبورگ مارشال لوگزامبورگ و مارشال کاتینا.

بالآخره در جنگ با تحاد وراثت اسپانی دوک دواندام و مارشال ویلارد. هرچند که هریک ازین سرداران دارای مقام و رتبه ارجمندی میباشند لیکن برجسته ترین انشانرا باید تورن دانست.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 271 of 496

فصل یازدهم

اوضاع اجتماعی فرانسه در قرن هفدهم

روحانیون - نجبا - تفاوتها

مطالعهٔ اوضاع اجتماعی فرانسه در قرن هفدهم یکی از مسائل مهمی است که نباید از نظر دور شود زیرا در این قرن تشکیلاتش تکمیل شده و گذشتگان مقدمه است برای مهم علل انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) این تشکیلات تا زمان انقلاب باقی مانده و بعد از آن بکلی درهم شکست.

اوضاع اجتماعی فرانسه در قرن هفدهم تقریباً مشابه با دورهٔ وسطی و همان عدم مساوات اجتماعی که از خصائص آن قرن گفته میشود، در جامعهٔ قرن هفدهم نیز ملاحظه میگردد، ملت فرانسه بسه طبقه و صنف مشخص تقسیم یافته بود: روحانیون نجبا. و طبقهٔ سوم. تمام تحمیلات بدوش طبقهٔ سوم و صنف اولیه دارای امتیازاتی بوده و طبقهٔ ممتازه را تشکیل میدادند معهذا به مرور زمان تغییراتی در این اوضاع عارض شده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 272 of 496

وباتعین قدرے آزاد ترگردیده ، امتیازات سیاسی روحانیون وتجبا تقریباً ازبین رفته واطاعت از مقام سلطنت عمومی گردیده بود .

مطابق احصائیهٔ ویان از قرن هفدهم جمعیت فرانسه ۱۹ ملیون بالغ می شده از این عده پانصد هزار نفر جزو طبقهٔ ممتازه و بقیه یا بعبارهٔ هزار و پانصد دیگر جزو طبقه سوم بوده اند .

روحانیون - روحانیون که خود را واسطه بین خدا و خلق تصور میکردند البته محترم ترین و مهمترین صنوف بوده اند .

گذشته ازین برخلاف سائر طبقات تشکیلات منظمی نیز داشته ، در عرض سال جلسات مرتبی از عموم روحانیون منعقد وحتی نمایندگانی نیز برای حفظ حقوق صنف در مقابل حکومت تعین مینمودند ، عایدات مخصوصه باین صنف تقریباً بسه صد ملیون لیرهٔ فرانسه (هر لیره بیست فرانک) یا نزدیک بیک میلیارد لیره نبرخ امروز میرسیده ومخارج مخصوصه که عبارت از حفظ اماکن مقدسه مذهبی ، مریضخانه ها و سائر امور خیریه عام المنفعه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 273 of 496

باشد نیز در عهده داشته و از محل عایدات صنفی میپرداخت‌اند.
روحانیون خود نیز داخل بدسته جات مختلفه منقسم شده دسته
طراز اول و جمعی کثیشان عادی فقط عائدی محدودی داشته
قسمت عمده مالیات های مذهبی را نیز ایشان تادیه میکردند
کفالت خفیقی امور مذهبی و وظائف واقعی روحانیت هم بر عهده
ایشان بود.

در قرن هفدهم این دو دسته برای حفظ منافع مشترکه مذهبی کاملاً
در مقابل طبقه سوم متحد بوده اما بعدها در قرن ۱۸ و اول انقلاب
کبیر فرانسه کثیشان عادی با طبقه سوم اتحاد کرده بمقاومت با
نجبا کثیشان طراز اول کمر بستند.

نجبا:- نجبا بازوی راست سلاطین و دومین صنف ممتاز فرانسه
بودند، اگرچه بتدریج حقوق و امتیازات سیاسی خویش را از دست
دادند، باز هم امتیازات اجتماعی ایشان باقی و بعضی معافیت ها
حقوقی مانند معافیت از پرداخت مالیات و انحصار پاره
مشاغل دولتی را دارا بودند، نجبا از اشتغال بامور صنعتی و تجارتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 274 of 496

محروم و شخص متمرد از تمام شئونات و امتیازات صنفی خویش باید پنداشت
پوشیده، این امتیاز اخیر معلوم است که تا چه درجه مضر بزندگانی
و اجتماعی و مخرب اخلاق در روحیات ایشان میگردید.

در صنف نجبا هم شعبی پیدا شد، دسته نجبای خانوادگی بود
در دربار سلطنتی منزل داشته بمصاحبت شخص پادشاه مفتخر بوده
فوق العاده خود پسند و حتی باطاعت سلطان و دولی نعمت خویش
هم زحمت میفرمودند، دسته دیگر اشخاصی بودند خارج
از صنف نجبا که بقوه هوش و استعداد و یا خرید مشاغل و مناصب
دولتی بمقاماتی رسیده و بدرجه نجابت نائل آمده بودند.

در قرن ۱۷ و ۱۸ - این صنف جدید بهترین صنوف ملت فرانسه
شمرده شده با نهایت صداقت و کفایت خدمات شایانی انجام
داده و در اداره امور مملکتی معاونت های ذی قیمتی بپادشاه کردند.

طبقه سوم - اشخاصی که نه در صنف روحانیون و نه در صنف
نجبا بودند طبقه سوم یا طبقه غیر ممتازه را تشکیل میدادند.
توده ملت فرانسه از این صنف مرکب از دهریونانی فعال و زحمتکش بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 275 of 496

زندگانی سائرین از نتیجهٔ زحمات ایشان اداره میشد، این طبقه
نیز نوبهٔ خود به دسته تقسیم میشدند:-

(۱):- بورژواها .

(۲):- صنعتگران .

(۳):- دهاقین .

بورژواها مژدماسی بودند که ثروتی داشته خود کار نکرده، عدهٔ را
تحت ریاست خویش بکار میداشتند و با اینکه شامل آزادی
از قبیل وکالت مرافعه، طبابت، معلمی وغیره را پیشهٔ خود ساخته
و یا مأموریت اسی حکومتی مانند مأموریت قضائی . مالیاتی و یا دولتی
می پرداختند، مردمان متمول و تاجرهای معتبر مملکت
بجز این صنف بوده، و حقیقتاً صنف متمادی را در طبقهٔ سوم
تشکیل میدادند .

"صنعتگران"، بعد از بورژواها قرار داشته و مقام دوم را داراء
بودند، صنعتگران کسانی را می گفتند که خواه مستقلاً و خواه در
تحت ریاست دیگری بصنایع یدی مشغول باشند بعضی از

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 276 of 496

از ایشان بکلی آزاد و بدون قید تنظیمات صنفی امور حرفتے
خود را اداره میکردند، و برخے دیگر داخل در اتحادیه ها بوده از حقوق و
امتیازات صنعتی بهره مند، و در ضمن مقید برعایت پاره نظامات
نیز بودند، در تشکیل این اتحادیه ها نیز مانند اتحادیه های قرون
وسطی مسئله شاگردی و استادی در کار بوده، هر شاگردی میبایست
با بروز لیاقت بمقام استادی برسد، این ترتیب تا زمان انقلاب
کبیر فرانسه باقی بوده، و ماقبل قسمت اعظم سکنه مملکت را
تشکیل میدادند، اما حیثیت اجتماعی ایشان بقدرے ضعیف
بوده که بقول نویسنده از سنه ۱۶۶۱ ع باین طبقه جز اسمے تحمل
هرگونه مشقات و زحمات و تهیه وسائل اعاشه دیگران و پرداخت
مالیات بدولت بنظر دیگرے نگاه نمیشد، اما با وجود این باید
گفت که وضعیت ایشان از رعایا و ماقبل قرون وسطی خیلی بهتر بوده
در انتخاب زمین برای خود آزاد و حتی بعضی نیز از خود مالک
زمین بودند.

تجملات بلد ها قبل از سنه ۱۷۸۹ ع — هر چند که اوضاع و ماقبل دین قرن

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 277 of 496

از بعضے جہات بہتر از قرون وسطی گردید۔ لیکن از پارہ حیثیات
دیگر فوق العادہ برائے شان زندگانی دشوار گردیدہ بود،
ہمان حقوق مخصوصۂ ایام ملوک الطوائفی تصرف متصدیان مالیاتہای مدرن
راتادیہ میگردند و بعلاوہ مالیاتہائے مستقیم و غیر مستقیم حکومتی ہزاران
تحمل میشد بطوریکہ حساب کردہ اند از صد فرانک عایدے یک نفر
پس از وضع آنچہ بحکومت و ارباب وکشیش میپرداخت بزحمت
بیست و پنج فرانک برائے او باقی می ماند، مجبور بود کہ باربع عائدات
خود زندگانی خویش و عیال و فرزندانش را اداره نماید۔
گلبر وزیر لوئے چہاردہم بواسطۂ عواطف شخصی و ملت دوستیش
خواست قدرے از تحمیلات بردوش طبقۂ کاسته و اصلاحاتی
در امور حیاتی ایشان بنماید، لیکن چون نیات او مخالف با مقتضیات
بود البتہ بمقصود نائل نگردید۔

بطور خلاصہ باید گفت کہ بہ استثنای ایام سلطنت هانری چہارم
قرن هفدہم برائے رعایائے فرانسہ یکی از قرون مدہشہ بودہ،
خصوصاً در زمان لوئے سیزدہم و چہاردہم کہ رفتہ رفتہ عمومی بقدرے

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 278 of 496

بالا گرفت که غالباً شورش و هیجان میسنمودند و خارج فوق
العادهٔ ساختمان ها و جنگهای لوئی چهاردهم دیگر مقصدی برای ملت
باقی نگذارده بود، هرچند که این پادشاه در اواخر سلطنتش
بخطای خود پی برده در صدد علاج برآمد، ولی چه فائده که هیچ چه
اثری در بهبود حالا رعایای او ظاهر نشد، لوئی چهاردهم در
ساعات آخرین عمرش لوئی پانزدهم جای نشین خود را احضار
و چنین خطاب میکند «فرزند من اگر میخواهی پادشاه بزرگی
هیچگاه مقلد من مشو، و مثل من همت را صرف جنگ و تجمل
ظاهری منمای همی کن که باد سایل مفیده اسباب رفاه
رعیت را فراهم کنی» در زمان سلطنت لوئی چهاردهم (۱۴) که قسمت
اعظم قرن هفدهم را فرا گرفته بود از حیث ثروت و تمول عمومی
مملکت تنزل فاحش کرده مردم شوق بکار نداشتند یکنوع
خستگی و سستی در جامعه عارض شده بود و از همین وقت تخم افکار
که در ۱۷۸۹ باید ثمرهٔ آنها ظاهر شد، در مغز مردم افتاده و
شروع به نشو و نما نمود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 279 of 496

فصل دوازدهم

صنایع مستظرفهٔ فرانسه در قرن هفدهم (۱۷)

هرچند که در قرن شانزدهم در فرانسه نویسندگان و صنعتگران مشهوری پیدا شدند، ولی در قرن هفدهم دورهٔ شکفتگی و ترقی ادبیات فرانسه بوده و شاه کارهای بزرگی از آن زمان در دست است، اولویت ادبی درین قرن منحصر بفرانسه گردیده و از حیث ادبیات و معماری سرمشق سائر ملل اروپائی واقع میشود ترقی زبان فرانسه ازین عصر شروع و بجائی میرسد که بواسطهٔ کمالش تقریباً زبان درباری اروپا و زبان عمومی متفکرین میگردد

نویسندگان برجستهٔ قرن هفدهم فرانسه عبارتند از:-

کرنی - دکارت - پاسکال - مولیر - بوالو - راسین - لافونتن - بوسوئه - لابرویر - فنلون .

دورهٔ ادبی لویتر) قرن هفدهم را قرن لوئی چهاردهم نامیده و هنوز این اصطلاح باقیست، هرچند که این فیلسوف و نویسنده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 280 of 496

عالیقدر خواسته که ترقیات ادبی فرانسه را منسوب بشخص لوئی چهاردهم نماید، لیکن حقیقتاً که در قرن هفدهم دو دوره مشخص ملاحظه میشود یکی قبل از ۱۶۶۰ که کرنی - دکارت و پاسکال در آن زمان ظهور کرده و دیگری بعد از ۱۶۶۰ که متقارن با سلطنت شخص لوئی چهاردهم و موقع ظهور سائر نویسندگان این قرن است

نویسندگان قبل از لوئی چهاردهم:-

۱- کرنی - در سال ۱۶۰۶ در شهر روئن متولد شده، ابتدا شغل وکالت مرافعات را برای خود اختیار، و از همان آوان جوانی به تألیفات ادبی پرداخت - در شروع بکار توجه بکمدی داشته سپس یکمرتبه رشته تراژدی را اختیار در ۱۶۳۶ سید اثر معروف خود را نشر نمود. با آنکه این تاثر در ادبیات فرانسه سرمشق و محل تقلید است، باز پاره قسمتهای آن مورد تنقید اکادمی فرانسه واقع شده، و کرنی هم بعدها در نوشتجات دیگر خود سبک آنرا قدری اصلاح نمود. چند سال هراس - سینا (۱۶۴۰) یولیوکت (۱۶۴۳) را انشاء

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 281 of 496

داده و پی در پی آثار ذی قیمت دیگری تالیف کرد .

بطور کلی باید گفت که کرنی در مؤلفات خود اشخاص معروف قدیم را بمعرض نمایش آورده و طرز بیانش عالی و واقعاً فوق العاده است

این نویسندهٔ بزرگ سالهای آخر زندگانی خویش در فاقه و بدبختی گذرانیده ، و بالآخره در (۱۶۸۴) درگذشت .

۲ - دکارت یکسال پس از نشر اولین شاهکار نظمی فرانسه دکارت شاهکار نثر فرانسه را نیز در سال ۱۶۳۷ در لیدن انتشار داد . دکارت پسر یکی از قضات پارلمان شهر دوس بوده در سال ۱۵۹۶ تولد شده ، در جوانی بخدمت نظامی مشغول گردیده در ضمن به تحصیل ریاضیات و فلسفه میپردازد چون محیط فرانسه برای اظهار افکار و خیالات خود مساعد و مستعد نمی بیند بمملکت هلند مهاجرت بیست سال در آنجا بسر برده عاقبت بلکه سوئد او را باستخلم طلبید در این شهر عمر خود را بآخر رسانید

مشهورترین آثار دکارت کتابیست که باسم "دیسکورد" لامتد تالیف کرده و اساس خیالات خود را در آن بیان می کند ، در این کتاب مطالب عالیهٔ فلسفی را با عبارتی ساده و قابل فهم عامه ذکر میکند و بعد طرف توجه واقع میشود که تعالیم او را پیدا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 282 of 496

۳- پاسکال - علاوه بر عالم ادب بلز پاسکال یکی از نوابغ
ریاضیات و فیزیک بوده است، پدر او یکی از قضات شهر
اورنی و تولد خود او در سال ۱۶۲۳ بوده است در سن شانزده
سالگی کتابی راجع بهندسه منتشر کرده و از جملهٔ معاریف عصر شما
سے آید، در علم فیزیک تحقیقات مخصوصه نموده در بیست و سه
سالگی ثقل هوا را تشخیص و میزان الهوا را اختراع شد - چون روزے
از حادثهٔ هلاکی رهائی یافت خود را از علایق دنیوی کنار گرفته متوجه
سلک روحانیت گردید - درین شعبه نیز شروع به تحقیقاتی نموده
بالآخره دچار تکفیر شد -

برائے دفاع خویش کتاب موسوم به "مکاتیب بیک هاتی"
تألیف و حملات سختی بدشمنانش وارد آورد، این کتاب جنبهٔ
ادبی بزرگے نیز دارد، پس از مرگ فیلسوف دانشمند
معظم (۱۶۶۲) نیز اوراقے از یادداشت هائے او بدست آمده
جمع گردیده و بنام "افکار و خیالات" بعرض ظهور آمد
یکے از نویسندگان معاصر در تعریف این کتاب میگوید که

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 283 of 496

«افکار و خیالات»، نه فقط نفیسترین و فصیحترین آثار فرانسه بلکه
دی قیمت ترین ثروتهای ادبی و فلسفی عالم بشریت محسوب است

(نویسندگان زمان سلطنت لوئی چهاردهم)

لوئی چهاردهم به ادبیات عشقی داشته و فضلا و نویسندگان را تشویق
می نمود، میخواست که بواسطهٔ وجود او با فلاسفه نامی شهرت سلطنت
او تکمیل شود چنانچه از سنه ۱۶۶۳ به نصیحت و اغوای کلبر شهریه و مقرری
برای غالب نویسندگان و علمای عصر خود برقرار کرده ایشان را بحضور پذیرفته
مورد اعزاز و احترام زیاد میساخت!

آنها پس از جنگ هلند مخارج بسیار و کمی پول او را مجبور
گردانید که وظائف ایشان را قطع کند، این نکته را نیز
باید متوجه شد که ظهور متفکرین عصر لوئی چهاردهم تنها
منوط به تشویق پادشاه نبوده، بلکه ذوق ادبی و علمی که در
مردم تولید شده بود، جای تشویقیات پادشاه
میگردید. مولیر - لافونتن - راسین و بوالوها
نفر نویسنده برجستهٔ عصر لوئی چهاردهم بشمار می آیند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 284 of 496

(۱) معولیر از حیث سبقت تاریخی مولیر اولین نویسنده
حاضر لوئی چهاردهم بوده است، در موقعی که تارتوف مشهور خویش
«پوسیوز مربد یکول» را بمعرض نمایش گذاشت سی و شش سال
داشته از جمله نویسندگان عالیمقدار و منقدین زیرک
محسوب بود.

اسم حقیقیش «ژان باتیست پوکلن» او در سال ۱۶۲۲
در شهر پاریس متولد میشود، تحصیلات خود را در فن حقوق تکمیل کرد
ولی شوق طبیعی همیشه او را بجانب تاتر میکشانید، بدون رضای
خانواده اش داخل دسته ازبازیگران کمدی شده از پاریس هجرت
و در ایالات فرانسه مدتی مشغول به نمایش بود، بالاخره بپای تخت
مراجعت و پس از نمایش تارتوف آلذکر خود مورد توجه مخصوص
پادشاه واقع میگردد.

در مدت چهارده سال قریب سی قطعه تاتر نوشته که مشهورترین
آنها مکتب نسوان «اکلاده فم»، تارتوف - دن ژوان
میزانتروپ - آوار (خسیس) بورژوا ژنتیلم - وله فم سلانت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 285 of 496

(زنهاے عالم) میباشد.

مولیر- در نوشتجات خود انسان را اساسًا، از هر عصر و هر مملکتی که باشد منقش نموده، رفتار غیر طبیعی اشخاص را تحت تنقید گرفته حتی الامکان ساعیست که اخلاق بشر را بسادگی طبیعی بگشاید. همین جهت آثار او حقیقتًا فنا ناپذیر بوده در هر عصرے مورد توجه بوده و خواهد بود.

مولیر در عین حال هم نویسنده و هم بازیگر زبردستی بوده و عمر خویش را در صحنهٔ نمایش به آخر رسانید، یعنی موقعے یکے از قطعات خود موسوم به مریض خیالی (مالاد ایمانژین) را بازی میکرد- دچار حملهٔ عصبانی شده و همانجا پدرود زندگانی میگوید.

۲- بوالو نیکلا بوالو- پسر یک ثبات پارلمان پاریس در ۱۶۳۶ در شهر پاریس متولد شده ابتدا به تحصیل علم حقوق پرداخته برتبهٔ وکالت مرافعه نائل میگردد، اما بزودی ازین پیشه دلسرد شده، شروع بنویسندگی مینماید، در سن سی سالگی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 286 of 496

اولین نوشتجات هجویهٔ خود را انتشار میدهد، موقعی که مولیر تازه
«مکتب نسوان» خود را معرض نمایش گذارده بود، بوالو تجدید
فوق العاده ازین اثر نموده، و ازین ببعد دو نویسندهٔ مشهور
با یکدیگر بسیار دوست میشوند، در سال (۱۶۷۳) مجموعهٔ بنام
«صنعت شعری» منتشر ساخته، و تالیفات بسیار
در علم ادبیات و شعر و شاعری دارد.

لوئی چهاردهم اورا مامور بنوشتن تاریخ سلطنتش گردانید
بوالو زبانی نقاد، و همیشه مؤدب و بیطرف داشته در دوستی
خود فوق العاده ثابت قدم و هرگز در حمایت دوستان خود مانند راسین
و مالیر کوتاهی نورزید.

(۳)- راسین- ژان راسین در ۱۶۳۹ء در شاپیانی متولد
شده بواسطه تمایل خانواده اش تعلیمات مذهبی گرفته لیکن در
ضمن تحصیل متوجه ادبیات گردید، در ادبیات شعبهٔ تراژدی را اختیار
و پس از تالیف چند تراژدی شاه کار معروف خود-
اندرومالک را منتشر میسازد- در نیوقت با مولیر و بوالو نیز

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 287 of 496

دوستی پیدا کرده پیاپی شاه کارهای شگفت‌انگیز نمود.

بریطانیکوس - برینس - باژاذه - یلتریدات -

ایفیژنی و فلدر را تنظیم میکند. پس از انتشار خدمتهای

وحسودان او آن نویسندهٔ بزرگ مورد تحقیرات و صدماتی

قرار داده، اتا تمام اقدامات ایشان نتیجه جز ازدیاد شهرت

راسین نبخشید، فقط او را از تأثر دل سرد کرده دوباره بعالم

روحانیت و انزوا رجعت داد.

در بخال نیز برای مدرسه دخترانه سن سیر دو آخرین

تراژدی خود استر و آتالی را نوشت، راسین نیز مانند مولیر

عالم بشریت را عموماً با قلم توانای خود وصف و نقش نمود

و آثار گرانبهای او در هر قرن عصر تازه و نوین است.

۴- لافونتن - مانند راسین ژان دلافونتن نیز از اهل شامپانی

بوده در ۱۶۲۱ تولد یافته است، پدرش مأمور آبیاری جنگلها

را داشته. پس از چندی شغل خود را بپسرش تفویض نمود

معلوم است که لافونتن با جرای این کار تن در نداده تعقیب

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 288 of 496

خیالات واحساسات شاعرانهٔ خویش را مینمود.

پس از آنکه مدتی در ولایت خود بسر برد بپاریس آمده فوکه نقش گل مالیه را زیر حمایت خود گرفته مقرری سالیانه برایش تعین کرد درینوقت با مولیر و بوالو و راسین آشنا شده در ۱۶۶۸ مجموعهٔ قابلهای خود (حکایاتی است که از زبان حیوانات نقل میکند) انتشار داد، لافونتن از آثار خود مقلد و پیرو نویسندگان قدیم از قبیل ازپ و فدر بوده بازبانی بسیار ساده و شیرین باصلاح اخلاق مردم پرداخته است، قابلهای لافونتن مقام و شان بلندی در ادبیات دارد.

یکی دیگر از اشخاصی که مقام ارجمند ادبی در عصر لوئی چهاردهم داشته بوسوئه خطیب مشهور است که از وعاظ مشهور فرانسه بوده و خدمات بزرگی بعالم ادبیات این ملت کرده است، در سال ۱۶۲۷ متولد و در سال ۱۶۵۹ وارد دربار سلطنتی شده بزودی طرف توجه سلطان واقع میگردد، لوئی چهاردهم تربیت پسر خود را به او واگذار میکند، درینموقع بوسوئه برای شاگرد خود کتابهای فلسفی و تاریخی ترتیب داده که از بهترین نثرهای فرانسه شمار میرود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 289 of 496

ادبای دیگرے کہ میتوانیم در ینعصر در درجۂ دوم نامے
ازنہا ببریم عبارتند:-

۱- لابروئیر (۱۶۴۵-۱۶۹۴) کہ آثار افکارش مانند ادبای
سابق الذکر عمومیت نداشتہ و محدود بعصر خود اوست، مجموعہ کہ بنام
کاراکتر (صفات) مشہور است، معروفترین نوشتجات فکری
او میباشد.

۲- فنلون (۱۶۵۲)-(۱۷۱۵) نویسندۂ افسانہ معروف تلماک
و افکار و نظریات مخصوصی در اصلاح جامعہ داشتہ است لوئی
تنقیداتی کہ از وضع حکومت مینموده بزودی تبعید شد.

۳- بوردالو (۱۶۳۲-۱۷۰۴) کہ خطیب مشہوری بوده.

۴- لاروشفوکلد (۱۶۱۳-۱۶۸۰) کہ حکم و پندیات (ماکزم) او
معروف است.

۵- کاردینال دُرتز (۱۶۱۶-۱۶۷۳) کہ در یادداشتہای خویش
تاریخ انقلاب زمان صغر لوئی چہاردہم را بیان نموده

۶- مادام دسونیه (۱۶۲۶-۱۶۹۶) کہ در رشتۂ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 290 of 496

مکاتیب خود جزئیات عصر را تشریح و تنقید کرده و همین مکاتیب باعث شهرت مشارالیها گردیده است.

۷- بالزاک (۱۵۹۴-۱۶۵۴) که نظم و شایان تجدید و در فصاحت نیز مقامی عالی دارد.

صنعت و صنعتگران فرانسه در قرن هفدهم - شهرت و مقام صنعتگران فرانسه در تمام قرون هیچوقت در تاریخ بپایه و منزلت ادبا و متفکرین معاصر خود شان نمیرسد، صنایع مستظرفهٔ فرانسه در قرن هفدهم تقلید است از سبک قدیم یونانی و رومی ولی باید دانست که در اینکار کاملاً مقلد نبوده، بلکه ابداعات داشته و تغیراتی در ان داده بود ند که طرز مخصوصی بوجود اورده است، در اینجا صنعتگران معتبر را مختصراً نام میبریم:-

۱- پوسن (۱۵۹۴-۱۶۶۵) که نقاش زبردست خصوصاً مجلس سازی بوده.

۲- لیبرون (۱۶۱۹-۱۶۹۰) که در تمام شعب صنایع مستظرفه مهارتی بکمال داشته.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 291 of 496

۳- مینسیار (۱۶۰۱- ۱۶۶۵) که معاصر و بالاخره جانشین لبرون بوده است .

۴- پیر پوژه (۱۶۲۲- ۱۶۹۳) که مجسمه ساز معروف و پیرو سبک میکل آنژ بوده است .

۵- ژیراردون (۱۶۲۸- ۱۷۱۵) که از مجسمه سازان مشهور بشمار می آید .

۶- سالومون دبروس (۱۵۶۲- ۱۶۲۷) که از معماران معروف قبل از سلطنت لوئی چهاردهم و قصر لوگزامبورگ را برای ماری دمدیسی بنا کرده است .

۷- لمرسنیه (۱۵۸۴- ۱۶۵۴) که کلیسای سوربن را برای ریشلیو ساخته است ، امروزه این کلیسا در لاتن شهرت دارد .

۸- کلد پرلد (۱۶۱۳- ۱۶۸۸) که تعمیراتی در قصر لوور نموده .

۹- بردان (۱۶۲۷- ۱۶۹۷) که بنای مشهور هتل دنزنوالیدها به امر لوئی چهاردهم ساخته است .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 292 of 496

۱۰- هاردوئن مانسار (۱۶۴۵-۱۷۰۸) که بامر لوئی چهاردهم قصر ورسای را بنا کرده است.

ادبا و صنعتگران ممالک مختلفهٔ اروپا در قرن هفدهم- اگر فرانسه از حیث ادبیات و صنایع درین قرن محققاً مقام اول را حائز بوده لیکن در بین ملل دیگر نیز نویسندگان و صنعتگران زبردستی ظهور کرده اند- در اسپانی نویسنده مانند سروانتس (۱۵۴۷-۱۶۱۶) با اثر فنا ناپذیر خود- دن کیشوت- در انگلستان شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) آن متفکر زبردست و میلتن (۱۶۰۸-۱۶۷۴) شاعر شهیر و مصنف بهشت مفقود (پارادی پردو) شگفته و هریک نه تنها برای ملت خود بلکه برای جامعهٔ بشریت موجب افتخار میباشند.

در شعبهٔ نقاشی اسپانی- فلاندر و هلند استادان ماهری مانند ولاسکز- روبنس- وان دیک و دامبران داشته که هرگز مقام ایشان را نمیتوان از استادان رنسانس ایطالیا پائین تر دانست.

در خاتمهٔ تذکرهٔ حال ادبا و صنعتگران قرن هفدهم اروپا مقتضی است

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 293 of 496

اشارهٔ نیز از علما و فلاسفهٔ این عصر کرده شود.

علم و فلسفهٔ جدید که اساسش تجربه است در این قرن ظهور کرده و انقلاب عظیمی که نتایج آن در قرن ۱۸ هم ملاحظه میگردد بوجود آورد، مبدعین این افکار دو نفر فیلسوف بزرگ دکارت و باکن بوده اند که فلسفه را از خیال فرضیات و حدسیات آسوده کرده مانند علوم ریاضی مطیع قوانین ثابت کردند.

دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰) که موجد و مؤسس حقیقی فلسفه بود و اثر معروف او دیکورد لامتد میباشد فرانوا باکن (۱۵۶۰-۱۶۲۶) که اصول پریشان و درهم فلسفهٔ قدیم را رد کرده و مؤسس فلسفهٔ جدید گفته میشود. اثر مشهورش (اسه د موریلتیک) میباشد.

از منجمین مشهور این عصر که لازم است معرفی بحال ایشان پیدا شود یا یکپلر المانی - گالیکهٔ ایطالیائی (مخترع دوربین سماوی) و فیوتن انگلیسی یا که اولین شخصی بود که قانون جاذبهٔ عالم را طرح و توضیح داد دانست.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 294 of 496

منجمین فوق الذکر علاوہ بر تحقیقات نجومی از سائر شعب علوم
ریاضی و طبیعی هم افکار بدیعه از خود بیادگار گذارده اند

فصل سیزدهم ۱۳

تاریخ داخلی سائر ممالک اروپا از اواسط قرن پانزدهم تا اواسط قرن هفدهم

بدیهی است جزئیات تاریخ هر ملتی وقتی بکار ملت دیگر خواهد رفت که شامل یک فلسفهٔ تاریخی مخصوص بوده، و یا آنکه در اعمال آنها در سر مشق واقع شود، لهذا ما هم در اینجا بذکر مطالب وقایع برجسته پرداخته، و اگر تاریخ فرانسه قدری بتفصیل دقیق گردیم، ازین جهت بود که دولت و ملت فرانسه اگر در دورهٔ تاریخ جدید فرد واحد در سیر تمدن عمومی و تکامل طبیعی نباشد یقیناً از افراد ممتازه بشمار می آید، بغیر از فرانسه تمام ممالک مهمهٔ اروپا درین قسمت از تاریخ بقرار ذیل است:-

اول دول مختلفهٔ آلمان - دول مختلفهٔ شبه جزیرهٔ ایطالیا سوم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 295 of 496

دول جدید التاسیس اسکاندیناوی، چهارم دولت ترک که
پس از فتح قسطنطنیه داخل حوزهٔ اروپائی شده، پنجم انگلستان
ششم - اسپانی و پرتقال

اول المان:- دولت با تجربه سیاسی خود تاریخ داخلیش شوش
و بعلاوه وقایع قابل ذکری ندارد، آنچه لازم بود در بیان تفصیلی جنگها
دو خانوادهٔ فرانسه و اطریش و تشکیل امپراطوری شارلکن و
بالاخره تجزیهٔ آن ذکر شد.

دوم - ایطالیا - که پیش از المان تجزیه شده شرح وقایع
آنرا سابقاً اشاره نمودیم - علاوه برین قسمتی از شبه جزیره جزو متصرفات
اسپانی شده و یک دولت خارجی در آن مستقر میگردد.

سوم اسکاندیناوی - سه دولت دانمارک و سوید و نروژ
باوجود آنکه در اوائل قرون جدیده دارای شخصیت سیاسی میشوند
ولی وقایع داخلی آنها چندان مهم و قابل ذکر نیست و مختصری
که لازم بود در موقع ظهور کوستاوآلف ذکر کردیم. تاریخ سیاسی
و داخلی قابل استفادهٔ آن از اواخر قرن هفدهم ببعد هم شروع میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 296 of 496

چهارم دولت ترک، چنانکه میدانیم یکی از صفات مشخصهٔ تاریخ جدید بلکه مبدء تاریخی آن فتح قسطنطنیه است، این برای هیئت جامعهٔ اروپائی از دو جهت اهمیت دارد.

اولاً بواسطهٔ فتح قسطنطنیه یک دولت شرقی در اروپا مستقر شده عالم مسیحیت با عالم اسلام همسایه میگردد، ثانیاً دولت روم شرقی بعد از انحطاط تدریجی بالآخره از صفحهٔ تاریخ محو میشود.

این واقعهٔ مهم به دست ملت ترک انجام گرفت و ما تاریخ این قوم را بطور خلاصه شرح قدری مفصلتر بیان کرده و آن را بدو قسمت تقسیم مینمائیم:-

اولاً از بدو تشکیل دولت ترک تا ۱۴۵۳ یعنی فتح قسطنطنیه.

ثانیاً از فتح اسلامبول تا اواسط قرن هفدهم.

(قسمت اول تاریخ ترک از بدو تشکیل تا فتح قسطنطنیه)

در سال ۱۳۰۷ که دولت سلجوقی متفرق میگردد یکی از امرای ترک موسوم به عثمان معروف بغازی در آسیای صغیر اعلان استقلال نموده هیئت سیاسی دولت عثمانی را تشریح میکند عثمان در حوالی بیتنی و قره‌جه حصار فتوحات جدیده نموده و در سال ۱۳۲۶

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 297 of 496

وفات میکند بعد از عثمان غازی پسرش اورخان جای نشین او شده
نیکومدی و نیسه را در آسیای صغیر متصرف شده بسواحل
بسفرد بحر مرمره میرسد و بالاخره بروسیه را مقر حکومت خود
قرار میدهد.

در سال ۱۳۵۶ قشون ترک در گالیپولی یعنی سواحل اروپائی
داردانل مستقر شده، و این واقعه در موقعی اتفاق افتاد که روم شرقی
سلسله امپراطوری را داشته و دچار تجزیه بود.

اورخان بعد از این فتوحات مهمه در داخله مملکت خود هم شروع
به اقدامات کرده نظام ینیچری را تاسیس و بالاخره در سنه ۱۳۶۰
وفات میکند.

بعد از اورخان برادرش سلطان مراد اول که معروف بخداوندگار
بود بسلطنت میرسد، این پادشاه در تنظیم قشون مساعی جمیله
بکار برده سوره نظام ترک را باسم سپاه تکمیل میکند، از آنجا به
بجانب آدرنه رفته دوم شهر مهم تراس را متصرف و پایتخت
خود قرار میدهد. استقرار دولت ترک در آدرنه امپراطوری

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 298 of 496

شرق را متوحش و امپراطور را مجبور به اقدامات دیپلماتی در پیشگاه پاپ مینماید
امارا اقدامات خود مایوس گردیده ناچار سر اطاعت بسلطان
ترک فرود می آورد .

دیگر از وقایع مهمه سلطنت سلطان مراد اول جنگ با بلغار و صرب
است که بالاخره مغلوب سلطان شده و تقریباً مطیع میگردد
سلطان مراد در پایان جنگ بدست یکنفر صربی متعصب کشته میشود
بعد از مراد اول پسرش ایلدرم بایزید (۱۳۸۹ - ۱۴۰۲) بسلطنت
میرسد این سلطان « ایالت والاشتی ودلاوی » را فتح و
صربها و بلغارها را مطیع خود میکند ، قوای بحری مفصلی تهیه کرده در
آسیای صغیر باقی ماندگان خوانین سلجوقی را دوخورده بسیار
نموده ، سوریه و ارمنستان را تصرف می آورد ، بعد ازین
فتوحات ایلدرم بایزید متوجه فتح قسطنطنیه شده پنجسال آنشهر را بزیر
محاصره گرفته مانوئل امپراطور روم شرقی بسلاطین اروپا متوسل و استمداد
میکند ، بایزید متفقین را شکست سختی داده (۱۳۹۶) قشون ترک
تا شبه جزیره مورده و تسالی پیش میرود ، آخر مانوئل را بتقسیم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 299 of 496

مملکت خود مجبور ساخته و حاکمیت خویش را بامیر الامور
روم شرقی مدلل میسازد، با این طرز مقصود از قسطنطنیه واقعهٔ
حتمی بنظر میآمد، اما ظهور بهمان کشمکشی مانند تیمور لنگ این
واقعه را بتاخیر انداخت بدین معنی که تیمور پس از تسخیر
خوارزم و کاشغر و ایران و لشکرکشی بروسیه و هند متوجه ممالک
بایزید شده، در جلگهٔ انقره مشتمل هفتصد هزار قشون تیمور با
چهار صد هزار سپاه بایزید مقابل میشود، درین جنگ
بایزید شکست خورده اسیر گردیده و در ۱۴۰۲ تقریباً تمام
مقرقات آسیائی ترک بدست امیر میافتد، اما به اروپا توجهی
نمیکند.

در ۱۴۰۵ که تیمور وفات کرد، ممالک عظیمهٔ اش پس از و
تجزیه میشود، درینموقع بایزید در حبس تیمور مرده بود، لهذا پس
از مرگ او چندی بین پسرانش سلیمان اول - موسی و
محمد اول کشمکش و نزاع شده اوضاع داخلی ترک متزلزل میگردد،
تا اینکه عاقبت ۱۴۱۳ سلطنت بمحمد اول رسیده دولت متزلزل ترک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 300 of 496

بازجان واستخوانی میگیرد.

محمد اول از ۱۴۱۳ تا ۱۴۲۱ بلامنازع سلطنت نموده جزو دو خود با مصطفی
که مدعی وراثت سلطنتی بود و اتحاد با امپراطور شرق واقعهٔ قابلِ
ذکری ندارد.

بعد از محمد اول پسرش سلطان مراد ثانی جای نشین او شده از ۱۴۲۱ تا
۱۴۵۱ سلطنت میکند. محاربات عدیده نموده، مصطفی که بتحریک امپراطور
شرق مدعی وراثت ایلدرم بایزید بود دفع و برای انتقام شهر قسطنطنیه را
بزیر محاصره میگیرد، درینموقع برادر مصطفی طغیان کرده سلطان از محاصره
دست برداشته باغی را مغلوب نموده بقتل میرساند، مجدداً متوجه
فتوحات اروپائی خود گردیده در ۱۴۳۰ تسالنیك، ژانینا و
اقصاد مرکز حکومت البانی را متصرف میشود.

بعد از فتح اقصار و ژانینا ژان کاستریوتا پادشاه البانی
سر اطاعت فرود آورده، پسر خود را بعلامت تسلیم بدربار سلطان
گروگان فرستاد، این پیشرفت های مهم در کهسار دول اروپائی را بخیال
انداخته اتحاد بزرگی که پاپ نیز در آن دخالت داشته بر علیه سلطان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 301 of 496

تشکیل داور امجبور بصلح میسازند، اما این وضعیت چندان دوامی
نکرده در ۱۴۳۴ ترک ها قشون متحدین را در وارنا شکست داده و سلطان
متوجه تصرف پلوپونز و مصمم برای فتح ایپیر و تصرف قطعی البانی میگردد
در اینجا عملیات سلطان بیک مانع بزرگی برخورده، یعنی پسر ژان کاستریوت
که در دربار برسم گرو اقامت داشت قبول دین مبین را نموده خود را
اسکندر بیگ نام میدهد لیکن بواسطهٔ عداوتی که با ملت ترک داشت
بعد از چندی فرار و بمملکت خویش میرود، هنگامیکه سلطان مراد
به تسخیر البانی مشغول بود مقاومت های سخت و دلیرانه
با او کرده باوجود شکستهای متوالی شخصاً تسلیم سلطان نمی شود، سلطان مراد
پس از جنگ البانی رفع تعرض پادشاه هنگری را از صربی کرده در
سال ۱۴۵۱ در ضمن فتوحاتش در شهر آدرنه وفات مینماید.

(قسمت دوم تاریخ ترک از فتح قسطنطنیه تا اواسط قرن هفدهم)

بعد از سلطان مراد ثانی پسرش سلطان محمد ثانی معروف بفاتح بسلطنت
میرسد آوان جلوس این سلطان متصرفات اروپائی ترک عبارت بود از
تمام رومیلی مقدونیه قسمت مهمی از یونان و دوک نشین ژ اینیاو

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 302 of 496

ملل مغلوبه عبارت بودند از صرب و بلغار و اهالی والاشی،
البته حفظ این اراضی و سیعه بدون داشتن قسطنطنیه مشکل
ویالاقل موجب تزلزل اوضاع سیاسی عثمانی در اروپا میگردید
لهذا سلطان مراد ثانی از بدو جلوس باعزمی ثابت مصمم فتح
قسطنطنیه شده بالآخره در ۲۹ ماه مه ۱۴۵۳ این منظور بزرگ را
انجام و پایتخت خود را از آدرنه به آنجا نقل میدهد.
این فتح بزرگ را دو امر مهم موجب شد:- اولاً عزم ثابت و فداکاری
جنگ جویان ترک که در مقابل استحکامات طبیعی و مصنوعی شهر
قسطنطنیه مقاومت میکنند ثانیاً ضعف و نفاق ساکنین شهر
و یا امپراطوری که قوهٔ مقاومت را از ایشان سلب و عملیات خصم را
مؤثر میسازد. بهرحال درین روز تاریخی کنستانتین هشتم آخرین
امپراطور شرق در ضمن جنگ کشته گردید و یا خود را عمداً بجنگاه مرگ میدهد
خانوادهٔ پالئولوگ به اوختم و منقرض میگردد.
هرچند که فتح قسطنطنیه ظاهراً استحکامی به اساس مستملکات دایره پادشاهی ترک
میدهد لیکن رقابت و عداوت جامعهٔ مسیحی را متوجه آن دولت نمود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 303 of 496

وچنانکه صفحات تاریخ نشان میدهد، بعدها در پس گرفتن
آن از ملت ترک از بدل هیچگونه فداکاری مضایقت نکرده
و سیاست عمومی اروپا اخراج ترک از عرب بوده است.
این عظمت اروپائی عثمانی و فتوحات جدیده که در آسیا
شروع میکند رقیب دیگری برای ترک تولید و آن رقیب
دولت ایران است که پس از ظهور صفویه و ختم دوره ملوک الطوایفی
زد و خوردهای مفصلی بین این دو دولت واقع گردیده است
از طرف دیگر نیز ملل مختلفه که بزیر تسلط ترک آمده بودند، بواسطه
تحریکات خارجی و سوء اراده داخلی همیشه اسباب
زحمت عثمانی شده اند.
خلاصه سلطان محمد فاتح پس از تصرف قسطنطنیه متوجه
فتوحات جدیدی در یونان شده تقریباً در ۱۴۵۸ اتمام
این مملکت را متصرف میشود و در ۱۴۶۱ طرابزان
و حوالی آن را نیز در کنار بحر سیاه مالک میگردد.
استقرار دولت ترک در مدیترانه و بحر سیاه و هجوم او بی با متصرفات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 304 of 496

و نیز این دولت کوچک تجارتی را متوحش ساخته شروع بفعالیت با
دولت عثمانی میکند. بدیهی است ملل مغلوبه نیز با او شرکت کرده
ابتدا اقدامات و نیز بی نتیجه مانده ولی پادشاه هنگری از پیشرفت
سلطان در سواحل دانوب جلوگیری میکند این است که
سلطان فاتح خط سیر خود را تغییر داده بجانب آلبانی توجه نموده حمله به ونیز را
مصمم میشود. اسکندربیک مقاومتی نموده لیکن مؤثر واقع نشده بقتل
میرسد. لهذا ونیز مستقیماً طرف حمله واقع گردیده خواستار صلح
شده برای آزادی تجارت خود در بحر سیاه باجگذاری سلطان ترک را
قبول میکند.

سلطان محمد قصد تسخیر مصر و حمله روم را نیز داشته اما در ۱۴۸۱
در سن پنجاه و سه سالگی قبل از انکه به اجرای خیالات خود موفق شود
وفات میکند در اینجا لازم است متذکر شویم در همان موقعی که دولت
ترک قسطنطنیه را متصرف شده و روم شرقی را منقرض میکند
دولت روس تشکیلاتی یافته ترقی سیاسی خود را شروع میکند
بواسطه قبول مذهب ارتودکس و ملاوتش که از یونان سرچشمه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 305 of 496

از سلاطین آن مملکت با یکی از شاهزاده خانمهای پالئولوک سیکدیگر
بزرگی برای دولت ترک پیدا شده و دولت روس بقصد تصرف
دولت بایزانتن از آنروز به بعد دائم مهم رقابت با دولت عثمانی شده
غالباً آنرا مورد حمله و تعرض خود قرار میدهد

جانشین سلطان محمد فاتح پسرش بایزید ثانی بوده در اول سلطنت یکی از
برادرانش بنام سلطنت شده ولی بایزید بزودی او را دفع و متوجه فتح
مصر و سوریه میشود، ولی در جنگ ایسوس شکست خورده مجبور
بصلح میگردد.

بایزید حملاتی به اروپا نیز کرده اما نتیجه بدست نیاورده در اواخر
و چار سرکشی پسرانش شده و عاقبت هم استعفا داده سه روز
بعد بدست پسرش سلیم اول مسموم میشود.

سلیم اول هشت سال سلطنت نموده در ۱۵۲۰ وفات مینماید، مشارالیه
با شاه اسمعیل اولین پادشاه صفوی معاصر بوده شروع تعرض
به ایران کرده با وجود پیشرفت در چالدران مجبور بمراجعت میگردد
سپس بسوریه و مصر قشون کشی کرده مالک شده حقوق خلافت در خرقه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 306 of 496

شریف را مالک شده و دعوی خلافت حضرت ختمی مرتبت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را مینماید.

سلیم اول موقعی که مصمم فتح روس بوده در حدود سنه ۱۵۲۰ وفات میکند.

بعد از سلیم اول پسرش سلیمان دوم معروف بسلیمان کبیر سلطان میشود، مدت چهل و شش سال از ۱۵۲۰ تا ۱۵۶۶ سلطنت نموده فتوحات سوریه و مصر را تکمیل و بسوی اروپا توجه مینماید، در سنه ۱۵۲۱ شهر بلگراد و قسمتی از هنگری را متصرف و بجزیره رودس حمله میکند، سلیمان برای جلوگیری از شورش و انقلاب ینیچریها همیشه ایشان را بجنگ مشغول میداشت در ۱۵۲۹ ملاداری را مطیع و با یکصد و بیست هزار نفر بشهر وین حمله مینماید، در تمام حملاتی که از این زمان تا ۱۵۳۲ بشهر وین نموده پیشرفتی برای سلیمان حاصل نمیشود، در محاربات بین فرانسوای اول و شارلکن مداخله و بالآخره در سنه ۱۵۶۶ در یکی از محاربات با هنگری وفات می یابد. سلیمان یکی از سلاطین بزرگ عثمانی ست و باید او را آخرین نماینده قدرت ترک دانست چه بعد از

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 307 of 496

عظمت و قدرت عثمانی رو به تنزل رفته است .

سلیمان در مدت سلطنت خود قشون و مالیهٔ مملکت را منظم و ازین جهت خدمات بسیاری نموده لیکن قتل برادرش مصطفی و وزیرش ابراهیم به تحریک یکزن روس لکهٔ تاریخی این مرد بزرگ است .

بعد از سلیمان ثانی پسرش سلیم دوم معروف به دیوانه در عثمانی سلطنت میکند در مدت سلطنتش این سلطان کارهای ناشایستهٔ بسیاری کرده فلی مین و قبرس را قطعاً متصرف میشود. تونس را از اسپانی گرفته شورش ملداوی را خاموش و بالآخره در ۱۵۷۴ وفات می کند ، مراد سوم پسر سلیم دوم (۱۵۷۴-۱۵۹۴) بعد از پدر جانشین او شده برای استقرار سلطنت خود پنج برادر خویش را به قتل رسانیده نیچریها را مطیع و عیسویان حوالی لبنان (مارونیت ها) را منکوب ساخت با دولت ایران جنگ کرده به اروپا حمله میبرد بالآخره قشونش شکست خورده خود نیز در (۱۵۹۵) وفات می کند .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 308 of 496

محمد سوم پسرش جانشین او شده واقعهٔ مهمی در مدت پادشاهی او رخ نداده در ۱۶۰۳ پدر و زندگانی میسگوید .

جانشین محمد سوم برادرش سلطان احمد اول است (۱۶۰۳-۱۶۱۷) با دوک فردیناند دوم امپراطور المان جنگ نمود، در جنگ با شاه عباس اول پادشاه ایران شکست خورده شیروان و کردستان را از دست میدهد .

از ۱۶۱۷ تا ۱۶۲۳ عثمانی با چندین سلطان راعزل و اختلافات خانوادگی و شخصی بسیار داشتند، بدیهی است با اینصورت فرصت اقدامات خارجی برای ایشان نبود .

بهرحال در ۱۶۱۷ سلطان احمد درگذشته برادرش مصطفای اول بجای او نشسته بعد از یکسال معزول برادرزاده اش عثمان ثانی بسلطنت رسیده ولی بالآخره در ۱۶۲۲ عثمان ثانی هم معزول و مقتول شده مصطفی مجدداً بتخت سلطنت می نشیند .

دورهٔ دوم سلطنت این سلطان بیش از یکسال دوام نکرد، در ۱۶۲۳ برادرزاده اش بسم مراد چهارم او را خلع و سلطنت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 309 of 496

متصرف میشود .

مراد چهارم برای رفع اختلافات داخلی و عظمت دولت ترک اقدامات مجدانه کرده در تراانسیلوانی جنگهای مفصلی نموده و بغداد را نیز از ایران پس میگیرد ، ولی در اواخر سلطنت بلهو و لعب مشغول شده در ۱۶۴۰ وفات مینماید .

بعد ازین پادشاه برادرش سلطان ابراهیم سلطان عثمانی شده واقعهٔ مهم سلطنت او همان محاصرهٔ آنده و جنگ با ونیز است ، ولی دچار انقشاشات داخلی شده معزول گردیده برادرش محمد چهارم در ۱۶۴۹ جانشین او میشود .

این بود مختصری از تاریخ سیصد و پنجاه سالهٔ ترک ، چنانکه می بینیم از اواخر قرن ۱۶ بواسطهٔ اختلافات داخلی فتوحات ترک متوقف شده مقدمهٔ تنزل آن شروع میشود و تنزل واقعی و تجزیهٔ متصرفات این دولت بعد از قرن ۱۶ است .

پنجم دولت انگلیس :- وقایع داخلی انگلیس از ۱۴۵۳ یعنی ابتدای قرون جدیده تا اواسط قرن هفدهم تقریباً ذیلاً است

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 310 of 496

۱ ـ محاربات داخلی که معروف بجنگ دو گل میباشد.

۲ ـ بسلطنت رسیدن خانوادهٔ تودر

۳ ـ بسلطنت رسیدن خانواده اسکاتلند یعنی خانوادهٔ استوارت و اتحاد دو دولت انگلیس و اسکاتلند و بالاخره جنگهای داخلی و مذهبی که منجر بشورش ۱۶۴۹ م و تغییر سلطنت بجمهوری میشود وقایع مهمه را در ضمن بیان تاریخ سلطنت سلاطین این مملکت مختصراً ذکر مینمائیم.

هانری ششم (۱۴۲۲ - ۱۴۶۱) پادشاهیست که جنگهای صد ساله در عهد او متارکه و ختم و مبنای تاریخی عصر جدید یعنی سال ۱۴۵۳ در زمان او شروع میشود، هانری ششم از شعبهٔ لانکاستر خانواده پلانتاژنه میباشد.

این پادشاه بواسطهٔ ضعف نفسی که داشت طرف تنفر عامه واقع شده و ملت نیز نتایج سوء جنگهای صد ساله را از خانوادهٔ لانکاستر و خصوصاً هانری ششم میدانست، لهذا ریاست بنجبای خود بعنوان عدم مشروعیت سلطنت این خانواده ضدیت با هانری ششم را شروع میکنند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 311 of 496

توجه مخالفین درین جنگ بجانب شعبهٔ دیگر خانوادهٔ پلانتاژنه یعنی شعبه
یورک بوده و ریشارد دوک ژ یورک را وارث تاج و تخت انگلیس
میدانستند، این است که از ۱۴۵۵ تا ۱۴۸۵ بین شعبه لانکاستر
و یورک نزاع و کشمکش بوده تمت انگلیس قسمتی بطرفداری لانکاسترها
دسته بحمایت یورکها جنگ خونینی شروع میکنند، چون علامت
مخصصهٔ خانوادهٔ لانکاستر و طرفدارانش گل سرخ و از خانوادهٔ
یورک گل سفید بوده، لهذا این جنگها در تاریخ بجنگهای دو گل
معروف شده است.

تا موقعی که هانری ششم وارث مستقیم نداشت ریشار امیدوار بود
که بعد از و سلطنت را مالک شود، لیکن پس ازان که در ۱۴۵۳
هانری صاحب وارثی مستقیم گردید ریشار مصمم شد که بوسائل ممکنه
خیالات خویش را انجام دهد، لهذا بمساعدت لرد وارویک علم
طغیان را افراشته بقشون هانری غلبه کرده پارلمان نیز وراثت
تاج و تخت انگلیس را برای او مسلم میکند.

درین موقع مادر کریت دانشوعیال هانری ششم بقصد حفظ حقوق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 312 of 496

سلطنتی پیرشس مصمم بمبارزه باریشار شده شکست سختی باو داده گذ
ازین که ریشار درین جنگ بقتل میرسد کوچکترین فرزندانش نیز بدست
مارکریت کشته میشود، بدیهی است تمام خانوادهٔ یورک مورد انتقام
مارکریت واقع میگردند.

ادوارد چهارم (۱۴۶۱-۱۴۸۳) از خانوادهٔ یورک و پسر بزرگ
ریشار بوده کمر انتقام پدر بسته دشمنان را شکست داده بالآخره
۱۴۶۱ بتصویب پارلمان به اسم ادوارد چهارم پادشاه انگلیس میشود
تا زی ششم چون درینوقت حبس بود مارکریت زوجه اش کوششهای بسیار
نموده چون بمقصود نمیرسد بپادشاه فرانسه لوئی یازدهم پناه میبرد
باوجود کمکهای لوئی یازده مارگریت پیشرفتی ننموده با پسر خود پرنس ولز
بخاک فرانسه داخل میشود.

پس ازین که ظاهراً سلطنت ادوارد بنظر مستحکم می آید ولی پارهٔ علتها
سوء او ملت انگلیس را رنجانیده لرد وارویک مصمم مساعدت خانوادهٔ
لانکاستر گردیده در ۱۴۷۰ تا زی ششم نیز از حبس خلاص شده باتحاد
فرانسه و لرد مذکور ادوارد شکست میدهد، ادوارد چهارم فرار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 313 of 496

و پارلمان باز سلطنت مانری ششم را قبول و تصویب مینماید، لیکن این دوره
دوم نیز دوامی نکرده اَدوارد سلطنت از دست رفته را مجدداً تصاحب و ولیعهد
مانری ششم را تلف کرده مارگریت وانژو را در قلعهٔ لندن حبس می کند
خود نیز بعد ازین دوازده سال سلطنت بوالهوسانه کرده در ۱۴۸۳
وفات می کند.

ریشار سوم (۱۴۸۳-۱۴۸۵) برادر اَدوارد چهارم بوده برای غصب
سلطنت برادرزادهٔ خود را کشته به اسم ریشار سوم در ۱۴۸۳ بلامنازع پادشاه
انگلیس میشود، ملت انگلس ازین حرکت وحشیانهٔ ریشار خوشنود نبوده
شعبهٔ لانکاستر نیز فرصت اقدامی پیدا می کنند اعیان مملکت بر علیه او
اقدام و مانری تودر را که از جانب مادر منسوب بخانوادهٔ لانکاستر بود
بسلطنت دعوت می کنند، مانری حریف خود را مغلوب و باسم
مانری هفتم سلطنت مالک میگردد و بواسطهٔ وصلتی که با الیزابت دختر
اَدوارد چهارم مینماید طرفداران شعبهٔ یورک را ساکت و جنگهای
دو گل خاتمه میدهد.

در نتیجهٔ این منازعات از قدرت بزرگان انگلیس کاسته شده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 314 of 496

امّا از طرف دیگر دخالت عامه را در امور سیاسی مملکت زیاد میسنماید.

خانوادهٔ تودر:-

هانری هفتم - اوّلین سلطان این خانواده از ضعف بزرگان استفاده در داخل مملکت با وجود حفظ ظاهر مشروطیت سلطنت مطلقه را شروع توجهی به پارلمان نداشته بیش از یکنوبت آنرا دعوت ننمود بالعکس در سیاست خارجی خدمات بزرگی به مملکت خود نموده تجارت انگلیس را در پیدا و بحر بالتیک آزاد ساخته صنعت انگلیس را تشویق با پادشاه اسکاتلند وصلتی کرده بین وسیله زمینهٔ اتحاد آتیه را فراهم می کند، در سنه ۱۵۰۹ وفات می نماید.

هانری هشتم - در فصل اختلافات مذهبی نامی ازین پادشاه برده گفتیم که انگلیکانیسم را تأسیس و با پاپ قطع رابطه نمود، در اداره امور مذهبی و شخصی افراط کار و مستبد بوده، یک سلطنت ظالمانه و منقدرانه کرده است اما در سیاست خارجی باز بطوریکه دیدیم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 315 of 496

همیشه سیاست موازنه را در نظر داشته قدرت خارجی انگلیس را بخوبی حفظ کرده در ترقی صنعت مملکت خود کوشش بسیاری نموده است.

ماری تودر پس از هانری هشتم پسرش ادوارد ششم که صغیر بوده پادشاه میشود سلطنت او دوامی نکرده در سن هفده سالگی درگذشته، در دورهٔ او پروتستانها صدمات بسیاری کاتولیکها وارد آورده اند؛ هرچند وارث مشروع ادوارد ششم عمش ماری تودر بوده، لیکن پروتستانها انگلیس بکی از نسوبان دور هانری هشتم بسلطنت انتخاب می کنند، این شخص ده روز بیشتر سلطنت نکرده، ماری تودر تخت موروثی را تصاحب میکند، ماری تودر در جنگهای دوخانواده دخالت نموده و در نتیجهٔ آخرین متصرفات انگلیس در خاک فرانسه یعنی بندر کاله را از دست میدهد این ملکه در ۱۵۵۸ بدون داشتن وارث مستقیمی وفات میکند.

الیزابت (۱۵۵۸-۱۶۰۳) خواهر ماری تودر و بعد از مشارالیها رسماً بسلطنت انگلیس میرسد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 316 of 496

این ملکه از معاریف فرمانروایان انگلیس بوده و در سیاست داخلی
و خارجی کارهای تاریخی نموده است .

مذهب جدید انگلیس را رسمی کرده و بموجب قانونی که معروف بقوانین
سی و نه ماده است اصول تشکیلات مذهب جدید را معلوم نمود
متوجه ترقی صنعت و تجارت انگلیس گردیده ، صنعتگران هلندرا
بمملکت خود جلب ، تجربه تجارتی و نظامی را تکمیل نمایند .

ماری استوارت ملکه اسکاتلند که از خویشان او و پس از مشارالیها
صاحب تاج و تخت انگلیس بوده بغض و عداوتی باطنی داشته
پس از آنکه ماری در نتیجه انقلابات داخلی مملکت خود به الیزابت
پناه میبرد او را متهم بدسیسه بر علیه خویش گردانده بحکم جلب و محکوم
باعدامش میکند .

چون ماری استوارت کاتولیک بوده فلیپ دوم که همواره
بهانه برای مخالفت با انگلیس جستجو میکرد قتل او را تمسک نموده قوای
بحری مُقتَدِری که تاریخ مشهور تشون مغلوب ناشدنی است و مُتَشَکِّل
از آن سابقاً ذکر کردیم برای جنگ با الیزابت میفرستد انگلیسها

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 317 of 496

باوطن پرستی قابل تمجیدی مصمم دفاع شده اتفاقات نیز با ایشان همراهی
نموده و طوفان سخت کشتی های اسپانی معدوم ساخت ، ازین ببعد بحریه
انگلیس روز بروز در ترقی بوده امپیراتوری در اکثر دور کره را گردش الیزابت
عدهٔ از کاشفین به امریکای جنوبی فرستاده سیب زمینی را درین وقت
به اُروپا می آورند - در نتیجهٔ همین مسافرتها تحفهٔ دیگرے نیز از امریکا به پا
آمده پس در تمام دنیا منتشر میشود و آن عبارت از تمباکو و توتون است
ژاک اول (۱۶۰۳ - ۱۶۲۵) پسر ماری استوارت و نواده دختر
هانری هفتم بعد از الیزابت بلا معارض بسلطنت انگلیس رسیده ژاک اول
معروف میشود .

این پادشاه اولین سلطان خانوادهٔ استوارت بوده فوق العاده
سست عنصر و ضعیف النفس و بقولی سوئی وزیر هانری چهارم
قاقلترین دیوانه های عصر خویش بشمار می آمد ، هرچند اساساً اعتقاد
بمذهب کاتولیک داشت ، لیکن توجهی به انگلیکانیسم پیدا کرده بود
کاتولیکها را از خویش رنجانید با پیروان نیز چندان روابط خوشی نداشت
پارلمان را چندمرتبه دعوت و فوراً منفصل نمود زیرا وکلا برای تصویب

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 318 of 496

مالیات های پیش تهادی او تصدیق حقوق عمومی ملت را از و خواستار
بودند نجبارا از خود متنفر ساخته هرچند بعضی مساعدتهای اجباری
با ملت خود نمود لیکن انگلستان در مرگ او تأسفی از خویش ظاهر نکرد.
شارل اول (۱۶۲۵-۱۶۴۹) این پادشاه مصمم بود که با موافقت
با پارلمان کار کند، این رویه را چهار سال تعقیب کرد، اما بعد
از ان نظر بمخالفتی که از جانب مجلس حس میشد آنرا منفصل میسازد
در سنه ۱۶۶۲ مجلس دیگری منعقد، لیکن این پارلمان هم دست
از مخالفت نکشیده موقعی که پیشنهاد اخذ مالیات میشود، شکایات
بسیاری از دولت ترتیب داده بوکینگام صدر اعظم
او را متهم به تقصیر و خیانت میکند، شارل برای نجات
بوکینگام مجلس را می بندد.
صدر اعظم برای جلب توجه عمومی بعنوان مساعدت با پروتستانهای
فرانسه اعلان جنگ بفرانسه داده اما بمقصود خویش موفق
نمیگردد.
بالآخره پارلمان سوم هم تشکیل و بیشتر از پارلمان های سابق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 319 of 496

با پادشاه مخالفت مینماید درین ضمن بوکینگام نیز بقتل رسیده سال بعد یعنی
در ۱۶۲۸ء پارلمان در اقدامات خود جسورتر میگردد تا بحدی که عریضه
"حقوق ملت" که تقریباً همان حقوق بشری فرانسه است تقدیم
مقام سلطنت نموده تصدیق رسمی آنرا میخواهد، در ابتدای امر شارل
تقاضای پارلمان را قبول و تعهداتی در مقابل نمایندگان ملت خود داده
اما بزودی مجلس را بسته از وکلای آن عده را محبوس و دو نفر
از مخالفین پارلمان را بوزارت انتخاب می کند.

شارل پس ازین اقدام یازده سال با نهایت قدرت خود سرانه
سلطنت نموده مالیات های جدید وضع و وصول کرده کار بجائی
میرسد که غالب مردم بخیال مهاجرت به امریکا افتاده حیات سیاسی
و اقتصادی انگلیس دچار مخاطره میشود.

دولت بزودی متوجه این مخاطره گردیده، بموجب حکمی مهاجرت را
ممنوع میسازد کرمول معروف که جزو همین مهاجرین بوده
درینوقت هیچگونه مخالفتی از طرف او ظاهر نشده ولی یکی از معارف
انقلاب انگلیس موسوم به هامپدن عیناً بر ضد این حکم قیام کرده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 320 of 496

دستگیر و منجر بمحاکمه میشود ، محاکمه و مدافعات هامپدن هیجان
فوق العاده در ملت انگلیس می اندازد ، در اسکاتلند نیز گرفتاریهای سختی برای
شارل پیدا شده مردم آنجا سر اطاعت باز نزده این وقایع عاقبت شارل را
مجبور بدعوت پارلمان می کنند ، این مجلس هم مانند پارلمان های
سابق قبل از انکه حقوق شکایات عمومی طرف توجه سلطان واقع
شود از رای بمالیات امتناع نموده بعلاوه افتتاح مرتب مجلس
آزادی انتخاب و آزادی سیاسی را از پادشاه خواستار و تأمینات
لازمه برای مراعات آنها میخواهد ، لهذا محکوم به تعطیل میگردد ، در
سنه ۱۶۴۰ دوباره پارلمان دعوت و تا ۱۶۴۹ دوام کرده و معروف
به مجلس کبیر یا طولانی شده است این همان پارلمانی است که اقدامات
منجر به تغییر سلطنت و ظهور ترتیب جمهوری در مملکت میگردد .
در سرتاسر مملکت خصوصاً در ایرلاند و اسکاتلند انقلاب و اغتشاش
بالا گرفته بود شارل برای خاموش ساختن فتنه محتاج بپول بود از
پارلمان تقاضای تصویب نمود و قبل از تصویب تامین حقوق ملت را
از او خواستند .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 321 of 496

شخصاً به پارلمان رفته خواست تا وکلای مخالف را توقیف نماید نمایندگان
مقاومت کرده از تسلیم اشیان امتناع نمودند، هیجان عمومی بالا گرفت و
عاقبت شارل مجبور شد که در ۱۶۴۲ء از لندن خارج گردد، ازین
ببعد جنگ بین پادشاه و ملت انگلیس علنی میشود، چهار سال این
منازعات بطول انجامیده هامپدن سابق الذکر و کرمول
عملیات جدی بر علیه شارل نموده کرمول در مجلس ریاست حزب
مستقل یا جمهوری طلب را صاحب شون سلطنتی را در نازبی شکست
سخت داده بالآخره در ۱۶۴۶ء شارل محبوس و در مقابل چهار صد هزار
لیرهٔ انگلیسی تسلیم پارلمان میشود، درین نوبت از حبس فرار کرده اما
باز در ۱۶۴۸ء دستگیر میگردد، کرمول که تمام زمان اختیارات را در دست
داشت مخالفین خود را از پارلمان خارج مصمم محاکمهٔ شارل میشود، این
پارلمان پادشاه خود را محکوم باعدام نموده او را به قتل میرسانند و کرمول
صاحب اختیار مطلق و فعال مایشاء در انگلیس میگردد (۱۶۴۹)

ششم اسپانی و پرتقال - بطوریکه میدانیم شبه جزیرهٔ ایبریا
متهاد در تصرف اسلمین بوده و فقط در اواخر قرون وسطی ملل مغلوبه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 322 of 496

بعد از محاربات عدیده تشکیلات سیاسی خود را شروع می نمایند،
در همین موقع چهار دولت مسیحی در مقابل خلافت اسلامی اسپانی وجود داشتند.
اوّل دولت آراگن دوم سلطنت کاستیل، این دو سلطنت در
نتیجه وصلت فردیناند و ایزابل باهم متحد شده سلطنت واحده اسپانی را
تشکیل میدهند سوم سلطنت پرتقال که در سال ۱۰۹۵ از
کاستیل مجزا میشود چهارم سلطنت ناوارکه در اوائل قرن یازدهم دارای
شخصیت سیاسی گردیده در سنه ۱۵۱۲ قسمتی از آن جزو سلطنت متحده اسپانی
و قسمت دیگر آن مستقل میماند، تا اینکه بالآخره در عهد هانری چهارم
پادشاه فرانسه این قسمت هم بفرانسه ملحق میگردد. پس بطور خلاصه در
اوائل عصر جدید شبه جزیره اسپانی عبارت بوده از سلطنت اسپانی
و پرتقال که تاریخ مختصر آنها را ذیلا شرح میدهیم:—
اوّلاً اسپانی. بعد از آنکه دو سلطنت اراگن و کاستیل متحد میگردند
اوّلین اقدام ایشان اخراج عرب از اسپانی بوده و این منظور
در سنه ۱۴۹۲ برای ایشان حاصل شد. فردیناند و ایزابل مظالم انکیزیسیون
بر ضد مسلمین متوجه ساخته آزادیهای عهدنامه قرناطه را از ایشان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 323 of 496

سلب نموده لهذا در مدت یکقرن تمام سکنهٔ مسلمان و یهود از مملکت خارج و یا اعدام شده و یکی از علل حتمی تنزل اسپانی همین واقعه است .

سپس این دو پادشاه متوجه تصویب مذهب عیسوی در داخل مملکت و اکتشافات بحری و فتوحات جدیده در خارج گردیدند. بزرگان و گردنکشان مملکت را کاملاً مطیع و بطوریکه سابقاً گفتیم خدمات بزرگ علمی با تشویق مسافرتهای اکتشافیه نمودند بالآخره در سنه ۱۵۰۴ نایل را متصرف و در سنه ۱۵۱۲ قسمتی از ناوار را ضمیمهٔ ممالک خود نمودند .

شارلکن (۱۵۱۶-۱۵۵۶) وارث تاج و تخت اراکن و کاستیل بعد از فوت ماکزمیلین متصرفات خانوادهٔ هابسبورگ را به ارث میبرد، سپس به امپراطوری انتخاب و بعد از شارلمانی بزرگترین امپراطوران غرب بشمار میآید .

شارلکن در اسپانی بشارل اول معروف است، در ابتدای سلطنت در امور داخلی اسپانی مرتکب خبطهای بزرگ شده باعث انقلاب و شورش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 324 of 496

میگردد گرنیس کشیش محبوب اسپانی را از خود دور و مشاورین خود را از مردم
خارج انتخاب می کند، خصوصاً پس از آنکه در ۱۵۹۱ مقام آپسرالتوی
را نیز قبول مینماید، مردمان اسپانی بیشتر متغیر شده تصور میکنند
که فدای شهوت و هوا و هوس پادشاه خود شده و این اقدام خطرناک
نتیجه بای اسپانی نخواهد داشت.
معذالک اراضیان اتحادی بنام اتحاد مقدس تشکیل اما پیشرفتی نکرده
رئیس ایشان دستگیر و بحکم امپراطور بقتل میرسد.
شارلکن بعد ازین وقایع بر بخت گیری خود افزوده تضییقات
بسیاری بمسلمین وارد آورده قوای بزرگان را کاملاً معدوم
مے سازد.
فلیپ دوم (۱۵۵۶-۱۵۹۸) پس از استعفای شارلکن و تقسیم
ممالک وسیعه اش فلیپ دوم سلطنت اسپانی و پی با را ممالک
و متصرفات ایطالیائی خانواده هابسبورگ (ساردنی، سیسیل، ناپل و میلان)
و فرانش کنته و آرتوا و فلاندر را نیز در اروپا تصاحب میکند و خارج از اروپا
متصرفات این سلطان عبارت بوده از امریکای مرکزی و قسمت عمده امریکای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 325 of 496

جلوس دارد ۱۵۸۵ سلطنت پرتقال را نیز با متصرفات بحری آن دولت ضمیمهٔ متصرفات خود گردانیده قوی ترین سلاطین اروپای غربی میشود. وقایع عمدهٔ سلطنت این پادشاه را باید تحت چهار عنوان تقسیم نمائیم

(۱) سیاست مذهبی و سیاسی او در اسپانی.

(۲) سیاست مذهبی و سیاسی او در پیدا و شورش داخلی آن مملکت که منجر به استقلال جمهوری ایالات متحده میگردد.

(۳) تصرف سلطنت پرتقال و مستملکات آن دولت.

(۴) روابط سیاسی و مذهبی او با فرانسه و انگلیس.

اولاً سیاست مذهبی و سیاسی فلیپ دوم در اسپانی. به نصیحت پدر خود طرفداری مذهب کاتولیک را مرام سیاسی و مذهبی خود قرار داده در حقیقت سلطنت را برای ترویج مذهب بعهده گرفته بود لهذا با عزمی ثابت بر علیه مسلمین و پروتستانها قیام مسلمین قرناطه را اخراج و بوسیلهٔ انکیزیسیون در یک روز شصت صد نفر از پروتستانها را میسوزاند، یقین است این سیاست وحدت مذهبی اسپانی را حفظ، لیکن تنزل مملکت و هلاکت عمومی نتیجهٔ مستقیم آن بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 326 of 496

ثانیاً - سیاست مذہبی و سیاسی فلیپ در پی با تعقیب سیاست فوق الذکر در پی با موجب خسارات فاحشی برای فلیپ میشود، بهترین متصرفات یعنی پیباکه شامل بلند و بلژیک امروزه بوده از دست او خارج میگردد، تفصیل این وقایع را سابقاً ذکر کرده ایم در اینجا مختصراً تکرار می کنیم که مطابق عهدنامه اوترخت ایالات شمالی جمهوری متحده تشکیل و ایالات جنوبی به اسم پیبای استانبول در تحت تسلط اسپانی باقی میماند.

بعد از اعلان استقلال بلند فلیپ دوم باز ترک نظریات خود را نگفته مرتکب اعمال وحشیانه درین مملکت میگردد، با وجود تضییقات فوق العاده در عزم و استقلال جوئی بلندها رخنه پیدا نشده و بواسطه کمک الیزابت ملکه انگلیس و هانری چهارم پادشاه فرانسه بکلی فلیپ از پیشرفت مأیوس میگردد، بالآخره در سنه ۱۶۰۹ فلیپ سوم پسر فلیپ دوم متارکه ۱۲ ساله با جمهوری جدید التاسیس امضا و این اولین قدم شناسائی دولت مزبوره میباشد، شناسائی کامل آن در معاهده وستفالی صورت پذیر میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 327 of 496

ثالثاً - تصرف پرتقال و مستملکات آن دولت در حوالی ۱۵۸۰ء که آن توان بسلطنت پرتقال رسید.

فلیپ دوم که بمناسبت وصلتهای سابقه مدعی سلطنت پرتقال بود، ضعف پادشاه را مغتنم دانسته اعیان مملکت را بوسیلهٔ پول فریفته شوئی بپرتقال اعزام و دن انتوان را دفع می کند، مجلس ملی پرتقال نیز فلیپ را رسماً باقیود و شرائطی می پذیرد، بدین ترتیب تا مدت شصت سال (۱۵۸۰-۱۶۴۰) دو سلطنت شبه جزیرهٔ هسپانی باهم متحد میشوند، ولی فلیپ ازین حسن تصادف استفاده نکرده سوء اعمال او باعث تجزیهٔ این دو دولت میشود.

رابعاً - روابط سیاسی و مذهبی فلیپ با فرانسه و انگلیس و ختم سلطنت او.

بمناسبت جنگهای مذهبی که تفصیل آن گذشت فلیپ دوم مداخله در امور داخلی فرانسه کرده در ضمن میخواست تمام مملکت را تصرف نماید، اما مجبور به امضای صلح ورون و تسلیق عهدنامه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 328 of 496

کاتو کامبرزی میشود در انگلیس هم مقاصد او
انجام نشده چنانکه میدانیم تمامی قوای بحری او تلف و تنزل اسپانی
ازین زمان شروع میشود. فلیپ دوم در ۱۵۹۸ درگذشته و بواسطهٔ
حرص بموقع و سیاست شخصی خود مملکت را ضعیف و تمامی قوای
مادی و معنوی آن را بیهوده صرف مینماید.

فلیپ سوم (۱۵۹۵-۱۶۲۱) بعد از مرگ پدر جانشین
او میشود بواسطهٔ کمال بی لیاقتی تمام مدت سلطنت مطیع
اراده دو نفر از مقربان دربار خود بوده در داخله بواسطهٔ سخت گیری
با اعراب تنزل مملکت را سبب شده و در خارجه با ۱۶۰۹ با جمهوری
هلند جنگ سپس متارکهٔ ۱۲ ساله را منعقد میدارد. در زمان
نیابت سلطنت ماری دمدیسی با فرانسه بر علیه و نیز متحد شده
در اواخر سلطنت در موقع شروع جنگهای سی ساله با فردیناند
دوم امپراطور المان اتحاد کرده با او کمک مینماید.

فلیپ چهارم (۱۶۲۱-۱۶۶۵) بعد از ختم متارکهٔ دوازده ساله
جنگ با هلند را از سر گرفته و عهد این سلطان پرتقال دوباره مستقل میشود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 329 of 496

بعد از عهدنامهٔ وستفالی زمان انقلابات داخلی فرانسه را از جنگ فراغت داده بالآخره در سنه ۱۶۵۹ بموجب عهدنامه پیرنه با اینده دولت صلح مینماید. در سنه ۱۶۶۵ وفات می کند.

دوم پرتقال:- در اواخر قرن یازدهم خانه واده فرانسوی بورگنی سلطنت پرتقال را تأسیس و تا سنه ۱۳۸۳ درین مملکت سلطنت نموده اند، بعد ازین سنه شعبه از همین خانه واده موسوم به آویس تاج و تخت پرتقال را تصرف مینماید.

وقایع مهمهٔ سلطنت ژان اول:- اولین پادشاه این خانواده و پسرش اَدوارد جنگ با اعراب افریقا و دولت کاستیل و تهیهٔ مقدمات اکتشافات بحری در سواحل افریقاست.

در زمان جانشینان این دو سلطان که مرتبًا آلفونس پنجم ملقب به افریقائی.

ژان دوم- امانویل- ژان سوم و سباستین باشند واقعهٔ مهمی جز زد و خورد با مسلمین افریقا، کشفیات جدید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 330 of 496

وتهیه مستملکات پرتقال در امریکا و بالآخره سخت گیری نغیر
کاتولیکها در داخل مملکت بنظر نمیرسد.

هانری لوکاردینال (۱۵۷۸-۱۵۸۰) وفات میکند بعد از این
شخص دن انتوان که تفصیل آن در تاریخ اسپانی گذشت مغلوب
فلیپ دوم شده و به استقلال پرتقال خاتمه داده میشود.

تجزیه پرتقال از اسپانی و استقلال آن (۱۶۴۰) - مدت شصت
سال سلاطین اسپانی در پرتقال حکمفرمائی کردند با وجود وعده‌ها
استقلال اداری و قضائی وغیره این مملکت و مستملکات آنرا مثل
مملکتی مغلوب اداره نموده مردم را از خود متنفر ساختند -
از (۱۶۴۰) موقعی که فلیپ چهارم سلطنت اسپانی را داشت
یکی از بزرگان مملکت موسوم به دوك دبرگانس که بعدها
در سلطنت پرتقال به ژان چهارم معروف خواهد شد، بر ضد
تصرف اسپانی اقدام نموده با مساعدت عموم پرتقالیها
به اتحاد یا انضمام دو دولت خاتمه میدهد. دولت
هلند
اسپانی استقلال کامل پرتقال را رسمی شناسد، و دولت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 331 of 496

نیز که برزیل را تا آنوقت متصرف بود آنرا بپرتقال رد می نماید
دراین اقدامات ژان چهارم دول فرانسه و انگلیس و هلند
و سوید و دانمارک مساعدتهای بسیاری باشارالیه نموده اند
این بود مختصری از تاریخ اسپانی و پرتقال که بواسطه پیش آمدهای
فوق العاده و مقتضیات طبیعی در اوائل قرون جدیده رو
به ترقی گذارده ولی بالآخره بواسطه خبطهای چند در اوائل
قرن هفدهم محکوم به تجزیه و تنزل میگردند

فصل چهاردهم (۱۴)

(اوضاع فرانسه در زمان سلطنت لوئی پانزدهم)

(سلطنت مطلقه - پارلمانها)

بعد از لوئی چهاردهم لوئی پانزدهم مدت سلطنتش از تمام
سلاطین فرانسه بیشتر بوده، از سپتامبر (۱۷۱۵ تا مه ۱۷۷۴)
یعنی پنجاه و نه سال پادشاهی کرده است.
سلطنت لوئی پانزدهم به دو دوره تقسیم میشود: یکی (۱۷۱۵ تا ۱۷۲۳)

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 332 of 496

زمان صغر پادشاه و نیابت سلطنت دوک دُرلئان سپس از
۱۷۲۳ تا مدت سلطنت شخصی او.

این پادشاه در ظرف سلطنت شخصی خود نیز مستقلاً و مستقیماً اداره
امور مملکتی را بدست نگرفته متدرجاً کار دنیال فلوری و بعد هم با خاصان
و معشوقه های لوئی در فرانسه حکومت کرده اند. سودار ستفاده
که سلطان از قدرت مطلقهٔ مورونی از لوئی چهاردهم نمود موجب
ظهور مخالفت ملی جدی از جانب پارلمان گردیده و افکار مردم را
ازین طرز حکومت منزجر ساخت.

پادشاهی لوئی پانزدهم هم برای فرانسه مهم برای سلطنت مضر بوده
خسارات کلی رسانیده است، زیرا از طرفی بهترین مستعمکات
فرانسه از دستش خارج و از طرف دیگر مقدمات انقلاب کبیر
و سقوط سلطنت را فراهم نمود.

لوئی پانزدهم نوادهٔ لوئی چهاردهم هنوز بچه سال بود که بسلطنت رسید
لوئی چهاردهم نیابت سلطنت او را به دوک دُرلئان یکی از خویشان
نزدیک خود واگذار نمود، نائب اگر شخصی بزرگ و شهرتهای نظامی

تاریخ اروپا عبدالعزیز خان ۳۰۰ ۲۰۲ نسخه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 333 of 496

و اخلاقی بسیار ے داشته ولی در زمان نیابت سلطنتش جز
به عیش و عشرت بچیز دیگر مصروف نبوده است.
اشکالات مالی۔ موقعی که دوک در لئان شروع بکار
می کند با اشکالات بزرگ مالی مواجه میگردد، چنانکه
خود فلیپ در لئان در مقابل پارلمان همین موضوع را
متذکر و خرابی اوضاع مالیه را خاطر نشان مینماید. حکومت
فرانسه در آن زمان تقریباً سه ملیارد لیره مقروض بود مجبور بود
سالیانه ۷۵ ملیون برای منافع آن پردازد، عایدات مملکتی منتهی به
۷۵ ملیون میرسید و در مقابل ۱۴۰ ملیون مخارج حتمی وجود
داشت، دوک در لئان بقصد اصلاح این وضعیت
بوسایل مختلفه دست زده و از هیچیک منظور حاصل نشده
تا اینکه در سنه ۱۷۱۶ یکنفر از اهالی اکس موسوم به لاو طرح به
نائب السلطنه پیشنهاد و وعده کرد که اوضاع مالیه فرانسه را
سروصورتی دهد طریقه لاو۔ لاو شخصاً صراف معتبری بوده
و خواست تا بوسائل تجارتی چاره برای فلاکت فرانسه نماید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 334 of 496

مشار الیه پیشنهاد نمود که بانک معتبری بضمانت صرافان و
تجار عمده تشکیل و اسکناس یا پول اعتباری را منتشر کنند
لهذا به اعتبار بانک جدید التاسیس بلیط های اعتباری
طبع کرده بجای پول مسکوک در دوران داخل کرد چون
ضمانت این اوراق تا من غیر مستقیم صرافان و تجار معتبر
نموده بودند هیچ کس اعتراضی نکرده و بملاحظهٔ این که یقیناً
سهولت پول کاغذی خیلی بیشتر از مسکوک میباشد، همه مردم
بانهایت میل آنرا پذیرفتند.
این بانک که با این مقدمات تشکیل و دارای امتیاز
طبع و انتشار اسکناس بود بزودی به بانک دولتی مبدل و
در سنهٔ ۱۷۱۶ به بانک شاهی موسوم میگردد.
شرکتهای تجارتی:- تاسیس بانک شاهی مقدمه بود که
لاد برای انجام نظریات اصلاحی خویش لازم میدانست.
مقصود مشار الیه ترقی تجارت، تحریک صنعت و استهلاک
قرض بوسیلهٔ شرکتهای ممتازه بوده است.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 335 of 496

۱۷۱۷ شرکت هند غربی را تاسیس و به آن اجازه میدهد که در مستملکات جدید فرانسه در امریکای شمالی منحصراً شروع بتعلیات پس در صنعتی نماید.

سرمایهٔ این شرکت بوسیلهٔ فروش سهام جمع گردید. لاو قیمت هر سهمی را پانصد لیره قرار داده و اعلان کرد که هر شخص میتواند برای خرید سهام شرکت نصف قیمت را وجه نقد و نیم بقیه را استاد قرضهٔ دولتی بپردازد، مردم که از ثروت امریکا حکایاتی شنیده و اطمینان کلی بمنافع شرکت داشتند در خرید سهام بریکدیگر سبقت گرفته حتی سرمایه داران خارجی مانند هندی ها و المانها نیز مقدار خریداری کردند.

میدانی برای قمار بازان اسناد تجارتی باز شد. بزودی قیمت هر یک از سهام چهل برابر شده در ۱۷۱۹ موقع تقسیم منافع چون افزایش قیمت منوط بحصول منافعی نبود پس از حساب ملاحظه شد که هر صدیه پیش از یک لیره

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 336 of 496

قیمت واقعی ندارد لهذا صاحبان سهام با همان حرارتی
که خریدار شده بودند دست بفروش گذارده، در نتیجه شرکت
در انظار عامه بی اعتبار شد، از طرفی بانک شاهی هم تحت
همین تاثیر سوء شرکت واقع گردیده اساس آن متزلزل
و مردم برای تبدیل اسکناسهای بانک بفلز مسکوک
هجوم آوردند.

بانک شاهی در مقابل سه میلیارد اسکناسهای خود نیم
میلیارد بیشتر پول نقد نداشته با وجود کوششهای بسیار
در سنه ۱۷۲۰ ورشکست شده خود لاو هم از فرانسه فرار و عمر خود را
در ونیز بپایان میرساند.

نتایج طریقهٔ لاو - با وجود اینکه عملیات لاو منجر بشکستگی کامل
فرانسه گردید لیکن نباید نتایج خوب آنرا انکار نمود. تا درجه
قروض دولتی پرداخته شده علاوه بران برای اولین دفعه
اسکناس در فرانسه رواج یافته و از همه مهمتر این است که
تاسیس شرکتهای مختلفه مردم را به صنعت تجارت متوجه ساخت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 337 of 496

در عالم اقتصاد پیدا می شود که حتی در زمان نیز نظیر نداشته است.
اما متأسفانه طریقهٔ لاوُ ضرر بزرگی به اخلاق و روحیهٔ جامعهٔ فرانسوی
وارد آورده، چون بسیاری اشخاص فقیر دیده شد که در
نتیجهٔ یک معامله با مساعدت اقبال صاحب ملیونها پول گردیدند
مردم هیچ چیز خود را مقید بکار کردن ننموده تحصیل تمول را تنها
بکمک بخت و سرنوشت مربوط میدانستند بدینصورت بکلی
عادت کار کردن و زحمت کشیدن را تا مدت فراوانی گم کرده
در تمام جزئیات زندگانی و اخلاق رذیلهٔ قمار بازی رایش گرفتند
از طرف دیگر تازه بدولت رسیدگان نیز شروع بخرجهای بیهوده
کرده ثروت باد آورد را باد لهو و لعب و عشرت خود میدادند
یک چنین رویه برای افساد اخلاق اجتماعی و شخصی تا چه حد مؤثر باشد

فصل پانزدهم نیابت سلطنت فلیپ دولسان

هفت سال طول کشید پس ازان که سلطان سن سیزده ساله
دفعتاً رشید شد با نهم دوک مزبور بعنوان نایب السلطنه اعظم
چندی متصدی امور مملکتی بود، اما بزودی درگذشت و لوئی پانزدهم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 338 of 496

دوک دبورین نواده پرنس کنده را بصدر اعظمی اختیار میکنند.

صدر اعظم جدید سه سال در فرانسه حکومت کرده و برای اینکه زود تر وارث برای تاج و تخت پیدا شود: مادی لکزنسکی دختر استانیسلاس پادشاه مخلوع پولنی را بعقد ازدواج پادشاه فرانسه درمی آورد.

فلوری - معلم و مامور تربیت لوئی پانزدهم پس از فوت دوک دبورین بمقام صدارت میرسد، شخصی فوق العاده آرام و مسالمت جوی بوده و تنها کسی است که لوئی اظهار اعتمادی به او میکرده است، با آنکه لوئی پانزدهم بتقلید جدش ارادهٔ خویش را در طرز سلطنت آتیهٔ خود اظهار میگوید که «من خواهم شخصاً سلطنت کنم»، ولی حقیقةً حکومت فرانسه مدت هفده سال یعنی تا موقع مرگ بدست فلوری بوده است، این صدر اعظم که شخصی درستکار و مسالمت طلب بوده میخواست طوری کار کند، که تولید اشکالاتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 339 of 496

برای فرانسه نشود در مالیهٔ مملکت نهایت صرفه جوئی را بکجر
بکمک اُدی یکی از مختصصین مشهور این فن اصلاحات اساسی نمود
تعادل بود جه که بعد از کاردینال بکلی از دست رفته بود برقرار و تا
اندازهٔ خرابیهای گذشته را ترمیم کرده در زمان صدارت فلوری
با اینکه فرانسه داخل سلسلهٔ جنگهائی مانند جنگهای وراثت پولنی
گردید، لیکن باز توانست که نفسی تازه کند.

لوئی پانزدهم - فلوری بسن نود سالگی در ۱۷۴۳ء وفات کرد
در نیموقع ظن غالب این بود که پادشاه مستقیماً زمام مهام مملکت را
بدست میگیرد، ملت نیز سلطان خود را بسیار دوست
داشته، چنانکه وقتی آوازهٔ کسالت او بیشتر شده و تمام
مردم زن و مرد به کلیساها رفته و دعای صحت او را نمودند این
احساسات بروز میکند که لوئی معروف به لوئی محبوب میگردد.
امّا افسوس که این سلطان لیاقت این اظهار محبت و احساسات
لطیفه را نداشته و واقعاً مردم در اشتباه بودند که از سن
پنجسالگی در محیط فاسد درباریان متملق پرورش یافته و غرقهٔ دریای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 340 of 496

کبر و غرور گردیده بود، طبیعتهٔ باهوش ولی تنبل و بی عاطفه و درشت خو
و بی وجدان و اخلاقی موذی داشته است. و چنین
پادشاه در عصری در تمام ممالک اروپا حکمفرمایان فوق العاده
فرد یک دوم در پروس، ماری ترزو در اطریش و
کاترین دوم در روسیه ظهور کرده بودند، معلوم است تا چه حد
برای فرانسه گران تمام میشود. عجب این است که لوئی
پانزدهم (۱۵) کاملاً متوجه بحرانی وضعیات و باریکی موقع
بوده، ولی خودپسندی او را مانع از کار شده و اختیارات را
بکلی بوزرای خویش واگذار کرده بود. کمتر شخصیات
هیئت وزرا را داشته و غالب اوقات را بشکار و گردش
و مطالعهٔ اپورتهای جاسوسان خصوصی خود و غیره مصروف
میداشت.

از سنهٔ ۱۷۵۰ یکمرتبه ورق برگشت محبت ملتش مبدل به بغض و کینه
نسبت باو شده حتی در هیجانی که در همین سال بروز کرد. مردم بجوا
بقصر سلطنتی ورسای هجوم آورده آنرا طعمهٔ آتش نمایند از این ببعد رو

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 341 of 496

برنفرت وعداوت عمومی افزوده شده تا حدی که پادشاه جرأت ورود
بپای تخت خود را نداشت .

وضع حکومت لوئی پانزدهم - در عهد این پادشاه وضع حکومت
داخلی تقریباً مانند سابق بوده ، وزراء - مجالس شوری ، محاکم
وغیره حکومت مینمودند ، لوئی پانزدهم نیز مسخ است مثل لوئی چهارده
صاحب اختیار مطلق مملکت باشد و در مقابل ارادهٔ او هیچ نظری
اظهار نگردد چنانکه روزی در پارلمان پاریس میگوید : "تاج و تخت بسلطنت
عطیهٔ است الٰهی قوانین باید فقط از طرف خود ما وضع گردد و کسی را حق و
یارای دخالت و شرکت در آن نیست" ، ولی متأسفانه این حق مقدس را
نه برای منافع حقیقی مملکت بلکه برای اجرای هوا و هوس شخصی خود
میخواسته است .

طرز زندگانی پادشاه و معشوقه بازیهای او و جشنهای متواتر
دولتی مالیه را دچار عسرت کرده در صورتی که عایدات خالص مملکت
بیش از یکصد و چهل میلیون نبود ، نصف آن صرف مخارج دربار می
شد در عوض مخارج نمره دولتی معطل و ماهها میگذشت که مشوون وادارات حکومتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 342 of 496

خود را می گرفتند.

پارلمانها بیش از پیش نغمه مخالفت می سرودند خصوصاً در ۱۷۷۵ مخالفتهای پارلمان صورت دیگری بخود گرفته بود سایر افراد ملت نیز با مجلس هم آواز و شریک بودند.

پارلمانها تقاضای مراعات قوانین و اصول جاریه مملکتی را از پادشاه داشتند و میخواستند که تقاربی در اعمال دولتی داشته باشند در ۱۷۷۶ صورت دخل و خرج مملکت را پادشاه خواست چون جواب نشنید در بیشتر شروع بمخالفت نمودند، لوئی پانزدهم در ابتدا مخالفین خود را طرد و تبعید نمود لیکن بعد ها مجبور شد که ایشان را باز احضار نماید.

از طرف دیگر مشاجرات فرق مختلفه مذهبی نیز بر خامی اوضاع افزوده پارلمانها بنمو صوع و خالت کمر همت شش سال هنگامه جدیدی در فرانسه بپا شده بود. از نقطه نظر سیاخانی نیز فرانسه خسارات جبرانی از سلطنت این پادشاه دید بطوریکه در فصول آتیه خواهیم دید در جنگ دانت پوئنت و راثت اطریش و بالاخره جنگهای هفت ساله شده نتیجه فرانسه مستملکات آسیائی و امریکائی خود را از دست داده و در اواخر سلطنت لوئی پانزدهم زمام صدارت شعاول در ۱۷۶۶ ایالت لورت و در ۱۷۶۹ جزیره کورس بفرانسه ضمیمه گردید همین وقت در شهر آژاکسیو حاکم نشین جزیره ناپلیون بنا پارت قدم بعرصه وجود گذارده پهلوان تغییرات عظیمه فرانسه میگردد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 343 of 496

فصل پانزدهم

انگلستان در قرون هفدهم و هجدهم

انقلابات ۱۶۴۸ و ۱۶۸۸

در زمان سلطنت خانوادهٔ استوارت تا ۱۶۸۸ حکومت انگلیس بواسطهٔ اشتغال بحوادث و انقلابات داخلی خود هیچگونه مداخله در امور بر اروپا نداشته است. از طرفی پادشاهان انگلیس قصد افزایش قدرت خود را تا حد سلطنت مطلقه داشته و از طرف دیگر ملت میخواست آزادی و حقوق خویش را محفوظ و بیش از پیش اقتدارات سلطنتی را محدود سازد.

این منازعات از عهد سلطنت ژاک اول شروع و در زمان شارل اول منجر به ظهور انقلاب ۱۶۴۸ اعدام شارل و استقرار حکومت جمهوری گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 344 of 496

کرمول رئیس جمهوری بزوری تمام اختیارات را خود غصب کرده
حقیقةً می توان گفت که طرز حکومت او با سلطنت مطلقه
تفاوت چندانی نداشته است .
معایب و خرابیهای دژیم نظامی انگلیس ها را باز متوجه حکومت
سلطنتی گردانیده دو سال بعد از مرگ کرمول خانواده استوارت
مجدداً تاج و تخت انگلستان را مالک شد لیکن چون این خانواده
هنوز افکار فعال مایشائی را فراموش نکرده و نظریات و ارادهٔ خود را
حاکم مطلق میدانستند دوامی نکرده بیست و پنج سال شارل دوم
و سه سال ژاک دوم سلطنت نموده انقلاب ۱۶۸۸ قطعاً خانوادهٔ
استوارت را منقرض ساخت .
ملت انگلیس گیوم دورانژ را پس از آنکه رسماً تعهد اجراء احترام آزادی
انگلیس را نمود بپادشاهی انتخاب کردند حال برویم بذکر مختصری
از جزئیات وقایع و حوادثی که بعد از اعدام شارل اوّل در انگلستان رخ داد.
حکومت کرمول - پس از قتل شارل اوّل حکومت انگلیس بدست
نظامیان افتاده و هیئت نظامی ریاست عالیهٔ مملکت را به کرمول

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 345 of 496

تفویض می نماید. مشارٌالیه از ۱۲۵۳ تا پنج سال مستقلاً ریاست
جمهور را داشته و از حیث قدرت و مطلق العنانی هیچ فرقی
با سلاطین سابقه نداشت مگر پارلمان های مخالف را منحل و بانفوذ و شوکت
پارلمان دیگری تشکیل داده است. در ۱۷۵۷ پارلمان تکلیف قبول
تاج و تخت باو کرده کرمول این پیش نهاد را رد ولی راضی شد که جانشین
آتیهٔ خویش را تعیین کند.

کرمول در سیاست خارجی خدمات شایانی به انگلستان نموده
در زمان او بندر دونکرک در اروپا و عدهٔ از جزائر آتیل جزو مستملکات
انگلیس گردید. در راه قدرت و عظمت مملکت زحمات بسیاری کشیده
و معروف است که میگفته «میخواهم انگلیس را بپایهٔ از شکوه و جلال
رسانم که رُم قدیم نیز بآن پایه نرسیده باشد» شاید هم حقیقتاً این
اظهارات او مخالف با نیات باطنش نبوده مدتها با مقتضیات
آن دوره اجرای نظریات خویش از راه حکومت مطلقه
و استبدادی سهل تر و مؤثر تر میدیده است. بهرحال کرمول ۱۲۵۸
درگذشته و بارادهٔ او پسرش ریشار بدون معارضی رئیس جمهور میگردد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 346 of 496

این جوان ضعیف النفس که هیچ ارثی از رشادت و اخلاق پدر نبرده بود بعد از هشت ماه مجبور بکناره گیری شده بعد از یک سال حکومت انگلیس بلا تکلیف بوده تا اینکه پارلمانی سلطنت طلب تشکیل و با موافقت ژنرال مونک فرمانده کل قشون اکس شارل دوم را از هلند طلبیده تاج پادشاهی را باو تسلیم میکنند .

شارل دوم - پسر شارل اول سی ساله بود که بسلطنت رسید پادشاهی زرنگ و باهوش و کاردان بوده در جنگ های اکس رشادت و خون سردی فوق العاده بخرج داده لیکن با تمام این محسنات ظرتاً از کار کردن متنفر و میخواست که همیشه با استراحت و عیش و عشرت بگذراند . مانند پدرش افکار مطلق العنانی در سر داشته ولی از آنجائیکه تبعید و بدبختیهای سابقه او را تا درجه تنبیه نموده بود اغلب شاید نه از روی عقیده بلکه برای مصلحت با پارلمان موافقت میکرد از خوشبختی شارل پارلمانی که در ۱۶۶۱ انتخاب می شود فوق العاده سلطنت طلب بوده و تقریباً در غالب نقاط با اراده پادشاه همراهی کرده است . برای مخارج دربار تقریباً سی میلیون فرانک معین نموده ولی چون برای عیاشی و هوس رانی شارل البته این مبلغ کفایت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 347 of 496

نمیگرد بخیال افتاد که از محل دیگری تهیهٔ وجه کند برای انجام این مقصود بخیال افتاد
که اتحاد خود را بر علیهٔ هلند در مقابل وجه نقدی بلوی چهاردهم پادشاه فرانسه بفروشد
و خود نیز بمذهب کاتولیک ایمان آورده مروج آن مذهب در انگلستان باشد.
لهذا در ۱۲۷۰ معاهدهٔ دوور را امضاء و مقررات فوق را متعهد میگردد.
دو سال بعد فرمانی بر علیه تعقیب کاتولیک ها صادر و حسب الوعده
بدولت هلند اعلان جنگ میدهد در ضمن این احوال دوک دیرک
برادر پادشاه نیز بمذهب کاتولیک درآمده این پیش آمد و مفاد معاهده
دوور ملت انگلیس را بهیجان آورده از بیم تجدید فجائع جنگهای
مذهبی جداً شروع بمخالفت با کاتولیک ها و قلع مادهٔ فساد مینمایند.
چون شارل کار را سخت می بیند مجبوراً فرمان صادره را لغو می سازد.
تسلیم پادشاه مخالفین را جری تر نموده تظاهرات بر ضد کاتولیک ها
و بالآخره شخص پادشاه بجایی میرسد که شارل در ۱۲۷۹
پارلمان را منحل و پارلمان جدیدی دعوت میکند. این پارلمان در مخالفت
از پارلمان سابق پیشتر رفته بموجب حکمی که معروف بفرمان انتزاع
است رای میدهد که چون دوک دیرک کاتولیک است از حق سلطنت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 348 of 496

محروم خواهد بود .

توری و ویگ - پس از انتشار این فرمان مملکت انگلیس بدو دسته تقسیم شده دستهٔ نظر بحفظ و احترام اصول سلطنتی عقیده داشتند که فرمان صادره برخلاف قانون و هیچ پارلمانی حق ندارد حق ولیعهد مشروع را ازو سلب نماید. این دسته را رقبای ایشان به توری یا دزدهای ایرلاندی موسوم گردانیده بودند. جماعتی دیگر طرفدار فرمان انتزاع و چندان اهمیتی بحقوق و اصول سلطنتی نداده رای پارلمان را تقدیس میکردند توری ها مخالفین خویش ویگ یا دزدهای اکسی نامیدند. این دو اسم هنوز در انگلستان باقی هواخواهان سلطنت را توری و هواخواهان حکومت ملی و پارلمان را ویگ مینامند .

چون دوک دیرک قبول مذهب کاتولیک را کرده بود موفقیت ویگ ها بنظر حتمی می آمد لیکن دسیسه و سوء قصدی که بعضی از ایشان نسبت بشخص پادشاه ترتیب و اجرا کردند عقیدهٔ عامه را از ایشان برگردانیده متوجه مخالفین ایشان نمود شارل دوم هم موقع را مغتنم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 349 of 496

شمرده از ۱۲۸۳ نوعی قشون دائمی برای خود تشکیل و بموجب قرارداد
سرّی بالوی چهارده پول تهیه کرده پارلمان را منحل و تا موقع مرگ خود
(فوریه ۱۶۸۵) مستبدانه در انگلستان حکومت نمود. دوک
دُیرک هم بدون هیچ اشکالی بنام ژاک دوم جای نشین او گردید.
ژاک دوم ـ ژاک دوم موقعی که بسلطنت میرسد ۵۲ سال داشت
با این سن اخلاق او جدی و طبیعتاً شجاع و راستکار و صادق
بنظر می آمد. چون معتقد بمذهب کاتولیک بود میخواهد انگلیس را باین مذهب
رجوع دهد لهذا فردای جلوس خود بدون توجه بضدیت افکار عمومی با یک
شکوه و عظمت فوق العاده آداب و مراسم مذهب کاتولیک را
در دربار خود اجرا میکند. اتفاقاً این واقعه مصادف با نسخ فرمان نانت
در فرانسه بوده ملت انگلیس را به هراس انداخته مصمم بمخالفت
با سیاست مذهبی پادشاه خود می نماید.
در همین موقع دوک دُمون موث پسر حرام زاده شارل دوم مرکز فساد
شده شروع به تحریکاتی بر علیه پادشاه میکند ژاک هم از این پیش آمد
استفاده عده قشون دائمی افزوده دوک مزبور را دستگیر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 350 of 496

وبه قتل میرساند .

پس ازان برای تکمیل نقشهٔ خویش نمایندهٔ بدربار پاپ فرستاده سفیر اورا در انگلستان می پذیرد .

البته این اقدامات بیشتر موجب تحریک پروتستانهای انگلیس شده اما چون پادشاه را پیر میدیدند . ودختر او ماری عیال کیوم درانژ پروتستان ووارث تاج شاهی بود لهذا چندان اهمیتی نداده یقین داشتند که بزودی ورق برگشته وحکومت منظورهٔ ایشان مستقر میگردد . ولی در ۱۶۸۸ اتفاقاً ژاک دوم از عیال دوم خویش پسری پیدا کرده بدین طریق جای نشینی ماری محل تردید واقع شد. لهذا تمام اعیان انگلیس خواه توری وخواه ویگ متزلزل شده حتی به کیوم درانژ برای حفظ منافع پروتستان تکلیف مداخله میکنند. اما پادشاه درغرور خود مستغرق بوده اعتنائی باین عملیات نمی نماید وقتی بخود می آید که کیوم درانژ با چهارده هزار قشون وارد خاک انگلیس شده در ۲۷ نوامبر ۱۶۸۸ داخل شهر لندن میگردد ژاک حتی فرصت جنگ ودفاع نیز پیدا نکرده از پای تخت فرار نموده بین راه گرفتار عدهٔ ناهیگران

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 351 of 496

شده خود را از ایشان مستخلص و بفرانسه پناه میبرد.
فرار ژاک دوم وقوع انقلاب را بسیار سهل میسازد پارلمان
انگلیس خود را دیگر قوی دیده اظهار میکند که فرار پادشاه علامت
استعفای ضمنی او و تخت سلطنت بلاصاحب مانده است.
دسته عقیده داشتند که سلطنت به ماری عیال گیوم در ازش
واگذار و شوهر او نایب السلطنه مشارالیها باشد ولی گیوم
که این تکلیف را مخالف با نظریات و خیالات جاه طلبانه خود
میدید آزا رد نموده نمایندگان پارلمان نیز گیوم را بمقام سلطنت
و ماری را بعنوان ملکه انتخاب کردند.
فرمان حقوق ملی - ملت انگلیس برای اینکه خط گذشته را
تجدید نکرده باشد گیوم و ازش را مانند شارل دوم بدون قیود و شرایطی
پذیرد تجربه از گذشته گرفته و ازین تغییر سلطنت برای حقوق عمومی
استفاده می نمایند بدین تفصیل که بوسیله فرمان حقوق ملی
بعضی از حقوق عمومی ملی انگلیس را که در فرمان کبیر تصدیق شده بود
تا مختصر تکمیلی به تصدیق و امضای پادشاه جدید خود میرسانند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 352 of 496

در فرمان مزبور مقدمهٔ عملیات خلاف ژاک دوم ذکر گردیده تصدیق ضمنی
در عدم ارتکاب آنها از گیوم گرفته شده سپس اصول ذیل صریحاً
تعهد گردیده می شود :

پادشاه نمی تواند اجرای قوانین را بتاخیر انداخته بدون تصویب
پارلمان مالیات گرفته و قشون دائمی در موقع صلح نگاهدارد انتخابات
و مذاکرات مجلس باید کاملاً آزاد باشد هر کسی بتواند آزادانه
بدون هیچ ترس و بیمی عرایض خود را تقدیم مقام سلطنت نماید.
عدالت و قضاوت فارغ از آلایش گردیده از روی انصاف
بعمل آید و بالآخره اجرای مراسم پروتستان آزاد بشود .

در سیزدهم ماه فوریه ۱۶۸۹ فرمان مزبور رسماً برای گیوم و ماری
در پارلمان قرائت گردیده و سلطان از جانب خویش و وکالتاً
از طرف عیالش مقررات آنرا پذیرفته و در حفظ و رعایت اصول
مندرجهٔ آن تعهد نمود بعد از امضای فرمان در همان جلسه گیوم
در اثر باسم گیوم سوم و ماری بنام ماری دوم پادشاه
و ملکهٔ انگلستان اعلان شدند .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 353 of 496

مشخصات ونتایج انقلاب ۱۶۸۸ - انقلاب ۱۶۸۸

بدون اینکه قطره خونی ریخته شود گذشته و مبارزهٔ یکصد ساله که
بین سلاطین انگلیس برای حفظ حقوق مطلقه واقلیی خویش و ملت انگلیس
که میخواست تقدیرات خود را بوسیلهٔ نماینده گانش اداره نماید
دوام داشت خاتمه داد با این انقلاب حاکمیت ملی در انگلستان
ثابت و مستقر گردیده و بمشاجرات سیاسی خاتمه داده می شود
همچنین با اعلان آزادی مذهب مناقشات مذهبی را هم تمام کرده
لیکن باید گفت که این آزادی تنها برای شعب مختلفهٔ پروتستان
بوده و کاتولیک ها ازان بهره نداشتند بهرحال صلح داخلی
چه راجع بموضوعات سیاسی وچه راجع بموضوعات مذهبی در
سراسر انگلستان حکم فرما گردیده نتایج مهم ازان در سیاست خارجی انگلیس
بدست آمد. انگلستان توانست که نظر خویش را بخارج از سرحدات
خود معطوف و مقام رفیعی که در اواخر قرن شانزدهم در سیاست
اروپائی دارا بود در اواخر قرن هفدهم حائز شود. از ۱۶۸۸ تا ۱۷۰۲
تحت فرمانروائی گیوم سوم مرکز رهبری تمام اتحادیه ها بر علیه فرانسه بوده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 354 of 496

ودر عهد نامه او ترخت حقیقةً حاکم وحکم امور اروپائی گردید .

اتحاد انگلیس واکس - در زمان سلطنت آن ملکه انگلیس و جای نشین گیوم سوم و ماری دوم وحدت ارضی جزیره تکمیل شده وبصورت فعلی در آمد. یعنی دو مملکت انگلیس واکس بایکدیگر متحد و منضم شدند .

هرچند از مدت زمانی انگلیس واکس اتحاد شخصی داشته پادشاه انگلیس درعین حال پادشاه اکس نیز شناخته می شد ولی در ۱۷۰۷ این اتحاد شخصی مبدل باتحاد حقیقی دو ملت شده. بجای دو پارلمان یک پارلمان داشته نمایندگان اکس پهلو به پهلوی نمایندگان انگلیس در مجلس می نشستند این تاریخ ابتدای تأسیس مملکت بزرگ انگلیس شمرده میشود .

II

انگلستان در قرن هیجدهم

قرن هیجدهم برجسته ترین قرون تاریخ انگلیس است از سه حیث این مملکت در مدت قرن مزبوره ترقیات محسوس نموده .

۱- **سیاست خارجی** - درین قرن انگلیس ها دو عنصر مهم امپراطوری خویش

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 355 of 496

یعنی هندوکانادا را بدست آوردند .

۲- سیاست داخلی- طرز حکومت پارلمانی یعنی حکومت ملت بوسیلهٔ نمایندگان خود مستقر میگردد . بدیهی است که استقرار این طرز حکومت نتیجهٔ حتمی و مستقیم انقلاب ۱۶۸۸ است که حاکمیت ملی پیشرفت نموده و سلسلهٔ جدیدی که عبارت از سلسلهٔ هانوفر باشد بسلطنت رسید .

۳- بالآخره درین قرن جنبش صنعتی انگلیس شروع و تا بجائی رسید که در قرن نوزدهم اولین دولت اقتصادی عالم گردید .

جلوس خانوادهٔ هانوفر- پس از آنکه در سنه ۱۶۹۰ ماری دوم وفات میکند چون گیوم سوم نیز وارث مستقیمی برای تاج و تخت باقی نگذارده بود پارلمان بوسیلهٔ فرمانی مسئله را باینصورت حل می نماید که مرگ گیوم سوم سلطنت انگلیس باید بخواهر عیالش دختر ژاک دوم برسد اگر مشارالیها وارثی نداشته باشد سفی دُهانوفر شاهزاده خانم المانی و نوادهٔ ژاک اول صاحب تاج سلطنت گردیده و درصورتیکه این شاهزاده خانم نیز نتواند بمقام سلطنت برسد از اولاد او انتخاب شود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 356 of 496

این نظر موافق پارلمان نسبت به شاهزاده خانم آلمانی و اولادش فقط ازین نقطهٔ نظر بود که مشارٌالیها پروتستان و با این انتخاب بیم بروز اغتشاشات و زحماتی نمیرفت و بهمین ملاحظه بود که ژاک سوم برادرآن خودرا که بلکه پیرو مذهب کاتولیک بود از حق سلطنت محروم ساختند .

باوجود تصمیم درای پارلمان پس از معاهدهٔ اوترخت (آن) باموافقت بعضی از نوزرای خویش بخیال افتاد که جای نشین خودرا به برادرش ژاک سوم واگذار نماید و مقدمات نقشهٔ خودرا نیز فراهم ساخته بود لیکن اجل مهلتش نداده در ۱۷۱٤ درگذشت . لهذا بر طبق تصمیم پارلمانی ۱۷۰۱ منتخب هانوفر پسر سفی دختر بنام ژرژ اول بسلطنت انگلستان انتخاب میگردد .

در اکس تظاهرات وهیجاناتی برله ژاک شده اما بمقصود نرسید سی سال بعد زمانی که انگلستان سرگرم جنگ های وراثت اطریش بود شارل ادوارد پسر ژاک سر بلند کرده قشون اکس شکست سختی خورده یکباره بدعاوی خانوادهٔ استوارت خاتمه داده شد (۱۷٤۵) پادشاه سلسلهٔ جدید سلطنتی انگلیس تمام عنوان سلطنتی خودرا ژرژ قرار داد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 357 of 496

تا ۱۸۲۰ سه ژرژ در انگلستان پادشاهی کرده است .
ژرژ اول در سن ۵۴ سالگی بسلطنت رسیده از هر حیث یک آلمانی
خالص بود کلمهٔ از زبان انگلیسی نمیدانسته با وزرای خود بزبان لاتین
مذاکره میکرد این پادشاه از ۱۷۱۴ تا ۱۷۲۷ سلطنت کرده است .
ژرژ دوم (۱۷۲۷ - ۱۷۶۰) انگلیسی را میفهمید لیکن تکلم نمی نمود .
هر دوی این پادشاهان در عین داشتن مقام سلطنت انگلستان
رتبهٔ منتخبی خویش را نیز محفوظ داشته و شاید بیشتر با آن اظهار علاقه می نمودند .
بگفتهٔ پلت وزیر مشهور ژرژ دوم انگلیس برای ایشان بمنزله ضمیمه و قسمت ملحقه
بسلطنت بوده است . همچنین چون زبان انگلیسی را نمیدانستند و میانشان
باطناً کمتر علاقه با امور مربوطهٔ انگلستان داشتند جلسات هیئت وزرا را
خود ریاست نکرده زمام مهام مملکت را بدست وزرای خویش داده بودند
از همین سی و شش سال سلطنت این دو پادشاه و خودداری
از ادارهٔ امور مملکتی اصلی از انگلیس بوجود آمده و هنوز باقی است
و آن عبارت از این است که پادشاه سلطنت میکند و لی حکومت نمی نماید .
احزاب :— نتیجهٔ مسلم عدم مداخلهٔ پادشاه در امور مملکتی این است که حکومت باید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 358 of 496

بدست احزاب اداره شود یعنی روسای احزابی که در پارلمان اکثریت دارند بریاست وزرا انتخاب کردند .

بطوریکه دیدیم در زمان ژاک دوم دو حزب معتبر در انگلستان تشکیل یافت یکی ویک ودیگری توری .

حزب ویک که انقلاب ۱۶۸۸ را نموده وگیوم در اثر را بسلطنت رسانید مرکب از خانواده های معتبر اشرافی و سرمایه داران بزرگ وبالاخره تمام اشخاصیکه مخالفت با مذهب کاتولیک داشتند بوده اند - این حزب نظر بحفظ منافع شخصی خویش در توسعهٔ صنعت وتجارت کار کرده وچون لازمهٔ پیشرفت این منظور امنیت داخلی است حتی الامکان در مقابل هوا و هوس شخصی پادشاه مقاومت نموده وسعی بودند که اقتدارات سلاطین را محدود و حاکمیت ملی را پرورش دهند. حزب توری بیشتر مرکب از ملاکین بوده هوا خواه اقتدار سلطنتی دیکه بستند که دخالت پادشاه در امور حکومتی زیاد شود قاعدةً باید سلاطین طرفدار حزب توری بوده و ایشان را انتکار خویش قرار دهند لیکن چون بعضی از ایشان متهم بمراوده مخفی با استوارت ها شده بودند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 359 of 496

قدری طرف سوءظن سلاطین خانواده هانور واقع گردیده دو یک بار
بکار ها گماشتند .

کابینه های ویگ - والپول - ویک ها از ۱۷۱۴ تا ۱۷۶۰
یعنی تقریباً نیم قرن مصدر امور حکومتی بوده تا جلوس ژرژ سوم
در حکومت باقی بودند. بهترین وزرای این حزب را یکی دُبر والپول
دیگری ویلیام پیت باید دانست دبر والپول (۱۷۲۱-۱۷۴۲)
بیست و یکسال صدارت کرده چون شخصاً ملاک و سرمایه دار معتبری بود
لهذا سیاست خویش را تزئید ثروت و تمول عمومی قرار داده و برای
نیل باین مقصود سیاست مسالمت کارانه در خارج اتخاذ کرده بود.
والپول در ترقی صنعت انگلیس مساعی جمیله بکار برده شهرهای معتبر صنعتی
امروزه مانند پرلیسول - لیورپول - مانچستر و بیرمنگام
در عهد او شروع ترقی نموده است لیکن چون غالب نظریات
خویش را در پارلمان بوسیلهٔ رشوه میخواست از پیش ببرد روحیه
و اخلاق مردم را بکلی فاسد گردانیده بود. و همان بحران اخلاقی که
در زمان نیابت سلطنت [illegible] در انگلستان در فرانسه وجود داشت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 360 of 496

در اواخر حکومت والپول نیز در انگلیس مشاهده می شده مردم
با مور عمومی بی قید گردیده حیات وطن پرستی از بین رفته وهمین
وضعیات باعث شد که دسته بعنوان وطن خواهان تشکیل
شده و دست والپول را از کار کوتاه گردانیدند .

ویلیام پیت - درعین شدت این بدبختی ها ۱۷۵۷ بمنصب ریاست
وزراء رسیده دیگر همت به جستجوی چاره برای مرض انگلستان
می نهد. این مرد سیاسی در سن ۲۶ سالگی در پارلمان وکیل بوده
فوق العاده صالح و پاکدامن و همیشه عملیات والپول را تنقید میکرد.
فصاحت او بزودی محبوب القلوب عامه اش گردانیده
مخصوصاً وطن پرستیش توجه ملت انگلیس را باو جلب می نماید.
این وزیر زبردست تنها طالب فتح علیه وطن خود نبوده بلکه میخواست
رقبا و دشمنان آن خصوصاً فرانسه نیست و نابود شود. غرور او کمتر
از وطن پرستیش نبود این جمله از او معروف است که گفته
«میدانم من قادر به نجات مملکت هستم و این کار جز از من از دست دیگری
ساخته نیست» بهرحال پیت بزودی توانست که اخلاق فاسده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 361 of 496

ومتزلزل انگلیس ها دوباره اصلاح وایشان را متوجه منافع ملی
ومملکتی خود گرداند .

روزی در پارلمان میگوید: «ملتی شوید و هرچیز را غیر از منافع عمومی فراموش نمائید»
حقیقةً انگلیس ها نیز این کلام پیشوای خود را شنیده وپس از چهار سال
که ویلیام پیت از کار کناره گیری میکند انگلستان کانادا و هند
بلکه تقریباً تمام مستملکات فرانسه را تصاحب کرده بود .

ژرژ سوم — یک سال قبل از استعفای پیت ژرژ سوم بتخت سلطنت
انگلیس نشسته بود این پادشاه نواده ژرژ دوم در انگلستان تولد یافته
و با خلاق انگلیسی تربیت شده بود . مادرش همیشه با و نصیحت میکرد که
باید سلطان حقیقی باشد ژرژ هم پس از نیل بمقام سلطنت میخواهد پیروی پند مادر خود را نماید
بدیهی است فقط حزب توری با این روحیه موافقت داشتند لیکن پس
از ده سال توانست چنین کابینه که مطیع فرمان و آلت دستش باشد تشکیل
کند . این هیئت وزراء کار ریاست آنرا لرد نورث داشته دوازده
سال دوام میکنند . (۱۷۷۰ - ۱۷۸۲)

نتیجه این سیاست شخصی و حکومت توریها در خارج این شد که بهترین

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 362 of 496

مستملکات امریکای شمالی انگلیس با تنگاه و ملک فرانسه از دست
رفته ممالک متحدهٔ امریکای شمالی (اتازونی) تأسیس یافت
و در داخل توسعه جرائد برای مقاومت در مقابل نظریات و خیالات
مطلقهٔ پادشاه و تنقید اعمال وزرای او گردید .
جرائد مزبوره سیاسی غالباً هفتگی نشر گردیده و بعضی از آنها مانند
روزنامهٔ مشهور تایمز هنوز باقی است .
اهمیت این جرائد وقتی زیادی شود که اجازهٔ طبع و انتشار مذاکرات
پارلمان را تحصیل و ملت انگلیس را روز بروز از واقعات و تصمیمات حکومتی
مطلع گردانیده و نظارت ملی را در اعمال دولت و پارلمان تکمیل می نماید
از دست رفتن مستعمرهٔ امریکا بزودی موجب سقوط کابینه نورث گردید
ژرژ سوم پیت دوم پسر ویلیام پیت را برای تشکیل کابینه میخواند مشارالیه
مدت بیست سال صدارت کرده در عین حال طرف اعتماد سلطان
و ملت بوده بدین جهة توانست با نهایت قدرت مهام امور داخلی
و تصفیه و جداً بر علیهٔ انقلاب کبیر فرانسه اقدام نماید .
وضع حکومت انگلیس — در قرن [illegible] هیچ تغییری در متن

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 363 of 496

شارت کبیر زمان شارل ساده (۱۲۱۵) یا عریضهٔ حقوق زمان
شارل اول (۱۲۲۸) و یا فرمان حقوق ۱۶۸۸ داده شود بواسطهٔ
عادت و سابقه حکومت مملکت بین پادشاه و وزراء و پارلمان تقسیم
شده بود. پادشاه و وزرای خود و عمال مهمهٔ مملکتی را انتخاب و انتصاب صاحب
منصبان و مستخدمین جزء را بنظر وزراء واگذار گردانید. پادشاه
احکام و فرامین پارلمان را تصدیق و جمله «پادشاه میخواهد» چیزیست
که از ان دوره هنوز در انگلستان بیادگار مے باشد.
باوجودانیکه پادشاه حق داشت از دستخط قوانین خودداری
و اجرای آنرا تعویق اندازد لیکن از ۱۷۰۷ عادت و سابقه چنین مقرر
داشته که عملاً هیچ پادشاهی حق عدم امضای قوانین را ندارد.
در انگلستان پادشاه را غیر قابل از انتخاب خطا میدانستند و اگر خطائی
میرفت آنرا از روی وزرای او میدانستند بهیچوجه شخص سلطان مصون
بوده و در نتیجه هیچ گونه مسئولیتی نداشت.
وزرای انگلیس از بین نمایندگان پارلمان انتخاب میشدند زیرا انها
نمایندگان حق حضور در مجلسات را داشته و برای رای بالیات با

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 364 of 496

وقوانین حضور ایشان ضروری بود. با اینصورت طبیعی است
از حزب اکثریت انتخاب گردیده هیئت وزراء یا کابینه را تشکیل میدادند.
ژرژ اول و دوم چون بطوریکه میدانیم هرگز در شورای وزراء حاضر نمی شدند
سابقه برین قرار گرفت که هیئت بدون حضور پادشاه اجلاس نماید.
منتهی رئیس الوزراء تصمیمات متخذه بعرض میرسانید. وزرای انگلیس
مسئولیت اشتراکی داشتند یعنی هریک مسئول اعمال همقطاران دیگر
خویش بودند. وزراء ممکن بود مورد استیضاح پارلمان واقع گردیده
و در مجلس اعیان محاکمه شوند. در مقابل وزراء نیز حق انحلال پارلمان را
داشته و در صورتیکه وکلای جدید هم مخالف با نظریات ایشان
بودند مجبور باستعفا می شدند.
این طرز حکومت را که در فوق ذکر کردیم همان است که امروزه تحت اسم طرز
حکومت پارلمانی نام برده می شود.
پارلمان انگلیس در قصر وست منستر واقع در شهر لندن انعقاد و میافت
مذاکرات مجلس که ابتدا مخفی بود بعد ها علنی میگردد. چنانکه میدانیم پارلمان
از مجلس سنوشان و مجلس اعیان مرکب بوده اعضای مجلس اعیان از همانند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 365 of 496

پادشاه انتخاب و شغل ایشان ارثی بود. نمایندگان مجلس مبعوثان را ملت انتخاب کرده لیکن بصورتی بسیار محدود. پیت در ۱۷۸۵ اصلاح آنرا پیش نهاد کرد اما در آن موقع طرف توجه واقع نشده تا در ۱۸۳۲ اندازه انجام میگردد.

با وجود اینکه ترتیب انتخابات انگلیس محدود و بالآخره ناقص بوده ولی باید گفت که قرن ۱۸ دولت انگلیس تنها دولتی بوده که از روی اصول حکومت ملی اداره میشده. نمایندگان ملت واضع قانون بوده مردم در اداره امور مملکتی شرکت داشته و قانونی جان و مال ایشان را زیر لوای حمایت خود میگرفت.

این طرز حکومت اثرات زیادی در ترقیات مادی انگلستان نموده و از سال ۱۷۶۰ مقدمات ترقی اقتصادی این مملکت را برای قرن حاضر تهیه کرد. همچنین جمعیت مملکت مدتها زیاد شده از ۱۷۰۰ تا ۱۷۸۰ تقریباً سکنه آن دوبرابر گردیده. علاوه بر اینها کشف و درک طرز استعمال زغال سنگ جنبش سختی به اقتصاد انگلیس داده ماشین چندی برای پارچه بافی اختراع و ات ماشین بخار را تکمیل نمود بهرحال تمام مقتضیات فوق الذکر قوه تولیدی انگلیس را تا بحدی افزود که آنرا اولین ملت صنعتی و اقتصادی عالم گردانید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 366 of 496

فصل شانزدهم

تشکیل دولت پروس و احوال داخلی آن در قرن ۱۷ و ۱۸

فردریک دوم

در قرن هیجدهم دو تغییر عمده در نقشهٔ سیاسی اروپا پیدا شد. اولاً دو دولت سوئد و پولونی که در قرون سابقه اهمیت بسیاری داشتند اولی مقام خویش را از دست داده تنزل نمود و حیوهٔ سیاسی دومی بکلی محو و معدوم میشود ثانیاً دو دولت جوان پروس و روس عرض اندام نموده و صفحات تاریخ مشعشعی را باز میکنند.

تشکیل دولت پروس نتیجهٔ زحمات مجدانه خانوادهٔ هوهانزولرن و روح نظامی ملت پروس است این خانواده مانند کاپسین ها در فرانسه تمام هم خویش را مصروف به اجتماع و اتحاد قطعات مختلفهٔ آلمان خصوصاً دوشه کلو - الکترای برانده بورگ و دوشه پروس

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 367 of 496

نموده و در وصول منظور خود از هیچ نوع فعالیتی خودداری نکرده اند .

اولین قدم تحقیق این نقشه را در قرن هفدهم فردریک گیوم ملقب به منتخب کبیر (۱۶۴۴ - ۱۶۸۸) برداشته در قرن هیجدهم فردریک گیوم اول (۱۷۱۳ - ۱۷۴۰) و فردریک دوم (۱۷۴۰ - ۱۷۸۶) آنرا تعقیب و بالآخره در ۱۸۶۶ موفق بانجام آن میگردند .

مخصوصاً فردریک دوم که بین خود آلمان ها به نادرهٔ عصر معروف است سیلزی و پولنی را فتح و مملکت پروس در ردیف ممالک درجهٔ اول قرار میدهد قشون عامل عمدهٔ این موفقیت و جنگ راه وصول به آن بوده است .

فردریک گیوم ملقب به منتخب کبیر - فردریک گیوم معاصر لوئی چهاردهم و اولین کارگر قدرت پروس می باشد . این پادشاه بهر کاری در مملکت خود دست زده و تمام اقدامات مفید بوده اند و بهمین جهت منتخب کبیر ملقب گردیده است وحدت اداری مملکت را تکمیل

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 368 of 496

و از شدت فعالیت تمام ممالک مختلفه اش را تحت اداره واحد
درآورده بآنها فهمانید که همگی اعضای یک جسد بوده برای نگاهداری تشکیلات
دائم مالیات دائمی را وضع و وصول نمود. در صورتیکه موقع مرگ پدرش
بیش از ۲۳۰ سرباز نداشته برای جای نشین خود بیست و چهار هزار قشون
باقی گذارد. در آبادی اراضی مملکت و تکثیر جمعیت بوسائل مختلفه
کوشیده مهاجرین خارجی را با اعطای امتیازات مخصوصه
در نقاط ویران مملکت جای داده ایشان را تشویق و بدینطریق آبادی
بسیاری کرده است. تبعید شدگان هر مملکتی را در آلمان پذیرفته براند
بورگ را پناه گاهی برای ایشان قرار داده بود. بعد از نسخ فرمان نانت
تقریباً بیست هزار فراری فرانسه وارد برلن شده و همین مهاجرت موجب
ترقیات صنعتی این شهر میگردد.

بالآخره بواسطهٔ سیاست مزورانه که بین پولنی و سوئد برای خود اختیار میکند
پروس را از تحت الحمایگی پولنی خارج و خود دارای لقب حکمران پروس
می شود. ازین ببعد هوهانزولرن ها درقسمتی از متصرفات خانوادهٔ
خود مستقل گردیده و بجانب ترقی و تعالی پیش میروند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 369 of 496

فردریک اول - پسر فردریک گیوم در تکمیل پروگرام خانوادگی مساعی
جمیله نموده از همه مهم تر این است که برای خویش عنوان سلطنت تحصیل
و به مملکت خود حیثیت رسمی پادشاهی میدهد .
جنگ های وراثت اسپانی در شرف شروع و لئوپلد امپراطور
برای مبارزه بالوئی چهارده محتاج بداشتن پول و متحدین قوی بود.
فردریک پول و قشون برای امپراطور تهیه و در عوض تقاضای اجازهٔ
اختیار عنوان پادشاهی پروس را آلمان می نماید. امپراطور بدین
مطلب رضایت داده و فردریک را ژانویه ۱۷۰۱ در شهر کنیگس برگ
جشن باشکوهی گرفته بدست خود تاج سلطنت را بسر میگذارد .
در ۱۷۱۳ معرف انعقاد عهدنامه اوترخت دول مظفره اروپائی رسماً مملکت
شاهی جدید را شناخته و با آنکه خانوادهٔ هوهانزولرن برای
پای تخت خود مرکز ایالت براندبورگ یعنی شهر برلن را انتخاب کرده بودند
باز هم مملکت ایشان معروف به مملکت شاهی پروس گردید .
فردریک گیوم اول - کمی قبل از امضای عهدنامهٔ اوترخت
فردریک اول درگذشته پسرش فردریک گیوم اول جانشین او

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 370 of 496

بجای او به تخت پادشاهی نشست. این پادشاه که نمونهٔ کامل هوهانزولرن
هاست روحی نظامی داشته نسبت بزیردستان وحتی بخود سخت
بوده است طرز حکومتش مطلقه و بهیچ وجه راضی نمی شد که کسی در ادارهٔ مملکتی
مداخله دیا در مقابل او امر او استدلال مخالفت نماید. ولی باید
گفت که ازین فکر و روش مطلقه هرگز سوء استفاده ننموده و تمام
همّ خویش صرف خدمت ملک و تربیت ملتش گردانیده است.
کار و زحمت را جزو وظایف اولیهٔ خود میدانسته و میخواست که عمال
حکومتی رویهٔ او را تعقیب نمایند. امور مالیاتی را بیش از پیش منظم
و در افزایش جمعیت اقداماتی مؤثر نموده در عهد فردریک گیوم یازده شهر
و سه صد و سی و دو قریه در پروس احداث شده است.
کار خانجات مختلفه خصوصاً ماهوت بافی در پروس دائر عائدات
مملکتی را زیاد کرده و مقدار ملت نابهی پس انداز داشت اما شاهکار
این پادشاه را تأسیس قشون پروس باید شمرد.
قشون پروس ـ فردریک گیوم اول عظمت ملی پروس را
در سایهٔ قشون میدانست بدین جهة میخواست سپاهی کامل و قوی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 371 of 496

داشته باشد - در دستوری که برای تربیت فرزندش میدهد
میگوید که باید سرباز قابلی شود باید در قلب و مغز او نقش نمود
که تمام افتخارات دنیا در نوک شمشیر است . درصورتیکه مملکت پروس
بیش از دو میلیون و نیم جمعیت نداشت متدرجاً هشتاد و سه هزار
قشون منظم ترتیب داد . ابتدا بصورت سربازگیری و قشون داوطلب
در داخل و خارج مملکت شروع کرده چون دید که افراد اجنبی خیلی
گران تمام شده تا اندازهٔ با نظریات عالیهٔ او نیز موافقت نمیکرد لهذا
فرمانی صادر و اعلان کرد که تمام افراد مملکت برای سپاهی گری خلق
شده اند . معلوم است این فکر که امروزه اساس تشکیلات قشون
کلی ممالک متمدنهٔ عالم است در قرن هیجدهم تا چه اندازه بدیع
و تازه بوده مملکت را بولایاتی تقسیم و هر ولایتی را مامور تدارک
یک رژیمان گردانید . قشون فردریک گیوم اول جثهٔ اشرافی
داشته صاحب منصبان از طبقهٔ نجبا و ممکن نبود یک سرباز
هرچه لایق باشد بدرجهٔ صاحب منصبی برسد . ولی
درعین حال صاحب منصبان لایق و کاردانی انتخاب میکرد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 372 of 496

برای تربیت ایشان مدارسی مخصوصهٔ نظام دائر ساخت تا در آنجا فنون نظامی فرا گرفته تکمیل نمایند .

باندازهٔ در عملیات و مشق های نظامی افراد دقت می نمود که حقیقةً قشون پروس مانند ماشین جاندار بلا اراده بوده است غیر از تربیت افراد این پادشاه در فنون حربی و حرکت قشون وغیره نیز خدمات شایانی کرده بطوریکه از تمام قشون اروپا ازین حیث برتری داشته و تفوق کامل آن در اواسط قرن هیجدهم آشکار و ثابت گردید .

این سپاه را که در مدت سی سال تشکیل کرد بی نهایت دوست داشته هیچوقت آنرا در معرض مخاطرات جدی قرار نداده همین قدر پایهٔ عظمت پروس را نهاده و بنای آنرا برای پسرش فردریک دوم باقی گذاشت .

جوانی فردریک دوم ـ فردریک دوم چهل و دو سال سلطنت کرده در این مدت با وجود اینکه باعث تغییرات مهمهٔ در صفحهٔ اروپا گردید

طفولیت و جوانی این پادشاه بسختی گذشته زیرا اخلاق و ذوق و تمایلات

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 373 of 496

اورا پدرش دوست نداشته و با افکار او موافق نبوده است فردریک دوم
طبیعةً مائل به ادبیات و علوم و فلسفه بوده شهوت نظامی نداشته
بهمین جهة پدرش اورا بانظر حقارت میدیده و مکرر گفته است که زحمات
اجداد را این پسر بباد خواهد داد. خشونت پدر بحدی رسید که فردریک دوم در سن هیجده
سالگی با یکی از دوستان خود موسوم به کت مصمم فرار بانگلیس گردید پادشاه
ازین خیال مطلع و هردو توقیف و بحکم نظامی میفرستد فردریک دوم محکوم
بحبس شده و رفیقش را حکم صریح سلطان در مقابل چشمش قطعه قطعه میسازند
مدتی حبس فردریک دوام کرده بالآخره بارتبهٔ سرهنگی داخل قشون گردید
رئیس قشون شهری شده و تمام جزئیات قسمت خود را شخصاً اداره میکرد
این تعلیم و تربیت علی فوق العاده برای ولی عهد مفید واقع گردید و تا درجه
جلب رضایت خاطر پدرش را نمود لهذا زندگانی او را قدری آزادتر
ساخته و در پیروی تمایلاتش مزاحمتی ننمود.

فردریک هم در عین اینکه سپاه سپردهٔ بخود را اداره می نمود به تحصیل علوم
و فلسفه و ادبیات و صنایع ظریفه پرداخته زبان فرانسه را تکمیل نمود.
شعرها گفته قسمت های موسیقی ساخته و در رابطه دوستانه دائمی با ولتر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 374 of 496

فیلسوف مشهور فرانسوی داشته است از مطالعه در وضعیات
سیاسی اروپا نیز غفلت نمی نموده اوضاع سیاسی و قوای مادی
هریک از ممالک را کاملاً زیر مطالعه و دقت داشته و برای روزی
که قوت پدرش او را به تخت سلطنت موروثی می نشانید خود را
حاضر و مهیا می ساخت .

سلطنت فردریک دوم ـ در موقع جلوس ۲۸ سال داشته
دارای هوشی سرشار و متانتی فوق العاده بوده با نهایت سهولت
مطالب را درک و بزودی راه اجرای آنرا می یافت . در سیاست
بی اندازه زبردست بلکه نابغهٔ عصر خود بوده و چندان قیدی
برعایت اصول اخلاقی نداشته است . در مقام سیاست
منافع را بر هر چیز حتی قول و وجدان خود نیز ترجیح می داده مثل غالب
سلاطین عصر مائل بسلطنت مطلقه بوده بجزئیات امور مملکتی شخصاً
رسیدگی میکرده چهار نفر منشی مخصوص او آنی فراغت نداشته
خود پادشاه و خود وزیر بوده و باهمین فعالیت تا آخر عمر
سلطنت کرده است .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 375 of 496

فتوحات فردریک :— فردریک دوم (سیلزی) را از اطریش و قسمتی از پروس را که تحت تصرف پولنی بود ضمیمهٔ مملکت خویش گردانیده و پروس را دارای عظمتی می نماید .

سلطنت سیلزی از ۱۷۴۰-۱۷۶۳ یعنی بیست و سه سال سلطنت فردریک را اشغال و سه جنگ بزرگ درین مدت واقع شده است دو جنگ اول آن جز جنگ های وراثت اطریش و جنگ سوئدی داخل در جنگ های هفت ساله می باشد درین جنگ آخری است که پروس در مقابل اطریش و فرانسه و روس به تنهائی ایستادگی کرده هرچند قوایش کاملاً به تحلیل رفت ولی از معرکه فاتح بیرون آمد. تصرف پروس پولنی (۱۷۷۲) چندان برای فردریک سخت و پر زحمت نبوده زیرا فقط با سلسله مذاکرات سیاسی این قسمت را مالک گردیده و جنگ هم نکرده است . این اقدام مهم ترین قدمها تشکیل وحدت ارضی پروس و بعد ازین متصرفات مختلفهٔ خانوادهٔ هوهانزولرن بهم مربوط میگردد .

اصلاحات داخلی :— بیست و سه سال آخر سلطنت خویش را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 376 of 496

فردریک وقف اصلاح وترمیم خسارات جنگ های هفت ساله وکار انداختن منابع مملکتی نموده است. در شئون مالیه تکمیلاتی کرده سپس مانند اجداد شروع به اقداماتی برای تکثیر جمعیت کرد. عمال مخصوصی برای جلب مهاجرین مامور و ادارات مخصوصی برای تسهیل مسافرت و اقامت ایشان تشکیل داده بیش از سه صد قریه آباد کرد. در ترقی زراعت وصنعت از هیچگونه اقدامی مضایقت نداشته در نتیجهٔ عملیات این پادشاه شهر برلن دران دوره در ردیف اولین شهرهای صنعتی بشمار می آمد. برای تربیت فکر و روح ملت خویش نیز مساعی جمیله داشته تعلیم عمومی و اجباری را در مملکت رواج مکاتب عدیده باز کرده مجموعه قوانینی تدوین و اجرای قوانین و نظامات مختلفه را در ممالک خود ممنوع داشت.

نتیجهٔ سلطنت فردریک دوم - در نتیجهٔ مساعی و فعالیت این پادشاه وسعت اراضی پروس از ۱۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع در موقع مرگ فردریک به ۲۰۰۰۰۰ و میزان جمعیت از دو میلیون و نیم به شش میلیون رسیده بود. سپاه پروس که عدهٔ آن به یکصد و شصت هزار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 377 of 496

بالغ میگردید پس از مقاومت فاتحانه در مقابل قوای اطریش و روس
و فرانسه بهترین قشون اروپائی شناخته شده و سلطان پروس در
ردیف پادشاهان فرانسه اطریش و انگلیس و روسیه قرار گرفت
ترقیات فوق الذکر بطوریکه دیدم در ظرف نیم قرن در پروس حاصل
شده و یک مملکت بی اهمیت کوچکی از برکت فعالیت سه نفر
سلطان خود باین پایهٔ عظمت رسید. حقیقةً این نکته است که باید
پیشتر جلب توجه را بنماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 378 of 496

فصل هفدهم

احوال داخلی اطریش

ماری تِرِز - ژزف دوّم

در قرن هیجدهم عادت چنین جاری شده بود که تمام متصرفات خانوادهٔ هاسبورگ را بنام یکی از آنها یعنی اطریش معرفی نمایند. دولت اطریش از ۱۶۹۹ تا ۱۷۱۴ با انضمام اراضی جدیده از هنگری - ایطالیا و پی با توسعهٔ فوق العاده یافته در اواسط قرن هیجدهم همان قدرت و مقام اوائل قرن هفدهم خویش را گرفته مرکز سیاست اروپا گردید در همین وقت دولت پروس امرای آلمان - دولت فرانسه و اسپانی آنرا مورد تهدید و تعرض قرار داده اگر فعالیت و کاردانی ماری تِرِز (۱۷۴۰ - ۱۷۸۰) نبود قطعاً تجزیه و کاملاً مضمحل می شد با وجود این بازایالت سیلیزی را از دست داده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 379 of 496

وکوششهای مدت جنگهای صد ساله نیز فائده نبخشیده
موفق باسترداد ایالت مزبور نمیگردد و منتها در ۱۷۷۲ با تصرف
قسمتی از پولنی تا درجه جبران آرامی نماید .

پس از رفع بحران جنگها ماری ترز و پسرش ژوزف دوم
(۱۷۸۰ — ۱۷۹۰) دست باصلاحات داخلی زده تشکیلات
اداری را منظم و در راه وحدت سیاسی اطریش قدم میگذارند .

متصرفات اطریش — سابقاً تشکیلات سیاسی اطریش را
در قرن هفدهم دیدیم که از یک عده متصرفات ارثی مانند ارشیدوک نشین
اطریش، دوک نشینهای استوری — کارنت و کارنیول
مملکت بهم دهنگری مرکب بوده و بعدها در ۱۶۹۹ مطابق
بعهدنامهٔ کارلوویتز قسمت اعظم هنگری و ترانسیلوانی
منضم بمتصرفات خانوادهٔ هابسبورگ گردیده بالآخره در ۱۷۱۴
بموجب معاهدهٔ رأستاد میلان و ناپل و ساردنی و سپ بارا
ملحق گردیدند. تصرف هنگری و ترانسیلوانی که از قرن شانزدهم
بدست ترکها بود یکی از وقایع مهمهٔ تاریخ جدید است زیرا از حملات ترکها

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 380 of 496

در اروپا جلوگیری کرده ایشان را در شبه جزیرهٔ بالکان محدود ساخته
و اوّلین قدم شروع تنزّل سیاسی عثمانی در اروپا میباشد.
این مستملکات در زمان سلطنت شارل ششم یعنی بین سنوات
۱۷۱۵ تا ۱۷۴۰ تغییرات عظیمه بخود دیده در ایطالیا خانوادهٔ
هابسبورگ ساروئی را باسیل معاوضه بالآخره سیسیل
و ناپل هردو را از دست داده و در عوض دوک نشین پارم را در نزدیکی میلان مالک شدند
در هنگری ترک ها را بجنوب رود دانوب رانده مطابق معاهدهٔ پوجاروات اراضی
تمیسوار قسمتی از والاشی و صربی را تصرّف می نمایند. ولی بالآخره
این متصرّفات جدیده در ۱۷۳۹ از تحت تسلّط خانوادهٔ اطریش خارج میگردد
بعد ازین تغییرات متصرّفات خانوادهٔ هابسبورگ بششصد هزار کیلومتر مربع
رسیده. جمعیت آن به هشتاد میلیون بالغ گردیده بود. این متصرّفات
وسیعه تقریباً عرض وطول اروپا را از یاد کاله تا جلگهٔ روس
و از جلگهٔ آلمان تا جلگهٔ پو فرا گرفته و از هر نژاد و هر ملّت در آن مسکن داشتند
هریک از قسمت های این متصرّفات کرسی نشین و حکومت مجلس
علیحده داشته در ادارهٔ امور داخلی آزاد فقط رئیس مملکت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 381 of 496

وسلطان ایشان واحد بود. هنگری قوانین اساسی مخصوصه
و پارلمانی را دارا بوده که بدون تصویب این مجلس احکام صادره
از مرکز امپراطوری اجرائی گردید. حتی یکی از مواد قانون اساسی که
بمادهٔ طلائی معروف است به مردمان هنگری حق میداد درصورتیکه
امپراطور نظامات داخلی ایشان را مخالفت کند بر علیه او
سلاح گرفته به جنگ پردازند.

متصرفات خانوادهٔ اطریش عبارت عثمانی - پولنی - پروس - ساکس -
باویر - سویس - فرانسه - هلند ساده و جمهوری و نیز محدود بوده البته این سرحدات
طویله و ممالک مختلفه ممکن بود مخاطرات عظیمه برای این مملکت تولید نماید.
پس رویهٔ احتیاط این بود که خانوادهٔ هابسبورک کاملاً وسائل
دفاع را مهیا داشته قوای نظامی خویش را کامل و وحدت
سیاسی مملکت را تکمیل کنند.

شارل ششم - (۱۷۱۱ - ۱۷۴۰) بعد از برادرش ژوزف اول
در اطریش بسلطنت رسیده مالک متصرفات وسیعه خانوادهٔ
هابسبورک میگردد. این پادشاه ضعیف النفس پروگرام سیاسی را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 382 of 496

که موقعیت طبیعی ممالک مختلفهٔ اطریش باو حکم میکرد پس پشت
انداخته کوششی در اجرای آن ظاهر نساخت. محبت زیادی
خود ماری ترزا داشته و تمام مساعی و سیاست او مصروف
این بود که مشارٌ الیها را جای نشین خود نماید. چون این تصمیم با وصیتی که لئوپلد
نموده و شارل باحترام و اجرای آن قسم یاد کرده بود مخالفت داشت
حکمی که در تاریخ معروف به پرگماتیک سانکسیون است صادر و مجدداً
در اجرا و اعمال آن کمر بست برای این مقصود اولاً برادرزاده های خود
ماری ژوزف و ماری آملی دختران ژوزف اول را که مطابق وصیت نامه
لئوپلد حق وراثت شارل را داشتند مجبور ساخت تا حکم مزبور را
قبول در سمام رعایت آن قسم یاد نمایند. موقعی که مشارٌ الیها
با بعضی از شاهزادگان آلمان مزاوجت می نمایند شارل شوهرهایشان را نیز
بهمین قسم متعهد گردانیده برای استحکام کار دختر خود فرمان صادره را
با مضای ممالک مختلفهٔ اطریش میرساند تنها مملکت هنگری برای قبول
آن بعضی استیازات از شارل خواسته شارل هم سرفرود آورده
رضایت میدهد. بالآخره [illegible] خواهد دول اروپا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 383 of 496

نیز وراثت سلطنت ماری ترزرا تصدیق نمایند لهذا مدت ده سال
درین راه زحمت کشیده عاقبت متدرجاً تصدیق آنرا از دول مختلفه میگیرد.
ولی این اقدام برای اطریش خیلی گران تمام شده مجبور به تعهد آتی
در مقابل اگوست سوم امیر ساکس و پادشاه روسیه گردید که نتیجه
آن جنگ با فرانسه و اسپانی راجع بوراثت پولنی و جنگ
با ترک ها می باشد .
جنگ اول با عهدنامه وین خاتمه پذیرفته ناپل و سیسیل از تصرف خانواده
هابسبورگ بیرون می رود .
جنگ ثانی را در ۱۷۳۹ عهدنامه بلگراد تمام کرده دولت اطریش
والاشی وصربی را از دست میدهد . بهرحال در نتیجه این جنگها
دولت اطریش دچار مشکلات اقتصادی و نظامی بزرگی شده
وحقیقةً دچار ضعف میگردد .
شارل در موقع مرگ فقط تعهد نامه هائی برای ماری ترز به ارث گذارده
بود لیکن برای اینکه امضا کنندگان مجبور به احترام تعهد خویش
گردند دولت اطریش هیچ سرمایه مادی نداشته در سراسر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 384 of 496

امپراطوری وسیع هشتاد هزار سرباز و در خزانه سیصد هزار فرانک موجود بود .

مادری ترز - موقعی که ماری ترز بسلطنت میرسد تقریباً سلطنت اطریش رو به اضمحلال بود دول پروس باویر - ساکس - فرانسه و اسپانی بر علیهٔ آن اتحاد کرده و جنگی که هشت سال طول می کشد شروع میگردد .

معهذا بواسطهٔ کفایت و کاردانی ماری ترز دولت اطریش فقط ایالت سیلزی را از دست داده و سایر متصرفات خانوادهٔ هابسبورگ بواسطهٔ دلبستگی زیادی که بملکهٔ خود داشتند از تعرض دشمنان مصون می مانند .

پس از ختم این سلسله منازعات و از دست دادن سیلزی ماری ترز فوراً بخیال تلافی افتاده مشغول اصلاحات داخلی شده مالیه و نظام را منظم و عدهٔ قشون حاضر خویش را به دویست هزار رسانید دولت اطریش را یک مرکزیت اداری داده و از این جا وحدت سیاسی مملکتش را شروع می نماید برای رسیدگی و تشخیص بودجه های ممالک مختلفه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 385 of 496

دیوان محاسباتی در شهر وین دائر و برای نظارت در امور اداری هر یک
از متصرفات خانوادهٔ خود اداره موسوم به اداره امور داخلی تاسیس
و مامورینی برای انجام این امر مامور هر نقطه می کند .

واز همه مهمتر مجموعه قوانین در سال ۱۷۷۶ ترتیب و با این اقدام
مایهٔ وحدت قضائی مملکت را گذارد . باید دانست که اصلاحات
ماری تررز بر روی اساس سابقه نبوده بلکه تمام مطابق با مقتضیات
مملکتی بوده و در مدت چهل سال با نهایت عقل و برد باری انجام
شده است .

ژوزف دوم — در سن سی و نه سالگی تاج امپراطوری اطریش را
بسر میگذارد هر چند رسماً در سال ۱۷۶۵ مادرش او را نایب السلطنه
معرفی کرده بود اما بهیچ وجه دخالت در کلیه امور مملکتی نداشته
بلکه تنها قشون را اداره میکرد . این امپراطور در امور سیاسی
اهمیت فوق العاده داشته چنانکه او بود که ماری تررز را در ۱۷۷۲
مصمم به شرکت با فردریک دوم و کاترین دوم ساخته و تقسیم
پولنی را ممکن گردانید .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 386 of 496

ژرف دوم نهایت فعال و ساده بوده و در سادگی زندگانی راه افراط
می پیمود غالباً او را در خارج قصر سلطنتی از یک فرد عادی تشخیص نمی دادند
باوجود این وظیفهٔ مملکت داری را بخوبی فهمیده مانند مادرش عزم و ثباتی
بی نهایت داشته ده سال از سلطنت خویش را صرف وقف اصلاحات
لازمهٔ مملکتی گردانیده بواسطهٔ توجه مخصوصی که شخصاً به فلسفه داشته میخواست
که فلسفه و عقل اساس تمام امور سیاسی و قانونی مملکتش باشد این همان نقشه
و عقیده است که ده سال بعد مجلس مؤسسان فرانسه در زمان
انقلاب کبیر پیش گرفت. اصلاحات ژرف دوم به سه شعبه تقسیم
می شود که هریک را جداگانه مطالعه میکنیم :—

۱- اصلاحات اجتماعی — اصول ملوک الطوایفی هنوز در اطریش
باقی بوده و رعایا جزء لاینفک اراضی شمرده می شدند. این پادشاه یک ماه و نیم
بعد از جلوس خود بنام عقل و انسانیت این ترتیب را موقوف و رعایا را
آزاد میکند. مقداری اراضی بین رعایا تقسیم و تساوی عمومی را در مقابل
قانون و مالیات اعلان می نماید این اقدام بقول فردریک دوم: ژرف نظر
طبع خود را اجرا و حرارت مملکت را اصلاح و آباد گردانید

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 387 of 496

اصلاحات سیاسی - اساس اصلاحات سیاسی

ژرف دوم این بود که وحدت سیاسی ممالک مختلفه اطریش را مستقر

و مانند فرانسه اقتدارات مطلقهٔ سلطنتی را مستحکم گرداند. خود می نویسد که

ممالک متصرفهٔ من در حکم مملکت واحدی است که من در رأس آن قرار گرفته ام

لهذا میخواست که تخت و تاجهای ممالک مختلفه و پای تخت ایشان از بین رفته

و تاج منحصر با و پای تخت شهر وین باشد چنانکه قصر سلطنتی بر اک پای تخت بهم را

مبدل بمرکزی برای سوارهٔ نظام خود کرده و از بودا پست پای تخت هنگری

اثاثیهٔ سلطنتی آن مملکت را به وین آورد .

ژرف دوم چون دید که اکثریت ساکنین ممالک متصرفه اش المانی نژاد

هستند خواست تا اختلافات نژادی و زبانی را زیر پای کرده و مملکتش را

مملکتی المانی گرداند لهذا زبان المانی را زبان رسمی امپراطوری قبول

و تمام مجارها و کروات و صربها و ایطالیائیها را مجبور باطاعت از آن

آن می نماید. در مقابل اعتراض مجارها جواب میدهد که هر پیش نهادی

باید متکی بدلائل عقلی باشد اگر مملکت هنگری مهمترین قسمتهای امپراطوری

بدون هیچ تردیدی زبان آنرا بدیگران تحمیل میکردم »

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 388 of 496

ژرف دوم دیت ها یا مجالس ملی ممالک مختلفه را بکلی منحل و تقسیمات اداری
جدیدی بروی کار آورد تمام ادارات محلی را موقوف و اقتدارات ایشان
بمأمورین مخصوصی که خود بهر نقطه میفرستاده منتقل می نماید .

اصلاحات مذهبی ـ نظریات فلسفی ژرف دوم اجازه نمیداد که
تضییقاتی در عقاید مذهبی مردم و اجرای مراسم دینی ایشان شود
لهذا در ۲۰ اکتبر ۱۷۸۱ یعنی کمتر از یک سال بعد از جلوسش با این که
شخصاً کاتولیک خالص العقیده بود فرمان اغماض را صادر کرد. مطابق
فرمان مزبور تمام پیروان مذاهب مختلفه در اجرای اعمال مذهبی خود آزاد بوده
دسترس به تمام مشاغل و مناصب حکومتی را پیدا کردند .

مهم ترین قسمت نظریات مذهبی ژرف دوم این بود که میخواست روحانیت
هم مطیع مقام سلطنت شده و مانند کلیسای انگلیس او نیز در اطریش کلیسای
اطریشی تاسیس نماید که در اصول عقاید مطیع فرمان پاپ و لے افراد آن
در فرمان پادشاه و فرمان بردار ارادهٔ او باشند .

این اقدامات دوسالهٔ ژرف موجب اضطراب پاپ شد در فوریه ۱۷۸۲
بوین می آید تا شاید بعضی تعدیلات در نظریهٔ امپراطور نموده قدرت خویش را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 389 of 496

مستقر گرداند. ژرف دوم پاپ را با نهایت احترام و تجلیل پذیرائی کرده لیکن هیچ یک از تقاضاهای او را نپذیرفت.

باید دانست که برای اصلاحات ژرف چون هنوز زمینهٔ افکار عمومی در اطریش حاضر نبوده چندان مؤثر واقع نشده بلکه تولید مشکلات و حتی مقاومتهائی نیز نمود که مهمترین آنها مخالفت هنگری و هیجان و قیام پی بامی باشد. هنگری با که راضی به قول و زبان و عادات و رسوم المانی نبوده و از فقدان اقتدارات داخلی خویش نیز دل خوشی نداشتند موقعی که ژرف با دولت عثمانی مشغول جنگ بود موقع را مغتنم شمرده از دادن سرباز و آذوقه امتناع ورزیدند. امپراطور مجبوراً از اجرای فرامین اصلاحیهٔ خود در آن مملکت دست کشیده تاج شاهی هنگری را پیش او پست پس فرستاد.

هیجان و قیام پی با (۱۷۸۹) برای این بود که اصلاحات مذهبی و اداری و مالی امپراطور را قبول نداشته و شدت مخالفت ایشان تا بجائی رسید که در ۱۷۹۰ موقع مرگ ژرف دوم بلژیکیها اعلان استقلال خویش را دادند.

نتایج اصلاحات — هدف دوم وصیت میکند که روی قرار این عبارت را تقرر کنند :—

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 390 of 496

«اینجاست مدفن سلطانی که تمام مقاصد و نیاتش مبنی بر خیرخواهی
ملتش بوده ولی بدبختانه به هیچ یک از آمال خود نرسیده است»
باید گفت که ژرف دوم در این کلام قدری راه اغراق پیموده زیرا اگر نقشه
و نظریه او در هنگری و پی با مقصود نرسید ولی در ممالک ارثی خانوادهٔ
هابسبورگ که دولت اطریش را تشکیل میداده و تا ۱۸۱۸ دوام داشت
نتایج خوبی بخشیده است از برکت مساعی ماری ترز و ژرف دوم
ممالک مختلفهٔ آلمان در حکم یک مملکت درآمده با وجود بعضی مقاومتهای مختصر
دارای وحدت سیاسی شدند. بعلاوه اصلاحات مالیاتی و اقتصادی
این پادشاه عائدات مملکتی را که پیش از سیصد میلیون فرانک امروزه
نبود به یکهزار و دویست میلیون رسانید. قشونی منظم و مرتب داری
وسائل کامل جنگی تشکیل گردید. همین قوت مالی و نظامی اطریش بود
که دو سال بعد توانست آن را در مقابل سیل انقلاب کبیر فرانسه
حفظ و نگاه بانی نماید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 391 of 496

فصل هجدهم

دولت روسیه

پطر کبیر - کاترین دوم

بعد از تشکیل دولت پروس برجسته ترین وقایع تاریخ
اروپای مشرقی در قرن هجدهم پیدایش دولت روس است
این دولت کوچک اسپانی درین قرن جزء دول معظمه اروپا
بشمار می آید عامل بزرگ این تغیرات و تکامل دو نفر بوده اند یکی پطر کبیر
که اقتدارات سوئد را درهم شکسته متصرفات روسیه را تا بحر
بالتیک توسعه میدهد و دیگری کاترین دوم که قسمت بزرگی
از پولنی را تصرف میکند خصوصاً پطر کبیر در ترقیات آتی مملکتش
اهمیت بسیاری دارد زیرا در عین اینکه سیاست روسیه را
داخل حوزه اروپائی نموده در داخل نیز اخلاق و عادات ملت را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 392 of 496

اصلاح وایشان را مجبور بقبول تمدن اروپائی می سازد .

وضعیت روسیه در قرن هفدهم — در قرن هفدهم روسیه بنام پای تخت خود شهر مسکو معروف بحکومت مسکو بود وحقیقةً علمای جغرافیای آن دوره تردید داشتند که آیا این دولت جزئی از آسیا و یا قسمتی از اروپا بدانند . بهرحال حدود این مملکت بقرار ذیل بوده است :

از طرف شمال غربی و مغرب سوئد و پولنی که اولی سواحل بالتیک را در دست داشته و دومی حدود متصرفاتش تا رود نیپر و دوینا تا نزدیکی اسمولنسک میرسید . از جانب جنوب بخاک ترکیه که سواحل بحر اسود را مالک بود و بالاخره از طرف شمال با اقیانوس منجمد شمالی که تقریباً هشت ماه از سال از یخ پوشیده بود .

بهرحال تنها راه مراوده حکومت مسکوی با دول اروپائی همین راه شمالی بوده زیرا جهات دیگر آن را دول سوئد - پولنی وترکیه محدود ساخته بودند .

دولت مسکو که در قرون متمادیه مجاورت و اختلاط با طل زرد نژاد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 393 of 496

آسیائی خصوصاً تاتار و مغولها داشته وحتی مدتی نیز خراجگذار ایشان بوده اند. اخلاق و عادات شرقی را گرفته و ازین حیث با یک دولت شرقی تفاوت چندانی نداشتند لیکن نژاد ایشان (اسلاو - چک - صرب) و مذهب ایشان (ارتودکس یونانی) این ملت را بیشتر به ملل اروپائی نزدیک میگردانید.

تشکیلات روسیه - دولت روسیه تقریباً همان تشکیلات سیاسی چین را داشته تزار یا سلطان مملکت مانند امپراطور چین پدر و در واقع معبود ملت خویش بوده است. رعایای روسیه احکام تزار را مثل احکام مقدسه الهی واجب الاطاعه میدانستند و بهمین جهة اقتدارات سلاطین روسیه نامحدود و جان و مال رعایای خویش را بدست داشتند.

ایوان مخوف تا از قرن شانزدهم روسیه هزاران افراد ملت خود را تنها بهمان عنوان حاکمیت بقتل رسانیده و هیچ کس حتی تصور عدم مشروعیت عملیات او را نمی کرد.

از قرن شانزدهم در روسیه قشونی دائمی شبیه به ینی چری های ترکیه ترتیب

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 394 of 496

داده شده . افراد این قشون مادام الحیوة داخل خدمت
نظامی بوده و زندگانی خویشرا از اطاکی که تزار بایشان میداد
و یا از سر مشاغل دیگری که در موقع فراغت از خدمت می توانستند
اختیار کنند اداره می نمودند .

جامعهٔ روسیه درین قرن از دو طبقه مرکب بوده یکی نجبا یا بیاردها
دیگری دهاقین یا موژیک .

مالکیت اراضی با نجبا و با اخلاق سخت و خشن و تنبلی که داشتند
از حاصل دسترنج دهاقین زندگی میکردند . دهاقین وابسته بزمین
و مانند رعایای قرون وسطی آلت مطیع و محکومی در دست
مالکین اراضی بودند .

روحانیون در روسیه طبقهٔ مخصوصی را تشکیل نداده عموماً متعصب
و از حیث جهل و نادانی مزیتی بر سایر مردم نداشتند طبقهٔ اواسط الناس اصلاً
وجود نداشت .

تجارت مملکت بدست یهودیها بوده وضعیت روسیه را عذاره پایان مهاجر
اداره مینمودند . این مهاجرین همانطوریکه امروزه برای کسب معیشت و جلب ثروت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 395 of 496

بمملکت جدید التاسیس میرفتند در آنموقع نیز بسکونت رفته و منافع عمدهٔ ملکتی را در دست داشتند. برای سکونت خود محلهٔ مخصوصی را اختیار میکردند. تمدن و عادات و رسوم روسها اساس و بنیان تمدن روسها تمدن بیزانتن بوده و آثار آن در صنایع ظریفه و غیره و خصوصاً کلیساهای قرن ۱۶ روسیه بخوبی مشهود است تمدن این است که صنعتگران روسی تقلید صرف از استادان قسطنطنیه نموده باشند بلکه پارهٔ تصرفات در آثار ایشان کرده و اختلافات بسیاری در بین آنها ملاحظه میشود. عادات و رسوم روسها کاملاً شرقی بوده مانند شرقیان لباس بلندی پوشیده زنها در خانه‌ها بسر برده و در مجامع شرکت نمی‌کردند. عمر زنها به بطالت و بیکاری می‌گذشته و در موقع خروج از خانه مانند زنان مسلمانان دارای حجاب بودند مردها نسبت به جنس لطیف تسلط فوق العاده داشته و بانهایت خشونت با ایشان رفتار میکردند گذشته ازان که دختر در انتخاب شوهر خویش هیچ دخالتی نداشت حتی تا شب عروسی از هویت او نیز بی اطلاع بود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 396 of 496

توده تمت خشن وسیع و افراط در شرب مسکرات از معایب ملی مسکوی با شمار می آمد .

رُماتوف ها - در اوائل قرن هفدهم یعنی در سال ۱۶۱۳ تاج و تخت سلطنت مسکو به میشل رُماتوف مؤسس این سلسله منتقل میگردد. این پادشاه مؤسس خانواده بوده که تا ۱۹۱۷ در روسیه حکمفرمائی کرده است پسر و نواده میشل توجهی بجانب اروپا پیدا نموده و در صدد افتادند که روابط تجارتی با دول عمده داشته باشند لهذا مأمورینی بدربارهای اروپا فرستاده و فرستادگان اروپائی در مسکو جای گزین می شوند .

طفولیت پطر کبیر - در سال ۱۶۸۲ تاج سلطنت رماتوف ها زیب فرق پطر اول نواده میشل رماتوف طفل ده ساله که بعدها به پطر کبیر معروف می شود میگردد. تا موقع بلوغ خواهر بزرگش سوفی نیابت سلطنت او را داشته است در روسیه عادت چنین بود که شاهزادگان خانواده سلطنتی در داخل قصر سلطنتی تربیت شده و با دربار هیچ رابطه نداشتند از خوشبختی پطر کبیر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 397 of 496

خواهرش بقدری سرگرم اقدارات خویش بوده که توجهی
بسلطان حقیقی روسیه نکرده اورا از شهر مسکو خارج و مشارالیهم
در محلهٔ نزدیک اقامت اروپائیان منزل می گیرد .
دریغا با چند نفر از حادثه جویان اروپائی مانند لفور، ژنوی - گوردن -
اکس - تیمرمان و برانت هلندی و عدهٔ دیگری ازین قبیل اشخاص
آشنا شده ایشان هم بامید آتیه با پادشاه آیندهٔ روس
طرح دوستی ریخته روابط خویش را محکم میگردانند .
بواسطهٔ شوق مفرطی که به موضوعات نظامی داشت بکمک رفقای
اروپائی خویش دستهٔ قشونی از اطفال هم سن خود تربیت مشق
و تنظیمات اروپائی بایشان داده و باسلاح مکمل مسلحشان ساخت.
پطر دسته قشون جوان خود را همیشه بتعلیمات نظامی مشغول
میکرده قلعه های کوچکی ترتیب بآن ها حمله و از آنها دفاع می نمود
و درضمن خود در فنون حربی عملاً ورزیده می شد . درهمین جنگهای
طفلانه غالباً عدهٔ مجروح و بلکه مقتول میگردید .
سوفی تمام عملیات خود را بنظر لاقیدی دیده و خوش بود که ولیعهد بخود مشغول است.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 398 of 496

بالآخره پطر ملتفت شد که خواهرش هوای سلطنت مستقل و دائمی
در سر می پروراند و میخواهد که او را از تاج و تخت موروثی محروم نماید.
لهذا بکمک همان دسته قشون خود سوفی را در صومعه محبوس
و زمام حکومت را بدست میگیرد .

درین وقت پطر هفده سالم داشته و معاصرین او در انگلیس گیوم دراژ
و در فرانسه لوئی چهاردهم بوده اند .

مقاصد و نیات پطر کبیر — روابط ایام طفولیت پطر
با اردپاییان و افکاری که باو تزریق شده بود اثرات خود را در حیوة
آتیهٔ او بخشیده و حقیقةً تمام مدت سلطنتش صرف اجرای خیالات
و افکار مزبوره شده است .

رفقای اروپائی پطر نه فقط پادشاه جوان را بعلمیات نظامی آشنا
ساختند بلکه مقدمات علوم مختلفه را نیز باو آموختند . و دریچه از تمدن غربی
در مقابل چشمش باز کرده بودند پطر موقعی که بسلطنت میرسد میخواهد
ملت خود را به تمدن اروپائی در آورده و انصافاً که باین منظور نیز کامیاب
میگردد — مانع بزرگی که درین راه داشته این بود که خاک روسیه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 399 of 496

بار اضی پولنی سوئد و ترکیه محدود نمی توانست که ارتباط مستقیمی با اروپا
داشته باشد — پطر کبیر برفع این مانع تصمیم نموده و بگفتهٔ خود دریچه
بجانب اروپا باز میکند. بطور خلاصه نقشهٔ پطر این بود که اولاً تمدن
جدید را در روسیه داخل و ثانیاً حیوهٔ خارجی آنرا بتحصیل راه مستقیم
باروپا تامین نماید سی و شش سال طول سلطنتش را (۱۶۸۹-۱۷۲۵)
وقف اجرای همین نقشه کرده است .

جنگ با ترکها - اولین فکر و کوشش پطر برای تحصیل واسطهٔ مراوده مستقیمی
با اروپا شد . برای این مقصود لازم بود بندری در یک دریای اروپائی داشته
باشد یا در بحر بالتیک و یا در بحر سیاه - داشتن بندری در بحر بالتیک
مستلزم جنگ با سوئد و تحصیل بندری در بحر سیاه جنگ
با عثمانی را ایجاب میکرد .

پطر از دو نقطهٔ نظر جنگ با عثمانی را مساعدتر دانسته ترجیح داد اولاً اینکه
عثمانی دچار جنگ با اطریش بوده و نمیتوانست تمام قوای خود را
در مقابل پطر حاضر کند . دوم تعصب و کینهٔ بود که ملت روس
نسبت بمسلمانان داشته و همیشه در صدد بودند که قسطنطنیه را تصرف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 400 of 496

پس پطر کبیری توانست با اینصورت از اتکار افراد ملت خود اطمینان
داشته و در ضمن یک جنگ مذهبی منویات سیاسی خویش را
حاصل کند .

پس حمله بدولت عثمانی کرده بندر آزوف را در مصب رود دُن محاصره چون
حملاتش از راه خشکی موثر نمی شود قوای بحری مختصری تجهیز و از راه
دریا حمله مینماید درین بار فتح نصیب پطر شده و انعکاس شدیدی
در اروپا می اندازد درین جنگ پادشاه جوان روسیه مانند
یک توپچی ساده در توپخانهٔ خود تیراندازی میکرد .

جنگ بر علیهٔ سوئد - باوجود اهمیتی که روسیه پس از
تصرف آزوف پیدا کرد معهذا معناً تصاحب این بندر چندان برای تحقیق
نظریات پطر مفید نبوده زیرا تمام سواحل بحر اسود و قسطنطنیه بدست
ترکها و مدخل آزادی بدریا باز نبود .

اما بر عکس دریای بالتیک دریائی بین المللی و تنها نقطه بود که می توانست
بانقشهٔ پطر موافقت نماید لهذا چهار سال بعد از تصرف آزوف بجانب
سواحل بالتیک و سوئد متوجه می شود این جنگ از ۱۷۰۰ تا ۱۷۲۱

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 401 of 496

یعنی مدت بیست دیکسال دوام کرده است. دولت سوئد در قرن هفدهم
نقشهٔ سیاسی کوستاوآدلف را تحقیق داده و با تصرف
سواحل دریاے بالتیک تقریباً این بحر در یاچهٔ داخلی سوئد گردید. و
درین قرن در ساحل شرقی فنلاند - انگزی - و کارلی را از
حکومت مسکو - لیونی و استونی را از دولت پولنی منتزع نموده
در ساحل جنوبی مصب رود اُدر را با استرالسوند و پمرانی غربی
مالک و بالآخره در منتهاالیه جنوبی شبه جزیرهٔ اسکاندنیا و عدو
جزائری را که مدخل اقیانوس اطلس میباشند از دولت دانمارک گرفته بود.
یقین است که صاحبان حقیقی این اراضی دشمنان طبیعی مملکت سوئد گردیده
همیشه خیال تلافی و انتقام را در سری پرورانیدند در اواخر قرن هفدهم
موقعی سلطنت سوئد بشارل دوازدهم طفل هفده ساله رسید
دول مزبوره موقع را مساعد دانسته پطر کبیر - اوگوست دوم پادشاه پولنی
منتخب ساکس و پادشاه دانمارک اتحادی تشکیل و در ۱۷۰۰
باب مخاصمه را باز کردند - پطر داخل لیونی شده نارو را بزیر محاصره گرفت
اتفاقاً سلطان هفده ساله سوئد شخص عادی نبوده و از نابغه های جنگ بشمار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 402 of 496

ی آمد. با سرعت عملیات خود دشمنان خویش را مستأصل گردانیده
در ماه او ۱۷۰۰ پادشاه دانمارک را مجبور بصلح گردانیده در نوامبر
همان سال بجانب ناروا توجه و با کمتر از نه هزار سوئدی چهل هزار قشون
غیر مرتب روس را منهزم ساخت.

شارل دوازدهم اگر پس ازین فتح پطر را تعقیب میکرد یقیناً کار او تمام بود
اما یک خبط نظامی و سیاسی او باعث نجات روسیه و بدبختیهای
آیندهٔ شارل گردید. بدین تفصیل که پادشاه سوئد بعد از شکست پطر
بهمین اندازه قناعت کرده خود را شش سال مشغول به اوگوست دوم
گردانید. در نیمدت پطر موقع را از دست نداده متوالیاً انگرمانی
لیونی و استونی را اشغال و حتی در سنه ۱۷۰۳ در کنار رود نوا اساس
شهر سن پطرزبورگ پای تخت جدید خویش و کرنستاد
قلعه نظامی آنرا گذارد. ضمناً در قشون خود نیز اصلاحات لازمه نموده
ناقوس های کلیسا ها را ذوب و از ان توپ ها ریخته بالآخره خود را برای رفتن
بر شارل حمله نماید حاضر و آماده ساخت.

حملهٔ بروسیه - پولتاوا - همان طور یکه پطر کبیر حدس زده و منتظر بود سال

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 403 of 496

دوازدهم در ۱۷۰۸ با ۳۹ هزار قشون وارد خاک روسیه شد.
در ابتدای جنگ پطر تکلیف صلح بشارل می نماید اما پادشاه مغرور
سوئد جواب میدهد که در مسکو مذاکرات صلح را خواهیم کرد. لهذا همان رویه
که اعقاب پطر در سنه ۱۸۱۲ نسبت به ناپلیون کبیر پیش گرفتند بنظر او
رسید عقب نشینی اختیار و دشمن را بداخل مملکت می کشاند. تا فقط
از سرما و نداشتن آذوقه و سیورسات او را تلف نماید. شارل
پس از ورود بخاک روسیه ملتفت خطای خود شده و علاوه برین بجای
اینکه مستقیماً بسوی مسکو حرکت کند با میدتولید انقلابی در جنوب
بطرف اوکرانی رفته ماز یا رئیس اهل قزاق نیز نتوانست بیش از سه هزار
سوار برای او تدارک کند. از همه بدتر سرمای مخوف و مشهور ۱۹۰۷
نیز رسیده و تقریباً تمام قشون شارل را تلف می نماید.
معهذا شارل مأیوس نشده در ۱۷۰۹ قلعه پولتاوا را محاصره میکنند
پطر کبیر با پنجاه هزار قشون و هفتاد و دو عراده توپ خود را بشتاب
رسانیده سپاه شارل را پس از جنگ سختی بکلی منهزم می نماید پادشاه سوئد
برای نجات خود مجبوراً بخاک عثمانی پناه برده مدت پنج سال

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 404 of 496

از ۱۷۰۹ تا ۱۷۱۴ در بندر اقامت میکند .

فتح پولتاوا یکی از فتوحاتی است که نتایج بزرگ داشته بدین معنی قدرت دولت معظم مانند سوئد یکمرتبه مضمحل گردیده و یک دولت نیمه آسیائی اولین مقام را در اروپای شمالی حائز میگردد پس اگر بگوئیم که جنگ پولتاوا صفحهٔ جدیدی را در تاریخ عمومی باز کرده اغراق نگفته ایم .

اختتام جنگ سوئد - چیزی نمانده بود که در یک روز ثمرهٔ این فتح نمایان از بین برود . ترک ها بتحریک شارل دوازدهم اعلان جنگ به روسیه دادند . پطر حالت تعرضی گرفته تا شهر پروت پیش میرود در آنجا قوای عظیمهٔ ترک قشون پطر را محاصره کرده نزدیک بود که پادشاه روسیه شخصاً گرفتار شود تا کاترین عیال او تمام جواهرات خود و اشیاء نفیسه که در قشون یافت می شد جمع آوری و بعنوان هدیه برای صدر اعظم عثمانی فرمانده قشون فرستاد . مشارالیه هدایای مزبوره را قبول و پادشاه روسیه و سپاهش راه عبور میدهد فقط در مقابل این فتح مهم بندر آزوف را مجدداً تصرف می نماید .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 405 of 496

پطر پس از خلاصی ازین مخاطره تمام همّ خود را متوجه بالتیک می سازد. جز آلات
اشغال و فتوحات سواحل را تکمیل میکند در ضمن این احوال اگوست ساکس پادشاه
مخلوع پولنی وارد مملکت خود شده اسیا نسیلاس لکزینسکی دست نشانده
شارل را خارج میکند. پادشاه دانمارک تدارک حمله به سوئد را دیده و سلطان پرس
ایرانی غربی را تصرف و در حقیقت دست بکلی از سواحل خارجی بالتیک کوتاه میگردد.
شارل دوازدهم در ۱۷۱۴ به سوئد مراجعت کرده ابداً بخیال استرداد اراضی خود
از پطر نمی افتد بلکه میخواهد که زودتر از دانمارک بگیرد تا عمرش برای انجام این مقصود
نیز وفا ننموده در محاصره فردریک شارل بقتل میرسد .

با وجود این سوئد بهار اضی بصلح نشده تنها موقعی که قشون بحری روس وارد استکهلم
می شود این دولت مجبوراً با پطر کبیر بموجب عهدنامه نیستاد
صلح کرده ایالات لیونی - استونی - انگرمی - کارلی و قسمتی
از فنلاند را رسماً به روسیه واگذار می نماید .

در نتیجه این منازعات پطر کبیر که دریچه بارو پا میخواست مالک شد حاصل گردید
که طول آن از چندین صد کیلومتر متجاوز بود .

مسافرتهای پطر - پطر کبیر برای اینکه شخصاً وضعیات و ترقیات اروپا

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 406 of 496

زیردقت آورد چندماه بعد از تصرف آزو بجانب اروپا حرکت وبطور ناشناسی
بدتنها در المان و هلند و انگلیس سیاحت نموده به شهر وین رفته بمملکت خود
مراجعت میکند درین مسافرت خود پطر کبیر خدمات بزرگی بمملکتش نموده مطالعاتی
از عمیق در تمدن اروپائی داشته و شخصاً به فنون مختلفه دست زده و از هریک
بهره گرفته است عدهٔ صاحبان صنعت و صاحب منصبان نظامی را اجیر و باخود
بروسیه برده است، در ۱۷۱۷ پطر سفر دیگری تنها بصورت رسمی
باروپا نموده معاهدهٔ تجارتی بین او و حکومت فرانسه بامضاء میرسد
درین سفر نیز بیکار نمانده بوسائل ممکنه در جلب تمدن اروپائی کوشیده است.

اصلاحات پطر کبیر :— اصلاحات مهمی که پطر کبیر در داخلهٔ مملکت
خود نموده بسه دسته عمده تقسیم می شود :—

۱— اصلاحات اخلاقی — کلام خود پطر است که گفته « میخواهم
این گلهٔ حیوانات را با خلاق در زندگانی انسانی آشنا کنم »
درین مقصود پادشاه روسیه با خدمات فوق العاده باصلاح عادات
و اخلاق قدیمهٔ قوم خشن روس پرداخته حتی با اقدامات خیلی سخت نیز
اقدام کرده است، مأمورین مخصوصی بشهرهای بزرگ روسیه فرستاده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 407 of 496

تا ریش و لباس بلند و اردین را کوتاه کنند حجاب زنها را منع کرده
حکم نمود تا ایشان نیز در اجتماعات حضور بهم رسانیده شریک شوند.
درین راه معاونین پطر کبیر اسرای سوئدی بودند که در مجلس های
روسیه بسر می بردند مشارٌ الیهم طرز زندگانی و عادات و رسوم
اروپائی را بمردم روسیه می آموختند .

۲ - اصلاحات اقتصادی - زراعت و صنعت و استخراج
معادن و تأسیس کارخانجات و حرفه ها را تشویق و بعبارة اخری
بعالم اقتصاد روسیه حیوة جدیدی بخشود .

۳ - اصلاحات اداری و مذهبی - این رشته اصلاحات پطر کبیر
از همه مهم تر و بطوریکه میتوان حدسی زد برای این بوده که روسیه نیز
مانند سائر دول اروپائی دارای ادارات مرتب و تشکیلات منظم شود.
مساعی پطر کبیر درین راه بسیار قابل تمجید و بعضی از تأسیسات او
تا زمان انقراض خانوادهٔ رُمانوف (۱۹۱۷) نیز در روسیه مشاهده
می شد . مهم ترین اصلاحات پطر کبیر بقرار ذیل است :-
اولاً ادارهٔ حکومت مرکزی - که مرکب از یک مجلس سنا و ده مؤسسه شبیه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 408 of 496

بوزارت خانه های امروزه بوده است مجلس سنا که مقام دائمیت شورای دولتی را داشته طرحهای مفیده ترتیب و بمقام سلطنت تقدیم می نموده و در غیاب پادشاه زمام امور حکومت را بدست میگرفت .

ثانیاً حکومت ایالات ـ پطر کبیر تمام مملکت خویش را بدوازده ایالت تقسیم و برای هریک حکامی میفرستاد و ایالات نیز بنوبه خود بولایاتی تقسیم گردیده بودند مأمورین ایالات کاملا مطیع مرکز و مجری دستورات آن بودند .

ثالثاً ادارهٔ امور مذهبی ـ سابقاً ریاست مذهبی روسیه با شخصی بود که از جانب روحانیون مملکت انتخاب می شد پطر کبیر این ترتیب را موقوف و ادارهٔ معظمی برای امور مذهبی تأسیس و از طرف خود نمایندهٔ بعنوان مدعی العموم در آن برگماشت بدینصورت پطر کبیر جریانات مذهبی را نیز در قبضهٔ قدرت خود داشته و بدل خواه خویش آنرا اداره میکرد معهذا تزار روسیه هرگز مدعی ریاست عالیهٔ روحانی نبوده و هیچوقت مانند هانری هشتم پادشاه انگلیس نخواسته است که رئیس مذهب روس باشد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 409 of 496

را بوجود آورد - پس از فراغت از جنگها پطر کبیر در قشون روسیه
اصلاحات اساسی کرده نظام خود را مانند سپاه آلمان منظم
گردانیده و عدهٔ آنرا تقریباً به یکصد هزار نفر رسانید و همچنین پس از
تصرف سواحل بالتیک توجه به تهیهٔ نیروی بحری پیدا کرده و در
اواخر سلطنت این پادشاه روسیه دارای جهازات متعدد شده است
در خاتمه باید گفت که دیگر از کارهای برجستهٔ پطر کبیر یکی تأسیس
ادارهٔ پلیس مرتبی بوده که اقدامات آن ما فوق قانون و از تمام
جزئیات جریانات امور مملکتی پطر را باخبر می ساخت و دیگری بنای شهر
سن پطرزبورگ پای تخت جدید روسیهٔ جدید است
این شهر که موقعیت طبیعی آن برای یک شهر معظم هرگز مساعد
نبوده بکوشش و همت پطر قابل سکنی و اساس آن ریخته شد
هرچند بنای این شهر از شاهکارهای پطر شمرده می شود اما باید گفت
که در انجام این مقصود پادشاه روسیه از توسل به هیچ اقدام سخت
و وحشیانه خودداری ننموده است . باغذان هرگونه وسائل رعایای
خود را مجبوراً بساختمان شهر میبرده و هزاران نفر از ایشان از شدت زحمت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 410 of 496

دصدمه جان سپردند. بهرصورت بنای سن پطرزبورگ یکی
از اقدامات بزرگ پطر بوده و شاید غیر از وی کسی از عهدهٔ این امر نمی توانست
برآید.

مخالفین پطر - اصلاحات پطر کبیر در داخلهٔ مملکت بسهولت
پیشرفت نکرد عامهٔ روسی از اقدامات او ناراضی بوده و از ترک عادات
در رسوم و خرافات سابقهٔ خود دل خوش نداشتند با وجود فتوحات
بزرگ پطر در خارج و ترقی که در ارتقاء و سربلندی روسیه تحمل نمود
ملت جاهل و نادان روس همیشه او را بنظر بد دیده مخرب اخلاق
و دشمن مذهب تصور میکردند.

در ۱۶۹۷ موقعی که پطر بسیاحت اروپا مشغول بود سربازان قدیم
انقلاب سختی بر علیهٔ اصلاحات او نمودند هرچند که این هیجان بزودی
خاموش شد ولی پطر پس از مراجعت به تنبیه ایشان پرداخته
و در ظرف هفت روز بیش از هزار نفر شورشیان را در میدان
عمومی مسکو بقتل رسانید.

پس ازین دیگر مخالفت های علنی دیده نشد و ناراضیان مخفیانه شروع بدسیسه کردند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 411 of 496

در ۱۷۱۸ پطر فهمید که مرکز تمام فتنه و فساد مخالفین پسرش تزارویچ الکسیس میباشد لهذا مشارالیه در یک دیوان عالی محاکمه و پس از محکومیت اورا بقتل رسانید

در خاتمه ذکر احوالات پطر باید گفت که مساعی این پادشاه از جهات سیاسی برای روسیه خیلی ذیقیمت بوده ولی موقع مرگ او روسیه در شمار دول مقتدره اروپا بحساب می آمد لیکن از جهات اجتماعی اقدامات او تمام سطحی بوده و اثرات مهمی در روسیه نکرده است هرچند لباس ملیه به لباس کوتاه بدل شد اما افکار و احساسات و اخلاق ملت همان که بود .

جانشینان پطر - پطر کبیر در زمستان ۱۷۲۵ روزی خود را برای نجات یک کشتی بر دنوا انداخته در نتیجه مبتلا بکسالت فوق العاده شده پس از ۵۳ سالگی در همان سال درگذشت .

در مدت چهل سال از ۱۷۲۵ تا ۱۷۶۲ مردمان قابل بزرگی نبودند بهترین اولین جای نشین پطر عیال دوم او کاترین اول بوده که سابقاً از شاهزادیها اسمی برده و میدانیم که در جنگ با عثمانی چگونه باعث نجات شوهرش گردید پس از کاترین الیزابت دختر او بسلطنت روسیه رسید و

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 412 of 496

در زمان این ملکه نفوذ معنوی فرانسه درین مملکت زیاد شده حتی زبان
فرانسوی زبان رسمی دربار و محافل بزرگان گردید. همچنین قشون اطریش
در جنگ های هفت ساله متحداً داخل عملیاتی شدند و از همین وقت دولت
روس دخالت مستقیم در امور اروپا پیدا کرده و حقیقتاً داخل حوزه اروپائی گردید
الیزابت - پطر سوم پسر خواهر بزرگش را برای جانشینی خود تعیین میکند
این نواده پطر کبیر جوانی بی عقل و بی متانت بوده و صفات لازمه سلطنت
در او هیچ دیده نمی شد لهذا شش ماه بیشتر پادشاهی نکرده عیالش کاترین
دانفعالت زمامدست بکمک قشون ساطوی سن پطرزبورگ
اعلان سلطنت نموده پطر سوم مجبور باستعفا گردید. چهار روز بعد
شهرت دادند که پطر در اثر علالت مزاجی که داشته درگذشته
ولی معلوم است که همدستان کاترین کار او را ساخته بودند.

کاترین دوم - کاترین در سن سی و سه سالگی به تخت سلطنت
نشسته سی و سه سال نیز پادشاهی میکند. (از ۱۷۶۲ تا ۱۷۹۶)
بی نهایت باهوش و فعال و جاه طلب بوده موقعی که هنوز الیزابت
حیوة داشته و شوهرش فقط مقام ولایت عهد را داشت خیال سلطنت را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 413 of 496

در سری پرورانیده چنانکه یکی از سفرای مقیم دربار گفته بود:—
«تصمیم من این است که یا در این مملکت سلطنت کنم و یا کشته شوم»
بنابرین نژاد آلمانی خود را فراموش کرده بجلب توجه ملت روس سعی می نماید. وی
نیز در حکمفرمائی خود مانند اصیل ترین روسی منافع مملکت را دفاع و حفظ نموده است.
ملکهٔ روسیه مثل سلاطین معاصر خود شوق به تحصیل علم و ادب داشته و از این حیث
از فردریک و ماری ترزه ژرف دوم هیچ کمتر نبوده با ولتر و دیدرو و دالامبر نویسندگان
و فلاسفهٔ مشهور فرانسوی مکاتبه و ارتباط داشته و هریک را بنوعی مداح خویش گردانیده بود
در اوائل سلطنت خود مجلسی مرکب از ۶۰۰ نفر نمایندگان طبقات مختلفهٔ ملت تشکیل و آنرا
مامور تدوین قانونی بر روی اصول آزادی و حتی مساوات گردانید.
مجلس مزبور دو سال دوام کرده تقریباً دویست اجلاس نموده - هر موضوع را
بزیر بحث آورده و هیچ تصمیمی نگرفت. این خبر که در اروپا انعکاس پیدا کرد
مخصوصاً فلاسفهٔ فرانسه را زیاده از حد جذب کرده و شروع به تمجید و تحسین ملکه
آزادی خواه نمودند درصورتیکه روز بروز کاترین بر تضییقات بدیهاتین می افزود.
کاترین در سیاست داخلهٔ مملکت چندان وزن و مقامی ندارد یعنی
کار برجسته نمی تواند از وی ذکر کرد فقط مشارالیها نیز سیاست پروسی را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 414 of 496

تعقیب دعدهٔ زیادی از مهاجرین خارجی را با راضی حاصلخیز. ولی غیر
مسکون روسیه جنوبی و نواحی اوکرانی و دولگا جلب نموده است .

سیاست خارجی - اساس سیاست خارجی کاترین دوم
همان سیاستی است که پطر کبیر طرح و تعقیب کرده یعنی این ملکه نیز
تمام کوشش خود را صرف این نمود که روسیه با روپای متمدن مستقیماً
وصل شده و بدریای آزادی دست داشته باشد. در طرف مغرب
این سیاست بزودی پیشرفت کرده مملکت پولنی تقسیم ورای
باروپای مرکزی پیدا میکند. اما قسمت دوم سیاست خارجی
کاترین که عبارت از اضمحلال دولت عثمانی و رسیدن بدریای سیاه
چندان موفقیتی حاصل نمیکند. هرچند که در جنگهای ۱۷۶۸ و ۱۷۸۷
متصرفات جدیدی از حدود قفقاز و حوالی رود دنیستر پیدا میکند.
ولی در سواحل دریای سیاه پیشرفت واقعی ننمود بهرحال با وجود
عدم موفقیت کامل متصرفات روسیه در زمان این ملکه وسعت
بسیاری یافته و بیش از هفت ملیون بر سکنهٔ آن افزوده شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 415 of 496

فصل نوزدهم

اوضاع سیاسی اروپا در قرن هجدهم

قرن هجدهم یکی از قرون خونین در تاریخ سیاسی اروپا شناخته میشود جنگهای وراثت اسپانی (از ۱۷۰۱ تا ۱۷۱٤) آنرا افتتاح و جنگهای انقلاب کبیر فرانسه (از ۱۷۹۲ تا ۱۸۰۲) آنرا ختم مینماید در فاصله بین این دو رشته منازعات شش دوره جنگ های که عبارت از جنگ های وراثت پولنی (۱۷۳۳ - ۱۷۳۸) وراثت اطریش (۱۷٤۱ - ۱۷٤۸) جنگهای هفت ساله (۱۷۵۰-۱۷۶۳) جنگهای پولنی و ترکیه (۱۷۶۳ - ۱۷۷۲) و بالاخره منازعه بین فرانسه و انگلیس راجع به مستعمرات کانادا و هند و جنگهای استقلال و آزادی ممالک متحدهٔ امریکای شمالی میباشند واقع گردیده است .

میدان چهار جنگ اولیه در خاک اروپا و دو جنگ اخیر در خارج این بود و علل و وقایع آنها فوق العاده پیچیده تر از جنگ های قرن هفدهم میباشد و دلائل عمدهٔ این پیچیدگی از قرار ذیل است :-

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 416 of 496

اولاً درین قرن برخلاف قرن هفدهم دولت مقتدرے که مرکز جریانات
سیاسی اروپا باشد وجود نداشته درصورتیکه در قرن هفدهم
تقریباً مملکت فرانسه دارای اولویت بوده از قرن هجدهم هریک از دول
انگلیس، اطریش، روسیه وروس قدرت واعتباری را حائز گردیده
ومراکز متعددی برای سیاست اروپائی پیدا میشود.
بدیهی است با این ترتیب چون هیچ یک از دول فوق الذکر بقدری
واحاطه بردیگران نداشتند در مقابل نظریات یکدیگر ایستادگی
دوضعیات سیاسی اروپا درهم وپیچیده میگردید، ثانیاً در قرن
هفدهم دول متخاصم منحصر بفرانسه واطریش وانگلیس وهلند بوده درین
قرن دول روسیه وپروس نیز بآن علاوه گردیدند.
ثالثاً میدان سیاست خارجی اروپا توسعه یافته اگر در قرن سابق فقط
اروپای مرکزی وغربی عرصهٔ کشمکش دول اروپائی شمرده میشد
در قرن هجدهم اروپای شرقی هم بآن ضمیمه وبالآخره میدان وسیع
تری که عبارت از امریکا واسیای جنوبی باشد برای دول اروپائی
باز گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 417 of 496

را بعنوان رقابت سابقه بین فرانسه و انگلیس - فرانسه و اطریش درین قرن بجای خود باقی منتها دامنهٔ آن وسیعتر گردیده دو دولت فرانسه و انگلیس در خارج اروپا هم سیاست مستملکاتی را درین قرن تعقیب مینمایند .

از طرف دیگر رقابت پروس و اطریش - مسئلهٔ پولنی و ترکیه نیز که دولت روس آنرا بعرصهٔ ظهور آورد و بالآخره مداخلهٔ اسپانی و رقابت شاهزادگان آلمان و هلند و خانوادهٔ ساووا ازین رقابت ها کاملاً باعث پیچیدگی و تشدید وضعیات سیاسی اروپا در قرن هجدهم میشود درین فصل ها وقایع عمدهٔ قرن هجدهم را شش قسمت نموده هریک را جداگانه شرح میدهیم :-

تصفیهٔ قطعی وراثت اسپانی - وراثت پولنی

تصفیهٔ وراثت اسپانی - تا ده سال بعد از مرگ نوئی چهاردهم یعنی از (۱۷۱۵ تا ۱۷۲۵) اروپای غربی دچار مناقشات و مشکلات بسیاری که نتیجهٔ مسئلهٔ وراثت اسپانی بوده میگردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 418 of 496

بطوری که میدانیم معاهدات اوترخت و راستاد این موضوع را خاتمه نداده بدینمعنی که امپراطور المان شارل ششم و پادشاه اسپانی فیلیپ پنجم از امضای عهدنامه استنکاف امپراطور در دعاوی خویش بتاج و تخت اسپانی باقی مانده و فیلیپ پنجم هم راضی به تفویض متصرفات ایطالیائی خود به امپراطور المان نمیگردید .

پیش آمد جدیدی این اختلافات را مشکلتر مینماید و آن از دواجی است که فیلیپ پنجم با الیزابت فارنز یک زن جاه طلب ایطالیائی میکند در صورتیکه فیلیپ پنجم از عیال سابق خود وارث مشروعی برای تاج و تخت اسپانی داشته زن تازه اش میخواهد بهر وسیله شود تخت و تاجی برای اولاد خویش تهیه نماید و بهترین راه را برای حصول این منظور افروختن آتش جنگ جدیدی در اروپا می بیند .

انگلیس و فرانسه که از جنگ های سابقه هنوز قدراست نکرده بودند سیاست صلح جویانه را در نظر گرفته برای جلوگیری از وقوع این جنگ ها کوشش نموده اتحادی در (۱۷۱۶) منعقد نقشه خود را حفظ مقررات عهدنامه اوترخت و بالآخره سعی در اصلاح بین امپراطور

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 419 of 496

و پادشاه اسپانی قرار میدهند .

پس از مناظرات مختصری عاقبت عهدنامهٔ جدیدی بین اسپانی و امپراطور در شهر وین بامضاء رسیده نایل و سیسیل و سارونی از مستملکات اسپانی منتزع بامپراطور تفویض و در مقابل دوک نشین (پادم وقسکان بدون کارلس پسر الیزابت داده میشود .

بموجب این عهدنامه که حقیقةً با مختصر تغییری مصدق عهدنامهٔ اوترخت است رقابت امپراطور و پادشاه اسپانی خاتمه پذیرفته و قطعاً بین این دو مملکت صلح میشود ، و در ضمن الیزابت نیز به تحقیق مقصود خویش موفق میگردد .

جنگ وراثت پولنی - پس از صلح وین (۱۷۳۵) بواسطهٔ توافق نظر دو حکومت انگلیس و فرانسه و خصوصاً مساعی والپول و کاردینال فلوری وزرای صلح طلب این دو مملکت بقدر امکان مسائل متنازع فیه دوستانه حل شده واز وقوع جنگ‌های عمومی جلوگیری بعمل میآید ولی متاسفانه ظهور موضوع وراثت پولنی باز این آرامش را درهم شکسته و اختلافاتی که در خصوص تعیین جای نشین او گوست دوم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 420 of 496

پادشاه پولنی پیش میآید منجر بجنگ عمومی میشود :-

پس از انکه اوگوست دوم در (۱۷۳۳) فوت میکند برای تاج انتخابی پولنی دو نامزد دوا طلب بوده یکی اوگوست سوم پسر پادشاه متوفی و دیگری استانیسلاس لکوتسکی پدرزن لوئی پانزدهم که سی سال قبل پسر شارل دوازدهم پادشاه سوئد را بپادشاهی این مملکت منصوب و بعداز واقعه پولتاوا معزول شده بود درین وقت ستانیسلاس باکثریت ۶۰ هزار رأی در مقابل چهار هزار بسلطنت پولنی انتخاب میگردد .

ولی روسها بواسطهٔ تقویتی که فرانسه از پادشاه جدید طبیعةً مینمود و شارل ششم امپراطور آلمان برای اینکه شاید بتواند اوگوست سوم را مجبور ترک دعاوی راجع بوراثت اطریش و تصدیق وراثت ماری ترز نماید تصمیم به تقویت اوگوست نمود قشون خویش بخاک پولنی وارد و استانیسلاس پس از مقاومت مختصری در دانزیگ محصور شده و بزحمت ازین ورطه خود را خلاص مینماید . لوئی پانزدهم برای انتقام پدرزن خود و استرداد تاج و تخت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 421 of 496

او قیام میکند. لیکن در اجرای این مقصود مشکلاتی برای او پیش
بوده چه اولاً رسانیدن قشون از راه دریا به پولنی مشکل بوده و
ثانیاً جزو در (پی با) فرانسه و آلمان متصرفات مشترکی نداشتند
علاوه به پی با نیز یقیناً موجب تأثر انگلیس گردیده و لوئی پانزدهم
بهیچ قسمی راضی به کدورت انگلیس نبود، لهذا با پادشاه اسپانیا
ودن کارلس دوک پارم و تسکان در (۱۷۳۳) اتحادی
کرده دوک ساوواو سارونی را هم که از امپراطور رنجیده خاطر
بودند با خویش همراه ساخته اعلان جنگ با امپراطور میدهد.
این جنگ مدت پنج سال در ایطالیا دوام و در (۱۷۳۸) بموجب
عهدنامهٔ وینه خاتمه می پذیرد. بموجب این عهدنامه استانیسلاس از
سلطنت پولنی دست کشیده پادشاهی فانسی ولورن مادام العمر
باو داده میشود. و همچنین قید میگردد که پس از مرگ مشار الیه ولایات
مزبوره جزو متصرفات فرانسه شود. ن کارلس نیز ناپل و سیسیل را
بمتصرفات خویش ضمیمه و عنوان پادشاهی میگیرد.
درین جنگ فقط خسارت متوجه امپراطور بوده بهترین متصرفات خود را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 422 of 496

در ایطالیا از دست داده و در مقابل فرانسه با تصرفات لرن بسرحد طبیعی خویش میرسد.

(جنگ بین پروس و اطریش)

وراثت اطریش — هرچند در جنگ وراثت پولنی شارل ششم خساراتی دیده و حقیقةً برای او گران تمام شد لیکن چون معاهده وینه ماری ترز را بوراثت شارل ششم شناخت در سیاست خانوادگی پیشرفتی نمود ولی پس از آنکه دو سال بعد شارل درگذشت و ماری ترز جای نشین او گردید فوراً اتحادیه های مخفی بر علیه مشارالیها تشکیل و از همین جای جنگ های وراثت اطریش که از (۱۷۴۱ تا ۱۷۴۸) دوام داشته شروع میگردد.

ابتدا منتخب بادیر که مدعی تاج و تخت اطریش بود با فردریک دوم پادشاه پروس — پادشاه فرانسه — پادشاه اسپانی — پادشاه نایل و پادشاه سارونی بموجب معاهدهٔ نمفنبورگ متحد شده شروع بجنگ با اطریش و متحدین آن که انگلیس و هلند و روسیه بوده میکنند. با اینکه مخالفین ماری ترز وجه مشترکی در اتحاد بر علیهٔ اطریش داشتند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 423 of 496

بازهم هرکدام مقصود جداگانه را درنظر گرفته ودر تحصیل واجرای
آن کوشش میکردند مثلاً قصد فردریک دوم تصرف سیلزی
منظور پادشاه اسپانی تحصیل متصرفات جدیدی در ایطالیا
ونقشهٔ فرانسه درحمله بهلند درعین حال تفوق برانگلیس واطریش
بوده است پس حقیقةً این جنگ دارای سه قسمت بوده یکی
جنگ اطریش وپروس دیگری اطریش وانگلیس وفرانسه وبالآخره
سوم جنگ اطریش واسپانی اما ازهمه مهمتر جنگ اطریش وپروس
را باید دانست زیرا درنتیجهٔ آن دولت پروس مالک ایالت سیلزی
گردید جزو دول معظم بشمار آمده موازنهٔ دول المان راهم زده
وجنگهای هفت ساله را موجب میشود .

وقایع جنگ — اوّل این جنگ برای ماری ترز خیلی سخت بوده
بطوری که در (١٧٤١) چنین بنظر میرسید که شکست ماری
ترز حتمی است ودیگر برای اطریش تاب مقاومت ومفری باقی
نمانده زیراکه ازطرفی فردریک دوم درلموقعیز شکست خاصی
بماری ترز داده ایالت سیلزی راقطعاً تصرف وازطرف دیگر

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 424 of 496

شارل آلبر منتخب با دیر با قشون فرانسه داخل بهم و پراگ شده آنجا را کاملاً اشغال مینماید .

با این وضعیات دشوار ماری تریز بواسطهٔ فعالیت و مهارتش خود و مملکت خویش را نجات میدهد بدین معنی که اولاً پس از مذاکرات بسیاری یکصد هزار قشون از هنگری برای کمک خویش تهیه کرده ، واز طرف دیگر عهدنامهٔ برسلو را بامضا نیده و قطعاً ایالت سیلزی جزء متصرفات پروس میشود .

دولت فرانسه که مقصودش فقط تصرف پی بابود بواسطهٔ مهارت مارشال دساکس سردار خود سه فتح عمدهٔ نصیبش گردیده پی بارا متصرف و حمله بخاک هلند را شروع میکند لهذا ماری طرز متحدینش مجبوراً در (١٧٤٨) تقاضای صلح نموده و عهدنامهٔ صلح در اکس لاشاپل منعقد میگردد .

معاهدهٔ اکس لاشاپل - این معاهده که لوئی پانزدهم در ١٨ اکتبر ١٧٤٨ امضاء نمود یکی از بیهوده ترین و حقارت آمیز ترین معاهداتی است که فرانسه منعقد داشته است ، با وجود غالبیت لوئی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 425 of 496

پانزدهم تمام ایالات متصرفه حتی مهمات جنگی راکه بدست قشون فرانسه افتاده مسترد داشته حسب تقاضای انگلستان شارل ادوارد پسر ژاک سوم را از خاک فرانسه خارج و سلطنت خانوادهٔ هانور را در انگلستان رسماً می شناسد.

از طرف دیگر فردریک دوم سیلزی را مالک ورن فیلیپ پنجم را ایالت پارم را متصرف میگردد.

حقیقةً خون و منافع فرانسویان فدای منافع پادشاه پروس و خانوادهٔ بورین اسپانی گردید.

برای اینکه یکی از حرفای خود را از میدان خارج و با دیگران از ادانه دست و پنجه نرم کند بموجب معاهدهٔ بوسلو ایالت سیلزی را به فردریک واگذار و با پادشاه پروس صلح مینماید. (۱۷۴۲)

سپس تمام قوای خود را متوجه شارل آلبر گردانیده بهم را باز پس گرفته باویر را اشغال مونیخ را متصرف شده تا به رودرن رسیده ایالت الزاس را تهدید میکند.

این پیشرفت های متوالی این دفعه فردریک دوم را بوحشت انداخته

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 426 of 496

در (۱۷۴۴) بموجب معاهدهٔ پاریس بر علیه ماری طرز با فرانسه متحد میشود.
پادشاه فرانسه که تاکنون فقط با شارل آلبر معاعدت مینمود و مستقیماً
داخل عملیاتی نشده بود بعد از معاهده مارلس به ماری طرز و انگلیس و
هلند اعلان جنگ میدهد.

کمی بعد از اعلان جنگ فرانسه شارل آلبر وفات کرده و ظاهراً
دیگر علتی برای تعقیب خصومت باقی نمیماند لیکن چون هر یک مخالفین
منظورات شخصی داشته و وراثت اطریش بهانهٔ بیش نبود جنگ
را تعقیب مینمایند.

فردریک دوم متوالیاً بر قشون ماری ترز غلبه کرده معاهدهٔ درسدن مقررات
انقشار مقررات عهدنامهٔ اکس لاشاپل تولید خشم و هیجان عجیبی در ملت
فرانسه کرده و نفرت فوق العاده نسبت به پادشاه خود مسبب این
حقارت پیدا نمودند بطوری که کلمهٔ صلح را در ردیف یکی از سنگین ترین و
زشت ترین کلمات میدانستند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 427 of 496

III

جنگ هفت ساله

در ۱۷٤۸ موقع عقد معاهدهٔ اکس لاشاپل دول متخاصم از طرفی فرانسه و پروش و از طرف دیگر اطریش و انگلیس و روسیه و هلند بوده اما هشت سال بعد یعنی در (۱۷۵٦) بکلی اتحادهای فوق منقلب گردید. انگلیس و پروس در یک سو قرار گرفته و اطریش و فرانسه و روسیه با یکدیگر در مقابل ایشان متحد شدند.

این انقلاب و تغیر را اساساً باید اثر و نتیجهٔ عملیات ماری طرز دانست بلکه اطریش که باوجود امضای سه معاهده برسلو — درسدن و اکس لاشاپل ایالت سیلزی را حق خود میدانسته و راضی نمیشد که ایالت مزبور در تصرف پروس باقی بماند فوراً پس از امضای معاهدهٔ اخیر درصدد می افتد که فرانسه را از اتحاد با پروس متصرف و در صورت امکان با دشمن چندین صد سالهٔ اطریش تشکیل اتحادی دهد.

اتفاق این فکر باری تر با نظریات سیاسی فرانسه نیز مصادف و موافق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 428 of 496

گردیده اتحاد بین دولتین صورت پذیر میشود چه دران موقع که حکومت
فرانسه سیاست مستملکاتی را تعقیب می نمود سیاسیون آن مملکت
جنگ حتمی الوقوعی را با انگلیس پیش بینی میکردند پس اگر در براعروپا
انگلیس با اطریش متحد نباشد در واقع در اتحاد سیاسی اروپائی
تنها مانده و فرانسه یقیناً بران دولت غالب میآمد اما مانعی که تا نوزدهم
برای انعقاد این اتحاد تصور میکرد خصومت اطریش با پروس بوده
پادشاه فرانسه میخواست همیشه با پروس اتحاد داشته و خللی در
دوستی ایشان واقع نشود، اتفاقاً این اشکال یعنی قید دوستی فرانسه و پروس
هم با معاهده که در وایت هال بین پروس و اطریش منعقد گردید مرتفع
در (۱۷۵۶) در روسای معاهده بین فرانسه و اطریش با امضاء میرسد
اتحاد با اطریش و جنگهای که در نتیجه آن فرانسه دو چار گردید برای این مملکت
فوق العاده مضر واقع شده تمام قوای آن درین جنگها بری اروپا
مضمحل گردید اگر برای تعقیب سیاست خود استعداد خویش را برای مقابله
مستقیم با انگلیس نگاه میداشت البته بحال مفیدتر میبود .
شروع بجنگ و میدان های مختلفه آن :- در جنگهای هفت ساله

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 429 of 496

ایزابت فقط فرانسه را با خود متحد نساخته بلکه با ایزابت ملکه ر سیه
اوگوست سوم پادشاه پولنی ـ منتخب ساکس ـ پادشاه سوئد و بالاخر
جمعی از امرای آلمان بهم طرح اتحادی ریخته بود .
فردریک دوم پس از اطلاع از معاهدهٔ ورسای خطر را مواجه دیده منتظر
حملهٔ متحدین نشده در (۱۷۵۶) به درسد حمله و آنجا را تصرف مینماید
قشون ساکس را نیز در پیرنا محاصره و پس از یک ماه مجبور به تسلیم میسازد .
بدینطریق جنگ شروع میگردد . عملیات مهمهٔ این جنگ در سه
میدان بزرگ :ـ آلمان غربی بین رودرن والب ـ آلمان مرکزی
(بهم ـ ساکس ـ سیلزی ـ براندبورگ ـ پمرانی) و آلمان شرقی
(پروس) واقع میشود .
عملیات در آلمان غربی چندان طرف توجه فردریک نبوده همین
درین قسمت فرانسه و انگلیس و منظور اصلی تصرف الکتورای هانور بوده است
قشون فرانسه بسرکردگی دوک دلشلیو در کلوستر زون سپاه
انگلیس را محاصره و تقریباً هانور را تصرف مینماید آما بواسطهٔ خلاف
عهد انگلیس ها و حملهٔ که در موقع متارکه نمودند قشون فرانسه مجبور به تخلیه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 430 of 496

الکتر اشده و تا آخر جنگ دیگر نمیتواند به آنجا وارد گردد.

عملیات جنگی در آلمان مرکزی:- میدان بزرگ جنگهای هفت ساله در آلمان مرکزی بوده است در ابتدای جنگ فردریک دوم وارد بهم شده تا پراگ میرسد. اما بزودی در سال (۱۷۵۷) پس از شکست کلن مجبوراً بهم را واگذاشته از آنجا خارج میشود. درین موقع قشون فردریک از دو طرف مورد حملهٔ سپاه فرانسه و آلمان واقع گردیده واز طرفی بر قشون اطریش به سیلزی توجه مینماید. فردریک پس از تخلیهٔ بهم با حملات پی در پی دشمنان خود را متفرق گردانیده دو فتح بزرگ یکی در رسباخ در مقابل قشون متحدهٔ فرانسه و آلمان و دیگری یکماه بعد در لیسا تو بن در مقابل قشون اطریش نصیب او میگردد بعد ازین دو فتح فردریک نقشهٔ خود را کاملاً مدافعی قرار داده چون میدانست که روسها و اطریش ها برای تلافی شکست های سابقه یقیناً مبادرت بحمله خواهند کرد صلاح چنان دید که فقط بعملیات دفاعی مصروف گردد اما با وجود این بواسطهٔ کثرت دشمنان پیش بردن همین نقشهٔ دفاعی نیز کار آسانی نبود در (۱۷۵۹) روسها

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 431 of 496

در زولیا و خویکی از دستجات قشون فردریک را شکست داده با قشون
اطریش ملحق گردیده در کونرسدورف سپاه فردریک را بکلی
منهزم مینمایند .
چنین
پس ازین فتح پیش قراول قشون روس متوجه برلن شده وظاهراً
بنظر میرسید که کار فردریک و پروس کاملاً تمام خواهد شد اما اتفاقاً قوای
عمدهٔ روس و اطریش این خط سیر را تعقیب نموده بلکه از یکدیگر مجزی گردیدند
فردریک که این واقعه را از معجزات خانوادهٔ براندبورگ میگوید فرصتی
یافته بزرگ و صورتی بقشون خود داده در (۱۷۶۰) سپاه اطریش را
در لیگنیتز و توئیگوشکست میدهد . باوجود این عدهٔ قشون
فردریک خیلی کم شده غالب نفرات قشونش از دهاقین بی تعلیم و مشق
ندیده بودند اگر با این ترتیب عملیات جنگی تعقیب میشد یقیناً متحدین
بشهر برلن وارد میشدند اما از خوشبختی فردریک در (۱۷۶۱)
از ثابت ملکهٔ روس درگذشته پطر سوم جانشین او از هواخواهان
جدی فردریک بوده نه فقط ترک خصومت با او را کرده بلکه با پادشاه پروس
متحد میشود . از طرف دیگر فرانسه نیز با انگلیس صلح و بکلی متحدین ماری

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 432 of 496

ترزا اورا تنها میگذارند . بدین جهة مشار الیها نیز مجبور بصلح گردیده در هوبرتسبورگ درسال (۱۷۶۲) با فردریک صلح وبموجب عهدنامه منعقده فردریک باز رسماً مالک سیلزی شده واین ایالت قطعاً از تصرف اطریش خارج میگردد .

۱۷

پولنی — اوّلین تقسیم آن

جمهوری پولنی وحدود آن — فردریک دوّم وماری ترزکه (۱۷۶۲) کلّه بکلّه یکدیگر میزدند ده سال بعد همی در (۱۷۷۲) برای تقسیم پولنی توافق نظر پیدا کرده کاترین دوّم امپراطریس روسیه را نیز باخود همراه گردانیدند .

لفظ پولنی از لغت اسلاو وبمعنای جلگه است بطوریکه از اسم آن معلوم میشود این مملکت شامل قسمی از جلگه شمالی اروپا بوده وهرچند در رأس حکومت آن همیشه یک پادشاه قرار داشته لیکن بنام جمهوری پولنی ذکر میشد در اواسط قرن نوزدهم حدود آن از طرف شمال دریاسه بالتیک از طرف جنوب کوههای کارپات در و

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 433 of 496

لیتوانیا (همین کوههاست که مملکت پولنی را از متصرفات عثمانی و هنگری جدا میکند) از جانب مشرقی تا ماوراء رود دوفا و نیپر در داخلهٔ روسیه ممتد بوده و حتی تا نزدیکی اسمولنسک میرسید است و سرحد غربی آن قسم ارداوی و خطی موازی با رود ایدر آنرا از سیلزی براندبورگ و پمرانی مجزا میگرداند با آلمانیها در از حدود شمالی آن مملکت پروس واقع بوده است.

کل مملکت پولنی از دو قسمت مرکب بوده یکی خود مملکت پولنی یا مملکت صاحب تاج که شامل اراضی مشروبه رود ویستول بوده و دیگری در جانب مشرق گراندوشی لیتوانی که بیش از خود مملکت وسعت داشته است.

هرچند این دو جزو در قرن چهاردهم (۱۳۸۶) زمان حکمرانی ولادیسلاس ژاژلون تحت قدرت واحد در آمدند باز در قرن هفدهم از یکدیگر متمایز بودند.

مملکت پولنی حدود طبیعی نداشته چهار راهی برای عبور اقوام بوده است. در مرکز مملکت پولنی ناحیهٔ اصلی و واقعی در مغرب نامیده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 434 of 496

در مشرق لیتوانیها و روسها و بالاخره در تمام مملکت یهودیها سکنی داشتند.

هریک از نژادهای مختلفه دارای مذهب مخصوص بخویش بوده :—

الما نها پیرو طریقهٔ پروتستان — روسها ارتودکس — لیتوانیها و لهستانی‌ها که اکثریت سکنهٔ مملکت را تشکیل میدادند معتقد بمذهب کاتولیک بودند تنها کاتولیک‌ها حقوق و امتیازاتی داشته و پیروان سایر مذاهب دیگر خصوصاً از سنه ۱۷۹۱ از قبیل بمناسب عمومی محروم و از حقوق سیاسی بهره‌مند نمی‌شدند.

اوضاع اجتماعی پولنی :— جامعهٔ پولنی نیز مانند جامعهٔ روس بدو طبقه تقسیم میشد یکی نجبا و دیگری دهاقین — دهاقین وابسته بارا ضی بوده کاملاً مطیع ارادهٔ نجبا — تمام مالیات برایشان شده هیچ مفری نداشته در منازل بدمسکن گرفته و بالاخره بدبخت‌ترین مردم بشمار میآمدند تا مدتی وضعیت دهاقین پولنی در اروپا ضرب المثل بوده هرگاه میخواستند نهایت درجه بدبختی شخصی را مجسم نمایند او را تشبیه بغلامان ترکی یا دهاقین پولنی میکردند.

نجبا تمام اراضی مملکت را در تصرف داشته و خود بسه دسته تقسیم میشدند

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 435 of 496

اوّل ماگنیاها که از سیصد خانواده تجاوز نکرده در بین ایشان چند خاندان خیلی معتبر بوده از خود قشون مرتبی داشته مالیات وصول نموده پای تخت علیحده داشتند و حقیقةً مانند سلاطین مستقل زندگانی در فتار مینمودند :

مادون این طبقه دستهٔ نجبای متوسط بوده که عدهٔ ایشان بیست یا سی هزار خانواده میرسیده و هریک یک یا دو قریه را در تصرف داشتند . بالآخره دستهٔ سوم نجبای پست یا عادی عدهٔ ایشان بالغ بر یک ملیون و نیم و جز شمشیر و اسپ قطعه زمین کوچکی چیزی را مالک نبودند .

روحانیون تشکیل طبقهٔ علیحده در پولنی نمیداده رؤسای مذهبی کشیشان و اسقف ها از همان اعضای خانواده های بزرگ بودند طبقهٔ اواسط الناس اصلاً وجود نداشت یهودیها تجارت مملکت را به خود مخصوص و منحصر گردانیده بودند .

تشکیلات سیاسی آن :- در رأس جمهوری پولنی یک پادشاه قرار داشته در ابتداء تاج سلطنت ارثی بوده ولی در قرن شانزدهم

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 436 of 496

پس از مرگ آخرین پادشاه خانوادهٔ ژاژیون نجبا سلطنت را انتخابی
کردند، اوّلین پادشاه انتخابی پولنی روک وانژوبرادر شارل
نهم پادشاه فرانسه است که یک سال پس از قبول این مقام
تحت اسم هانری سوم بپادشاهی فرانسه میرسد. و سلطنت
پولنی را ترک میگوید.

چون انتخاب سلاطین را نجبا میکردند پس همیشه ایشان را مقید
بشروطی مینمودند که غالباً در اطراف تحدید اقتدارات سلطنتی
بوده است هر پادشاه پس از انتخاب بمقام سلطنت باید باحترام
مقرّرات کتابی که وظائف او را تعیین و موسوم - پاکتا کنونتا
بود قسم یاد نماید - بتدریج اختیارات مخصوصهٔ سلطنتی در پولنی
محدود و بلکه محو گردیده مجالس ملّی یا دیت ها تمام امور مملکتی از قبیل
وضع قوانین، اخذ مالیات قشونگیری حتی اعلان جنگ را
در عهده داشتند و شخص سلطان ابداً نفوذ و مداخله در
کارهای مملکتی نداشت. دیت عبارت از مجلسی بود مرکب
از نجبای طراز اول (سناتورها) و مجلس دیگری از نجبای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 437 of 496

درجهٔ سوم که مجتمعاً هر دو سال یک مرتبه برای مذاکره و حل امور مهمهٔ
مملکتی اجلاس میگردند جلسات دیت عمومی بوده تماشاچیان
حق حضور داشتند .

در قرن هفدهم چنین عادت بود که تصمیمات را باید عموم اعضاء رأی
داده باشند و مخالفت یک نفر از ایشان موجب مسکوت عنه
گذاردن موضوع و بلکه رد آن بکلی میگردید عیب این مخالفت
انفرادی را که بنام لیبروم وتو معروف است در هفده بخوبی آشکار
شده یعنی در ظرف (۱۱) سال پنجاه و پنج دیت دعوت وجز
هفت دیت نتوانستند نتیجهٔ از اجلاسات خویش بگیرند
بدیهی است با این طریق ادارهٔ امور حکومتی تا چه اندازه مشکل بلکه
محال بنظر میآید . بدین جهت بخیال افتادند که در موقع غیاب و اخلال
دیت مجلس شورائی از بعضی تشکیل دهند در مجلس مزبور مخالفت فرد واحد
مانع نبوده و اکثریت آرا تصمیم موضوعی بوده است .

قشون — اساساً در پولنی قشونی وجود داشت ولی بجای
مملکت از بیم این که مبادا پادشاه از این راه اقتدار پیدا و در نتیجه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 438 of 496

باعث از محو نفوذ ایشان شود در دیت (۱۷۱۷) هجده هزار قشون
برای پولنی و شش هزار برای گراندوشی لیتوانی تصویب نمودند بعلاوه
روسای کل این دو سپاه را نیز خود برای مادام الحیوة انتخاب نموده
و عزل ایشان جز برای دیت تصویب غیر ممکن بود. نجبای مملکت
تمام میخواستند صاحب باشند بطوری که غالباً از برای هر سه
فرد سپاهی یک منصبدار وجود داشت در مخزن قشون پیش از
چند عراده توپ کهنه مندرس دیده نمیشد با این وضع ترتیب قشون
پولنی لازم بشرح نیست و ماقین بیچاره همیشه امیدوار بودند که
در موقع خطر نجبا قیام و مملکت را نجات میدهند.

پولنی و همسایگانش ـ با این تشکیلات یقین است که پولنی
محکوم باضمحلال است. در قرن هفدهم و اوائل قرن هجدهم
همسایگان آن سوئد ـ پروس ـ اطریش و روس نیز که شاهد غرابی
اوضاع پولنی بودند خیال تقسیم آن در سر داشتند فقط موقع
مناسبی را انتظار میکشیدند.

روسیه و پروس از دیگر همسایگان در تقسیم پولنی بیشتر ذی نفع

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 439 of 496

بودند زیرا روسیه با تصاحب قسمتی از اراضی این مملکت یکقدم
باروپا نزدیک تر شده و پروسس وحدت ارضی خویش را تکمیل می نمود.
برای اینکه این منظور بعمل آمده تحقیق یابد البته لازم بود که هرج و مرج
اوضاع پولنی باقی بماند و مساعی که برای اصلاح بکار برده میشود عقیم
گردد این دو همسایه درین راه هیچ کوتاهی ننموده موقعی که عدهٔ از بحبا
بریاست خانوادهٔ منشار توویسکی خواست قدمهائی بردارد. کاترین
و فردریک پس از مرگ اوگوست سوم قرار دادی بسته تعهد کردند که
از هرگونه اصلاحی جلوگیری کنند هم چنین استانیسلاس پونیاتوسکی
یک جوان بی تجربه را در تحصیل تاج پولنی تقویت نمودند.

دو سپهاد در پولنی :- پادشاه جدید برادرزادهٔ منشار توویسکی ها بوده
این خانواده نظریات اصلاحی خودرا تعقیب نمودند مخصوصاً ابتداء
خیال لغو لیبرو مو تو را کرده خواستند کلیه مستفدین را در مقابل
پادشاه مسئول قرار دهند شورای نجبا نیز این تصمیم را تصویب نمود.
ولی کاترین دفردریک دوم تنها بحفظ حقوق غیر کاتولیک ها دخالت
کرده از دیت تقاضا مینمایند که ارتودکس ها و پرتستان را با کاتولیک

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 440 of 496

مساوی الحقوق بشناسند چون دیت از قبول این درخواست امتناع
میورزد، قشون روس داخل پولنی شده تا نزدیک ورشو میرسد چند نفر
از وکلای مخالف را دستگیر و بالآخره دیت را مجبور به رفع تضیقات
بر علیهٔ غیر کاتولیک ها و ابقاء ولیبرم و مروج مینمایند (۱۷۶۸)
این اقدامات و مداخلات خارجی تولید هیجان عمومی در مردم کرده
اتحادی در بار تشکیل میدهند. نقشهٔ اتحاد مزبور ابقاء مقررات
سابقه و عزل استانیسلاس بوده ولی باز کاترین شروع به تحریکاتی نموده
ارتودکس های اوکراین یا روسیهٔ صغیر را تشویق بانقلاب کرده
تقریباً درین واقعه از پنجاه هزار تا دویست هزار نفر بقتل میرسد از طرف دیگر
بهانهٔ کمک پادشاه در مقابل باغیان مملکت قشون خودرا وارد پولنی مینماید
در ضمن این احوال عدهٔ از امالی پولنی جنوبی از مقابل قشون روس فرار
و وارد خاک عثمانی میشوند روسها ایشانرا حتی در خاک عثمانی تعقیب
و عدهٔ زیادی از مسلمانان را هم قتل عام میکنند (۱۷۶۸)
دولت فرانسه که اقدامات همسایه گان پولنی را بانظر خوبی نمیدید
سلطان عثمانی را تحریک بجنگ با روس میکند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 441 of 496

جنگ با عثمانی :- باوجود مساعی کفایت مصطفی سوم سلطان عثمانی در آنوقت قشون بری و بحری این مملکت بکلی بی نظم واز هم گسیخته بود. کاترین بدون اینکه عملیات خود را در پولنی متوقف سازد دستهوراته چه در خشکی وچه در دریا بقشون ترک حمله میکند. قشون بری او مجدداً آزوراگرفته سی قلعه را متصرف و بجانب بخارست پیش میرود و پس از فتح اسماعیلیه (۱۷۷۰) از رود دانوب نیز عبور میکند. در دریا جهازات روس از بحر بالتیک گذشته داخل مدیرانه میگردد، وقتی این قوای بحری نزدیک بیونان میشود بحرکت روسها شورشی در پلوپونز بر علیه عثمانی شروع ولی با کمال فوریت طغیان خاموش و باغیان مغلوب میگردند.

روسها که در یونان موفق به پیشرفتی نمیشوند. بجانب اسیای صغیر حرکت و در خلیج چشمه نزدیک ازمیر با قوای ترک مواجه میگردند. با اینکه قوای عثمانی از حیث برقوای روس افزونی داشت باز ترکها حالت دفاعی گرفته بداخل خلیج پناه میبرند در شب (۷ و ۸ ماه ژوئیه ۱۷۷۰) نزدیک ساعت دو جهازات روسی حمله را شروع از طرف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 442 of 496

کشتی ہائے مشتعل و از طرفی توپخانۂ روس در تاریکی شب قوای ترک
را بکلی مضمحل و نابود میسازند، بطوریکه از پنجاه فروند کشتی عثمانی
بیش از ده فروند باقی نمیماند پس از فتح روسها ممکن بود با نهایت
سهولت بجانب قسطنطنیه حرکت کنند لیکن رؤسای ایشان چنین
تهوری را صلاح ندیده صرف نظر کردند.

مذاکرات تقسیم پولنی:- دو شکستی که بفاصلهٔ ده روز در چشمه
و اسماعیلیه بقوای ترک وارد آمد بکلی باب هرامیدی را بر پولنی
مسدود گردانید و دیگر ظاهراً مانعی برای تقسیم این مملکت تصور نمیرفت
ولی باری تر از پیشرفت روسها و استقرار ایشان در دو ایالت والاشی
و طداوی خشنود نبوده میخواستند سرحد خویش را تا به بحر سیاه برسانند
با ترکها داخل مذاکراتی شده و برای حفظ منافع خود عقد اتحادی
با ایشان کردند در این قرارداد طرفین تعهد نمودند که دولبقوهٔ
نظامی روسها را مجبور به تخلیهٔ اراضی مفتوحه بنمایند (ژوییه ۱۷۷۱)
اتحاد اطریش و ترک فوراً یک دوم پادشاه پروس را بوحشت انداخته
زیرا از طرفی بواسطهٔ اتحاد با روسیه بیم آن داشت که گرفتار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 443 of 496

جنگ جدیدی گردد، و از طرف دیگر میترسید که مبادا اردو سها و اطریش بعوض جنگ توافق نظرے بین خود حاصل کرده هر کدام قسمتی از متصرفات آسیائی ترک را تصرف و موازنه بین قوائے این سه دولت برهم بخورد .

لهذا فردریک باین خیال میافتد که منافشه بین روس و اطریش را با تقسیم پولنی ختم نماید یقین است درین صورت چون پروس نیز همسایهٔ پولنی میباشد سهمی هم با و خواهد رسید .

لهذا اوّل نظریهٔ خود را بکاترین و سپس به ماری ترز پیشنهاد می نماید کاترین کاملاً اظهار موافقت نموده امّا مارے ترز که این اقدام را نوعی خیانت و بی شرافتی میدانست از قبول آن امتناع مینماید ولی ثرزف دوم پسر ملکهٔ اطریش تا این اندازه معتقد به نظریات مادرش نبوده با نظریات فردریک همراه و بالآخر در فوریه (۱۷۷۲) مارے ترز را وارد بموافقت با پیشنهاد پادشاه پروس مینماید .

اولین تقسیم — در ۲۵ ژوییه ۱۷۷۲ عهدنامهٔ تقسیمی درسن پطرزبورگ بامضاء رسیده و متحدین سه گانه برائے جلوگیری از اضمحلال

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 444 of 496

قطعی پولنی دولت مزبور را بدینصورت بین خود قسمت میکنند:-
ماری تریز گالیس را با ۲۶۰۰۰۰۰ جمعیت - فردریک پروس پولنی را
باستثنای دانتزیک با ۷۰۰ هزار جمعیت و کاترین دوم قسمتی از
لیتوانی را با ۱۶۰۰۰۰۰ جمعیت .

پس از امضای عهدنامه متحدین بدیت تکلیف تصویب آنرا نمودند
تا یکسال مجلس پولنی مقاومت کرد اما چون قشون روس و اطریش
و پروس تمام خاک پولنی را اشغال و دیت را در ورشو بزیر محاصره
آوردند نمایندگان و پادشاه به تقسیم مملکت خود رضایت داده و
بعلاوه تعهد کردند که هیچگونه تغییری در قانون اساسی پولنی ندهند.

دومین و سومین تقسیم:- این مادهٔ آخر بهانه شد که بیست سال بعد
متحدین (۱۷۷۲) نهایت خویش را تکمیل و بکلی پولنی را از استقلا
لی و سیاسی محروم گردانند .

تفصیل این است که پس از تجزیهٔ پولنی اکثر از نجبای مملکت ملت بیدار
خود را فهمیده خواستند تا در (۱۷۸۸) قانون اساسی جدید
جاری نمایند در (۱۷۹۱) قانون اساسی مزبور صادر - ومطابق

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 445 of 496

آن سلطنت پولنی از بی مرکزیت حکومت محفوظ و تکمیل قوای نظامی
پیش بینی میشود، لهذا کاترین و فردریک گیوم دوم پسر فردریک دوم
بعنوان حفظ عهدنامه (۱۷۷۲) قشون به پولنی داخل کرده و تقسیم
ثانوی را انجام میدهند (۱۷۹۳) وطن پرستان مملکت
قیام کرده دماقین با اسلحهٔ ناقص خویش حاضر بدفاع شده لیکن
متأسفانه ازین هیجانات بی موقع فایدهٔ بدست نیامده قشون روسی مجدداً
وارد ورشو گردیده بیست هزار نفر را مقتول و در (۱۷۹۵) قطعاً
پولنی را تقسیم مینمایند. این مملکت که تقریباً بیش از یک قرن از نقشهٔ
سیاسی اروپا محو بود در ۱۹۱۸ باز قسمتی از اراضی خود را مالک و
تقسیم مملکت مستقلی داد.

صلح قینارجه :- پس از تقسیم اولیه پولنی چون هنوز مخاصمت بین روسی
و عثمانی باقی بود اطریش وساطت کرده در ۲۱ ژویه ۱۷۷۴ عهدنامهٔ
صلح بین این دولت در قینارجه که قصبهٔ در بلغاریست بامضا
رسید مطابق باین عهدنامه روسیه تمام فتوحات سواحل بحر
سیاه را باستثنای آزو به عثمانی مسترد داشته شبه جزیرهٔ کریمه را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 446 of 496

متصرفات عثمانی جداً مستقل میگردد (این شبه جزیره را کاترین
چند سال بعد تصرف مینماید) راجع بامور مذهبی سلطان عثمانی تعهد میکند
که همیشه عیسویان ساکنین مملکت خود را تحت حمایت خویش داشته
از ایشان محافظت نماید و از طرف دیگر حق حمایت ضمنی کلیسای یونانی
یا ارتودکس های عثمانی را دولت روسیه تحصیل میکند .
این ماده دارای اهمیت بسیاری در تاریخ سیاسی اروپای شرقی
شده تمام عیسویان اتباع عثمانی چشم امید خود را برای استخلاص
از قید مسلمانان بروسیه دوخته و وسیله برای مداخله روس در امور
امپراطوری عثمانی میشود ، و حقیقةً سرچشمهٔ نفوذی که روسیه در قرون
معاصره در بالکان پیدا کرد از همین مواد معاهده قینارجه بوده است
دولت اطریش نیز برای حق الزحمهٔ خود ایالت بوکوین را از سلطان
عثمانی گرفته بدون اینکه مختصر خسارتی تحمل کند فائدهٔ بزرگی تحصیل
نمود :—

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 447 of 496

جنگهای بین فرانسه و انگلیس هند و کانادا

در همان موقع مناقشات اطریش و پروس در اروپا مرکزی بین فرانسه و انگلیس هم در اروپا هم در خارج این قطعه جنگ هائی شروع گردید. این مناقشات که از ۱۷۴۲ تا ۱۷۶۳ دوام میکند موضوعی جز رقابت های تجارتی این دو دولت نداشته میدانهای عمدهٔ آن در امریکای شمالی کانادا و در آسیا هندوستان بوده است نتیجهٔ آن از دست رفتن تمام مستملکات امریکائی و آسیائی فرانسه و توسعهٔ متصرفات انگلیس میباشد. این سلسله منازعات بواسطهٔ عهدنامهٔ پاریس (۱۷۶۳) خاتمه پذیرفت:

این دو دولت در اواخر قرن شانزدهم جداً شروع باقداماتی برای تجارت شرق و تحصیل متصرفاتی در امریکا نموده در اوائل قرن هفده در آسیا تشکیل دار التجاره هائی از طرف اتباع این دو دولت شده در بر امریکا حکومت مستقیماً مبادرت به تشکیل مستملکاتی نمود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 448 of 496

تشکیل کمپانیهای تجارتی :- کمپانیهای تجارت شرق کمپانیهای اسهامی بوده در ابتدا تشکیلات وسیعه نداشته صاحبان سهام عدهٔ معدودی از صرافان و متمولین بودند پس از آنکه پیشرفتی در کار ایشان پیدا شد از اطراف ، داوطلبان خرید اسهام زیاد شده حتی بلدیه های بعضی شهرها نیز در ان شرکت کردند .

سرمایهٔ حاصله بمصرف ساختن کشتیها و پرداخت حقوق مستخدمین مرکزی یا نمایندگان خارجی میرسید .

مؤسسات کمپانی از دو قسمت مرکب بود یکی موسسهٔ اروپائی که غالبا در یکی از بنادر مهمهٔ فرانسه اقامت داشته دیگری موسسهٔ آسیائی که آنهم یا در یکی از بنادر و یا جزائر مجاور ساحل تاسیس شده بود .

این کمپانی بزودی امتیاز تجارت شرق را از حکومت فرانسه گرفته حتی برای حفظ خود اجازه گرفتند که عدهٔ مستحفظین نظامی هم داشته باشند - در آسیا کمپانی اراضی وسیعی را خریداری و مرکز تجارت خویش را در زمینهای مخصوصهٔ خویش بنا مینمود - کمپانی ها عموما مطیع و محکوم رؤسای محلی بوده معهذا برای احتیاط همیشه دار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 449 of 496

التجار ہائے خود را مانند قلاع محکم نظامی میساختند۔ ادارۂ کل امور تجارتی را در آسیا یک نفر نماینده که بعنوان حاکم از ادارۂ مرکزی فرستاده میشد اداره میکرد، حاکم مزبور در هند فقط حیثیت یک رئیس تجارتی را داشت، کمپانی تجارت هند بیشتر تجارت واردات مینمود. اموال التجاره ہائے متنوعه از هندوستان باروپا آورده وبسایر ممالک میفروختند، وعمده ترین آنها نوعی پارچه ہائے پنبه معروف به هندی پارچه ہای ابریشمی۔ چای۔ برنج وبعضی ادویه جات بوده است منافع کمپانی ہا بسیار گزاف وحتی بعض اوقات به ۷۵ درصد سرمایه میرسید است کمپانیها کمتر به صادرات توجه داشتند.

ابتدای کار کمپانیها:۔ عملیات تجارتی فرانسه وانگلیس ہا تقریباً متقارن باهم شروع گردید: اولین کمپانی انگلیس برائے تجارت هند شرقی زمان سلطنت الیزابت در (۱۵۹۹) تاسیس واولین کمپانی فرانسوی را درزمان پادشاهی هانری چهارم تجار سن مالو تشکیل کردند. کمپانی انگلیس در (۱۶۳۹) درکنار خلیج بنگاله دار التجارۂ مدرس که بعدها بزودی شهر مهمی گردید، بنا و آنرا مرکز کل تجارت هند خود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 450 of 496

قرارداد.

کمپانی فرانسه ابتدا متوجه جزائر اقیانوس هند مانند جزیرهٔ ماداگاسکار جزائر بورین وجزائر فرانسه (امروزه بنام جزائر موریس مشهور هستند) گردیده زمانی که کلبر بوزارت لوئی ١٤ رسید بخیال افتاد که این کمپانی خصوصی را نوع عمومیتی داده پادشاه و خانوادهٔ سلطنتی را دران ذی سهم ساخته بندر لوریان راکه امروزه یکی از بنادر نظامی مهم فرانسه است برای کار کمپانی مزبور بنامی نماید.

در (١٦٧٦) کمپانی فرانسوی تجارت شرق در سواحل شرقی هندوستان التجاره پندیشری را بنا و چندے بعد در مصب رود گنگ در التجارهٔ دیگرے بنام شاندرناگور تأسیس مینماید بدینصورت کار تجارت کمپانی رونقی گرفته امّا بعد از کلبر چندان عملیات درخشان نداشت تا در (١٧١٩) مساعدت هائے لاو باز کمپانی را سروصورتی داده وحتی ترقیات بزرگ نیز میکند. علّت عمدهٔ این ترقی را دو چیز میتوان ذکر نمود.

اوّل اینکه دران دوره اتحاد و دوستی بین فرانسه و انگلیس محکم بوده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 451 of 496

وکار شکنی ہائی برائے یکدیگر نمیشد ۔

دوم بواسطۂ وضعیت سیاسی ہند بودہ کہ اتفاقاً برائے ورود خارجیان وبسط نفوذ ایشان ولو نفوذ سیاسی ہیچ مانعی مشاہدہ نمیشد ۔

وضعیت ہند وستان در قرن ہفدہم :- ہندوستان کہ یکی از حاصلخیز ترین قطعات شرق است شامل شبہ جزیرہ جسیم و مرتفع کن وو دورۂ بزرگ گنگ و سند میباشد در قرن شانزدہ و ہفدہ تمام ہندوستان در زیر تسلط سلسلۂ سلاطین مغول و پای تخت آن شہر دہلی یکی از بزرگ ترین شہر ہائے شرق و بناہای مظم آن توجہ ہر مسافری را بخود جلب مینمود ۔ در اواخر قرن ہفدہم یعنی زمان سلطنت اورنگ زیب (۱۶۵۸-۱۷۰۷) قدرت و شکوہ دربار دہلی بمنتہا درجہ بودہ ولی بعد از و تنزل امپراطوری مغول شروع و مملکت ہند کم کم رو بہ تجزیہ میرود ۔

بزرگان و امرای مملکت راجہ ہا و نواب ہا سر از اطاعت پادشاہ باز زدہ ہریک برائے خود علم استقلال میافراشتند بدینطریق سرتاسر این مملکت وسیع دوچار کشمکش و انقلاب بودہ و یقین است ہیچ موقعی برای استفادۂ خارجی مساعد تر ازین پیش نخواہد آمد ۔

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 452 of 496

ترقی و توسعهٔ کمپانی فرانسوی :- این وضعیت عمّال کمپانی فرانسوے را بخیال انداخت که گذشته از منافع تجارتی خود منافعی سیاسی برای مملکت خویش دست و پا نماید یعنی ابتدا خود را از قید اطاعت امراے محلی مستخلص گردانیده دارد کشمکش هاے داخلی هند شده در مقابل منابع گزاف و یا امتیازات جدیده هریک را بر علیهٔ دشمنا نشان کمک نماید. با این نقشه شروع بکار کرده متدرجاً یکی از حکام کمپانی موسوم به دوما از (۱۷۲۵ تا ۱۷۴۱) آنرا بموقع عمل آورد قشون مختصری مرکب از مردمان بومی یا سپاهی با اصول و نظامات اروپائی تشکیل و پس از مساعدت با یکی از راجه ها شهر کارنکال را مالک و بعلاوه بلقب نوابی مفتخر گردید.

پس ازین کمپانی متدرجاً شروع بتجارت ساحلی هند نیز نموده تجارت داخلی آنرا نیز بدست میگیرد.

کمپانی انگلیسی درین موقع دارای دو دار التجاره یکی مدرس در صد کیلومتری پندیشری و دیگرے کلکته در ۲۵ کیلومتری شاندر ناگور و نسبت به عظمت مؤسسات فرانسوی تقریباً هیچ قابل ملاحظه

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 453 of 496

نبودند با وجود این همین مجاورت محرک حسد و رقابت ایشان گردیده موجب ظهور اختلافاتی شد که ازان جنگهای مستملکاتی فرانسه و انگلیس در شرق برخواست .

مستعمرات :- شروع عملیات استعماری انگلیس و فرانسه تقریباً مقارن با شروع اقدامات تجارتی شان بوده است در سال (١٥٨٤) انگلیس - ویوژنی یا اولین مستعمرهٔ خود را در مرکز ساحل امریکای شمالی ایجاد و فرانسوی ها در (١٦٠٤) در شمال خلیج سن لران در شبه جزیرهٔ آکادی جای گزین گردیدند .

مستعمرات انگلیس :- انقلابات داخلی انگلیس در قرن ١٧ موجب و مساعد برای توسعهٔ مستملکات این دولت در امریکا گردید بطوریکه دیدیم در عهد ژاک اول و شارل اول و شارل دوم عدهٔ زیادی از غیر انگلیکن ها از انگلستان مهاجرت و در قسمت جنوبی آکادی پنج مستعمرهٔ انگلیسی تحت عنوان انگلستان جدید تاسیس مینمایند .

این دسته از مهاجرین مردمان زارع و کارگر بوده از فشار انگلیکن ها

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 454 of 496

قرار و بازادی درین نواحی امریکائی میگردند ۔

بعدها در زمان شارل اوّل سه مستعمرهٔ تازهٔ دیگر در جنوب و یژرینی از متمولین انگلیس تشکیل یافت این دسته نیز بزراعت پرداخته سیاهان افریقا و مردمان بومی را برای کار کردن بکار میبردند ۔ در زمان شارل دوّم (۱۶۶۷) مستعمرهٔ هلندی که بین مستعمرهٔ جنوبی و مستعمرهٔ انگلستان جدید بود نیز بتصرف انگلیسها در آمده و در عهد ژرژ دوّم هم در همین حوالی مستعمرهٔ دیگری تشکیل میابد ۔ بدینصورت در (۱۷٤۰) سیزده مستعمرهٔ انگلیس در امریکای شمالی بین جبال آلغانی و اقیانوس اطلس وجود داشته و ساکنین آن تقریباً یک ملیون مردمان فعال و کاری بودند مستعمرات سیزده گانه فوق الذکر باوجود اینکه ساکنین آنها همه انگلیس و نزدیک یکدیگر نیز واقع بودند باز هریک حکومت علیحده و مشخصی داشتند حکمران هر مستعمره از جانب پادشاه مستقیماً تعین شده و مجلس ملی بعضویت نمایندگان رعایا مامور وضع قوانین و ادارهٔ حکومت بکمک حاکم بود ۔ متدرجاً مستعمرات مزبور توسعه یافته و بنادر تجارتی مهمی مانند نیو نودک ـ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 455 of 496

بستن و فیلا و نفی تاسیس گردید .

علاوه بر مستعمرات مذکورهٔ فوق پس از جنگها و راثت اسپانی و صلح اوترخت - (۱۷۱۳) انگلستان جزیرهٔ ارض جدید و آکادی را نیز از فرانسویان گرفته و مدخل خلیج سن لوران و در نتیجه کانادا بتصرف آورد .

مستعمرات فرانسه - کانادا - تقریباً مصادف با همان موقعی که در آکادی مستقر شدند فرانسویان شروع بداخل شدن در کانادا کرده و (۱۵۳۵) زمان فرانسوای اول ، ژاک کارتیه مسافرتی بآنجا کرده بود نمودند . در (۱۶۰۸) ساموئل شامپلن شهر کیبک را در مصب رود سن لوران بنا نهاد . تمام اراضی متصرفه موسوم بفرانسهٔ جدید گردید . اراضی مزبور که از جنگل ها و مرابع پوشیده شده و جز گله های بیزن (گاو امریکا) چیزی در آن دیده نمیشد در ابتداء منافعی به مهاجرین فرانسوی نرسانیده فقط پوست و پارهٔ محصولات بی اهمیت دیگر را بفروش میرساندند .

پس از آنکه کلبر بوزارت رسید اهمیتی بکانادا داده عدهٔ از فلاحین را

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 456 of 496

بآنجا ، کوچانیده شروع بتربیت مردمان بومی کرده بدینطریق حیات
نوی به کانادا بخشید .

بعد از تصرف کامل کانادا سیاحان فرانسوی بکشفیات تازه مبادرت
نموده خصوصاً در (۱۶۸۱) یکی از ایشان موسوم به کاولیه دلا
سال مصب رود میسی سلبی را سیر وارد خلیج مکزیک گردید نواحی
مکشوفه این سیاح بافتخار زمان سلطنت لوئی ۱۴ معروف به لوئیزیان
شده دومین مستملکه مهم فرانسه را تشکیل داد .

در دوره وزارت لاو مستملکه جدید اهمیتی پیدا کرده شهر اورلیان بدید
در مصب رود میسی سلبی بپا شد - خلاصه در (۱۷۴۰) فرانسویانی که
در کانادا و لوئیزیان سکنی گرفته بودند به هشتاد هزار بالغ بوده و مشتغل
زراعت زمین اشتغال داشتند . درین وقت شهرهای معتبر و
مستحکم این مستملکات عبارت از منترآل و کبک بوده بعلاوه قلاع نظامی مهمی
نیز با خارج زیاد در جزیره کاپ برتن ساخته شده بود که تمام مستملکات
فرانسه را در تحت حفاظت داشت . مستعمرات امریکای شمالی فرانسه
باوجود کمی جمعیت خود بخطر بزرگی مهاجرین انگلیسی را تهدید مینمود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 457 of 496

زیرا در حقیقت ایشان را احاطه کرده واز توسعه وترقی اراضی
شان جلوگیری مینمود ، بدینصورت باوضعیت مهاجرین ومستملکات
این دو دولت درهندوستان ظهور وحدوث مناقشاتی حتمی
بنظر میرسید .
مناقشات از (۱۷۴۳ تا ۱۷۴۸) این جنگ منتظره غیر مستقیما
شروع شد تجار انگلیسی والپول راجبور بمخاصمه با اسپانی نموده
چون فرانسه بخود پادشاه اسپانی بود مازمینهٔ خصومت های
مستملکاتی که درفوق شرح دادیم بوئی پانزدهم در (۱۷۴۴)
اعلان جنگ با انگلیس داد درین جنگ مستملکاتی عملیات متخاصمین
در امریکا بسیار محصور ومنحصر بتصرف لوئیزبورگ (قلعه نظامی
کاب ترین) (۱۷۴۵) توسط انگلیس ها ست امادرهندوستان
وقایع مهمی اتفاق افتاده وعملیات مشعشع دوپلکس والابوردنه
درهند حقیقةً قابل توجه میباشد .
این دو شخص که هردو از مامورین کمپانی فرانسوی هند بوده اند
ازمردمان تاریخی فرانسه بشمار میایند بورونه حاکم ایل فرانس بوده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 458 of 496

از عایدات محلی خورهٔ مأموریت خود قوای بحری مکلی تجهیز مینماید
دوپلکس که معاصر با مشارالیه و مامور نیشن در هندوستان بود قوای
بورونه را به کمک خویش خواسته مأمور تصرف و تخریب مدرس
مینماید اما بورونه پس از تصرف شهر در مقابل ده ملیون از خراب
گردن آن صرف نظر مینماید تا اینکه در (۱۷٤۸) موقع انعقاد
صلح اکس لاشاپل شهر مدرس با لویز بورگ معاوضه شده بجنگ
مستملکاتی فرانسه و انگلیس موقتاً خاتمه داده میشود.

فتوحات دوپلکس و ختم تسلط فرانسه در هند بعض امضای
صلح اکس لاشاپل باز دوپلکس عملیات خویش را که دائر بار و پا و نفوذ
کمپانی در هند بوده تعقیب کرده خود را داخل در منافشات وراثت
کارناتیک و دکن نموده بالآخره نظریهٔ خویش را پیش برده شخص که
طرف میل او بوده است از بین اختلافات غالب بیرون میآید در نتیجهٔ
دو امیر کارناتیک و دکن حاکمیت کمپانی را قبول و ولایت سیرکاد
بطور حق الزحمه بآن داده میشود، و قبایل مهرات طوق اطاعت کمپانی
را بگردن می نهند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 459 of 496

مختصر بواسطهٔ لیاقت وکاردانی دوپلکس در (۱۷۵٤) کمپانی
هند مالک اراضی که تقریباً دو برابر وسعت فرانسه را داشته
گردیده بر سی میلیون نفوس حکمرانی پیدا میکند البته این پیشرفت
فرانسویان را انگلیس ها بانظر خوبی ندیده شروع به تحریکاتی بر علیهٔ
او در دربار فرانسه مینمایند ازطرف دیگر نیز چون عملیات دوپلکس
مستلزم مخارج زیادی بود منافع صاحبان سهام کم شده
ایشان نیز شروع بشکایت کردند تا اینکه عاقبت لوئی پانزدهم نه
از راه صلح طلبی بلکه بواسطهٔ سستی درخواست انگلیس ها را قبول
دوپلکس را احضار وگدهو را بجای او میفرستد.

حاکم جدید که شخصی جاهل وبی تجربه بود بمحض ورود بهندوستان
قرارداد ی با کمپانی انگلیس منعقد وبموجب آن طرفین تعهد میکنند
که حمایت خویش را از امرای محلی سلب نموده بهیچ وجه داخل
در امور سیاسی نشوند این سیاست ظاهراً مسالمت کارانه را
راغافل ساخته در (۱۷۵۵) انگلیس ها بدون اعلان جنگ
شروع بمزاحمت بکشتی های فرانسه کرده بجنگ با فرانسه بادرت

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 460 of 496

می نمایند.

حکومت فرانسه پس از مدتها تأمل و تردید در تخت فرماندهی لالی تولیندال سه هزار قشون بکمک کمپانی فرستاده اما وجود این فرمانده نیز بواسطهٔ عدم بصیرت با وضاع داخلهٔ هندوستان بمردمان بومی مفید فائده نگردیده امرای محلی بواسطهٔ بدرفتاری فرمانده فرانسوی با انگلیسها تمایل پیدا کرده از طرف دیگر کمکی نیز از فرانسه باو نرسیده لهذا در (۱۷۶۱) در پندیشری محصور پس از پنج ماه مقاومت تسلیم انگلیسها گردید.

پس از شکست پندیشری به تسلط فرانسویان در هند خاتمه داده شده مقاومین چنین احوال کلیو حاکم انگلیس همان سیاست دوپلکس را تعقیب و در داخلهٔ هند شروع بفتوحاتی مینماید پس از شکستی در پلاسی به پادشاه بنگال وارد میآورد کاملاً مسلط و اقتدار خویش را در داخلهٔ هندوستان مستقر میگرداند.

جنگهای مستملکاتی فرانسه و انگلیس در امریکای شمالی و انشراع کانادا از فرانسه — عهدنامهٔ اکس لاشاپل راجع بامریکای شمالی و مستملکات دو طرفین

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 461 of 496

تعیین تکلیف قطعی ننموده و مانند یک قرارداد متارکه بوده است همان
اختلافات سرحدی سابقه باقی و بواسطه موقعیت درهٔ اهیو و نظریات
مهاجرین این دولت راجع بدرهٔ مزبور هر روز بر اشکالات افزوده میشد
چه این دره راه عبور از کانادا به لویزیان و فرانسویان نیخواستند
آنرا از دست داده بالعکس دائماً باساختن قلاع نظامی در استحکام آن
کوشش میکردند .

انگلیس ها هم که برای نفوذ آیندهٔ خویش داشتن درهٔ اهیو را از
ضروریات میدانستند در مقابل قلاع نظامی فرانسه بنای قلعه نموده
درحقیقت در مقابل فرانسوی ها صف آرائی کردند با این که بالآخره در
(١٧٥٤) بدون اینکه دولتین خیال خصومتی داشته باشند جنگ
بین مهاجرین ایشان در امریکا شروع گردید .

انگلیس ها که همیشه تصرف کانادا در نظر داشتند تهیهٔ کافی برای این موقع
دیده بیش از شصت هزار قشون چه از خاک انگلیس و چه از مستملکات
امریکائی برای مقابله با فرانسویان حاضر شد در عوض فرانسویان برای
حفظ حدود مستملکات وسیعهٔ خود جز پنجهزار قشون نداشتند هرچند بواسطهٔ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 462 of 496

لیاقت و مهارت ملت کالم سردار قابل خود فرانسویان پیشرفتهائی
در ابتدای امر نمودند لیکن معلوم است منتج بنتیجه نگردیده انگلیس ها
در ۱۷۵۸ قلعه لوئز بورگ را متصرف و ولف ژنرال مشهور انگلیس با
قشون خود وارد کبک میشود. بالاخره در ۱۷۵۹ در جنگ
سختی که بین قوای طرفین واقع میشود دو سردار سپاه بقتل رسیده
فتح نصیب انگلیس ها شده مقاومت لویس نایب ملت کالم در شهر
مترآل بجائی نرسیده قطعاً مغلوب و کانادا تسلیم انگلستان
میگردد.

معاهدهٔ پاریس — پس ازین شکست دوک دشوازل
با دولت اسپانی و ناپل یعنی دو سلطان دیگر خانواده بوربن
اتحادی معروف به اتحاد خانوادگی بسته (۱۷۶۱) و همین مداخله
اسپانی باعث دوام جنگ میشود با این اتحاد فرانسه میخواست
شاید تلافی شکستیهای سابقه را کرده متصرفات خویش را
مالک گردد ولی اتفاقاً ثمره مطلوبه را نبرده بلکه لویزیان را نیز
از دست میدهد بدین معنی که چون در ضمن جنگهای مستعمکاتی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 463 of 496

انگلیس ها شبه جزیرهٔ فلوریدا را که متعلق به اسپانی بود تصرف کنند
بودند فرانسویها برای جلب اتحاد اسپانی و رفع خسارت آن دولت
لوئیزیان را بآن وعده میدهد - با اینکه از معاونت و اتحاد اسپانی
نتیجه برای فرانسه حاصل نشد باز هم ایالت لوئیزیان بموجب قرارداد
منعقده بدولت اسپانی منتقل شده این مستملکهٔ فرانسه نیز از دستش
خارج میگردد، بالآخره در (۱۷۶۳) عهدنامهٔ صلح در پاریس امضا
رسیده لوئی پانزدهم مملکت کانادا و تمام سواحل بسیار رود میسی
سیپی را به انگلیس ها واگذار نموده از دعاوی سیاسی خویش در هندوستان
صرف نظر و فقط پنج شهر در تصرف فرانسه باقی میماند بالآخره مقداری
از متصرفات فرانسه در ایالتها و اراضی متصفه در سواحل بنگال نیز بموجب
همین معاهده تسلیم انگلیس ها میگردد .

VI

استقلال ممالک متحدهٔ امریکا

دوازده سال بعد یعنی در (۱۷۷۵) همان سیزده مستعمرهٔ انگلیسی که در مقابل
نظریات و پیشرفت فرانسویان باشهامت و فداکاری جنگیدند برای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 464 of 496

تحصیل استقلال خویش در برابر حکومت متبوعه قیام نمودند آزادی خود را
مطالبه نمودند عاقبت بواسطهٔ کمک های مادی و معنوی فرانسه بمقصود
نائل آمده اولین دولت مستقل امریکا را تشکیل دادند .

منشاء شورش و طغیان :- علت عمدهٔ شورش مستعمرات سیزده گانه را
نتایج وخیمه جنگهای هفت ساله باید دانست چه جنگهای مزبوره برای دولت
وملت انگلیس خیلی گران تمام شده وحکومت مجبور بود که برای جبران خسارات
واصلاح جریان مالی مملکت مالیات های جدید وضع وتحمیل نماید چون
اقدامات کارکنان حکومت انگلیس و مساعی جمیلهٔ که در داخل بکار بردند
نتیجهٔ مطلوبه را نداد ژرژ سوم و وزرایش باین خیال افتادند که از
مستملکات امریکائی استفاده نمایند لهذا چنین تصمیم گرفته شد که مستعمرات
نیز مالیات های موضوعه و معموله را تحمل نموده مخارج قشون ساطوی
امریکا را خود بپردازند . بدین جهة تجارت سواحل امریکا را خود بپردازند . بدین جهت
تجارت سواحل امریکا منحصر به کشتیهای انگلیس گردیده از طرف دیگر مجلس مبعوثان
الصاق تمبر را به اسکام و نوشتجات رسمی محاکم وغیره در مستملکات نیز تصویب نموده و در (۱۷۶۵)
آن را رسماً اعلان مینماید . این قانون به معروف بقانون تمبر است طوفان اعتراض

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 465 of 496

مهاجرین انگلیس واقع شده چه بموجب قوانین انگلیس هیچ مالیاتی نمیتواند و
وضع و تحمیل گردد، تا وقتیکه نمایندگان ملت آنرا تصویب نکرده باشند
چون مستعمرات سیزده گانه در مجلس مبعوثان نماینده نداشتند پس تحمیل
چنین مالیاتی برایشان غیر قانونی بود لهذا نمایندگان تمام مستعمرات
در شهر فیلادلفی اجتماع و رسماً بر علیه تصمیم مجلس اعتراض نمودند. اتفاقاً
این اعتراض مستعمرهٔ امریکائی در خود انگلستان نیز طرفدارانی پیدا کرده
خصوصاً حزب یک حمایت از امریکائیان مینمایند و در نتیجه مالیات مزبور
در (۱۷۶۷) لغو و در عوض حقوق گمرگی گزافی باجناس انگلیسی که
وارد امریکا میشود، تحمیل می نمایند. مال التجاره هائی که حقوق گمرگی جدید
باآنها تعلق میگرفت عبارت از آهن و کاغذ و شیشه و رنگ و چای
بود امریکائیها در نیمورد نیز تسلیم نشده تصمیم کردند که قطعاً مال التجاره های
مزبوره را استعمال نکنند یقین است در نیصورت خسارت عمده بر تجارت
انگلیس وارد آمده پس از سه سال حکومت انگلستان مجبوراً حذف حقوق
گمرگی را اعلام و فقط حق گمرگی چای را باقی میگذارد. امریکائیان
در نیمورد نیز مقاومت کرده حتی در (۱۷۷۳) سر کشتی که حامل چای بود

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 466 of 496

در مقابل بستن محمول آنها را بدریا میریزند. دولت انگلیس که این طغیان
علی و فاحش را می بیند اعلان میکند تا موقعی که قیمت چایهای
مزبوره را شهر بستن نپردازد، هیچ وارد و صادراتی را دولت انگلیس
بهندر مذکور اجازه نخواهد داد. شهر بستن هم کمک مستعمرات دیگر امریکا را
خواستار شده نمایندگان مستعمرات سیزده گانه یک مرتبه دیگر در فیلادلفی
اجلاس قطعاً امتعه انگلیسی را در اراضی خود ممنوع میسازند. در هر مستعمره
کمیتی را مأمور اجرای تصمیم متحدهٔ خویش میگردانند. ضمناً قشونی داد
طلب نیز برای استحکام کار خود تنظیم و مراکز و جیزه و مهماتی در هر یک
از مستعمرات تهیه و ایجاد مینمایند. حکومت انگلیس که وضعیت را طور
دیگر می بیند در (۱۷۷۵) دسته قشونی برای سرکوبی متمردین
اعزام تلاقی طرفین در نزدیکی بستن شده از همین جای جنگهای بین
مستعمرات انگلیس و حکومت مرکزی شروع گردیده هشت سال
دوام و عاقبت منجر باستقلال و آزادی مستملکات مزبوره میشود
در دو سال اول بواسطه نداشتن اسلحه کافی پول و انتظامات لازمه
و از همه مهمتر مخالفینی در داخل عملیات امریکائیان پیشرفتی را نشان نمیداد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 467 of 496

ولی بواسطهٔ فداکاری و شجاعت و سرآمد همه بی غرضی سردار نامدار
امریکائی ژرژ واشنگتن امریکاییها با تمام مشکلات مقاومت کرده
بالآخره در ماه اکتبر (۱۷۷۷) قشون انگلیس در ساراتوگا مجبور بتسلیم
گردیده و پس ازین فتح پیشرفت ایشان شروع میشود. بعد از فتح
ساراتوگا فرانسویان نیز که تا آنوقت در حال تردید بودند علناً شورشیان
را مقاومت نموده حتی جمعی از نجبا و امرای مملکت داوطلبانه
برای کمک با امریکاییها بامریکا میروند معروف ترین ایشان لافایت سوار
معروف است که در انقلاب کبیر فرانسه نیز عملیات برجسته دارد یکسال
بعد یعنی در فوریه (۱۷۷۸) دولت فرانسه با فرانکلن نمایندهٔ
امریکاییان قرارداد تجارت و اتحادی نیز منعقد مینماید.
پس از عقد این قرارداد که بطور غیر مستقیم اعلان جنگ با انگلستان
بود ورژن وزیر امور خارجهٔ فرانسه از طرفی با اسپانی اتحادی کرده
واز طرف دیگر با کاترین دوم امپراطوریس روسیه عهدنامهٔ بیطرفی
مسلحی بر علیهٔ انگلیس امضا میکنند بدینصورت جنگ صورت تازه
بخود گرفته تقریباً مبدل بجنگ اروپائی میشود.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 468 of 496

صلح ودوستی ۔ غالب مقابلۂ طرفین در برامریکا وجزائر انطیل واقیانوس
هند میشده در ۱۹ اکتبر (۱۷۸۱) قوائے بری فرانسه بفرماندهی
دشامبو عدهٔ از جهازات آن تحت ریاست آمیرال دگراس
باواشنگتن کمک کرده در یورک تون که محل کوچکی در ایالت ویرجینی
است قشون انگلیس را مجبور به تسلیم گردانیده پس ازین فتح اعلان
آزادی امریکا مستحکم وقطعی میشود . درمیدانهای دیگر نیز چون
انگلیسیها پیشرفت خود را مشکوک می بینند بالآخره در (۱۷۸۲) حاضر
بصلح شده این میل خود را بدربار فرانسه اظهار مینمایند . فرانسه ها هم که
بواسطهٔ خرابی وضعیات مالی خود در زحمت بودند این پیشنهاد را با انتظار
کرده پس از مختصر مذاکراتی در سپتامبر (۱۷۸۳) عهدنامهٔ صلح
ودوستی بامضا میرسد . بموجب عهدنامهٔ مذکوره انگلیسها استقلال
نامهٔ ممالک متحدهٔ امریکای شمالی را شناخته حدود مملکت جدید
را تا حوالی میسی سیپی قرار میدهند . فرانسویان نیز باره جزائر
انطیل ومتصرفات سنگال خود را تصاحب ، اسپانی شبه جزیره
فلوریدا را باز پس گرفته ایالت لوئزیانا بفرانسه مسترد میگردد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 469 of 496

این سلسله جنگها که نتیجهٔ ظاهری و مادی آن استقلال ممالک متحدهٔ امریکای شمالی و استرداد مستملکات سابقهٔ فرانسه بنظر میآید باطناً نتایج مهم دیگری هم داشته که بزرگترین آنها تسریع در انقلاب کبیر فرانسه میباشد چه از طرفی امریکاییها در موقع اعلان استقلال خود متوسل بحقوق بشری و آزادی ملی گردیده عدهٔ از فلاسفه و فیلسوفان فرانسه مانند ولتر و منتسکیو این نظریات را اساسی نوشتجات خویش قرار داده در معرض افکار عامه گذاردند، و از طرف دیگر خسارات مالی فوق العاده که در نتیجهٔ جنگهای استقلال امریکا بفرانسه وارد آمد بحران اقتصادی این مملکت را شدت داده نتیجه آن اینکه در آخر دو بالآخره ظهور بزرگترین واقعات سیاسی و اجتماعی عالم یا انقلاب کبیر فرانسه گردید.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 470 of 496

فصل بیستم

کلیات تاریخ ایران در قرون جدیده (۱)

قسمت اول سلاطین صفوی

در ابتدای قرن دهم هجری دولتی در ایران تشکیل یافت که کار این مملکت را بعد از نهصد سال انقلاب متوالی سر و سامانی داد، دولت مزبور مذهب و رسوم و تمدن ایران را روی پایهٔ قرار داد که حالا هم تقریباً روی همان پایه و بنیان است.

مؤسس این دولت شاه اسمعیل از اخلاف شیخ صفی الدین اردبیلی است که از بزرگان اهل تصوف و مشایخ عرفا محسوب میشده - این سلسله را نسبت بجد ایشان داده صفوی و صفویه گفته اند.

---

(۱) چون بهترین کتبی که تاریخ ایران را متناسب با این کتاب ذکر نماید نگارشی است که دانشمند فرزانه مرحوم فروغی (ذکاء الملک) در سال ۱۳۱۸ هجری نموده بنابرین این قسمت با اقتصاصات لازمه از کتاب آن مرحوم نقل کرده شد.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 471 of 496

سلطان حیدر پدر شاه اسمعیل در اواخر قرن نهم هجری در نزاع
با شیروانشاه کشته شده بعدها که پسرش پسر چهارده رسید
مریدان پدر را جمع کرده بخونخواهی او رفت شیروانشاه را در ۹۰۶
هجری مغلوب بازماندگان خانواده آق قونیلو را آذربایجان مقهور کرده
صاحب اختیار این ایالت گردید و شهر تبریز را مقر حکومت خویش
قرار داد.

در سنه ۹۰۸ بر عراق عجم نیز مستولی شده اصفهان و شیراز
و مازندران را هم تصرف کرده مالک بسیاری از بلاد ایران گردید.

در سنه ۹۱۴ شاه اسمعیل بغداد را گرفته خوزستان در تحت
اطاعت او در آمده سال بعد محمد خان شیبانی معروف بشاهی بیگ
را که از اولاد چنگیز خان و در خراسان حکمرانی داشت شکست داده
خراسان نیز ضمیمهٔ متصرفات پادشاه صفوی شد و در حقیقت حدود
مملکتش بر دو جیحون رسید.

این پادشاه رشید اگرچه غالب اوقات خود را بجنگ
میگذرانید در تمام عمر بیش از یک مرتبه شکست نخورد و آن

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 472 of 496

از سلطان سلیم خان سلطان عثمانی بود توضیح آنکه سلاطین عثمانی
که قوت خودرا در ضعف ایران میدانستند بپیشرفت کار شاه
اسمعیل میل نداشته در فکر جلوگیری او بودند بنابرین در سنه ۹۲۰
سلطان سلیم اول لشکر به آذربایجان کشیده در چالدران با شاه اسمعیل
روبرو شده او را منهزم ساخت اما ازین جنگ خود فائده نبرده مجبور
براجعت بمملکت خویش گردید.

آخرین پیشرفت بزرگ شاه اسمعیل فتح گرجستان بود که در
۹۲۹ میسر گشته یکسال بعد یعنی در ۹۳۰ مؤسس سلطنت صفوی
در سن سی و هشت سالگی رخت بسرای بقا کشید.

شاه اسمعیل دولت ایران را احیا کرده حدود آنرا از جبال قفقاز و
بحر خزر بدریای عمان و از رود جیحون بدجله یعنی حد طبیعی ایران رسانید.
لشکریان شاه اسمعیل معروف به قزلباش میباشند زیرا برای
ایشان کلاه قرمزی بشکل تاج درویشان ترتیب داده بود که ما بالاتیاز
ایشان باشد این اسم برای قشون سلاطین صفویه علم گردید.

بعد از شاه اسمعیل ولد ارشدش شاه طهماسب که طفلی یازده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 473 of 496

سالہ بود بر تخت سلطنت نشست در زمان طفولیت این پادشاہ
بزرگان بقصد فائدۂ خود مملکت را منقوش کردند امّا شاہ طہماسب
بزودی سررشتۂ کار را بدست خود گرفت و شہر قزوین را پایتخت
خویش قرار داد .

شغل عمدۂ شاہ طہماسب از یک طرف یعنی از سمت مشرق مملکت
دفع ازبکان بوده از جانب دیگر که مغرب باشد جلوگیری عثمانی
فتنۂ ازبکان و حملہ آنہا بخراسان تقریباً کاری همیشہ بوده و شاہ
طہماسب هر سال مجبور میشد که شخصاً برای تدمیر ایشان بخراسان
حرکت نماید .

امّا تخطی دولت عثمانی باید دانست که در سنہ ٩٤٠ سلطان
سلیمانخان سلطان عثمانی متوجہ حدود ایران گشته وارد آذربایجان
شده تا بہ سلطانیہ رسید لیکن سرما او را باز گشت واداء نموده به
بغداد رفت سال بعد باز متوجہ آذربایجان گردید و برحسب اتفاق
باز هم مجبور بمراجعت شد درین نوبت شاہ طہماسب تعاقب سلطان
پرداخت و هر جا را تصرف نموده بود باز پس گرفت . پانزده سال بعد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 474 of 496

یعنی در سنه ۹۵۵ القاص میرزا برادر شاه طهماسب برادیاغی شده
باسلامبول رفت و سلطان سلیمان را محرک شد که به ایران حمله نماید
بار دیگر سلطان به تبریز رسید ولی مشکلاتی باو مجال توقف نداده
دفعهٔ سوم نیز ناچار شد که بمملکت خود برگردد. بعدازین نیز بین دولتین
ایران و عثمانی زد و خوردها شده تا در سال ۹۶۱ شاه طهماسب و
سلطان سلیمان صلح کردند.

از کارهای شاه طهماسب تسخیر شیروان و گرجستان است
درزمان این پادشاه همایون پادشاه از سلاطین تیموری هندوستان
که از لشکر افغان شکست خورده بود، بایران پناه آورده شاه طهماسب
همراهی و کمکهای لازمه دربارهٔ او مبذول داشت دومین
پادشاه صفوی پنجاه و چهار سال سلطنت کرده در سنه ۹۸۴
درگذشت.

درزمان جای نشینان این پادشاه: سلطان حیدر
شاه اسمعیل ثانی و برادرش سلطان محمد واقعهٔ مهمی اتفاق
نیفتاده در سال ۹۹۶ سلطان محمد از سلطنت دست کشیده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 475 of 496

پسرش عباس میرزا بجای او نشست .

عباس میرزا که همان شاه عباس بزرگ معروف میباشد اعظم سلاطین صفوی بلکه بزرگترین سلاطین دورهٔ اسلامی ایران است .

وقایع سلطنت شاه عباس بزرگ را باید بدو قسمت کرد یکی قسمت جهانگیری و دیگر قسمت جهانداری که هریک را جداگانه شرح میدهیم

شاه عباس نیز مانند نیاکان خود دچار زحمت از بکان بود پس از آنکه امراء و ارکان دولت ایران را کاملاً مطیع ساخت برای قلع و قمع ازبکها مکرر بخراسان رفت و آمد تا اینکه در سنهٔ ۱۰۰۶ آنقوم را شکست داد و نواحی شرقی مملکت را از فتنهٔ ایشان ایمن ساخت ، و درین ضمن بعضی از ولایات دیگر مانند مازندران و گیلان و لرستان و غیرها که زمزمهٔ خودسری داشتند در تحت اطاعت درآورده ناحیهٔ لار و جزیرهٔ بحرین را تصرف کرد .

پس از فراغت از داخله در سال ۱۰۱۱ متوجه عثمانیها شده تبریز و ایروان را که در سنوات اخیر بتصرف ایشان درآمده بود باز پس

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 476 of 496

گرفت ولی باز سلاطین عثمانی دست برنمیداشتند تا در سه
جنگ مهمی که یکی در سال (۱۰۱٤) و دو دیگر در سال (۱۰۲۷)
بین سپاه ایران و لشکر ترک واقع شد عساکر عثمانی کاملاً مغلوب
و شاه عباس آذربایجان و گرجستان و بلاد قفقاز و کردستان
و بغداد و موصل را متصرف گردید.

بالآخره جزیرهٔ هرمز را در خلیج فارس که زیاده از صد سال
در تصرف پرتقالیها بود شاه عباس در (۱۰۳۱) گرفته و پس ازان
بندری که در مقابل این جزیره در ساحل لار واقع است باسم شاه
عباس بندر عباسی نامیدند. در قسمت جهانداری باید گفت که
شاه عباس تمام همش مصروف اینست مملکت و راحت رعایای
دولت بود باین جهت بعمال و مباشرین دیوانی کمال سخت گیری را
مینمود و مقصرین را مورد مواخذه و سیاست شدید قرار
میداد.

شاه عباس اوّل پادشاه از سلاطین ایران است که با دول
اروپا رابطه داشته و بان ممالک سفیر فرستاده و ازجانب

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 477 of 496

پادشاهان اروپا بدربار او فرستاده و مأمور آمده است .

از مآثر شاه عباس یکی ابنیهٔ ادبیه باشد . این شاهنشاه صفوی شهر اصفهان را پایتخت خود قرار داده ابنیهٔ بسیار در آن نمود ، دو شهر مازندران یکی اشرف و دیگری فرخ آباد در حقیقت از آثار اوست .

شاه عباس در ترویج فضل و علم و صنعت و تجارت نیز فروگذار نکرده نام نیکی از خود در تاریخ عالم گذارده است .

این پادشاه بعد از چهل و دو سال سلطنت با عظمت در سنهٔ ۱۰۳۸ درگذشت . و نوادهٔ او بنام شاه صفی بجای او بر تخت سلطنت ایران نشست .

در عهد شاه صفی در گیلان فتنه برپا شد و از بکان نیز حمله بخراسان کردند لیکن هر دو غائله بسهولت رفع شد با دولت عثمانی نیز زد و خوردهائی کرده عاقبت با سلطان مراد چهارم سلطان عثمانی صلح کرد بشرط اینکه دولت عثمانی ایروان را به دولت ایران تسلیم و دولت ایران بغداد به دولت عثمانی واگذارد .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 478 of 496

بشاه صفی در (۱۰۵۲) درگذشته پسرش شاه عباس ثانی
بادشاهی یافت مدت بیست و پنجسال بفراغت سلطنت کرده از وقایع
عهد سلطنت این بادشاه یکی کمک بپدر محمد آزبک است چون
مخالفین دست اورا از سلطنت کوتاه کرده بودند بشاه عباس ثانی
پناه آورده پادشاه صفوی اورا بر ملک موروثی مسلط نمود
دیگری فتح قندهار است که پدرش از دست داده بود شاه عباس
ثانی باشاه جهان پادشاه هند و پسرش اورنگ زیب معروف بعالمگیر
نرد خوردها کرده برایشان غالب شد :
پس از فوت شاه عباس ثانی پسرش باسم شاه سلیمان در
(۱۰۷۸) بادشاهی یافت . سلطنت بیست و هشت ساله این بادشاه
نیز در کمال فراغت و راحت گذشته جز بعضی انقلابات داخلی
که بزودی رفع شد واقعهٔ مهمی ندارد .
بعد از شاه سلیمان بزرگان مملکت پسر ارشدش را در (۱۱۰۶)
بسلطنت برداشتند و او همان شاه سلطان حسینی است که
در زمان او سلطنت صفویه منقرض گردید .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 479 of 496

دولت صفوی را شاه عباس باوج شوکت وعظمت رسانید
بعداز و در ظرف مدت یک قرن مردم ایران بواسطهٔ فراغت و
راحت طولانی از حال جنگجوئی افتاده بتن پروری وعیش عادت
کرده بودند برای جبران این کسر لازم بود زمام مملکت در دست
پادشاهی باعزم و دلاور افتد تا مگر رفع آن نقص بشود مگر شاه سلطان
حسین از دارهٔ امور دنیوی بکلی بی بهره و کاری که داشت
گفت و شنید با نسوان و معاشرت با خادمان حرم بود !
در زمان این پادشاه میرویس خان از بزرگان افاغنهٔ قندهار
باصفهان آمده وضع مختل را برأی العین بدید و دانست
که این بساط بازی را میتوان بآسانی برچید . بنابرین از
اصفهان بقندهار شتافته مردم را که از ظلم و تعدی گرگین
خان حاکم قندهار بجان رسیده بودند بشورانیده حاکم ظالم
را بکشت و چندی مستقلاً بحکومت پرداخت .
فتح علی خان وزیر اعظم در تهیهٔ نشاندن این غوغا بود که مخالفین
شاه را از و بدگمان کرده فتح علی خان معزول و کور گردید از طرف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 480 of 496

دیگر پسر خان افغان که پس از فوت پدر بحکومت قندهار
پرداخته و خویش را شاه محمود خوانده بود سیستان و کرمان را
بتصرف آورده متوجه اصفهان شد محمد قلی خان وزیر اعظم
بعجله تهیهٔ قشونی دیده بمقابل سپاه افغان رفت قشون سلطان
حسین سه چهار برابر افاغنه بود، امّا آنان بلاکش و مرد درد،
واینان اهل تنعم و ناز پرورد کار ندیده و رنج نکشیده فوراً شکست
خورده در شهر اصفهان حصاری شدند از طرفی هم امر آذوقه
بمردم پایتخت تنگ شده شاه سلطان حسین چون دید که راه
چاره مسدود است از اصفهان بیرون آمده تاج سلطنت را
بدست خود تسلیم شاه محمود نمود.

شاه محمود ابتدا با مردم بنای خوش رفتاری و مهربانی گذاشت
امّا مشکلاتی که هر روزه برای او پیش می آمد بکلی رویّه اش را
تغییر داده بسیاری از شاهزادگان صفوی و ارکان کشوری
و لشکری و علما و رعایا را بکشت آنگاه بعضی بلاد دیگر از عراق و فارس
را گرفته در آنجا نیز خونها ریخته شده ولی بزودی اختلال دماغ

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 481 of 496

پیدا نمود پس پسر عمش موسوم با شرف شاه محمود را بقتل رسانید خود
عنوان بادشاهی گرفته خویش را شاه اشرف خواند .

درینوقت روسها و عثمانیها از انقشاشات ایران استفاده
کرده عدهٔ از ایالات شمالی و غربی مملکت را تصرف کرده بودند عثمانیها
باین هم قناعت نکرده پس از تسخیر ولایات غربی درصدد دفع شاه
اشرف برآمدند و با دلاوری تازه بجدال و مصاف پرداختند چون
شکست خوردند از در مصالحه درآمده دولت عثمانی بشرط اینکه
ولایات متصرفه را همیشه مالک باشد سلطنت شاه اشرف را در
ایران قبول نمود (۱۱۴۰) .

مقارن این زمان انقلاب عجلی در ایران رو داد که طمع های
روس و عثمانی بعمل نیامده ورق برگشت . توضیح آنکه طهماسب
میرزا پسر شاه سلطان حسین کوشش میکرد که تخت و تاج ایران
را باز بچنگ آرد بنابرین در مازندران بفتح علی خان قاجار متوسل
شد درین اثنا ندر قلی که بعدها نادر شاه میشود نزد شاه طهماسب آمده
خدمت او را قبول کرده ، باسم او خراسان را گرفته رو با صفهان

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 482 of 496

آورد . شاه اشرف بجلوگیری شتافته یک مرتبه نزدیک دامغان نوبت دیگر درحوالی اصفهان و بار سوم قریب شیراز از و شکست خورده بافغانستان مراجعت نمود درآنجا برادر شاه محمود اورا بخونخواهی برادرش بکشت (۱۱۴۳) .

مدت تسلط افغان درایران هفت سال بوده ومدت ملک ودولت صفویه درصورتیکه انقراض آنرا از استعفای شاه سلطان حسین بگیریم دویست وچهل سال واگر از جلوس نادرشاه حساب کنیم دویست وپنجاه وسه سال بوده است .

(قسمت دوم ــ افشاریه وزندیه .)

بعداز زوال دولت صفوی باوضع وحال دولتین عثمانی وروس اضمحلال وتجزیهٔ ایران امری ناگزیر بنظر میآمد لیکن کردگار استخلاص آنرا خواسته قهرمانی دست طمع این دو همسایه را ازین ساحت کوتاه نمود واو چنانکه پیش گفتیم نذرقلی پسر پوستین دوزی از ایلات افشار بود .

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 483 of 496

ندر قلی در جوانی در خدمت ملک محمود سیستانی بوده چندی بعد
براو یاغی گشت و بتاخت و تاز پرداخت و برچند شهرهائے
خراسان تسلط یافته در آنجا حکومت میکرد. متقارن این حال
فتحعلیخان قاجار نایب السلطنهٔ شاه طهماسب این بادشاه را
بجانب مشهد حرکت داد تا شر ملک محمود سیستانی را دفع و خراسان
را متصرف شوند.

ندر قلی در جنوشان بار دوی شاه طهماسب آمده مورد التفات
شاه واقع گردیده ملقب بطهماسب قلیخان و مأمور قلع و قمع ملک
محمود شد. طهماسب قلی خان (ندر قلی) چون وجود فتحعلی خان
را مانع اجرای خیالات بلند خود میدید اسباب هلاک
او را فراهم آورده بدفع ملک محمود توجه کرد، بزودی
حریف را مغلوب نموده شهر مشهد را متصرف شده اقتدارش
بجائی رسید که شاه طهماسب کلیهٔ اختیارات را بدست او
داده خود مطیع اراده اش گشت.
طهماسب قلیخان در اندک وقتی تمام صفحهٔ خراسان را مصفّی

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 484 of 496

کرده برائے تخلیهٔ گیلان فرستاده بروس فرستاد.

اهمیت کار شاه طهماسب کم کم شاه اشرف را بخیال انداخته
درصدد جلوگیرے برآمده رو بخراسان نهاد درنزدیکی دامغان
جنگ درگرفته طهماسب قلی خان فاتح گردید. شاه اشرف
باصفهان بازگشته باکمک قشون عثمانی درمورچه خورت که
دریک منزلی شمال اصفهان واقع است تلاقی فریقین شده شاه
اشرف اصفهان را گذارده راه شیراز پیش گرفت طهماسب
قلی خان وارد شهر اصفهان شده شاه طهماسب نیز در دنباش
رسیده بر تخت پدر جلوس کرد (۱۱٤۲).

بطورے که گفتیم در شیراز نیز کار شاه اشرف قوامی نگرفته
پس از شکست سومی که در محلی بین شیراز واستخر خورد بافغانستان
مراجعت ودر آنجا بقتل رسید.

طهماسب قلی خان از فارس بخوزستان وسپس به لرستان
رفته هرچه فتنه در آن ایالات بود رفع نمود آنگاه حکمرانی بلکه سلطنت
مازندران وخراسان وقندهار ویزد وکرمان یعنی تمام نصف

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 485 of 496

شرقی ایران از جانب شاه طهماسب بطهماسب قلی خان تفویض
شد. امّا هنوز بعضی ولایات ایران یعنی مغرب و شمال آن در تصرف
عثمانی وروس بود، بنابرین طهماسب قلی خان بانتزاع آن ولایات
پرداخت یکدفعه در نهاوند و دفعهٔ دیگر در ملایر با سرداران
عثمانی روبرو شده ایشان را شکست داده همدان و کرمانشاه
ورا متصرف و توپخانه عثمانی و اسرای بسیار بچنگ لشکریان
ایران افتاد (۱۱٤۲) سپس متوجه آذربایجان شده ازاین
ایالت نیز عثمانیها را بیرون کرده متوجه ایروان شد ولی فتنهٔ درخراسان
بروز نموده طهماسب قلیخان شخصاً فتنهٔ را خوابانیده و دولت روس
هم صلاح در ستیزه ندیده ایالت گیلان را تخلیه نمود.

درغیاب طهماسب قلیخان تحریک امرای نادان شاه
طهماسب خواست اظهار حیاتی نماید و مابقی ایالات از دست رفته
را از عثمانی بگیرد امّا در نزدیکی همدان از قشون عثمانی شکست خورده
ایالاتی که شمشیر طهماسب قلیخان مسترد کرده بود باز از دست
داده معاهده با عثمانی منعقد و رود ارس را سرحد قرار داد (۱۱٤٤)

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 486 of 496

طهماسب قلیخان چون ازینواقعه مطلع شد پیغامی بدولت
عثمانی داده استرداد ایالات متصرفه را خواستار شد درضمن
خود در اصفهان بحضور شاه مشرف شده شاه را بار دوی خود
دعوت وبساط عیش گسترانید شاه حرکات ناشایستی نموده طهماسب
قلیخان بزرگان را جمع وحالات وحرکات شاه را بایشان نموده
گفت آیا باچنین صاحب اختیاری میتوان کاری ازپیش برد
چون طهماسب قلیخان رنجیدگی ومخالفت بزرگان رادید
روز بعد شاه طهماسب راگرفته خلع کرده بخراسان فرستاد
اسم سلطنت را به پسر یک ساله او عباس میرزا گذارده خود بعنوان
نیابت مستقلاً بسلطنت ایران پرداخت (١١٤٥) .

چون طهماسب قلی خان ازقید وبند فارغ وباختیار مطلق
فائز گشت عازم بغداد شد واین شهر را محاصره کرد اما توپال عثمان
سردار عثمانی باعسکر بسیار بکمک لشکریان بغداد آمده درسامره
با طهماسب قلیخان مصاف داده اوّل دفعه طهماسب قلیخان
شکست خورده بهمدان گریخت اما فوراً تهیه پرداخته سه ماه بعد بقصد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 487 of 496

انتقام باز آهنگ بغداد کرد توپال عثمان در جنگ با طهماسب
قلی خان شکست خورده کشته شد (١١٤٥) .

در ضمن این احوال فتنه در فارس برپا شده طهماسب قلی خان
آنرا نشانیده بشیروان رفت آنولایت را باد اغستان
مسخر نمود آنگاه با دولت روس عهد صلح بسته در بند و باد کوبه
را واگذار و باین قسم رفع مزاحمت آن دولت را نمود اما دولت
عثمانی هنوز در خیالات خود باقی بود ، عبدالله پاشا را مأمور جنگ
ایران کرد ، در نزدیکی ایروان جنگ واقع شده قشون ایران
غالب آمد و سردار عثمانی بقتل رسید و گنجه و تفلیس و ایروان و
قارص را کارگذاران عثمانی بدولت ایران واگذار و قبول شد
که سرحد دو لتین را همان سرحد قبل از حکومت افغان بدانند
(١١٤٨) .

وقت آمد که طهماسب قلی خان بتصدیق قابلیت و استعداد
نادرشاه افشار گردد ، پس برای اجراء و انجام قصد دیرینهٔ خود
تمام سران و بزرگان کشور را بصحرای مغان آذربایجان احضار

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 488 of 496

و جمع کرده خدمات خود را شمرده گفت. چون مقصد و مقصودی
جز تمامیت ایران و رفاهیت مردم آن نداشتم و اینک
بفضل الٰهی موجود است پس موقع آن رسیده که باستراحت
پردازم شما همه در اختیار پادشاه خود مختارید

بزرگان یکدل آهنگ از طهماسب قلی خان تمنای قبول
تاج و تخت نموده او هم پس از یک ماه ظاهر سازی بر تخت
سلطنت جلوس نموده و خود را نادرشاه خواند (۱۱۴۸).

نادرشاه پس از خاموش ساختن بعضی شورش های داخلی
قصد قندهار نموده این شهر را پس از محاصرهٔ طولانی متصرف
شده کابل را گرفته افغانستان بر او مسلّم گشت. (۱۱۵۰)
بعد رضا قلی میرزا پسر خود را که برای فتح بلخ فرستاده بود
احضار نیابت سلطنت را باو داده خود عازم فتح هندوستان شد
(۱۱۵۱) از پشاور گذشته کشمیر و پنجاب و لاهور را بسهولت
در تحت اطاعت آورده بجانب دهلی حرکت کرد در نزدیکی این شهر
(۱۱۵۱) با محمد شاه گورکانی پادشاه هند جنگ کرده لشکر هند را شکست داد

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 489 of 496

محمد شاه تاج و تخت هند را تسلیم نادرشاه نمود لیکن پادشاه ایران میدانست که نگاهداری مملکتی بوسعت هند بآسانی گرفتن آن نیست پس بهمان افتخار قناعت نموده سلطنت ان قلمرو را باز بمحمد شاه بخشید.

این سلطان نیز در ازاے این کرمهت تمام اموال وجواهر خزانهٔ خویش را که بحد اقل سیصد کرور تومان پول حالیهٔ ایران تخمین شده بنادرشاه تقدیم کرد. فائدهٔ دیگرے که ازین لشکر کشی بایران عاید گردید این بود که اراضی غربی رود سند ضمیمهٔ این مملکت گردید و باز سرحد ایران از سمت مشرق رود سند رشد. (۱۱۵۲)

پس از فتح هندنادرشاه براے قلع وقمع کامل از بکهای بخارا ترکستان توجه کرده بادشاه ازبک سر تسلیم پیش آورده نادرشاه مملکت ترکستان را باز باو داده سرحد مملکتین را رود جیحون قرار داد.

در همین سال یعنی سنه ۱۱۵۳ نادرشاه متوجه خوارزم شده

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 490 of 496

پادشاه این مملکت را مقهور کرده و بگشت بعد ازان بمشهد رفته
آنگاه عازم گوشمال قبایل لکزی داغستان که بنای خودسری
داشتند گردید. (١١٥٤)

دربین راه در جنگل مازندران تیری برای شاه انداختند
وگلوله شست دست چپ او را برد. نادرشاه به رضاقلی میرزا
پسر خود بدگمان شده آن جوان دلیر را کور کرد. این امر حال
نادرشاه را بگردانیده چند واقعهٔ دیگر از قبیل شورش
اهالی فارس و مردم شیروان و سرکشی طایفهٔ قاجار نیز مد
مطلب گردیده حاصل اینکه نادرشاه عادل عاقل ظالمی شد مجنون
حرکاتی از و بظهور رسید که از کمتر خونخوار جباری دیده شده
مردم نیز البته با این اخلاق جان فشانی سابق را نداشته
بدینصورت پیشرفتی هم حاصل نمیگرد. پس بزرگان و امرا
از ظلم و جور و خونریزی او بستوه آمده با علیقلی خان برادر
زادهٔ پادشاه همدست شدند و در قتح آباد جنوشان شبانه
سر تا جور را از بدن جدا کردند. (١١٦٠)

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 491 of 496

بعضی نویسندگان مغرب نادرشاه را ناپلیون مشرق خوانده اند
وحق هم گفته اند بلکه اگر تا آخر عمر برویهٔ رفتار اوّل باقی مانده بود ممکن
بود اورا بدلائل برناپلیون ترجیح داد.

بعد از نادرشاه پنج سلطان از جانشینان او اسم ورسمی
داشته درغالب ایالات ایران حکومت نموده اند، ولی مندرجاً
هریک از ایالات از ایشان مفترع و فقط پانج سال بعد از سلطنت
فتح علی شاه قاجار (۱۲۱۸) در خراسان حکومت داشته اند.

ذیل یه:- پس از تنزل شوکت نادرے ولایات جنوبی
ایران را دو نفر از الوار متفق شده تصاحب کردند، یکی ازین دو نفر
از طایفهٔ بختیارے وموسوم به علیمراد خان بود دیگرے از
طائفهٔ زند و کریم خان نام داشت.

بزودی میان کریم خان وعلیمراد خان نفاق افتاده بنای زد
وخورد را گذاشتند علیمراد خان پس از چندی مقتول و پادشاه
زند خود به تنهائی در اصفهان و فارس استقلالی بهم رسانید.
پس از دفع رقبا سے خود حریف زورمندے کہ برای

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 492 of 496

کریم خان باقی مانده بود محمد حسن خان قاجار بود که در گیلان و مازندران تسلط داشت بنابرین بخیال قلع و قمع او افتاده لیکن شکست یافته بشیراز رفت، ودرین شهر حصاری گردید و محمد حسن خان شیراز را محاصره نمود (۱۱۷۱) اما فتح شیراز برای او میسر نشده مجبور بباز گشت گردید کریم خان قشونی در دنبال او روانه کرده محمد حسن خان را مقهور و مقتول ساخت و ایالات متصرفه را مالک گردید، و اولاد محمد حسن خان را که از جمله آقا محمد خان مؤسس سلطنت سلسلهٔ قاجاریه است، بحضور کریم خان بردند و او کمال مهربانی و ملاطفت را با ایشان نمود.

بعد از غلبه بر محمد حسن خان کریم خان تقریباً بیست سال بفراغت سلطنت کرد، لیکن هیچوقت اسم پادشاهی بر خود نگذاشته همیشه خویش را وکیل الرعایا میخواند. لهذا این پادشاه زند معروف بکریم خان وکیل است. لیکن پوشیده نیست که یکی از حکمرانان خوب ایران بوده و او ان سلطنت او رعایای ستمدیدهٔ این مملکت براحت و آسایش گذرانیدند.

http://hdl.handle.net/2333.1/ffbg79t5 Image 493 of 496

کریم خان مدت سی سال تقریباً سلطنت کرده در (۱۱۹۳)
بجهان باقی شتافت شش نفر از اولاد او نزدیک بشانزده سال
در ایران سلطنت داشتند. معروف ترین ایشان لطفعلی خان
زند است که تا موقع حیاتش برای آقا محمد خان قاجار
امیدی به پیشرفت نبود. لطفعلیخان با وجود جوانی شش سال
با سر سلسلهٔ قاجاریه جنگها و مقاومتهای رشیدانه نموده
دلیری و شجاعت فوق العاده بخرج داد. میتوان گفت که
لطفعلیخان زند برای سرداری بی نظیر بوده امّا از آنجا که از صفا
لازمهٔ رعیت داری بی بهره بود کارش پیشرفت نکرده
پس از او دولت زندیه منقرض گردید. (۱۲۰۹)